

فرآیند و اصول تدوین و



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت بازرگانی

معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی

## لایحه اصلاح قانون تجارت

# «فرآیند و اصول تدوین و نوآوری‌ها»

دفتر مطالعات اقتصادی

تیرماه ۱۳۸۴

## الف: فرآیند و اصول تدوین و نوآوری‌ها

۱	۱- مقدمه
۲	۲- فرایند کار
۵	۳- روش و اصول اجرای طرح‌های پژوهشی
۷	۴- طرح‌های پژوهشی
۷	۴- ۱- طرح کلیات: شامل تعریف تاجر، فعالیت‌های تجاری و...
۱۰	۴- ۲- طرح حقوق شرکت‌ها
۱۳	۴- ۳- طرح اسناد تجاری
۱۶	۴- ۴- طرح بازسازی و ورشکستگی
۱۸	۵- نوآوری‌های لایحه اصلاح قانون تجارت
۱۹	۵- ۱- کلیات
۲۰	۵- ۲- حقوق شرکت‌ها
۲۱	۵- ۳- اسناد تجاری
۲۱	۵- ۴- بازسازی و ورشکستگی
۲۲	۶- چارچوب کلی لایحه و مقایسه آن با قانون تجارت
۲۲	۶- ۱- چارچوب کلی (فهرست) لایحه قانون تجارت
۲۳	۶- ۲- مقایسه لایحه با قانون تجارت
۲۸	۷- ساعات صرف شده برای تدوین لایحه
	۸- اعضای شورای راهبری و کمیته کارشناسی بازرگری و
۲۹	اصلاح قانون تجارت

ب \_ لایحه اصلاح قانون تجارت (باب‌ها و فصل‌های قانون تجارت)

۳۳	باب اول - تجار و معاملات تجاری
۳۵	باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر
۳۵	فصل اول: دفتر ثبت تجاری
۳۷	فصل دوم: دفاتر تجاری
۳۷	فصل سوم: نام تجاری
۳۹	باب سوم - قراردادهای تجاری
۳۹	فصل اول: دلالی
۴۱	فصل دوم: حق العمل کاری
۴۳	فصل سوم: حمل و نقل
۴۷	فصل چهارم: قائم مقامی و نمایندگی تجاری
۵۰	فصل پنجم: گروه اقتصادی با منافع مشترک
۵۵	باب چهارم - ضمانت
۶۳	باب پنجم - اسناد تجاری
۶۳	فصل اول: چک
۷۵	فصل دوم: سفته
۸۴	فصل سوم: برات
۹۷	فصل چهارم: اسناد تجاری الکترونیکی
۹۹	باب ششم - اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری
۹۹	فصل اول: اشخاص حقوقی
۱۰۰	فصل دوم: شرکتهای تجاری
۱۶۳	فصل سوم: ادغام و تجزیه شرکتهای
۱۶۸	فصل چهارم: مقررات نهایی (متفرقه)
۱۷۱	باب هفتم - بازسازی و ورشکستگی
۱۷۱	فصل اول: بازسازی
۱۸۸	فصل دوم: ورشکستگی
۱۹۹	فصل سوم: مقررات جزایی بازسازی و ورشکستگی

ث لایحه اصلاح قانون تجارت

۲۰۵

باب هشتم - مقررات تکمیلی

۲۰۷

۹- ضمائم

## سرآغاز

در اولین ماه‌های پذیرش مسئولیت‌ام در وزارت بازرگانی به عنوان معاون برنامه‌ریزی وزارت بود که برنامه تقدیمی جناب آقای شریعتمداری به مجلس شورای اسلامی برای دوره دوم وزارت ایشان برای عملیاتی کردن، به اینجانب ارجاع شد، برنامه مفصل و گسترده‌ای بود. یکی از محورها که بیش از بقیه اظهار وجود می‌کرد، اصلاح برخی قوانین اصلی و مادر کشور بود، قوانینی که نقش کارسازی در دگرگونی محیط کسب و کار دارند، توجه کردم ولی توقف نه! چون هرگز احساس نکردم که اجرای برخی از برنامه‌هایی از این نوع نیز به عهده بنده گذاشته خواهد شد. در کشاکش بحث، پیشنهاد وزارت صنایع و معادن درخصوص نوسازی صنایع کشور، به وزارت بازرگانی رسید که رسیدگی و نظرخواهی از معاونت‌ها و موسسات وابسته، جمع‌بندی و ارسال آن نیز به عهده اینجانب گذاشته شد، اتفاق جالبی واقع شده بود، در پیشنهاد وزارت صنایع و معادن آمده بود که وزارت بازرگانی قانون تجارت را اصلاح کند. (البته نه همه قانون، بلکه تنها قسمتی از یک بخش قانون تجارت در زمینه تسهیل ادغام و تجزیه شرکت‌ها و شکل‌گیری کنسرسیوم، که بعدها به مصوبه دولت تبدیل شد). این واقعه بنده را بر آن داشت تا گام‌های اولیه را در زمینه بازرگاری و اصلاح قانون تجارت بردارم، اما نگران، زیرا که قرار است سنگی بزرگ برداشته شود و آن هم برای مسافتی دور. خوشبختانه با یکی از دوستان قدیمی حقوق‌دانم، که دانش آموخته حقوق از انگلیس و در نظام اجرایی و تصمیم‌سازی حقوقی دولت صاحب تجربه است، مواجه شدم ایشان، یعنی جناب آقای دکتر علمی، همچنانکه پیش‌بینی می‌کردم با استناد به تخصص اصلی و سابقه تدریس و ... به شدت از پذیرش مسئولیت و قبول همکاری در این امر مهم پرهیز می‌کردند، تا اینکه اصرار بنده مقاومت ایشان را درنوردید و قرار گذاشتیم تا طرحی دراندازیم، دیری نپایید که جمع دو نفره ما مفتخر به حضور حقوقدان دیگری شد و پس از برگزاری یکی، دو جلسه، جمع را گسترش دادیم چون از سویی قانون تجارت کشور بیش از هفتاد سال قبل تصویب شده بود، قانون کشوری که این قانون از آن نشأت گرفته بود، نیز تغییر یافته بود اما این قانون همچنان ثابت ماند! و از سویی دیگر، جهان در دو دهه اخیر شاهد تحولات گسترده علمی و فنی بوده است و بدین‌روی ایجاب می‌کرد برای در نظر گرفتن همه این موارد در تدوین قانونی جامع، فراگیر، فرابخشی و فرادوره‌ای، تخصص‌هایی که در هدایت این امر مهم می‌توانستند، صاحب نقش باشند، را به طور گسترده درگیر کنیم، به این دلیل در جمعی که بعدها، به عنوان شورای بازرگاری قانون تجارت نام گرفت، علاوه بر حقوقدانان، از اقتصاددانان، حسابداران خبره، صاحبان تجربه در امر صنعت و شرکت‌داری نیز استفاده شد (اسامی آنها در صفحات بعد به صورت کامل آمده است). نکته مهمتر اینکه، باید به نطه‌های فکری موجود در حقوق نیز توجه می‌کردیم، زیرا قانون تجارت کشور ما از مبنای حقوق فرانسوی برخوردار بود ولی ما نمی‌خواستیم این بار هم در یک نطه محدود بمانیم، بنابراین سعی کردیم حقوقدانان را از میان نطه‌های فرانسوی و انگلیسی برگزینیم، تا ترکیب شورا از این زاویه نیز جامع باشد.

## ح لایحه اصلاح قانون تجارت

همه این‌ها برای آغاز حرکت بود، تا پس از آن، حاصل کار نه اینکه بدتر از قبلی، بلکه به مراتب بهتر از آن باشد و هم اینکه از تدوین قانونی با این جامعیت در یک محیطی محدود، بسته و بدون بهره‌مندی از دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان، صاحب‌نظران، صاحبان تجربه و فعالان اقتصادی، خودداری شود. به لطف حق تعالی چنین نیز شد، زیرا فرایندی که مشروح آن در صفحات بعدی ذکر خواهد شد، محصول همین نوع رویکرد بود و حاصل آن نیز از چنان قوامی برخوردار شد که پیش‌نویس لایحه با امضای ده عضو دولت تقدیم هیات وزیران شد و پس از دو هفته فرصتی که برای اعضای هیات محترم دولت وجود داشت، با اجماع و ایقان کامل از تصویب هیات وزیران گذشت.

این مهم به دست نیامد مگر با بالغ بر به سه سال تلاش مستمر پژوهشی - مشاوره‌ای، که از اندیشه‌های اساتید، صاحب‌نظران و علمای رشته‌های حقوق، اقتصاد، صاحبان مجرب حرف و صنایع و کارشناسان عالی دستگاه‌های اجرایی و سایر متخصصان بهره گرفتیم. در مجموعه‌ای که پیش رو دارید به معرفی فرایند تدوین، نوآوری و چارچوب و نیز مواد پیشنهادی لایحه اقدام می‌شود. البته امید می‌رود در آینده نزدیک مجموعه مقالاتی نیز راجع به دکترین‌ها و مبانی علمی مجموعه مواد پیشنهادی که توسط جمعی از دست‌اندرکاران تدوین قانون به رشته تحریر در می‌آید منتشر شود، تا در انتشار این سرمایه علمی و تجربیات نقشی ولو ناچیز ایفا شود.

در خاتمه وظیفه خود می‌دانم از تلاش‌های مجدانه تمامی دست‌اندرکاران به خصوص اعضای کمیسیون ویژه وزرا، اعضای شورای راهبری و اعضای کمیته کارشناسی اصلاح و بازنگری قانون تجارت تشکر و قدردانی کنم. همچنین تلاش‌های خالصانه، مستمر و پیگیر همکاران معاونت به ویژه جناب آقای دکتر سیدشمس‌الدین حسینی، خانم دکتر مرجان فقیه نصیری و آقای احمد محبوب در خور تقدیر است. همچنین از تلاش همکاران اجرایی، پشتیبانی و حروف‌نگار که در سه سال گذشته ما را یاری کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

**فرهاد دژپسند**

## الف: فرآیند و اصول تدوین و نوآوری‌ها

### ۱- مقدمه

نهادهای پویا، به ویژه نهادهای حقوقی، از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت کشور، به شمار می‌آیند. در این راستا اهتمام بر اعتلای قوانین به عنوان عنصر اصلی نهاد حقوقی، از اولویت‌ها است. شکوفایی اقتصاد ملی نیز به عنوان یک عرصه مهم نیازمند قوانینی است که در عین شفاف و جذاب ساختن محیط کسب و کار، با توجه به ویژگی‌های ملی و در تعامل با تحولات اقتصاد جهانی، با به نظم کشیدن روابط اقتصادی، از حقوق فعالان این عرصه پشتیبانی کند. در بین قوانین اقتصادی بی‌تردید قانون تجارت بی‌همتا است، مجموعه‌ای که در گستره‌ای بسیط و در عین حال منسجم مقررات مختلفی از تعریف تاجر تا قراردادهای تجاری، از اسناد تجاری تا حقوق شرکت‌ها و از ثبت تاجر تا تصفیه و ورشکستگی و حوزه‌های فراوان دیگر را به نظم می‌آورد، از این رو چه از لحاظ گستردگی موضوع‌ها و چه از باب حساسیت آنها بی‌نظیر است. با شناخت همین جوانب هیات وزیران در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۹، تدوین لایحه اصلاح قانون تجارت را تصویب کرد و نوسازی این قانون مهم، که بیش از هفتاد سال از تصویب آن می‌گذرد را در دستور کار قرار داد. این ضرورت از دغدغه‌های اصلی وزارت بازرگانی نیز بوده است و به همین دلیل از مدتها قبل در معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی این وزارت، گروهی از اهل علم و فن مشغول بررسی مقدمات، پیش‌نیازها و جوانب اصلاح قانون تجارت بودند. لذا هنگامی که مطابق مصوبه فوق، این مسئولیت به وزارت بازرگانی سپرده شد، سازو کار و فرآیند آن از پیش طراحی شده بود و پس از سه سال تلاش، پیش‌نویس لایحه

اصلاح قانون تجارت تدوین و آماده آرایه به دولت شد.

تدوین این لایحه که امید می‌رود، مراحل تصویب آن نیز به شایستگی طی شود، یک رویداد تاریخی بی‌نظیر است. تردیدی نیست که تصویب این قانون، نظام و نشاطی نو به محیط تجاری می‌بخشد و گامی بلند برای رفع کاستی‌های فضای کسب و کار می‌باشد. مجموعه حاضر علاوه بر پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت، خلاصه‌ای از فرایند و اصول تدوین پیش‌نویس، نوآوری‌ها و چارچوب کلی آن در مقایسه با قانون تجارت موجود را شامل می‌شود.

## ۲- فرآیند انجام کار

- به دنبال اصلاح مصوبه شماره ۱۹۲۵/ت/۲۵۵۲۴ هـ مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۱، براساس مصوبه، شماره ۱۷۸۷۵/ت / ۲۶۷۶۱ هـ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ هیات وزیران [ضمیمه ۱]، ماموریت بازرنگری و تدوین پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت به وزارت بازرگانی، با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، دادگستری، صنایع و معادن و کار و امور اجتماعی محول شد.
- شورای راهبری که با پیش‌بینی و آگاهی قبلی، با دعوت از برخی متخصصین امر در معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی تشکیل شده بود، هدایت امر را برعهده گرفت.
- پس از بررسی‌های اولیه به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع مقرر شد، فرآیند تدوین لایحه در قالب مجموعه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی - مشاوره‌ای دنبال شود. لذا چهار طرح پژوهشی به شرح زیر ساماندهی شد:
  - کلیات (شامل تجار و تکالیف آنها، قراردادهای تجاری، گروه اقتصادی با منافع مشترک و ضمانت).
  - اسناد تجاری (یک طرح پژوهشی در خصوص اسناد تجاری الکترونیکی نیز تعریف



شد).

• حقوق شرکت‌ها.

• بازسازی و ورشکستگی.

- مجریان طرح‌های مزبور از اساتید حقوق تجارت دانشگاه‌های کشور انتخاب شدند.

- از دستگاه‌های اجرایی ذیربط و صاحب‌نظران نیز درخواست شد که رؤس اصلاحات مدنظرشان را ارایه کنند.

- مجریان ضمن دریافت نظرات مزبور، براساس مطالعه‌ای که به انجام رسید، پیش‌نویس لایحه اصلاحی قانون تجارت که حدود ۱۱۰۰ ماده بود را طی یک کار پژوهشی تنظیم نمودند.

- علاوه بر متخصصان شناخته شده و دستگاه‌های اجرایی، نظرخواهی در خصوص پیش‌نویس تنظیم شده مواد، در قالب یک فراخوان نصب عمومی و قراردادان پیش‌نویس مواد در سایت مستقلی برای قانون تجارت و اعلام عمومی در جراید عمومی انجام پذیرفت.

- نتایج نظرخواهی از اشخاص حقیقی و حقوقی به شرح جدول زیر می‌باشد:

نتایج نظر خواهی در مورد قانون تجارت از اشخاص حقیقی و حقوقی

درخواست نظر	دریافت نظر	
۴۰	۶	اشخاص حقیقی
۶۴	۵۲	اشخاص حقوقی
۱۰۴	۵۸	جمع

- اولین پیش‌نویس لایحه در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۸ هیات دولت مطرح شد و هیات

- وزیران به دلیل گستردگی مواد و تخصصی بودن موضوع، کمیسیون ویژه‌ای<sup>۱</sup> با مسئولیت وزیر بازرگانی و عضویت وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی، تعاون، دادگستری، معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نماینده قوه قضاییه را برای بررسی پیش‌نویس مواد قانون فوق تعیین کرد<sup>۲</sup> [ضمیمه ۲].
- کمیسیون ویژه، کمیته‌ای کارشناسی مرکب از ۱۹ نفر از نمایندگان دستگاههای اجرایی ذیربط و متخصصین در حقوق تجارت، اقتصاد، امور بانکی، امور شرکت‌ها، امور مالی و فعالیت‌های تجاری با مسئولیت معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی را مامور بررسی پیش‌نویس لایحه کرد.
  - کمیته کارشناسی بازرگاری و اصلاح قانون تجارت با تشکیل ۱۸۹ جلسه پیش‌نویس مواد پیشنهادی را بررسی کرد. (شایان ذکر است در مواردی همچون اسناد تجاری الکترونیکی، قراردادهای حمل و نقل، مجازات‌ها و... کمیته‌های فرعی نیز تشکیل شد.
  - پیش‌نویس مواد تنظیم شده در کمیته کارشناسی، برای ویراستاری فنی و حقوقی به دو حقوقدان سپرده شد و گروهی منتخب از اعضای کمیته کارشناسی، ویرایش‌های انجام شده را بازبینی نموده و گزارش آن دسته از نظرات ویرایشی که حاوی پیشنهاد برای تغییر محتوی مواد مصوب بودند را به کمیته کارشناسی ارائه می‌کردند. سرانجام با بررسی مواد ویرایش شده اخیرالذکر در کمیته کارشناسی، نسخه نهایی پیش‌نویس لایحه توسط کمیته کارشناسی تحویل کمیسیون ویژه شد.
  - کمیسیون ویژه نیز با دریافت گزارش کمیته کارشناسی، پس از بحث و بررسی

۱- شایان ذکر است در ارتباط با اصلاح قانون تجارت کمیسیون ویژه وزراء جایگزین کمیسیونهای تخصصی دولت و کمیته کارشناسی مزبور جایگزین کمیسیونهای فرعی (تابعه کمیسیونهای تخصصی دولت) شدند.

۲- باتوجه به وجود مواردی با ماهیت قضایی، نماینده قوه قضاییه نیز در کمیته کارشناسی عضویت یافت.



باید مورد توجه قرار گیرند، تدوین نمود. مجریان طرح‌ها موظف بودند علاوه بر انتخاب شیوه‌های متناسب با موضوع طرح، به اصول راهبردی مصوب نیز وفادار باشند، خلاصه اصول عبارتند از :

- ۱- لزوم جمع‌آوری کلیه اسناد و پیشینه طرح‌ها.
- ۲- انجام نیازسنجی مقدماتی به منظور آگاهی از نظرات و دیدگاه‌های اشخاص صاحب‌نظر و سازمانهای ذیربط.
- ۳- ارزیابی طرح‌ها پس از تدوین، از طریق آرایه آن به اشخاص صاحب‌نظر و سازمانهای ذیربط.
- ۴- استفاده از زبان فارسی صحیح، روان و استفاده از شیوه قانون نویسی قابل درک برای عموم با هدف ایجاد یک فرهنگ جدید در حوزه حقوق تجارت.
- ۵- استفاده منطقی از قانون تجارت فعلی به منظور حفظ ارتباط با قانون تجارت موجود در حد امکان.
- ۶- توجه به باورها و عرفهای موجود در حوزه حقوق تجارت و تحولات در عرصه اقتصاد جهانی.
- ۷- توجه به ارتباط قانون جدید با سایر قوانین مادر نظیر قانون مدنی، قانون آیین دادرسی مدنی و... به نحوی که در نقاط برخورد و اتصال، هماهنگی و انسجام لازم ایجاد شود.
- ۸- تدوین قانون با تکیه بر آینده پژوهی در اقتصاد و فضای نوین کسب و کار، به نحوی که حتی‌الامکان تغییرات آتی در سایر قوانین تجارتي و غیر تجارتي، به اعتبار و استحکام آن لطمه نزنند.
- ۹- اشاره صریح به قوانینی که نسخ می‌شوند و تعیین تکلیف قوانین متأثر از قانون جدید تجارت.
- ۱۰- در نظر گرفتن عناوین مستقل برای هر یک از اجزای قانون تجارت مثل قانون چک، قانون سفته و....

۱۱- توجه به متون حقوقی رومی و ژرمنی و به طور خاص حقوق فرانسه به دلیل قرابت قانون تجارت فعلی با آن و توجه به متون مهم نظام کامن لو ( Common Law) به لحاظ نوآوری‌های آن در زمینه حقوق تجارت و قانون ورشکستگی ایالات متحده آمریکا (chapter ۱۱).

۱۲- توجه به اسناد موجود در حقوق فراملی نظیر کنوانسیون‌ها (ژنو و آنسیترال)، قراردادهای نمونه و نظایر آن برای تسهیل ارتباطات تجاری بین‌المللی و استفاده از تجارب جهانی.

#### ۴- طرح‌های پژوهشی

۴-۱- طرح کلیات: شامل تعریف تجار، فعالیت‌های تجاری و...

۴-۱-۱- نقد وضع موجود:

قانون تجارت ایران (مصوب ۱۳۱۱) که از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه اقتباس شده، علیرغم گذشت مدت زمانی طولانی از تاریخ تصویب اولیه آن و دگرگونی در شرایط اقتصاد جهانی و اوضاع و احوال اجتماعی، با تحولات اجتماعی و تغییر روابط اقتصادی و تجاری هماهنگی ندارد. این قانون که در حیطه خود قانون مادر محسوب می‌شود، توان بهره‌برداری از فن‌آوری‌های روز و نیز توان همگامی با شرایط اقتصادی امروز را ندارد و در مورد بسیاری از موضوعات تجاری نظیر سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت الکترونیکی، تجارت دریایی، مایه تجاری، سرقتی، بورس، بانکداری، بیمه و مالکیت‌های صنعتی نارساست.

برخی نقائص و کاستی‌های قانون تجارت در این بخش به شرح زیر می‌باشد:

- پراکندگی بندهای ۱۰ گانه ماده ۲ قانون تجارت در خصوص اعمال تجاری.
- عدم همخوانی بندهای ماده ۳ قانون تجارت با یکدیگر.
- عدم بیان قواعد ناظر بر خرید و فروش تجاری و ارجاع به قوانین دیگر.

- سکوت قانون تجارت در مورد اهلیت تاجر و شرایط عمومی اشتغال به تجارت.
- نارسایی از حیث معیار شناسایی تاجر و تعریف تاجر.
- تعارض آشکار در الزام تاجر به داشتن دفاتر چهارگانه با صورتحساب‌های رایانه‌ای.

با توجه به مطالب فوق، بطور خلاصه قانون تجارت فعلی در این بخش، از حیث شیوه نگارش، تقسیم‌بندی مطالب، عناوین و محتوا در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و باید مورد بازبینی و اصلاح قرار می‌گرفت.

#### ۴-۱-۲- حوزه کار، قوانین و مقررات مرتبط

##### ۴-۱-۲-۱- حوزه کار

- حوزه‌های زیر از قانون تجارت برای اصلاح تحت بررسی قرار گرفتند:
- باب یکم - از ماده ۱ الی ۵ ناظر به تاجر و اعمال تجاری.
  - باب دوم - از ماده ۶ الی ۱۹ ناظر به دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری.
  - باب چهارم - از ماده ۵۷۶ الی ۵۸۲ ناظر به اسم تجاری.
  - باب ششم - از ماده ۳۵۷ الی ۳۷۶ ناظر به حق العمل کاری.
  - باب هشتم - از ماده ۳۷۷ الی ۳۹۴ ناظر به قرارداد حمل و نقل.
  - باب نهم - از ماده ۳۹۵ الی ۴۰۱ ناظر به قائم مقام و نمایندگان تجاری.
  - باب دهم - از ماده ۴۰۲ الی ۴۱۱ ناظر بر ضمانت.

#### ۴-۲-۱-۲- قوانین و مقررات مرتبط

- قانون مدنی.
- قانون آیین دادرسی مدنی.
- قوانین مالیاتی.
- قانون دریایی.

- سایر قوانین ناظر به حمل و نقل، قانون راجع به دلالت (۱۳۱۷)
- قانون پولی و بانکی.
- لایحه قانونی اداره امور بانکها.
- قانون عملیات بانکی بدون ربا.
- قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و آیین نامه اجرایی آن.
- قانون ثبت علائم تجاری.
- مقررات و ضوابط ثبت شرکتها و مالکیت‌های صنعتی در مناطق آزاد و...

#### ۴-۱-۳ - جهت گیری و اهداف اصلی کار

- ارائه معیارهای مشخص برای شناسایی تاجر از غیر تاجر و تعیین تکلیف وضعیت کسبه جزء با توجه به تحولات اقتصادی و تجاری جدید.
- ارائه دسته بندی مناسب از اعمال و فعالیت‌های تجاری و حذف موارد غیرضروری.
- بررسی امکان توسعه مصادیق اعمال تجاری به امور واقعی موجود در جامعه.
- حک، اصلاح و تکمیل مقررات ناظر به تکالیف تاجر.
- به روز کردن مقررات ناظر به دفاتر تاجر و نگهداری حسابها با توجه به فناوری‌های اطلاعات.
- به روز کردن و مؤثر سازی ضمانت اجرا در قانون تجارت.
- سامان بخشیدن به وضعیت قراردادهای تجاری.
- ایجاد هماهنگی بین قانون تجارت و سایر قوانین مرتبط.
- بررسی مقررات مربوط به کنسرسیوم و JV و تدوین مقررات آن منطبق با نیازهای کشور.

- در نظر گرفتن موضوع ضمانت مستقل در قانون تجارت.
- پیش بینی قواعد عمومی ناظر بر شرایط اشتغال به تجارت و بررسی نقش برخی نهادهای مرتبط نظیر اتاق بازرگانی در این خصوص.
- بررسی لزوم هماهنگی قانون تجارت با کنوانسیون‌های بین‌المللی.

#### ۴-۲- طرح حقوق شرکت‌ها

#### ۴-۲-۱- تقد وضع موجود

صرفنظر از قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ (بخش شرکت‌های تعاونی) و برخی مقررات پراکنده راجع به شرکت‌ها، قانون تجارت (۱۳۱۱) و لایحه اصلاحی آن مصوب ۱۳۴۷، قانون حاکم بر شرکت‌های تجاری است. مقررات حقوق شرکت‌ها علاوه بر این که از جهت ماهوی بانیازها و واقعیات روابط اقتصادی - بازرگانی ناسازگار است، حتی در زمان تصویب نیز دارای ابهامات و نارسایی‌های بسیاری بوده است.

#### نقائص و ابهامات قانون تجارت (۱۳۱۱) و لایحه اصلاحی (۱۳۴۷)

- از نقطه نظر شکلی قالب‌های هفتگانه شرکت‌های تجاری نیازمند تغییر هستند.
- در امور ناظر به ماهیت مقررات مربوط به تشکیل، فعالیت و اداره شرکت‌ها، وضعیت کنونی نیاز به تغییر و بازنگری دارد.
- مقررات ناظر بر اداره شرکت و جایگاه و نقش مدیریت در چگونگی اداره آن دارای نارسایی‌هایی است.
- با توجه به سکوت در بقا یا نسخ مقررات قانون تجارت ناظر بر اوراق قرضه (مواد ۷۱-۵۱) به وضع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت سال ۱۳۷۶ و اعمال آن به شرکت‌های سهامی عام، خاص و تعاونی، تعیین تکلیف در این خصوص ضرورت دارد.
- احکام دست و پاگیر، از جمله لزوم سهامدار بودن اعضای هیات مدیره در



- شرکت‌های سهامی که محل مفهوم تفکیک مالکیت از مدیریت است.
- غیرواقعی و غیرمؤثر بودن جزاهای نقدی پیش‌بینی شده برای تجار ، مدیران شرکت‌ها، همچنین حداقل سرمایه لازم برای تشکیل شرکت‌های تجاری مقرر در قانون.
- موکول نمودن اعمال ضمانت اجراهای نقض مقررات یا تخلف از آنها به شکایت و اقامه دعوی اشخاص ذینفع و فقدان نظارت لازم بر اجرای صحیح قانون.

#### ۴-۲-۲- حوزه کار ، قوانین و مقررات مرتبط

##### ۴-۲-۲-۱- حوزه کار

- باب سوم- شرکت‌های تجاری ( شامل مواد ۲۰ الی ۳۰۰ قانون تجارت)
- باب پانزدهم- شخصیت حقوقی ( شامل مواد ۵۸۳ الی ۶۰۰ قانون تجارت)

#### ۴-۲-۲-۲- قوانین و مقررات مرتبط

- دسته اول قوانین و مقرراتی هستند که بازنگری و اصلاحات قوانین مرتبط با شرکت‌های تجاری، لزوماً متعرض و ناسخ آنها نخواهد بود اما باید مورد توجه قرار می‌گرفتند، که از جمله به قوانین زیر می‌توان اشاره نمود :
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه‌های اجرایی آن.
- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی.
- قانون کار.
- قانون مالیات‌های مستقیم.
- قانون بیمه و...
- دسته دوم قوانین و مقرراتی که مستقیم یا غیرمستقیم با حقوق شرکت‌ها مرتبط بوده و تحت تاثیر تغییر و بازنگری مقررات شرکت‌ها قرار می‌گرفتند، که مهمترین آنها

عبارتند از :

- قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰.
- قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ (به ویژه ماده ۵۴).
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۰.
- ضوابط ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۱۳۷۴.

#### ۴-۲-۳- جهت گیری و اهداف اصلی کار

- معرفی ساختاری جدید برای شرکت‌های تجاری به نحوی که با نیازهای اقتصادی و تجاری و نیز تحولات بین المللی هماهنگ باشد.
- حفظ قالب شرکت سهامی و تغییر یا حذف قالب‌های ناسازگار با تحولات اقتصادی و واقعیات موجود.
- بررسی امکان تشکیل شرکت یک نفره با توجه به نیازها و واقعیات و نیز گرایش نظامهای حقوق غربی به این نوع شرکت.
- بررسی امکان تسری شمول مقررات شرکت‌های تجاری به شرکت‌های تعاونی که هدف آنها تجارت و جلب منفعت است.
- حل تعارض ظاهری ماده ۵۹۰ قانون تجارت و ۱۰۰۲ قانون مدنی ناظر به اقامتگاه شخص حقوقی.
- بازبینی مقررات راجع به فعالیت شرکت‌های تجاری به ویژه تشکیل و حدود اختیارات مجامع و رفع نقص و ابهام و سکوت قانون تجارت در این موارد.
- بازنویسی مقررات اوراق قرضه در قالب اوراق مشارکت، با هدف رفع نقص از قانون تجارت و قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، مصوب سال ۱۳۷۶.
- بازبینی مقررات راجع به ثبت صورتجلسات مجامع و پیش بینی ضمانت اجرای مناسب برای تخلف از این تکلیف.

- بررسی لزوم پیش بینی مقررات در خصوص تشکیل مجامع عمومی و مقدمات تشکیل ، حدود اختیارات و وظایف آنها برای شرکت‌های غیر سهامی.
- بررسی ضرورت پیش‌بینی ضمانت اجرا برای مقابله با تخلف بازرسان از انجام تکالیف قانونی و عنداللزوم تسری ضمانت اجراهای مدیران به بازرسان، همچنین بررسی ضرورت وضع محدودیت برای بازرسان در انجام معامله متضمن رقابت با شرکت و نیز تعمیم احتمالی این محدودیت‌ها نسبت به وابستگان و بستگان بازرسان.
- بررسی لزوم احیا یا عدم احیای تبصره ماده ۱۴۴ اصلاحی راجع به انتخاب بازرسان شرکت‌های سهامی عام از میان افرادی با شرایط خاص مقرر در آیین نامه مربوط.
- تعریف شرکت‌های مادر و وابسته و تبیین برخی قواعد مربوط به رابطه این شرکت‌ها با هم.
- پیش‌بینی سازوکارهای قانونی برای ادغام و تجزیه شرکت‌ها و تسهیل این امر با این اصل که حقوق سهامداران و بستانکاران شرکت‌های موضوع ادغام و تجزیه حفظ شود.
- بازبینی و بازنویسی مقررات راجع به انحلال شرکت‌ها با حفظ حقوق شرکا و بستانکاران این شرکت‌ها.
- بررسی تشکیل دادگاه‌های تجاری.
- توجه در بکارگیری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در اداره و تشریفات تصمیم‌گیری در شرکت‌های تجاری.

۴-۳- طرح اسناد تجاری

۴-۳-۱- نقد وضع موجود

نقایص و ایرادات عمده قانون تجارت در این بخش عبارتند از:

- فقدان جامعیت بگونه‌ای که بتواند اسناد تجارتي آتی ناشی از پیشرفت‌های فعالیت‌های تجارتي و اسناد تجارتي الكترونيكي را شامل شود.
- فقدان هماهنگی میان قانون تجارت و قانون صدور چك و اساساً جدائی این دو قانون از یکدیگر.
- متن نامأنوس و مجمل قانون تجارت که خود ناشی از عوامل متعدد است.
- تسری ناقص قواعد برات، به چك و سفته، به نحوی که درك احكام چك و سفته در قانون تجارت با دشواری مواجه شده است.
- عدم تعريف برات و نقص در تعاريف چك و سفته که در استفاده ناصحيح از این اسناد مؤثر بوده است.
- سكوت كامل قانون تجارت نسبت به اصل حمايت از دارنده با حسن نيت سند تجارتي که مشکلات متعددی را بوجود آورده است.
- منحصر کردن اعتراض عدم پرداخت به انجام واخواست برای اثبات مراجعه به متعهد اصلي سند تجارتي و ناهماهنگی آن با تحولات جديد و دشواری‌های ناشی از آن.
- فقدان يك نظام مشخص و شفاف و منطبق با واقعیات اقتصادی در زمینه خسارت تأخیر تادیه.
- فقدان هرگونه حکمی راجع به مسئولیت بانكها در حوزه اسناد تجارتي و بویژه چك.
- سكوت قانون نسبت به اثر انتقال سند غيرقابل انتقال.
- سكوت قانون در خصوص ضمانت از اسناد تجارتي.
- وجود مقررات غيرضروري در خصوص برات نظیر قبولی شخص ثالث و برات رجوعی.
- فقدان احكام راجع به مسئولیت وکیل و موکل در صدور و ظهورنویسی اسناد تجارتي.

- فقدان احکام راجع به ارتباط سند با قرارداد پایه.
- نقص در قواعد تفسیری سند (امارات).
- عدم تعیین تکلیف قانون از این جهت که اسناد تجارتي فقط بر روابط تجارتي حاکم است یا کلیه اشخاص.
- نقص در شرایط صوری اسناد به ویژه در سفته و چک.

#### ۴ - ۳ - ۲- حوزه کار و قوانین و مقررات مرتبط:

#### ۴ - ۳ - ۱- حوزه کار

- باب چهارم قانون تجارت: برات، فته طلب و چک ( شامل مواد ۲۲۳ الی ۳۳۴ قانون تجارت).
- مواد مربوط به مبحث ورشکستگی و مبحث اسناد در وجه حامل قانون تجارت.

#### ۴ - ۳ - ۲- قوانین و مقررات مرتبط

- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی.
- قانون مدنی (عقد ضمان، تعاقب ایادی در غصب ، سن رشد، تعارض قوانین، عقد حواله، تبدیل تعهد).
- مصوبات شورای پول و اعتبار راجع به حدود اختیارات موسسات اعتباری غیربانکی.
- آیین‌نامه بانک مرکزی راجع به نحوه نگهداری و اداره اطلاعات بانکی.
- قانون ثبت (اجراء اسناد رسمی).
- آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی.
- قانون مجازات اسلامی (کلاهبرداری).
- قانون انتشار چکهای تضمینی.
- قانون آیین دادرسی مدنی (خسارت تاخیر تادیه، تأمین خواسته، صلاحیت محلی و

مرور زمان).

- قانون آیین دادرسی کیفری (قرارهای تأمین).
- قانون عملیات بانکی بدون ربا.
- قانون تجارت الکترونیکی و لایحه پول شوئی.
- قانون صدور چک.

#### ۴-۳-۳- جهت‌گیری و اهداف اصلی

- انتخاب شیوه مناسب برای نحوه و ترتیب قرارگیری قوانین راجع به اسناد تجارتي در کنار یکدیگر.
- بررسی تغییرات لازم در قانون راجع به برات با توجه به واقعیات تجارتي.
- بررسی ضرورت ذکر تمامی قواعد راجع به سفته بدون ارجاع به قانون برات.
- مطالعه ضرورت ذکر تمامی قواعد راجع به چک اعم از مواد قانون تجارت و قانون صدور چک بدون ارجاع به قانون راجع به برات.
- ارائه تعریف جامع و مانع و منطبق با واقعیات از چک ، سفته و برات.
- بررسی ضرورت تعیین درصدی معین به عنوان نرخ محاسبه خسارت تاخیر تادیه اسناد تجارتي شامل چک، برات و سفته.
- مطالعه امکان تادیه وجه سفته و برات از محل حساب جاری یا حساب پس‌انداز.
- بررسی جایگزینی وخواستنامه در برات و سفته با گواهینامه عدم پرداخت.
- تسری قابلیت اجرایی چک به سفته.
- الزام اجرای ثبت به صدور اجرائیه نسبت به مبلغ تادیه نشده اسناد تجارتي (چک و سفته) و همچنین نسبت به خسارت تاخیر تادیه.
- مطالعه ضرورت پیش بینی مسئولیت مدنی بانک در افتتاح حساب جاری و ارائه دسته چک بدون رعایت حدود عرفی یا قانون.
- اصلاح قانون صدور چک بدون محل، با هدف خروج چک بدون محل از جرائم مادی

- صرف و هدایت دادگاه به احراز قصد متقلبانه صادرکننده چک بدون محل.
- بررسی دسترسی بانکها و مشتریان به اطلاعات اعتباری بانک مرکزی درخصوص صحت عمل اشخاص نسبت به تعهدات ناشی از اسناد تجاری (چک، برات و سفته) در حدود مقررات قانونی.
- ملاحظه کنوانسیونهای بینالمللی راجع به چک، سفته و برات و سعی در هماهنگ کردن مقررات این اسناد با کنوانسیونهای موجود.
- پیش بینی مقررات راجع به ضمانت از اسناد تجاری.
- حذف مواد غیر ضروری از برات.
- پیش بینی مقررات مربوط به اسناد تجاری الکترونیکی.

#### ۴-۴- طرح بازسازی و ورشکستگی

##### ۴-۴-۱- نقد وضع موجود

مقررات سال ۱۳۱۱ قانون تجارت راجع به ورشکستگی دارای دو جنبه شکلی و ماهوی است. از لحاظ شکلی این قواعد فقط متضمن یک روش یا آیین به نام تصفیه امور ورشکستگی یا توقف است، ولی بدهکار می تواند برای مصالحه و جلوگیری از تصفیه اموال، قرارداد ارفاقی پیشنهاد کند. از جنبه ماهوی، مقررات ورشکستگی به منظور تأدیه هر چه کاملتر دیون در اسرع وقت تدوین شده اند. بنابراین نظام ورشکستگی در قانون تجارت فعلی بر محور وفاء به عهد در پرداخت دیون استوار است و حمایت از بستانکاران برای پاکسازی محیطهای تجاری از بدحسابان را مدنظر قرار دارد.

ایرادهای چنین نظامی بطور خلاصه عبارتند از:

- عدم توجه به امنیت شخصی تاجر و خانواده او.
- عدم توجه به امنیت اشتغال و سرمایه در واحد یا واحدهای اقتصادی متعلق به تاجر.

- عدم توجه به امنیت حقوقی بنگاه‌های اقتصادی.
- مشخص نبودن زمان شروع ورشکستگی.
- فقدان قواعد منسجم و واحد در نظام اداره و مدیریت تصفیه (وجود مقررات دوگانه).
- کافی و مؤثر نبودن مقررات راجع به ساختار قرارداد ارفاقی.
- عدم تناسب مقررات راجع به مرور زمان و مهلت‌های ورشکستگی با واقعیات دنیای تجارت.
- نقص قواعد راجع به اعاده اعتبار تاجر.
- نقص مقررات راجع به جرایم و مجازات‌های ورشکستگی.

#### ۴-۴-۲- حوزه کار و قوانین و مقررات مرتبط

##### ۴-۴-۲-۱- حوزه کار

- باب یازدهم از ماده ۴۱۲ تا ۵۴۰ راجع به ورشکستگی.
- باب دوازدهم از ماده ۵۴۱ تا ۵۶۰ راجع به ورشکستگی به تقصیر و به تقلب.
- باب سیزدهم از ماده ۵۶۱ تا ۵۷۵ راجع به اعاده اعتبار.

#### ۴-۴-۲-۲- قوانین و مقررات مرتبط

- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب سال ۱۳۱۸ در ۶۰ ماده.
- آیین نامه تصفیه امور ورشکستگی مصوب سال ۱۳۱۸ در ۶۷ ماده.
- قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانجات کشور مصوب ۱۳۴۳ در ۱۴ ماده.
- آیین نامه حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانجات کشور مصوب ۱۳۴۴ در ۲۶ ماده.
- نظامنامه تصفیه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در ۷ ماده.



- ماده ۳ قانون چک‌های تضمین شده مصوب ۱۳۳۷ راجع به برتری حقوق دارنده چک موصوف نسبت به دیگر طلبکاران.
- ماده ۲۴ اساسنامه بانک ملی ایران مصوب ۱۳۳۸ راجع به حق برداشت مطالبات بانکی از حساب‌های مشتری ورشکسته.

#### ۴-۳- جهت‌گیری و اهداف اصلی کار

- استفاده مناسب از تحولات دکترین در باب بازسازی و ورشکستگی تاجر.
- تعیین دوره‌ای برای امکان بازسازی تاجر متوقف از پرداخت دیون.
- تعیین زمان دقیق و بدون ابهام شروع توقف.
- نهادسازی و گسترش توان قوه مجریه و قضائیه در کشف موارد ورشکستگی و توقف.
- دگرگون سازی ساختار قرارداد ارفاقی و در نظر گرفتن آن برای کسبه (بازسازی مالی).
- ایجاد قواعد منسجم و واحد در سیستم اداره تصفیه و مدیر تصفیه و حذف دوگانگی موجود (قانون تجارت از یک سو و قانون تصفیه و آیین‌نامه آن از سوی دیگر).
- بررسی تقدم بستانکاران ورشکسته بر مبنای تقدم مطالبات تجارتي با لحاظ مطالبات کارگری و حق تأمین اجتماعی و موخر قراردادن مهریه همسر و جزای نقدی و مطالبات دولت و امثال آنها.
- ایجاد تحول در جرائم و مجازات‌ها با تفکیک سرنوشت فرد از بنگاه.
- بازنگری در مقررات مرور زمان و مهلت‌های کوتاه ورشکستگی.
- ایجاد تغییرات لازم در قواعد راجع به اعاده اعتبار.

#### ۵- نوآوری‌های لایحه اصلاح قانون تجارت

- پیش‌نویس لایحه که فرایند و اصول تدوین آن در قسمت‌های قبلی برشمرده شد، دربردارنده نوآوری‌های مهمی از جمله به شرح زیر است:
- ۱- طبقه بندی فعالیت‌های تجاری بر مبنای اقتصاد نوین.
  - ۲- سازگاری با کنوانسیون‌های بین‌المللی.
  - ۳- ابهام‌زدایی از تعاریف و مفاهیم به کار رفته در قانون.
  - ۴- توسعه اقتصاد رسمی و پیشگیری از اقتصاد غیر رسمی.
  - ۵- شفاف‌سازی فضای تجاری، به عنوان مثال، ثبت تجاری اعم از حقیقی و حقوقی تکلیف شد و در موارد مقتضی دسترسی یا انتشار اطلاعات مورد توجه قرار گرفت، سهام با نام ترغیب شده و....
  - ۶- فضا و فرآیندهای اقتصاد نوین و تجارت الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، دفاتر و اسناد تجاری به دفاتر و اسناد الکترونیکی توسعه داده شدند یا امکان برگزاری مجامع عمومی شرکت‌ها به صورت ویدئو کنفرانس پیش‌بینی شده است.
  - ۷- ضمانت اجرای قانون تقویت شد، در بخش مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی قانون، در موارد مقتضی محرومیت از حقوق اجتماعی (به عنوان مثال، محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری در صورت تخلف) جایگزین مجازات‌هایی چون حبس شد.
  - ۸- خلأهای قانونی با تکمیل مواد باب‌های موجود و یا ارایه باب‌های جدید برطرف شد.
  - ۹- نهادهای لازم برای انجام وظایف حاکمیتی برآمده از قانون پیش‌بینی شد.
  - ۱۰- نصاب‌های ریالی در قانون تجدید شدند و انعطاف لازم برای امکان به روزکردن ارقام ریالی در قانون پیش‌بینی شد.
  - ۱۱- رانت‌زدایی و پیشگیری از فساد مورد توجه واقع شد، به عنوان مثال محدودیت‌های صریحی برای مدیریت بنگاه‌های تجاری از سوی مقامات و مدیران

بخش عمومی و حاکمیتی وضع شد.

۱۲- به تفکیک خاستگاه مدیریت و مالکیت (در عین نظم رابطه و مسئولیت) توجه شد.

## ۵-۱- کلیات

۱- طبقه‌بندی‌های جدید فعالیت‌های تجاری از جمله، طبقه‌بندی رایج شده توسط WTO توجه شد.

۲- باب جدیدی با عنوان گروه اقتصادی با منافع مشترک کنسرسیوم‌ها و Vها را در برمی‌گیرد، اضافه و مقررات و قواعد حاکم بر آنها تدوین شد.

۳- مقررات ضمانت توسعه داده شد و بخش ضمانت مستقل تجاری پیش‌بینی شد.

## ۵-۲- حقوق شرکت‌ها

۱- طبقه‌بندی شرکت‌های تجاری بازنگری شد. شرکت‌های نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی به دلیل عدم اقبال عمومی با توجه به آمارهای رسمی اداره ثبت شرکت‌ها و پیچیدگی‌های حقوقی تشکیل و فعالیت و نیز نداشتن بهره‌ای قاطع در روابط حقوقی و بازرگانی حذف شدند.

۲- موارد متعدد از ابهام و سکوت مقررات ناظر بر شرکت‌های غیرسهامی (مسئولیت محدود، تضامنی) با وضع مقررات خاص مربوط به هریک و یا تعمیم مقررات شرکت‌های سهامی به آنها حسب مورد و اقتضاء برطرف و تعیین تکلیف شدند.

۳- تشکیل شرکت‌های یک نفره پیش‌بینی شد.

۴- باب جدیدی از قانون به شرکت‌های مادر و وابسته و قواعد حاکم بر آنها اختصاص یافت.

۵- باب جدیدی به ادغام شرکت‌ها اختصاص یافت.

۶- باب جدیدی به تجزیه شرکت‌ها اختصاص یافت.

۷- رانت‌زدایی در فضای کسب و کار پیش‌بینی شد. به عنوان مثال اشخاصی که در مجموعه حاکمیت دارای منصب هستند، از مدیریت شرکت‌های تجاری منع

شده‌اند.

۸- نصاب‌های ریالی تعیین شده در مواردی همچون حداقل سرمایه تشکیل شرکت‌ها تجدیدنظر شدند و قانون بگونه‌ای تنظیم شده است که این نصاب‌ها متناسب با نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی قابل تجدیدنظر باشند.

۹- حداقلی در شرکت‌های سهامی عام برای تأمین سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی پیش‌بینی شد.

۱۰- سرمایه غیرنقد برای تاسیس شرکت‌های سهامی عام حذف شد.

۱۱- تعهد سهام برای تشکیل شرکت‌های سهامی با توجه به مشکلات حقوقی و مدیریتی موجود در این نهاد حذف شد.

۱۲- انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود با حذف لزوم رعایت اکثریت عددی و سرمایه‌ای که هم از سوء استفاده اکثریت در احقاق حقوق اقلیت جلوگیری کند و هم با ماهیت این نوع شرکت سازگاری داشته باشد، تسهیل شد.

۱۳- انتشار سهام بی نام برای شفاف‌سازی و پیگیری مقرراتی چون مقابله با پولشویی یا کنترل انحصار محدود شد.

۱۴- شرط دست و پاگیر و مشکل ساز سهامدار بودن اعضای هیات مدیره شرکت‌های سهامی حذف شد، تا اشخاص خصوصی و دولتی ناگزیر به واگذاری سهام صوری به مدیران خود و تحمیل پیامدهای آنها نشوند.

۱۵- در بخش اوراق قرضه با توجه به الزامات سازوکار بازار سرمایه (فقه اسلامی) تجدیدنظر اساسی به عمل آمد و احکام جدید اوراق مشارکت جایگزین آن شد.

### ۵-۳- اسناد تجارتي

۱- مقررات هریک از بخش‌های سفته، چک و برات به صورت مجزا تدوین شدند.

۲- کارکردهای ویژه هریک از اسناد تجارتي احصا شدند.

۳- مقرره‌های قانونی برای صدور اسناد تجارتي الکترونیکی اضافه شدند.

۴- امکان تأدیه سفته و برات در بانک و تضمین تمام یا قسمتی از سفته توسط بانکها فراهم شد.

۵- کارکرد چک به عنوان یک سند تجاری (دستور پرداخت) نقدی احصا شد.

۶- امکان ضمانت تمام یا بخشی از مبلغ چک، قبل و بعد از صدور آن توسط بانکها فراهم شد.

۷- بانکها در قبال زیانهای ناشی از عدم رعایت قوانین مربوط به چک ضامن شدند.

۸- بانکها به انتشار فهرست شماره حسابهای جاری مسدودی ملزم شدند.

۹- مقررات راجع به اخذ ضمانت از صادرکنندگان و ظهر نویسان اضافه شد.

#### ۵ - ۴- بازسازی و ورشکستگی

۱- در راستای سالم سازی فضای تجاری، مبحث ورشکستگی مورد تجدید نظر اساسی قرار گرفت و باب بازسازی تاجر به قانون اضافه شد.

۲- برای صیانت از تولید و تجارت و حفظ حقوق اشخاص ثالث، امکان ادامه فعالیت تجاری تاجر حقیقی و حقوقی که در پرداخت دیون خود با توقف مواجه شده‌اند، لیکن در صورت بازسازی از ورشکستگی نجات یافته و امکان تأدیه دیون بدون تعطیلی فعالیت را بدست می‌آورند، فراهم شد.

۳- ترتیبات نهادی مناسب از جمله تشکیل هیأت تشخیص، دادگاه تجاری، سازمان بازسازی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی پیش‌بینی شد.

۴- برای کسبه، امکان بازسازی مالی در نظر گرفته شده است.

#### ۶- چارچوب کلی لایحه و مقایسه آن با قانون تجارت

۶- ۱- چارچوب کلی (فهرست) پیش‌نویس لایحه قانون تجارت

باب اول - تجار و معاملات تجاری

باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر

فصل اول: دفتر ثبت تجاری

فصل دوم: دفاتر تجارتي  
فصل سوم : اسم تجارتي  
باب سوم - قراردادهای تجارتي  
فصل اول : دلالي  
فصل دوم : حق العمل کاری  
فصل سوم : حمل و نقل  
فصل چهارم : قائم مقامی و نمایندگی تجارتي  
فصل پنجم: گروه اقتصادی با منافع مشترک  
باب چهارم - ضمانت  
باب پنجم - اسناد تجارتي  
فصل اول: چک  
فصل دوم : سفته  
فصل سوم: برات  
فصل چهارم: اسناد تجارتي الكترونيكي  
باب ششم - اشخاص حقوقي و شرکتهای تجارتي  
فصل اول : اشخاص حقوقي  
فصل دوم : شرکتهای تجارتي (کليات، شرکت سهامی، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی) فصل سوم : ادغام و تجزیه شرکتها  
فصل چهارم: مقررات نهایی (متفرقه)  
باب هفتم - بازسازی و ورشکستگی  
فصل اول : بازسازی  
فصل دوم : ورشکستگی  
فصل سوم: مقررات جزایی بازسازی و ورشکستگی  
باب هشتم - مقررات تکمیلی  
در مجموع ۱۰۲۸ ماده و ۱۵۰ تبصره در پیش‌نویس تدوین شد.

۲-۶- مقایسه لایحه با قانون تجارت  
از آنجایی که استفاده منطقی از قانون تجارت موجود و اصلاحیه‌های آن از جمله

اصول کار بوده است، به این امر اهتمام شد. با این وجود در جدول زیر تغییرات لایحه در مقایسه با قانون تجارت موجود ارایه شده است.

جدول ۱: مقایسه پیش‌نویس لایحه با قانون تجارت

شماره موادی که اضافه شده‌اند (جدید) (۶)	شماره موادی که حذف شده‌اند (۵)	شماره موادی که تغییر محتوایی کرده‌اند (۴)	شماره موادی که تغییرات جزئی و ویرایشی داشته‌اند (۳)	شماره موادی که تغییر نکرده‌اند (۲)	باب (۱)
	۵-۴	۵-۳-۲-۱			باب اول
	۱۷-۱۳-۱۲	-۱۳ -۱۲ -۱۱ -۸ -۷ -۶ ۱۸-۱۶-۱۵-۱۴	۱۹-۱۰-۹		باب دوم
۲۹-۲۵-۲۳	-۳۵۴-۳۵۰ ۳۵۵	-۳۴۲ -۳۴۰ -۳۳۶ -۳۳۵ -۳۵۱ -۳۴۹ -۳۴۶ -۳۴۵ ۳۵۶	-۳۴۱ -۳۳۹ -۳۳۸ -۳۳۷ -۳۴۸ -۳۴۷ -۳۴۴ -۳۴۳ ۳۵۳-۳۵۲		باب ششم
۶۲	۳۷۴	-۳۶۲ -۳۶۰ -۳۵۸ -۳۵۷ -۳۹۰ -۳۸۸ -۳۸۷ -۳۶۳ ۳۹۱-۳۹۱	-۳۶۶ -۳۶۵ -۳۶۱ -۳۵۹ -۳۷۳ -۳۷۲ -۳۷۱ -۳۶۷ ۳۷۶-۳۷۵		باب هفتم
۷۲-۶۳	۳۸۳	-۳۸۲ -۳۸۰ -۳۷۹ -۳۷۸ -۳۹۰ -۳۸۸ -۳۸۷ -۳۸۶ ۳۹۴-۳۹۱	-۳۸۹ -۳۸۵ -۳۸۴ -۳۸۱ ۳۹۳-۳۹۲		باب هشتم
۱۰۰ الی ۹۰		۴۰۱ الی ۳۹۵			باب نهم
۱۳۱ الی ۱۲۶ - ۱۳۱	-۴۰۳-۴۰۲ ۴۰۸-۴۰۴	-۴۰۹ -۴۰۷ -۴۰۶ -۴۰۵ ۴۱۱-۴۱۰			باب دهم
۱۲۱ الی ۱۰۱					باب گروه اقتصادی با منافع مشترک
۱۵	۵۸۱-۵۸۰	۵۸۲-۵۷۹-۵۷۷-۵۷۶			باب چهاردهم

- در ستون‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ شماره مواد قانون فعلی درج شده است.
- در ستون ۶ شماره مواد لایحه درجه شده است.



ادامه جدول

شماره موادی که اضافه شده‌اند (جدید) (۶)	شماره موادی که حذف شده‌اند (۵)	شماره موادی که تغییر محتوایی کرده‌اند (۴)	شماره موادی که تغییرات جزئی و ویرایشی داشته‌اند (۳)	شماره موادی که تغییر نکرده‌اند (۲)	باب (۱)
۴۴۰-۴۳۹-۴۳۶-۴۳۵ ۴۴-۴۴۳-۴۴۲-۴۴۱ ۴۵۵-۴۴۷-۴۴۶-۴۴۵ ۴۶۵-۴۶۴-۴۶۳-۴۵۶ ۴۶۹-۴۶۸-۴۶۷-۴۶۶ ۴۷۶-۴۷۳-۴۷۲-۴۷۱ ۵۲۲-۵۲۱-۵۱۳-۵۰۲ ۵۹۴-۵۵۵-الی ۵۲۱ ۶۳۴-۶۲۵-۶۱۲-۵۹۷ ۶۹۰-۶۸۹-۶۳۷-۶۳۵ ۷۰۹-۷۰۱-۷۰۰-۶۹۲ ۷۴۵-۷۴۲-۷۳۳-۷۲۱ ۷۴۹-۷۴۸-۷۴۷-۷۴۶ ۷۵۶-۷۵۴-۷۵۳-۷۵۰ ۷۶۷-۷۶۶-۷۶۴-۷۵۸ ۷۸۱-۷۸۰-۷۷۸-۷۶۸ ۷۹۸-۷۹۵-۷۹۲-۷۹۱ ۸۰۲-۸۰۱-۸۰۰-۷۹۹ الی ۸۳۴-۸۳۲	۴۷-۳۰-۲۷-۱۴ ۵۰-الی ۵۱-۷۱ ۷۵-۷۶-۷۷-۸۱ ۱۱۴-الی ۱۱۷ ۱۵۹-۱۸۸-۲۰۳ ۲۱۶ ۵۱-الی ۵۵۵-۷۱ ۵۹۷-۶۱۲-۶۲۵-۶۳۴ ۶۳۵-۶۳۷-۶۸۹-۶۹۰ ۷۲۱-۷۲۳-۷۴۲-۷۴۵ ۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹ ۷۵۰-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۶ ۷۵۸-۷۶۴-۷۶۶-۷۶۷ ۷۶۸-۷۷۸-۷۸۰-۷۸۱ ۷۹۱-۷۹۲-۷۹۵-۷۹۸ ۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲ الی ۸۳۲-۸۳۴	۱۰-۸-۷-۶-۵-۱۰۷-۳ ۲۴-۲۱-۲۴۳-۱۶-۱۳-۱۱ ۴۶-۴۳-۴۰-۳۹-۳۲-۲۹ ۲۵۴-۹۰-۸۶-۸۴-۸۳-۴۸ ۲۵۳-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۸ ۱۰۵-۱۰۴-۱۰۳-۲۵۷-۲۵۵ ۱۰۹-۱۰۸-۱۰۷-۱۰۶-۲۵۶ ۱۲۹-۱۲۸-۱۲۶-۱۱۲-۱۱۱ ۱۳۷-۱۳۶-۱۳۴-۱۳۲-۱۳۱ ۱۴۳-۱۴۲-۱۴۰-۱۳۹-۲۵۹ ۲۶۰-۲۶۷-۲۶۶-۱۴۷-۱۴۴ ۱۶۱-۱۵۷-۱۵۶-۱۵۳-۱۵۱ ۱۷۰-۱۶۹-۲۶۲-۱۶۶-۲۶۱ ۱۷۸-۱۷۷-۱۷۶-۲۶۳-۱۷۲ ۲۶۴-۱۹۷-۱۹۰-۱۵۸-۱۸۲ ۲۰۹-۲۰۵-۲۰۴-۱۹۹-۲۶۵ ۲۲۰-۲۱۹-۲۱۷-۲۱۴-۲۱۳ ۲۳۲-۲۶۹-۲۶۸-۲۳۰-۲۲۹ ۲۵۸-۲۴۰-۲۳۹-۲۳۷-۲۵۴ ۲۸۰-۲۷۸-۲۷۷-۲۷۶-۲۵۹	۹۱-۱۸-۱۷-۱۵-۹-۴ ۴۱-۲۸-۲۶-۲۵-۲۴-۲۲ ۷۶-۷۵-۷۴-۷۲-۴۵-۴۲ ۱۲۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۲-۷۸ ۱۴۱-۱۳۰-۱۲۴-۱۲۳ ۱۴۸-۱۴۶-۱۴۵-۲۵۸ ۱۷۱-۱۵۸-۱۵۴-۱۵۲ ۱۸۶-۱۷۵-۱۷۴-۱۷۳ ۱۹۴-۱۹۳-۱۹۲-۱۹۱ ۲۰۲-۲۰۱-۱۹۷-۱۹۶ ۲۳۱-۲۲۳-۲۲۱-۲۰۳ ۲۸۱-۲۷۹-۲۶۸-۲۳۸-۲۲۴ ۲۰۷-۲۰۶-۱۹۵ ۲۱۱-۲۱۰-۲۰۸ ۲۲۲-۲۱۵-۲۱۲ ۲۲۷-۲۲۶-۲۲۵ ۲۸۳-۲۸۲-۲۲۸	۴۴-۱۹-۱۲-۶۷ ۹۱-۸۵-۷۳-۴۹ ۱۰۷-۹۶-۹۵-۹۲ ۱۱۹-۱۱۸-۱۱۲ ۱۲۳-۱۲۱-۱۲۰ ۱۳۱-۱۲۸-۱۲۵ ۱۳۵۱-۱۳۳-۱۳۲ ۱۶۰-۱۵۵-۱۴۹ ۱۶۴-۱۶۳-۱۶۲ ۱۷۹-۱۶۸-۱۶۷ ۱۸۳-۱۸۱-۱۸۰ ۱۸۹-۱۸۷-۱۸۴ ۲۰۷-۲۰۶-۱۹۵ ۲۱۱-۲۱۰-۲۰۸ ۲۲۲-۲۱۵-۲۱۲ ۲۲۷-۲۲۶-۲۲۵ ۲۸۳-۲۸۲-۲۲۸	شرکت‌های تجارتی
	۱۰۰-۹۹-۹۶ ۱۱۰-۱۰۸-۱۰۱ ۱۲۱-۱۲۰-۱۱۳ ۱۳۴-۱۲۷-۱۲۲ ۱۴۱-۱۴۰-۱۳۵ الی ۲۲۲-۲۷۲ ۵۸۷-۵۸۶-۵۸۵ ۵۸۹	۱۰۵-۱۰۲-۹۴-۲۰-۱۹ ۱۱۸-۱۱۴-۱۰۹-۱۱۵-۱۱۱ ۵۸۴ ۲۷۵-۲۷۱-۱۳۹-۱۳۶ ۵۹۰ ۱۰۵-۱۰۴-۱۰۳-۲۳-۹۵ ۱۲۵-۱۲۴-۱۱۹-۱۱۷ ۱۳۳-۱۳۰-۱۲۹-۱۲۶ ۵۸۳-۲۷۳-۲۷۰-۱۳۷ ۵۹۱-۵۸۸-۵۸۶	۱۱۶-۱۰۴-۱۰۳-۲۳-۹۵ ۱۲۵-۱۲۴-۱۱۹-۱۱۷ ۱۳۳-۱۳۰-۱۲۹-۱۲۶ ۵۸۳-۲۷۳-۲۷۰-۱۳۷ ۵۹۱-۵۸۸-۵۸۶	۱۲۳-۱۱۲-۱۰۷ ۱۳۲-۱۳۱-۱۲۸ ۲۷۴-۱۳۸	قانون تجارت ۱۳۱۱

ادامه جدول

شماره موادی که اضافه شده‌اند (جدید) (۶)	شماره موادی که حذف شده‌اند (۵)	شماره موادی که تغییر محتوایی کرده‌اند (۴)	شماره موادی که تغییرات جزئی و ویرایشی داشته‌اند (۳)	شماره موادی که تغییر نکرده‌اند (۲)	باب (۱)
-۱۸۳ -۱۸۰ -۱۷۶ -۱۷۷ -۱۷۴ -۱۸۴ -۱۸۶ -۱۸۸ -۱۸۹ -۱۹۰ -۱۹۱ -۱۹۳ -۱۹۴ -۱۹۵ -۱۹۶ -۱۹۷ -۱۹۸ -۱۹۹ -۲۰۰ -۲۰۴ -۲۰۵ -۲۰۶ -۲۰۷ -۲۰۸ -۲۰۹ -۲۱۲ -۲۱۳ -۲۱۵ -۲۱۷ -۲۲۲ -۲۲۳ -۲۲۶ -۲۲۸ -۲۳۲ -۲۳۷ -۲۴۱ -۲۴۳ -۲۴۴ -۲۴۶ -۲۴۷ -۲۴۸ -۱۴۹ -۲۵۰	- ۳۱۶ -۳۱۴ ۳۱۷	۳۱۳-۳۱۲-۳۱۱-۳۱۰	ندارد	ندارد	چک
-۲۶۴ -۲۶۲ -۲۶۱ -۲۵۷ -۲۵۴ -۲۶۵ -۲۶۶ -۲۶۷ -۲۶۸ -۲۷۰ -۲۷۱ -۲۷۲ -۲۷۳ -۲۷۴ -۲۷۵ -۲۷۶ -۲۷۷ -۲۸۱ -۲۸۶ -۲۸۷ -۲۸۸ -۲۹۳ -۲۹۵ -۲۹۸ -۲۹۹ -۳۰۴ -۳۰۵ -۳۰۶ -۳۰۹ -۳۱۰ ۳۱۳ الی ۳۱۶	-۲۵۶ -۲۵۳ - ۲۶۵ -۲۶۴ -۲۷۸ - ۲۸۳ -۲۸۵ -۲۸۷ ۲۹۵ الی ۳۰۴	-۳۰۷ -۳۰۸ -۳۲۵ -۲۲۶ -۲۲۷ -۲۴۳ الی -۲۴۷ -۲۵۸ -۲۶۳ -۲۶۴ -۲۶۶ -۲۸۰ -۲۸۱ - ۲۸۴ -۲۹۲ -۲۹۳ ۲۹۴-۲۸۶	-۲۶۸ -۲۵۶ -۲۵۵ -۲۴۵ -۲۴۱ -۲۶۹ -۲۴۹ -۲۵۰ -۲۷۵ -۲۸۹		سفته
-۳۳۶- ۳۲۶ الی ۳۲۲ -۳۱۹ -۳۲۴ -۳۲۳ -۳۴۳ -۳۴۵ الی ۳۵۰-۳۵۲ -۳۵۳ -۳۵۵ -۳۵۸ -۳۶۱ -۳۷۴ -۳۷۶ -۳۷۷ -۳۷۸ -۳۸۲ -۳۸۴ -۳۸۵ -۳۸۶ -۳۹۵ -۳۹۶ -۴۰۶ -۴۰۷ -۴۰۸ -۴۰۹	-۲۳۹ -۲۴۴ -۲۴۰ -۲۵۳ -۲۵۶ -۲۶۴ -۲۶۵ -۲۷۸ -۲۸۲ -۲۸۵ -۲۸۷ الی ۲۹۵ ۳۰۴	-۲۲۳ -۲۲۵ -۲۲۷ -۲۴۲ -۲۴۳ -۲۳۱ -۲۳۴ -۲۳۸ -۲۴۵ -۲۴۶ -۲۴۸ -۲۴۷ -۲۴۹ -۲۵۰ -۲۵۱ -۲۵۲ -۲۵۴ -۲۵۸ -۲۶۸ -۲۶۲ -۲۶۳ -۲۷۱ -۲۷۲ -۲۷۳ -۲۷۷ -۲۸۱ -۲۸۲ -۲۸۳ -۲۸۶ -۲۹۲ -۲۹۳-۲۹۴	-۲۲۹ -۲۲۸ -۲۲۵ -۲۴۴ -۲۴۱ -۲۳۲ -۲۳۳ -۲۳۶ -۲۳۷ -۲۵۵ -۲۶۶ -۲۶۱ -۲۶۰ -۲۵۹ -۲۶۹ -۲۷۰ -۲۷۴ -۲۷۵ -۲۷۶ -۲۸۰ -۲۸۴ -۲۸۸ -۲۸۹ -۲۹۰ -۲۹۱ -۳۰۵ -۳۰۶	۲۷۹	برات

ادامه جدول

بَاب (۱)	شماره موادی که تغییر نکرده‌اند (۲)	شماره موادی که تغییرات جزئی و ویرایشی داشته‌اند (۳)	شماره موادی که تغییر محتوایی کرده‌اند (۴)	شماره موادی که حذف شده‌اند (۵)	شماره موادی که اضافه شده‌اند (جدید) (۶)
باب یازدهم	۴۲۱ و ۴۴۷ ق.ت	۴۱۳ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۱ ۴۲۶ - ۴۳۹ - ۵۲۸ - ۵۲۹ ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ ۵۳۴ - ۵۳۵	۴۱۲ الی ۴۱۵ ۴۱۷ - ۴۲۲ - ۴۲۳ ۴۴۵ - ۲۵۱ ق.ت + ۱۴۳ ق.ت + ۱۸ پ	۴۲۰ - ۴۲۴ - ۴۲۵ ۴۲۷ - ۴۲۹ الی ۴۳۴ - ۴۳۶ - ۴۳۷ ۴۳۸ - ۴۴۰ - ۴۴۱ ۴۴۳ - ۴۴۶ - ۴۴۸ ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱	۸۳۸ - ۸۴۰ - ۸۴۱ الی ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۶۰ - ۸۶۲ ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۸۰ ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ ۸۸۵ الی ۹۴۱ - ۱۰۰۳ الی ۱۰۰۷ - ۱۰۰۹ - ۱۰۱۶ ۱۰۱۹ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ ۱۰۲۲ - ۱۰۲۳ - ۱۰۲۴
باب دوازدهم	ندارد	ندارد	۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۹ ۵۵۱ الی ۵۶۰	۵۴۳ الی ۵۴۸ - ۵۵۰	
باب سیزدهم	ندارد	ندارد	ندارد	۵۶۱ الی ۵۷۵	
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی		۸ - ۲۴ - ۲۶ - ۲۸ - ۳۰ - ۳۱ ۳۲ - ۳۶ - ۳۷ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۷ ۴۹ - ۵۰	۳ - ۴ - ۱۰ - ۱۴ ۱۵ - ۱۷ - ۱۸ - ۲۱ ۲۲ - ۲۳ - ۲۵ - ۲۸ ۳۹ - ۵۸	۶ - ۷ - ۹ - ۱۱ - ۱۲ ۱۳ - ۱۹ - ۲۷ - ۲۹ ۵۱ الی ۵۷	۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۴۴ - ۹۴۶ ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۷۴ ۹۸۵ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۴ ۹۹۵ الی ۱۰۰۲

در مجموع ۸ درصد از مواد قانون تجارت موجود ابقا شدند، ۲۱ درصد مشمول تغییرات جزئی یا ویرایشی شده‌اند. ۳۳ درصد به لحاظ محتوایی تغییر کردند و ۳۸ درصد حذف شدند. ۳۹۳ ماده نیز به قانون تجارت اضافه شده‌اند.

قوانینی که باید نسخ شوند، به شرح زیر احصا شدند

- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.
- اصلاحیه مصوب سال ۱۳۴۷ قانون تجارت و تمامی اصلاحات و الحاقات بعدی آن.
- آیین نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸.
- آیین نامه درآمد صندوق الف و صندوق ب مصوب سال ۱۳۱۹.
- نظام نامه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱.
- قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه های کشور مصوب سال ۱۳۴۳.
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت سال ۱۳۷۶.
- قانون صدور چک و الحاقیه های آن.
- قانون ثبت شرکت ها.

#### ۷\_ ساعات صرف شده برای تدوین قانون تجارت

به منظور بررسی مواد فوق، کمیته کارشناسی بازرگری و اصلاح قانون تجارت در مجموع ۱۸۹ جلسه (به طور متوسط هر جلسه حداقل ۴ ساعت) را تشکیل داد، ضمن اینکه حسب مورد از حضور سایر کارشناسان و صاحب نظران نیز در جلسات بهره گرفته است. شایان ذکر است، حسب ضرورت برای برخی مواد و برخی بخش ها از جمله در خصوص قراردادهای حمل و نقل و اسناد تجاری الکترونیکی، کمیته های فرعی نیز تشکیل شد. تنها برای طرح های پژوهشی و جلسات کمیته کارشناسی ۱۷۳۰۰ نفر - ساعت زمان صرف شده است و با در نظر گرفتن حجم گسترده مطالعات مرتبط قبلی، اظهار نظر صاحب نظران و اشخاص حقیقی و حقوقی و امور کارشناسی پشتیبانی، کار انجام شده برای تدوین پیش نویس لایحه، در سابقه قانون نویسی کشور بی نظیر بوده است.

۸ - اعضای شورای راهبری و کمیته کارشناسی بازرگری و اصلاح قانون  
تجارت

اعضای شورای راهبری

نام و نام خانوادگی	مدرک تحصیلی
فرهاد دژپسند	دکتری اقتصاد
محمد رضا پاسبان	دکتری حقوق
سید شمس الدین حسینی	دکتری اقتصاد
ستار زرکلام	دکتری حقوق
محمد صقری	دکتری حقوق
حمید رضا علمی	دکتری حقوق
غلام‌نبی فیضی چکاب	دکتری حقوق
مرجان فقیه نصیری	دکتری اقتصاد
کوروش کاویانی	دکتری حقوق
حسین ماهرو	فوق لیسانس مکانیک

اعضای کمیته کارشناسی\*

عنوان	مدرک تحصیلی	نام و نام خانوادگی
معاون وزیر بازرگانی (رئیس کمیته)	دکتری اقتصاد	فرهاد دژپسند
نماینده وزارت بازرگانی	دکتری اقتصاد	سید شمس الدین حسینی
نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران	دکتری اقتصاد	امیر هوشنگ امینی
استاد دانشگاه (ویراستار)	دکتری حقوق	ربیعا اسکینی
نماینده قوه قضاییه	دکتری حقوق	بهرام بهرامی
نماینده وزارت دادگستری	دکتری حقوق	احمد بیگی حبیب آبادی
مجری بخش حقوق شرکتها	دکتری حقوق	محمد رضا پاسبان
نماینده سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور	دکتری اقتصاد	رامین پاشایی فام
کارشناس امور بانکی	فوق لیسانس حسابداری	احمد حاتمی یزد
کارشناس امور بانکی	فوق لیسانس حقوق	محمود رضا خاوری
نماینده وزارت صنایع و معادن	فوق لیسانس مدیریت	علی اصغر رمزی
نماینده وزارت صنایع و معادن	فوق لیسانس مدیریت مالی	زهره قمی
مجری بخش مقررات اسناد تجاری	دکتری حقوق	ستار زرکلام
مجری بخش مقررات بازاری و ورشکستگی	دکتری حقوق	محمد صقری
نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی	لیسانس حسابداری صنعتی	سید محسن طباطبایی
نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی	دکتری اقتصاد	غلامحسین عسگری خسروشاهی
نماینده بانک مرکزی	فوق لیسانس حقوق	غلامحسین عربیه
نماینده وزارت دادگستری	دکتری حقوق	محمد تقی عابدی
نماینده معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهوری	دکتری حقوق	حمیدرضا علومی
مجری بخش کلیات	دکتری حقوق	غلام نبی فیضی چکاپ
نماینده وزارت تعاون	فوق لیسانس حقوق	احمد رضا فخاری
نماینده وزارت بازرگانی	دکتری اقتصاد	مرجان فقیه نصیری
نماینده وزارت بازرگانی	فوق لیسانس اقتصاد	احمد محبوب
مجری بخش اسناد تجارت الکترونیکی	فوق لیسانس	سیامک قاجار
مجری مقررات بخش اسناد تجاری	دکتری حقوق	کوروش کاویانی
استاد دانشگاه (ویراستار)	دکتری حقوق	ناصر کاتوزیان
کارشناس امور شرکتها	فوق لیسانس مهندسی مکانیک	حسین ماهرو
کارشناس امور شرکتها	لیسانس اقتصاد	ناهید حکیم شوشتری
کارشناس امور حسابرسی	فوق لیسانس حسابداری	هوشنگ نادریان
کارشناس امور حسابرسی	فوق لیسانس حسابداری	غلامرضا سلامی

\* شایان ذکر است افراد دیگری از جمله آقایان بهرام کلانتر پور، دکتر محمد تقی کروبی، حسین افضل آبادی، سید جعفر قریشی، نادر کاظمی، محمد رضا شفاهی و حسین دهگامی نیز در برخی از جلسات کمیته کارشناسی حضور داشته اند.

## **ب: لایحه اصلاح قانون تجارت**

(بابها و فصلهای قانون تجارت)

## باب اول :

### تجار و معاملات تجارتي

**ماده ۱:** تاجر شخصی است که به منظور کسب منفعت مادی، برای خود به فعالیت تجارتي اشتغال دارد.

**ماده ۲:** فعالیت‌های ذیل ذاتاً تجارتي محسوب می‌شوند:

**الف -** هرگونه فعالیت توزیعی یا خدماتی، مانند: (۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال جاندار یا بی‌جان، مادی یا غیرمادی به قصد فروش یا اجاره، هرچند که از طریق شبکه‌های الکترونیک و در فضای مجازی انجام شده باشد. (۲) تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای تسهیل زندگی و تدارک و عرضه کالا یا خدمات ایجاد می‌شود، از قبیل: امانت فروشی‌ها، انبارهای عمومی، بنگاه‌های کاریابی و تامین خدمه، آبرسانی، گازرسانی، برق رسانی، خدمات رایانه‌ای، تهیه و رساندن ملزومات مانند تدارک نیازهای روزانه منازل و اماکن وسوخت و انرژی موردنیاز کارخانجات، کشتی‌ها و سفائن و امثال آن. (۳) تصدی به هر نوع تاسیسات از قبیل مجتمع‌های تفریحی یا ورزشی، هتل‌ها و مهمانسراها، کمپینگ‌ها، پارکینگ‌های عمومی، سالن‌های مختص جشن‌ها و میهمانی‌ها و کنفرانس‌ها، سالن‌های آرایش‌و زیبایی و مجتمع‌های خدمات بهداشتی، داروخانه‌ها و موسساتی که خدمات تبلیغی و مهندسی و فنی ارائه می‌دهند.

**ب -** هرگونه فعالیت تولیدی یا صنعتی مانند: (۱) تاسیس و بهره‌برداری از هر قسم کارخانه، اعم از تاسیسات تبدیل یا تولید هر نوع مواد مصرفی و مواد اولیه و ساخت انواع ماشین‌آلات صنعتی، تولیدی، کشاورزی و بهداشتی، انواع خودروها، کشتی‌ها، هواپیماها و هاورکرافت‌ها و معاملات راجع به آنها. (۲) تاسیس و بهره‌برداری از مجتمع‌های کشاورزی، دامپروری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور و کشتارگاهها و امثال آن. (۳) تصدی به هر نوع عملیات حمل و نقل کالا یا مسافر از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحو که باشد. (۴) بهره‌برداری از معادن، در خشکی باشد یا در آب، اعم از معادن مربوط به جمادات، مایعات، یا گازها و همچنین تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی از قبیل سینماها، تئاترها، سیرک‌ها، باغ‌وحش‌ها، استادیوم‌های ورزشی، فرهنگسراها، موزه‌ها، نمایشگاه منطقه‌ای یا بین‌المللی کالاها، صنایع و امثال آن.

**پ -** هرگونه فعالیت مالی مانند: تصدی به عملیات بانکی، صرافی، موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه و عملیات بورس و بیمه و هر نوع عملیات براتی اعم از صدور و انتقال یا ظهورنویسی برات یا سفته اعم از کاغذی و الکترونیکی.



ت - هرگونه فعالیت معاضدتی و واسطه‌ای مانند: تصدی به عملیات دلالی و تسهیل معاملات منقول یا غیرمنقول. همچنین تصدی به هر قسم حق‌العمل‌کاری، نمایندگی تجارتي و عملیات حراجی.

**ماده ۳:** کلیه فعالیت‌های تاجر، تبعاً تجارتي محسوب می‌شود، مگر ثابت شود که مربوط به امور تجارتي نیست. هرگونه تعهد قراردادی یا قانونی تاجر که به مناسبت یا برای اجرای فعالیت‌های تجارتي وی ایجاد شده نیز تجارتي محسوب می‌شود.  
**تبصره:** فعالیت‌هایی که نمایندگان یا قائم‌مقام‌های تاجر از آنها استفاده می‌کنند، فعالیت‌های خود تاجر می‌باشد.

## باب دوم : حقوق و تکالیف تاجر

### فصل اول : دفتر ثبت تجاری

**ماده ۴ :** هر تاجر، به استثنای کسبه جزء، مکلف است دفاتر (کاغذی یا الکترونیکی) زیر یا دفاتر دیگری را که دولت به موجب آیین‌نامه جایگزین آنها قرار می‌دهد داشته باشد. ۱- دفتر روزنامه ۲- دفتر کل ۳- دفتر دارایی ۴- دفتر ثبت مکاتبات.

**تبصره :** آیین‌نامه مربوط به دفاتر و نحوه تنظیم و نگهداری آنها را وزارتخانه‌های بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی، ظرف مهلت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون و با توجه به قانون تجارت الکترونیک و توسعه و تحول وضع اقتصادی کشور و حجم فعالیت تجار و شیوع سیستم‌های نوین حسابداری رایانه‌ای تنظیم می‌نمایند. این آیین‌نامه پس از تصویب هیات وزیران لازم‌الاجرا خواهد شد.

**ماده ۵ :** دفتر روزنامه دفتری است که تاجر کلیه عملیات مالی اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند یا مالی را مقید کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات را که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفتری در پایان دوره مالی برای تنظیم حساب سود و زیان ترانزنامه لازم است بلااستثناء و هر روز به ترتیب در آن ثبت کنند.

**تبصره:** تاجر می‌تواند برای ثبت کلیه عملیات دفتر روزنامه واحد و یا دفاتر روزنامه متعدد برای هر طبقه یا طبقاتی از آنها داشته باشد. از قبیل دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه بانک و دفاتر روزنامه غیرنقدی مانند خرید و فروش نسیه و اقساطی و یا چند مورد از حساب‌ها.

**ماده ۶ :** دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه برحسب سرفصل یا کدگذاری حساب‌ها در صفحات مخصوص آن ثبت می‌شود به ترتیبی که براساس آن تنظیم حساب سود و زیان و ترانزنامه امکان‌پذیر باشد.

**تبصره ۱ :** کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه در هرماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود.

**تبصره ۲:** تجاری که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روش‌های حسابداری، خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود که دارای دفاتر قانونی باشند را ماه به ماه و در غیر این صورت لااقل سالی یک بار در دفاتر خود ثبت کنند.

**ماده ۷ :** دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز مرتب کند و در آن دفتر ثبت و امضاء کند و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

**ماده ۸:** دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مکاتبات و صورت حساب‌های وارده و صادره و قراردادهای تاجر اعم از کاغذی یا الکترونیکی به ترتیب تاریخ و با قید شماره باید در آن ثبت شود.

**ماده ۹:** در صورتی که دفاتر مذکور در ماده ۴ این قانون (به استثناء دفتر ثبت مکاتبات) به صورت کاغذی تنظیم و نگاهداری شوند باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء و تعداد صفحات و مشخصات کامل صاحب دفتر در صفحات اول و آخر آن نوشته شود. این دفاتر باید دارای نمره ترتیبی باشد و کلیه معاملات و عملیات مالی به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوص به آن نوشته شود. هر گونه تراشیدن، حک کردن، جای سفید گذاشتن، پایین خطوط نوشتن و امثال آن در این دفاتر ممنوع است. **تبصره ۱:** ضوابط مربوط به تنظیم، نگهداری و قابلیت استناد دفاتر الکترونیکی، به ترتیبی که در تبصره ماده ۴ این قانون پیش‌بینی شده، تنظیم خواهد شد.

**تبصره ۲:** تاجر باید دفاتر هر سال مالی اعم از کاغذی و الکترونیکی را حداقل ۱۰ سال پس از پایان آن سال مالی نگهداری کند.

**ماده ۱۰:** دفاتر موضوع ماده ۴ این قانون و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون تنظیم شود بین تجار در امور تجاری اعتبار دارد و در هر صورت در برابر صاحب آن قابل استناد است

**تبصره:** هرگاه دفاتر تجاری بصورت الکترونیکی تنظیم شده باشد، در صورتی قابل استناد است که سندیت آن طبق قانون تجارت الکترونیکی پذیرفته شود.

**ماده ۱۱:** تخلف از ماده ۴ و ۸ مستلزم ده تا سی میلیون ریال جزای نقدی است. و قطع نظر از تقاضای مدعی خصوصی یا مقامات قضایی، دادگاه تجاری می‌تواند راساً حکم بدهد. این مجازات مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته‌ای که دفتر مرتب ندارد، نیست.

---

## فصل دوم : دفاتر تجارتي

---

**ماده ۱۲:** گروه اقتصادی با منافع مشترک و تاجر به استثناء کسبه جزء باید نام خود را، طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت دادگستری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید، در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند. متخلف از این حکم به جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۳۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد. ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي اماره تاجر بودن ثبت کننده است. وزارت دادگستری موظف است ظرف ۳ ماه از تصویب این قانون آیین‌نامه این ماده را تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

**تبصره ۱:** اسم و مشخصات تاجری که طبق آیین‌نامه مربوطه در دفتر ثبت تجارتي ثبت نام می‌کند، باید در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی و یک روزنامه کثیرالانتشار برای اطلاع عموم آگهی شود و اشخاص می‌توانند با مراجعه به دفتر ثبت، اطلاعات راجع به تاجر را مطالبه کنند و از آنها رونوشت بگیرند.

**تبصره ۲:** مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتي را وزارت دادگستری با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب آیین‌نامه معین خواهد کرد.

**ماده ۱۳:** هر تاجر، به استثناء کسبه جزء، باید در کلیه اسناد، اوراق، صورتحساب‌ها، آگهی‌ها، تابلوها و سایر مکتوبات خطی یا چاپی یا الکترونیکی خود تصریح کند که با چه شماره‌ای به ثبت رسیده است و الا به جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۳۰ میلیون ریال محکوم می‌شود.

**ماده ۱۴:** کسبه جزء و ضوابط مرتبط با فعالیت آنها مطابق آیین‌نامه‌ای که، ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد، معین می‌شود.

---

## فصل سوم : نام تجارتي

---

**ماده ۱۵:** نام تجارتي، اسم یا عنوانی است که نمایانگر یا مشخص کننده تاجر باشد.

**ماده ۱۶:** فعالیت تحت یک نام تجاری در صورتی مجاز است که نام تجاری ثبت شده باشد.

**ماده ۱۷:** نام تجارتي نباید طوری انتخاب شود که موجب اشتباه گردد. مثلاً تاجری که دارای شریک نیست نمی‌تواند برای بنگاه تجاری خود اسمی انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد. یا اسمی انتخاب کند که به نام تاجر دیگری مشتبه شود، همچنین هر اسمی که استفاده از آن بر خلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، ممنوع است.

**ماده ۱۸:** پس از ثبت نام تجارتي، برای دارنده آن حق انحصاری ایجاد می‌شود هیچ تاجری

نمی‌تواند نام تجاری ثبت شده دیگران را برای فعالیت تجاری خود انتخاب کند، خواه به صورت اسم یا علامت تجاری باشد. همچنین استفاده از اسم یا علامت تجاری مشابه که باعث گمراهی عموم شود ممنوع است، هرچند که نام خانوادگی تاجر باشد.

**ماده ۱۹:** نام تجاری تنها به همراه مایه تجاری قابل انتقال است.

**ماده ۲۰:** وزارت دادگستری و بازرگانی مکلف است ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین‌نامه مربوط به شرایط و ضوابط ثبت نام تجاری را تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

## باب سوم: قراردادهای تجارتي

### فصل اول: دلالي

**ماده ۲۱:** دلال شخصي است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملات می‌شود یا برای شخصي که مایل به انجام دادن معامله‌ای است، طرف معامله پیدا می‌کند. جز در موارد مصرح در این قانون، قرارداد دلالي تابع مقررات راجع به وکالت است.

**ماده ۲۲:** دلال می‌تواند در انواع فعالیتهای تجارتي مربوط به خدمات و کالا، اعم از معاملات منقول و غیرمنقول و عملیات بیمه و حمل و نقل و غیره، به عنوان واسطه دخالت کند.

**ماده ۲۳:** دلال می‌تواند به فعالیت تجارتي به سود خود نیز بپردازد، اما به هیچ عنوان نمی‌تواند در موضوع دلالي به حساب خود اقدام کند.

**تبصره:** چنانچه دلال به هر عنوان به حساب خود به معاملاتی بپردازد که در آن موضوع اقدام به دلالي می‌کند معامله او باطل است و به جبران خسارت زیان دیده از این اقدام محکوم می‌شود.

**ماده ۲۴:** دلال باید با صداقت دو طرف معامله را از جزییات قرارداد آگاه سازد و در مقابل هر یک از آن دو، مسئول تقلب و تقصیر خویش است هرچند دلالي را فقط برای یکی انجام داده باشد.

**ماده ۲۵:** هیات عالی نظارت موضوع ماده ۱۱ قانون نظام صنفی مکلف است، با رعایت قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ و اصلاحات آن، فعالیت واحدهای صنفی را که به دلالي اشتغال دارند در چارچوب اتحادیه‌های صنفی انتظام بخشد و بر تدوین موازین و ضوابط حرفه‌ای لازم توسط تشکلهای صنفی مزبور نظارت کند، به گونه‌ای که هر تشکل تا پایان یکسال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون دارای ضوابط و مقررات لازم شود. دلالي در رشته‌هایی که دارای مقررات خاص هستند از شمول این ماده مستثنی است.

**ماده ۲۶:** دلال نمی‌تواند از سوی یکی از دو طرف معامله دریافت وجه یا تأدیه دین کند یا تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد، مگر اینکه چنین اجازه‌ای را داشته باشد.

**ماده ۲۷:** دلال مسئول اشیاء و اسنادی است که در جریان معامله به او داده شده، مگر اینکه ثابت کند ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور ناشی از علتی است که به شخص یا خدمه و کارکنان او نبوده است.

**ماده ۲۸:** در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدهای دو طرف یا زمانی که در قرارداد قید شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد.

**ماده ۲۹:** حکم ماده «۲۳» در مورد افشاء هرگونه اسرار و اطلاعات دو طرف معامله، که دلال به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است نیز جاری است. اطلاعاتی که برای انجام صحیح وظایف دلالی، مطابق ماده «۲۴» باید به اطلاع دوطرف معامله برسد، مشمول این حکم نیست. همچنین است اطلاعاتی که عرف حرفه‌ای انتقال آن را به دیگران مباح می‌داند، و زیانی به بار نمی‌آورد.

**ماده ۳۰:** دلال می‌تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند، در این صورت، باید آمران را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود، آگاه سازد.

**ماده ۳۱:** هرگاه اسناد معامله انجام شده توسط دلال بین دو طرف رد و بدل شود، در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که توسط او معامله کرده‌اند، دلال ضامن اصالت امضای آن اسناد است.

**ماده ۳۲:** دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند و اجرای معاملاتی که توسط او انجام می‌شود نیست.

**ماده ۳۳:** دلال مسئول ارزش و کیفیت و جنس موضوع مورد معامله نیست، مگر این که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است.

**ماده ۳۴:** هرگاه معامله کننده به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کند، دلال ضامن اعتبار معامله و اجرای تعهدهای ناشی از آن در برابر او است.

**ماده ۳۵:** در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمی باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد وگرنه مسئول خسارات وارده می‌باشد.

**ماده ۳۶:** در صورتی که دلال در معامله سهمی باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد است.

**ماده ۳۷:** دلال نمی‌تواند اجرت دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

**ماده ۳۸:** دلال حق ندارد، برخلاف تعهد خود در برابر کسی که به او مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام کند یا برخلاف عرف تجارته محل از آن طرف وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند در این صورت مستحق دریافت اجرت و مخارجی که کرده است نخواهد بود.

**تبصره:** هرگاه اتمام معامله منوط به حصول شرطی باشد، دلال پس از تحقق شرط، مستحق اجرت است.





**ماده ۳۹:** مخارجی را که دلال با اذن یا اجازه آمر می‌کند، حتی در فرض انجام نشدن معامله نیز، قابل مطالبه است. همچنین است در موردی که عرف تجارتي محل به پرداخت هزینه‌ای حکم کند

**ماده ۴۰:** در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از خيارات فسخ بشود حق دلالی از بین نمی‌رود، مشروط بر این که انحلال معامله منتسب به دلال نباشد.

**ماده ۴۱:** دلالی معامله ممنوع اجرت ندارد.

**ماده ۴۲:** دلال باید، علاوه بر دفاتر موضوع ماده ۴ این قانون، در دفتر ویژه‌ای کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته‌اند با ذکر مشخصات معامله و طرف‌های معامله ثبت کند.

نحوه تنظیم این دفتر و چگونگی ثبت معاملات را آیین‌نامه‌ای که ظرف ششماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی و دادگستری می‌رسد، معین خواهد کرد.

---

## فصل دوم: حق العمل‌کاری

---

**ماده ۴۳:** حق‌العمل‌کاری قراردادی است که به موجب آن شخصی که حق‌العمل‌کار نامیده می‌شود بنا به درخواست دیگر که آمر می‌باشد، معامله یا معاملات مشخصی را در ازای کارمزدی معین، به نام خود و به حساب آمر انجام می‌دهد.

**ماده ۴۴:** در مواردی که در این قانون سکوت شده است، مقررات راجع به وکالت در حق‌العمل‌کاری جاری خواهد بود.

**ماده ۴۵:** حق‌العمل‌کار باید آمر را از جریان اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله، بیدرنگ مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به آمر اطلاع دهد.

**ماده ۴۶:** حق‌العمل‌کار مکلف به بیمه کردن اموال موضوع معامله نیست، مگر در مواردی که به حکم قانون و یا دستور آمر بیمه اجباری باشد.

**ماده ۴۷:** اگر کالایی که به منظور فروش برای حق‌العمل‌کار ارسال شده است، معیوب باشد. حق‌العمل‌کار باید، برای محفوظ داشتن حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، به نحو مقتضی برای محافظت کالا، اقدامات لازم را به عمل آورد و آمر را از اقدامات خود آگاه کند، وگرنه مسئول خسارت ناشی از این غفلت است.

**ماده ۴۸:** اگر بیم فساد سریع کالایی رود که نزد حق‌العمل‌کار برای فروش ارسال شده است، در صورتی که منافع آمر ایجاب کند، حق‌العمل‌کار مکلف است کالا را با اطلاع دادستان یا نماینده او به فروش برساند.

**ماده ۴۹:** اگر حق‌العمل‌کار کالا یا خدمات را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به

قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است، بخرد در برابر آمر مسئول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق‌العمل‌کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتری به آمر بوده و تحصیل اجازه آمر به هنگام، مقدور نبوده است.

**ماده ۵۰:** اگر حق‌العمل‌کار تقصیر کرده باشد، مسئول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی شده است.

**ماده ۵۱:** اگر حق‌العمل‌کار، کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است، بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است، بفروشد، حق استفاده از تفاوت قیمت را ندارد و باید آن را به حساب آمر محسوب کند.

**ماده ۵۲:** اگر حق‌العمل‌کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا برای خرید پیش پرداخت دهد، ضررهای ناشی از آن بر عهده خود او است. با وجود این، در صورتی که عرف تجارتي فروش نسیه یا پیش پرداخت را ایجاب کند، حق‌العمل‌کار مازون به آن محسوب می‌شود، مگر در صورت دستور مخالف آمر.

**ماده ۵۳:** حق‌العمل‌کار در مقابل آمر مسئول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر این که مجاز به معامله اعتباری نباشد یا ضمانت طرف معامله را کرده باشد یا عرف تجارتي او را مسئول شناسد.

**ماده ۵۴:** هزینه‌های لازم برای انعقاد معامله و اجرای تعهدات ناشی از آن، مانند انبارداری و حمل و نقل و بیمه، به عهده آمر است و اگر حق‌العمل‌کار پرداخته باشد، می‌تواند آن را مطالبه کند. همچنین است هر پرداخت دیگری که در جریان معامله به سود آمر انجام شده است.

**ماده ۵۵:** وقتی حق‌العمل‌کار مستحق کارمزد می‌شود که معامله انجام شده باشد. نسبت به مواردی که عدم انجام آن مستند به فعل آمر یا سبب دیگری بوده است، حق‌العمل‌کار مستحق اجرتی است که عرف برای اقدام او معین می‌کند.

**ماده ۵۶:** اگر حق‌العمل‌کار رعایت امانت را نکند و به عنوان مثال، بهایی بیش از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش به حساب آمر منظور دارد، مستحق کارمزد نیست. و آمر می‌تواند خود طرف معامله با خریدار یا فروشنده قرار گیرد. این امر مانع از اجرای مجازات خیانت در امانت نخواهد بود.

**ماده ۵۷:** حق‌العمل‌کار در مقام وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله و قیمتی که اخذ کرده است حق حبس دارد.

**ماده ۵۸:** اگر فروش کالا ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق‌العامل‌کار بگذارد، حق‌العامل‌کار می‌تواند آن را با نظارت دادستان یا نماینده او از طریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد، فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد. در هر حال قبلاً باید به نحو مضبوطی به او اطلاع داده باشد، مگر این که کالا ضایع شدنی یا سریع‌الفساد باشد.

**ماده ۵۹:** اگر حق‌العامل‌کار مامور به خرید یا فروش کالا یا اسناد تجاری یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد، می‌تواند خود طرف معامله قرار گیرد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد. در این صورت طرف معامله بودن حق‌العامل‌کار مانع از مطالبه هزینه‌های قراردادی یا متعارف حق‌العامل‌کار نیست.

**ماده ۶۰:** در موردی که حق‌العامل‌کار می‌تواند طرف معامله قرار گیرد، اگر انجام معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می‌شود.

**ماده ۶۱:** اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق‌العامل‌کار قبل از ارسال خبر معامله، از این رجوع مطلع گردد دیگر نمی‌تواند معامله‌ای را انجام دهد.

**ماده ۶۲:** معاملاتاتی که حق‌العامل‌کار انجام می‌دهد برای آمر محسوب می‌شود، مگر اینکه خلاف آن را در معامله تصریح کند یا بعد خلاف آن ثابت شود. ولی، اگر موضوع معامله مال معین و متعلق به آمر باشد، آن معامله برای آمر محسوب می‌شود.

---

## فصل سوم: حمل و نقل

---

### ماده ۶۳: تعاریف:

- ۱- قرارداد حمل و نقل: پیمانی است که به موجب آن شخصی که متصدی حمل و نقل نامیده می‌شود در برابر دیگری تعهد می‌کند که در مقابل اجرت، اشخاص یا کالاها را با شرایط معین و با وسیله معینی از محلی به محل دیگر حمل کند.
- ۲- متصدی حمل و نقل: شخصی است که در مقابل اجرت، تصدی به حمل کالاها یا اشخاص را برعهده می‌گیرد.
- ۳- حمل و نقل کننده فرعی: شخصی است که اجرای قرار داد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل به او واگذار می‌شود. این تعریف شامل هر شخص دیگری هست که اجرای تمام یا بخشی از قرارداد به وی واگذار شده است.
- ۴- فرستنده: شخصی است که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است.
- ۵- گیرنده: شخصی است که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد.

۶- کالا : کالا شامل هر گونه مال اعم از اموال و اشیاء جامد یا مایع یا گاز و حیوانات می گردد. در موردی که کالا در داخل کانتینر، جعبه، قفس یا پالت یا هر وسیله مشابه دیگری قرارداده شده یا به گونه‌ای بسته‌بندی شده است، کلمه کالا شامل کانتینر، جعبه، قفس، پالت و وسایل مشابه دیگر نیز می گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

۷- بار نامه : سندی کاغذی یا الکترونیک است که به تقاضای فرستنده و به وسیله متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر و توسط اشخاص یاد شده امضاء گردیده و مشخصات کامل کالا در آن قید شده است و دلیل وجود قرارداد حمل و نقل و رسید تحویل کالا به متصدی حمل و نقل محسوب می شود. عدم صدور بار نامه یا ناقص بودن آن تاثیری بر اعتبار قرارداد حمل و نقل ندارد.

۸- دوره مسئولیت متصدی حمل و نقل کالا: دوره مسئولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه‌ای شروع می شود که کالا در مبدا حمل در اختیار و تحت کنترل وی، نماینده یا قائم مقام وی قرار می‌گیرد تا زمانی که در مقصد در اختیار و تحت کنترل گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

۹- دوره مسئولیت متصدی حمل و نقل مسافر شامل مدتی است که مسافر در سالن یا سکوی مخصوص سوار شدن و درحال سوار شدن، داخل وسیله نقلیه و در حال پیاده شدن از آن است.

**ماده ۶۴ :** قرارداد حمل و نقل، تابع این قانون است مگر آنکه قانون دیگر مقررات خاصی برای آن وضع کرده باشد. در موارد سکوت، قرارداد حمل و نقل تابع قواعد عمومی وکالت است.

**ماده ۶۵ :** فرستنده باید این اطلاعات را به متصدی حمل و نقل ابلاغ کند:

(۱) نشانی صحیح گیرنده، (۲) محل تحویل کالا

(۳) نوع کالا و مشخصات آن، اعم از تعداد، مقدار و وزن. چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای گرانبها، حیوانات، کالاهای خطرناک و آتش زا، تبخیر شونده، فاسدشدنی و خورنده، باید اطلاعات مربوط به آن نیز به وضوح ارائه شود. چنانچه فرستنده اطلاعات یاد شده را ارائه نکند یا به غلط ارائه دهد خسارت‌های ناشی از آن بر عهده وی خواهد بود.

**ماده ۶۶ :** فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است. ولی، خسارت ناشی از بارگیری و بارچینی نادرست بر عهده متصدی حمل و نقل است.

**ماده ۶۷:** اگر بسته‌بندی عیب‌ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل کالا را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول خسارات خواهد بود.

**ماده ۶۸:** فرستنده می‌تواند مادام که کالا در اختیار متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده پس بگیرد، مگر در موارد ذیل: ۱- در صورتی که بارنامه به گیرنده کالا تسلیم شده باشد. ۲- در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده و فرستنده نتواند آن را پس دهد. ۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آنرا تحویل گیرد. ۴- در صورتی که پس از وصول کالا به مقصد گیرنده تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده مادام که بار به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور گیرنده نخواهد بود مگر اینکه رسید به گیرنده تسلیم شده باشد. ۵- فرستنده نمی‌تواند دستوری بدهد که موجب تقسیم شدن کالا به دو یا چند قسمت شود.

**ماده ۶۹:** اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت کالا تأدیه نشود یا به گیرنده دسترسی نباشد، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع فرستنده برساند و کالا را نزد خود به امانت نگاه دارد یا نزد دیگری به امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج ناشی از این امر به عهده فرستنده خواهد بود. اگر فرستنده یا گیرنده در مدت مناسبی تکلیف بار را معین نکند، متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۴۸ آن را به فروش رساند. منتها، باید فرستنده و گیرنده را از اینکه بار به فروش خواهد رسید، از قبل آگاه کند، مگر اینکه مقدور نباشد.

**ماده ۷۰:** اگر کالا در معرض تضییع سریع باشد یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد مخارجی را که برای آن می‌شود، تامین نکند، متصدی حمل و نقل باید فوراً "مراتب را به اطلاع دادستان محل یا نماینده او برساند و با نظارت او مال را به فروش برساند. منتها، باید فرستنده و گیرنده را از اینکه مال‌التجاره به فروش خواهد رسید، در صورتی که ممکن باشد، از قبل آگاه کند.

**ماده ۷۱:** اگر کالا تلف، ناقص یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود کالا یا مستند به تقصیر فرستنده یا گیرنده یا ناشی از دستورها و اطلاعاتی بوده است که یکی از آنها داده‌اند یا به حوادثی مربوط می‌شود که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری کند. دوطرف می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت مبلغی زیادتر از قیمت کامل کالا معین کنند. اما شرط خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

**ماده ۷۲:** متصدی حمل و نقل مسئول جبران هرگونه خسارت جانی، مادی و معنوی مسافران است مگر آنکه ثابت کند خسارت در نتیجه تقصیر خود مسافر حادث شده یا ناشی از قوه قاهره یا علت خارجی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نمی‌توانسته از آن جلوگیری کند.

**ماده ۷۳:** در مورد خسارت‌های ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص یا سایر خسارات کالا نیز متصدی

حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام کالا حکم به آن شود تجاوز کند، مگر اینکه دوطرف در قرارداد به نحو دیگری توافق کرده باشند.

**تبصره ۱:** تأخیر در تحویل هنگامی رخ می‌دهد که کالا در مدت یا زمان مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت معقولی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می‌رود، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

**تبصره ۲:** اگر ۶۰ روز تمام پس از گذشتن موعد تحویل مطابق تبصره ۱ این ماده، کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می‌تواند آن را تلف یا گم شده فرض کند.

**ماده ۷۴:** متصدی حمل و نقل مسئول خسارات است که در دوره حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده فرعی را مامور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر رجوع او به حمل و نقل کننده فرعی که از جانب او مامور شده محفوظ است.

**ماده ۷۵:** متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را آگاه کند.

**ماده ۷۶:** اگر گیرنده هزینه‌های حمل و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بر اساس توافق دو طرف، مقررات عرف تجارتي ادعا دارد، قبول نکند حق تقاضای تحویل را نخواهد داشت، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا پایان دعوا در صندوق دادگستری به ودیعه گذارد.

**ماده ۷۷:** اگر گیرنده کالا را بی هیچ قیدی قبول و کرایه آن را پرداخت کند، دعوی او از این بابت مسموع نیست. مگر در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین متصدی. بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول خسارت غیرظاهر نیز خواهد بود در صورتی که گیرنده آن خسارت را مشاهده و حداکثر ظرف ۳۰ روز تقویمی بعد از تحویل کالا به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد.

**ماده ۷۸:** در هر مورد که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلاف باشد، دادگاه تجارتي صالح می‌تواند به تقاضای یکی از دوطرف دستور دهد کالا تا پایان دعوا نزد ثالثی امانت بماند یا در صورت ضرورت فروخته شود. فروش کالا باید پس از تنظیم صورت مجلسی که حاکی از وضع کالا و ضرورت فروش باشد به عمل آید. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بر اساس توافق دوطرف و مقررات ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد.

**ماده ۷۹:** نسبت به دعوی خسارت برعلیه متصدی حمل و نقل یا حمل و نقل کننده فرعی مدت

مرور زمان یک سال است . میداء این مدت در صورت تلف، ناقص یا گم شدن کالا و یا تاخیر در تحویل، روزی است که تحویل بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در مورد خسارات روزی است که کالا به گیرنده تحویل شده است.

**ماده ۸۰:** حمل و نقل بوسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسائط نقلیه زمینی، هوایی، یا دریایی تابع مقررات این باب نیست . قراردادهای حمل و نقل، هر چند به صورت قرارداد اجاره تنظیم شود مشمول این قانون است.

---

### فصل چهارم : قائم مقامی و نمایندگی تجارتي

---

**ماده ۸۱:** قائم مقام تجارتي شخصی است که تاجر، برای انجام فعالیت‌های تجارتي خود به او نیابت می‌دهد و امضای او برای تاجر الزام‌آور است. این سمت ممکن است کتبی داده شود یا در عمل و به طور ضمنی. ولی، در هر حال مراتب باید در دفتر ثبت تجارتي قید گردد، وگرنه در حقوق اشخاص ثالث بی اثر است.

**ماده ۸۲:** تحدید اختیار قائم مقام تجارتي باید در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسد. در هر صورت تحدید اختیار قائم مقام در برابر اشخاصی که از آن آگاه نشده‌اند قابل استناد نیست .

**ماده ۸۳:** قائم مقامی تجارتي ممکن است به اجتماع داده شود، با قید اینکه تا همه امضاء نکنند تاجر ملزم نباشد. ولی، این قید در مقابل اشخاص ثالثی که از آن آگاه نشده‌اند در صورتی قابل استناد است که در دفتر ثبت تجارتي به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و یکی از نشریات کثیرالانتشار اعلام شده باشد.

**ماده ۸۴:** قائم مقام تجارتي بدون اذن تاجر نمی تواند کسی را به طور عام در فعالیت‌های تجارتي نایب خود قرار دهد.

**ماده ۸۵:** عزل قائم مقام تجارتي که به شرح مواد فوق نیابت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده نیابت باقی محسوب می شود. در صورتی که پس از عزل قائم مقام تجارتي و ثبت اعمال آن، وی همچنان عملاً به عملیات تجارتي موضوع قائم مقامی اشتغال داشته باشد در مقابل اشخاص ثالث قائم مقام تجارتي محسوب می شود.

**ماده ۸۶:** با فوت یا حجر تاجر یا انحلال شرکت و موسسه تجارتي، سمت قائم مقام تجارتي پایان می‌یابد، لیکن تا تعیین جانشین مسئولیت اداره و نگهداری اموال و دارائی‌ها را بر عهده خواهد داشت.

**ماده ۸۷:** غیر از آنچه در این قانون تصریح شده قائم مقام تجارتي تابع قواعد عمومی وکالت است.

**ماده ۸۸:** نماینده تجارتي شخص مستقلي است که بدون قرارداد اجاره خدمات، در برابر تاجر اعطا کننده نمایندگی، تعهد می‌کند که در ازاء دریافت اجرت نسبت به بازاریابی، مذاکره مقدماتی یا انعقاد قرارداد خرید، فروش یا اجاره کالاها یا خدمات برای مدت محدود یا نامحدود بنام و به حساب او اقدام کند. اعطای نمایندگی ممکن است کتبی و صریح باشد یا ضمنی و عملی. تبصره: نمایندگی در امور تجارتي که دارای قوانین خاصی است تابع قوانین مخصوص به خود قرار می‌گیرد.

**ماده ۸۹:** نماینده تجارتي می‌تواند بدون اجازه اعطا کننده نمایندگی، نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند. اما نمی‌تواند بدون موافقت وی نمایندگی شخصی را قبول کند که در همان موضوع با اعطا کننده نمایندگی فعلی رقابت تجارتي دارد.

**ماده ۹۰:** قرارداد نمایندگی بر اساس منافع مشترک دوطرف منعقد می‌شود. و رابطه آنها مبتنی بر تعهد متقابل به راستی و درستکاری و الزام به اطلاع رسانی به یکدیگر است. نماینده تجارتي باید تمام اطلاعات لازم را در رابطه با موضوع نمایندگی به اعطا کننده نمایندگی ارائه کند و اعطا کننده نمایندگی نیز باید تمام اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی و هرگونه مدارک و اسناد مربوط در خصوص موضوع نمایندگی را در اختیار نماینده تجارتي قرار دهد. همچنین، اگر پیش بینی می‌کند که حجم معاملات به نحو محسوسی تغییر خواهد یافت یا با انتظار طبیعی نماینده تجارتي متفاوت است به طوری که وی نوعاً "از آن متأثر می‌شود، باید این امر را در مهلت معقولی به نماینده اطلاع دهد.

**ماده ۹۱:** نماینده تجارتي مستحق اجرت طبق مفاد قرارداد نمایندگی می‌باشد. در صورت سکوت قرارداد، اجرت بر اساس عرف معمول در محلی که فعالیت نمایندگی در آن انجام می‌شود محاسبه می‌شود و در صورت فقدان چنین عرفی، اجرت معقولی است که بر مبنای شرایط ویژه فعالیت او تعیین می‌شود.

**ماده ۹۲:** نماینده تجارتي حق دریافت اجرت برای تمام قراردادهای منعقد در طول دوره نمایندگی را دارد. مشروط بر آنکه قراردادهای مزبور به مدد مداخله و همکاری وی منعقد شده باشد، یا اگر قرارداد با شخص ثالثی منعقد شده نماینده تجارتي قبلاً "وی را برای همین نوع قرارداد جذب نموده باشد. هنگامی که نماینده تجارتي متعهد شده است که در یک منطقه جغرافیایی یا با اشخاص معینی فعالیت کند، مستحق اجرت برای تمام قراردادهایی است که در مدت نمایندگی با اشخاص متعلق به آن منطقه جغرافیایی یا اشخاص متعلق به آن گروه منعقد شده است.



**ماده ۹۳:** نماینده تجارتي در موارد زیر مستحق اجرت قراردادهایی است که پس از پایان نمایندگی منعقد شده است. ۱- در صورتی که قرارداد در نتیجه فعالیت‌های نماینده در طول دوره نمایندگی و در مدت معقولى پس از خاتمه قرارداد نمایندگی منعقد شده باشد. ۲- هنگامی که در شرایط پیش‌بینی شده در ماده قبل، پیش از پایان نمایندگی سفارش شخص ثالث به نماینده یا اعطا کننده آن فرستاده شده باشد.

**ماده ۹۴:** چنانچه طبق ماده ۹۳ نماینده تجارتي سابق استحقاق اجرت معامله‌ای داشته باشد، نماینده کنونی حقی ندارد مگر اینکه اوضاع و احوال عرفی اجرت را ایجاب کند.

**ماده ۹۵:** به محض اینکه اعطا کننده نمایندگی قرارداد را اجرا نمود یا با توجه به قرارداد منعقد با شخص ثالث باید اجرا می‌کرد و همچنین به مجرد اجرای قرارداد از سوی شخص ثالث، نماینده تجارتي مستحق اجرت می‌باشد. اگر اعطا کننده نمایندگی قسمت مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد، اجرت حد اکثر زمانی پرداخت می‌شود که شخص ثالث بخش مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد یا باید اجرا می‌کرد.

**تبصره ۱:** اعطا کننده نمایندگی باید ظرف مدت معقول، نماینده را از قبول، رد یا عدم انعقاد قراردادی که نماینده زمینه انعقاد آنرا فراهم کرده، مطلع سازد در غیر اینصورت نماینده مستحق اجرت برای آن قرارداد است.

**تبصره ۲:** حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ استحقاق نماینده اعطا کننده نمایندگی باید فهرست اجرت‌های پرداخت نشده را به نماینده تجارتي تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی که اجرت بر اساس آنها محاسبه می‌شود، باشد. نماینده تجارتي می‌تواند، به منظور بررسی مبلغ اجرت‌های پرداخت نشده از اعطا کننده همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوطه را مطالبه کند.

**ماده ۹۶:** چنانچه مسلم شود که قرارداد منعقد بین اعطا کننده نمایندگی و ثالث اجرا نمی‌شود و این امر ناشی از قصور یا تقصیر اعطا کننده نمایندگی نیست، نماینده مستحق اجرت نخواهد بود. و اگر آن را گرفته باشد باید آن را مسترد دارد.

**ماده ۹۷:** در موردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت، آن را ادامه می‌دهند چنین فرض می‌شود که تعهدات قراردادی آنها باقی است مگر آنکه یکی از دو طرف به نحو مضبوطی با اخطار قبلی ۳ ماهه آنرا خاتمه دهد. دوطرف قرارداد نمی‌توانند به مهلتی کمتر از سه ماه توافق کنند و، اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی شده برای اعطا کننده نمایندگی نباید کوتاه‌تر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتي پیش‌بینی شده است. در صورتی که قرارداد بعلت تقصیر سنگین یکی از دوطرف یا قوه قهریه خاتمه یابد مقررات این ماده اعمال نمی‌شود.

**ماده ۹۸:** در صورت قطع رابطه نمایندگی به هر دلیل، نماینده تجارتي مستحق دریافت خسارت برای جبران حقوق قراردادی خود می‌باشد. چنانچه ظرف یکسال از تاریخ قطع رابطه قرارداد، نماینده تجارتي برای استیفای حقوق قراردادی به اعطا کننده نمایندگی اخطار نکند، حق مطالبه خسارت را از

دست خواهد داد. هرگاه توقف رابطه نمایندگی به علت فوت یا عدم اهلیت نماینده باشد، قائم مقام قانونی وی حق مطالبه خسارت جبرانی را ظرف مدت یکسال از تاریخ فوت یا عدم اهلیت، دارد.

**ماده ۹۹:** قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید مکتوب و محدود به منطقه جغرافیایی و، در صورت مقتضی، مربوط به گروه اشخاصی باشد که فعالیت نماینده تجاری به آنها مربوط می‌شود و همچنین باید محدود به نوع کالاها و خدماتی باشد که موضوع قرارداد نمایندگی بوده است. شرط عدم رقابت حداکثر تا ۲ سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

**ماده ۱۰۰:** وقتی که فعالیت نماینده تجاری در اجرای قرارداد مکتوبی انجام می‌شود که اساساً برای موضوع دیگری منعقد شده است، دوطرف قرارداد می‌توانند کتباً توافق کنند که مقررات این باب از قانون در مورد بخش مربوط به نمایندگی تجاری آن اعمال نشود. اگر در عمل معلوم شود که فعالیت نماینده تجاری در قرارداد مزبور در واقع فعالیت اصلی را تشکیل می‌دهد است توافق مزبور باطل و بی‌اثر می‌باشد.

---

### فصل پنجم : گروه اقتصادی با منافع مشترک

---

**ماده ۱۰۱:** گروه اقتصادی با منافع مشترک : عبارت است از تشکیل دو یا چند شخص که به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری و افزایش نتایج فعالیت‌های اعضای گروه به موجب قرارداد برای دوره محدود تشکیل می‌شود.

**تبصره:** عملیات این گروه اقتصادی باید با فعالیت اعضای آن مرتبط بوده و تکمیل‌کننده آن باشد.

**ماده ۱۰۲:** گروه اقتصادی با منافع مشترک می‌تواند بدون سرمایه تشکیل شود. حقوق اعضای گروه نمی‌تواند به وسیله اسناد قابل انتقال به غیر منتقل شود و هر شرط خلاف این امر باطل است.

**ماده ۱۰۳:** گروه اقتصادی با منافع مشترک باید در دفتر ثبت تجاری ثبت شود و از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار خواهد شد. لیکن این ثبت نام، اماره تجاری بودن گروه تلقی نمی‌شود. **تبصره:** گروه اقتصادی با منافع مشترک که موضوع آن فعالیت تجاری است می‌تواند فعالیت‌های تجاری مربوط را به حساب خود انجام دهد.

**ماده ۱۰۴:** اشخاصی که به نام گروه اقتصادی با منافع مشترک در شرف ثبت که هنوز دارای شخصیت حقوقی نیست اقدام می‌نمایند، متضامنا و بطور نامحدود مسئول اقدامات خود می‌باشند. در صورتی که گروه اقتصادی پس از ثبت و تشکیل قانونی اقدامات مزبور را تنفیذ کند، چنین فرض می‌شود که تعهدات مربوط از ابتدا به وسیله گروه اقتصادی به عهده گرفته شده است. به هر حال ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک موجب سقوط تعهدات در مقابل دیگران نمی‌شود.

**ماده ۱۰۵:** بطلان قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک و همچنین عدم اعتبار اقدامات و تصمیمات گروه، فقط در صورت تخلف از قواعد آمره مقید در این باب و یا به دلیل وجود یکی از علل بطلان قراردادها حاصل می‌شود. چنانچه علت و منشاء بطلان در هر مرحله‌ای از دادرسی از بین برود دعوی بطلان رد خواهد شد.

**تبصره:** به هر صورت بطلان گروه یا فعالیت‌ها و تصمیمات گروه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود.

**ماده ۱۰۶:** اعضای گروه اقتصادی متضامنا مسئول پرداخت دیون گروه اقتصادی از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد خلاف این امر توافق شده باشد. مع الوصف چنانچه قرارداد بین اعضاء اجازه بدهد عضو جدید می‌تواند نسبت به دیونی که قبل از عضویت او ایجاد شده‌اند معاف باشد. تصمیم به معافیت باید در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود. طلبکاران گروه اقتصادی در صورتی می‌توانند برای وصول طلب خود به اعضاء رجوع کنند که اقدامات آنها برای وصول طلب از گروه اقتصادی بی‌نتیجه مانده باشد.

**تبصره:** مسئولیت اعضاء گروه در برابر یکدیگر تابع ضوابط قرارداد بین آنها می‌باشد.

**ماده ۱۰۷:** گروه اقتصادی با منافع مشترک می‌تواند مطابق شرایط عمومی انتشار اوراق مشارکت به وسیله شرکت‌ها، اینگونه اوراق را صادر کند، به شرط آنکه خود گروه اقتصادی مزبور منحصرأ از شرکتهایی تشکیل شده باشد که طبق قانون شرایط انتشار اوراق مشارکت را دارند. سررسید اوراق مشارکت نباید فراتر از مدت گروه اقتصادی باشد.

**ماده ۱۰۸:** قرارداد تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، سازمان دهی گروه مزبور را ضمن رعایت مقررات این باب تعیین می‌کند. این قرارداد باید کتبی باشد، به موارد ذیل در آن قید گردد: ۱- نام گروه اقتصادی ۲- اسامی اعضاء و نشانی اقامتگاه آنها ۳- شماره ثبت آنها (در صورت وجود) ۴- مدت گروه اقتصادی ۵- موضوع فعالیت گروه اقتصادی ۶- نشانی اقامتگاه گروه اقتصادی ۷- نام و مشخصات صاحبان حق امضا اسناد تعهدآور ۸ - نحوه نظارت و حسابرسی حسابهای گروه.

موارد فوق و هرگونه تغییر و اصلاح آن طبق مقررات باید منتشر شود و فقط پس از انتشار برای عموم در مقابل اشخاص ثالث معتبر است .

**ماده ۱۰۹:** گروه اقتصادی با منافع مشترک در طول دوره فعالیت خود می‌تواند با رعایت شرایط قراردادی که براساس آن تشکیل شده عضو جدید بپذیرد و هریک از اعضاء نیز می‌تواند با رعایت

شرایط قرارداد از گروه خارج شود مشروط بر اینکه تعهدات خود را انجام داده باشد یا با موافقت سایر اعضا به نحو مؤثری ترتیب انجام آنرا بدهد.

**ماده ۱۱۰:** اتخاذ هرگونه تصمیم در مورد تعیین مدیران، نحوه اداره گروه، انحلال پیش از موعد، افزایش یا کاهش در حقوق و تعهدات اعضا گروه و یا تمدید مدت در صلاحیت اعضا آن می‌باشد. شیوه تصمیم‌گیری و از جمله موارد ذیل باید در قرارداد مشخص شود. الف- تعداد آرای که به هر یک از اعضا تخصیص داده شود. ب- حد نصاب لازم برای اتخاذ تصمیمات ج- حد نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسات. در صورت سکوت قرارداد در مورد بند الف هر عضو یک رای دارد و در مورد بند ب و ج تصمیمات باید باتفاق آراء اتخاذ گردد. جلسات به درخواست یک چهارم اعضای گروه لزوماً باید تشکیل شود.

**تبصره:** اتخاذ تصمیم در موارد ذیل باید باتفاق آراء انجام شود مگر اینکه در قرارداد اکثریت دیگری پیش‌بینی شده باشد:

۱- انحلال پیش از موعد گروه اقتصادی ۲- افزایش یا کاهش در حقوق یا تعهدات اعضا گروه ۳- تمدید مدت پس از انجام موضوع قرارداد.

**ماده ۱۱۱:** گروه اقتصادی با منافع مشترک که به وسیله یک یا چند مدیر اداره می‌شود، شخص حقوقی نیز می‌تواند به عنوان مدیر منصوب شود، به شرط آنکه یک شخص حقیقی را به عنوان نماینده دائمی خود معرفی کند. این شخص همان مسئولیت مدنی و کیفری را خواهد داشت که مدیر حقیقی دارد. مسئولیت‌های نماینده رافع مسئولیت‌های شخص حقوقی که او را انتخاب کرده است، نخواهد بود.

**ماده ۱۱۲:** مدیر یا مدیران گروه اقتصادی با منافع مشترک و نمایندگان آنان در صورت نقض قوانین و مقررات یا تخلف از مفاد قرارداد حسب مورد به طور انفرادی یا تضامنی در مقابل گروه اقتصادی و اشخاص ثالث مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشند. در صورتی که خسارت حاصله ناشی از عمل دو یا چند مدیر باشد، در رابطه بین مدیران، دادگاه تجارتي سهم هر یک را در جبران خسارت تعیین می‌کند.

**ماده ۱۱۳:** هرگونه اقدام مدیر یا مدیران که در حدود موضوع گروه اقتصادی باشد گروه را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می‌سازد و محدود کردن اختیارات مدیران فقط برای اعضا گروه و بین خود آنها معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

**ماده ۱۱۴:** گروه‌های اقتصادی که به فعالیت‌های تجاری اشتغال دارند، موظف هستند دفاتر تجاری موضوع ماده ۴ فصل اول این قانون را نگهداری نمایند و در پایان سال مالی صورت‌های مالی گروه را با رعایت استانداردهای حسابداری و مفاد آیین‌نامه موضوع ماده ۴ این قانون تهیه نمایند. صورت‌های مالی مزبور با رعایت قوانین و مقررات مربوطه توسط حسابدار رسمی منتخب اعضا مورد حسابرسی قرار می‌گیرد، اتخاذ تصمیم نسبت به صورت‌های مالی و عملکرد مدیران در

اختیار اعضاء می‌باشد.

**ماده ۱۱۵:** در کلیه اسناد، اوراق و مکاتبات (اعم از کاغذی و الکترونیکی) که به وسیله گروه اقتصادی صادر می‌شود، باید نام گروه اقتصادی که متضمن عبارت «گروه اقتصادی با منافع مشترک» باشد درج گردد. در غیر اینصورت گروه اقتصادی به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا سی میلیون ریال محکوم می‌شود.

**تبصره:** تکلیف بازرس یا بازرسان قانونی در ماده ۶۲۹ قانون تجارت و الزام ماده ۶۳۰ قانون تجارت مبنی بر دریافت گزارش بازرس توسط مجمع در خصوص گروه اقتصادی با منافع مشترک صادق خواهد بود.

**ماده ۱۱۶:** گروه اقتصادی بدون انحلال می‌تواند به یک شرکت تضامنی تبدیل شود.

**ماده ۱۱۷:** گروه اقتصادی با منافع مشترک در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱- با انقضای مدت گروه. ۲- با انجام موضوع گروه یا غیرممکن شدن انجام آن. ۳- با تصمیم اعضاء گروه اقتصادی با رعایت شرایط ماده ۱۱۰ این قانون. ۴- به موجب رای قطعی دادگاه تجارتي. ۵- با فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی عضو گروه، مگر اینکه قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر کرده باشد.

**ماده ۱۱۸:** در صورت انحلال گروه اقتصادی تا خاتمه عملیات تصفیه شخصیت حقوقی آن جهت انجام تصفیه باقی است.

**ماده ۱۱۹:** تصفیه گروه اقتصادی مطابق شرایط قرارداد تشکیل آن انجام می‌شود. در صورت سکوت قرارداد یک یا چند مدیر تصفیه به وسیله اعضاء گروه اقتصادی تعیین می‌گردد. چنانچه اعضاء به هر دلیل نتوانند مدیر تصفیه را تعیین کنند، مدیر تصفیه طبق مقررات ناظر بر انحلال و تصفیه شرکت‌های تجارتي انتخاب می‌شود و اقدام به تصفیه خواهد شد. مدیر تصفیه پس از پرداخت دیون، مازاد دارایی را مطابق شرایط مندرج در قرارداد تشکیل گروه بین اعضاء تقسیم می‌کند. در صورت سکوت قرارداد مازاد دارایی به نسبت مساوی بین اعضاء گروه تقسیم می‌گردد.

**ماده ۱۲۰:** استفاده از عنوان «گروه اقتصادی با منافع مشترک» فقط بوسیله گروه‌هایی که مطابق این قانون تشکیل می‌شوند مجاز است. استفاده غیرقانونی از این عنوان یا هر عنوان یا اصطلاح و عبارت دیگر که موجب اشتباه و اختلاط با این عنوان گردد مستوجب مجازات حبس از ۴ ماه تا ۱ سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال برای مرتکبین می‌باشد. در صورت اقتضاء دادگاه تجارتي می‌تواند حکم به انتشار تصمیم خود در جراید کثیرالانتشار بدهد.

**ماده ۱۲۱:** آیین‌نامه اجرایی این باب به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت دادگستری حداکثر ظرف ۶ ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

## باب چهارم: ضمانت

**ماده ۱۲۲:** ضمانت ناشی از فعالیت‌های تجاری ممکن است عادی یا مستقل باشد. ضمانت تجاری تابع احکام این باب است، مگر اینکه در قرارداد به نحو دیگری توافق شده باشد.

**ماده ۱۲۳:** ضمانت تجاری تضامنی است، بدین معنی که مضمون له می‌تواند همزمان به ضامن و متعهد اصلی رجوع کند یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم انجام تعهد برای تمام یا بقیه تعهد به دیگری رجوع کند، مگر اینکه در قرارداد شرط دیگری شده باشد.

**ماده ۱۲۴:** ضمانت تجاری عادی قراردادی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری تعهد شخص ثالثی را به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و ثالث را مضمون عنه یا متعهد اصلی می‌گویند.

**ماده ۱۲۵:** بقاء ضمانت تجاری عادی مبتنی بر بقاء تعهد اصلی است لذا اگر تعهد اصلی ساقط شود، ضامن نیز بری می‌شود.

**ماده ۱۲۶:** در موردی که تعهد قائم به شخص است ضمانت از آن اثری ندارد مگر با رضایت مضمون له.

**ماده ۱۲۷:** قبل از رسیدن موعد تعهد اصلی، نمی‌توان ضامن را ملزم به اجرای تعهد کرد مگر اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت متعهد اصلی تعهد او حال شده باشد. یا در قرارداد تصریح شود.

**ماده ۱۲۸:** در ضمان حال مضمون له می‌تواند انجام فوری تعهد را بخواهد.

**ماده ۱۲۹:** اگر انجام تعهد اصلی مشروط به شرطی باشد، این شرط نسبت به ضامن نیز معتبر است.

**ماده ۱۳۰:** با حال شدن تعهد و اقدام ضامن به اجرای آن، مضمون له مکلف به پذیرش آن است، و گرنه ضمانت منتفی می‌شود، هرچند ضمانت مؤجل باشد. در این صورت، وثیقه دین حسب مورد فک یا مسترد می‌شود.

**ماده ۱۳۱:** پس از اجرای تعهد ضامن، مضمون له باید تمام اسناد، مدارک و وثائق مربوط به دین را برای رجوع ضامن به مضمون عنه، به او تسلیم کند. اگر تعهد اصلی وثیقه غیرمنقول داشته باشد، مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

**ماده ۱۳۲:** هرگاه مضمون له از مطالبه تعهد اصلی منصرف شود یا دیگری مجاناً تعهد را انجام دهد، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

**ماده ۱۳۳:** ضامنی که بدون اذن مضمون عنه یا به قصد تبرع ضمانت کرده است، حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

**ماده ۱۳۴:** ضمانت بخشی از تعهد جایز است، بنابراین هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص برای یک تعهد به نحو تسهیم ضمانت کرده باشند، مضمون له به هریک از آنها فقط به قدر سهم او حق رجوع دارد. هرگاه سهم هریک از ضامنان متعدد تعیین نشده باشد، ظاهر در تساوی است، مگر اینکه شرط خلاف آن شده باشد.

**ماده ۱۳۵:** ضمانت از ضامن جایز است. اما ضامن ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و فقط می‌تواند به مضمون عنه خود رجوع کند.

**ماده ۱۳۶:** ۱- ضمانت مستقل تعهدی است پولی، مستند، لازم و غیر قابل برگشت و مستقل که به موجب آن صادرکننده ضمانتنامه (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون عنه) در برابر ذینفع (مضمون له) و با موافقت او آن را برعهده می‌گیرد.

**تبصره:** مقصود از مستند بودن تعهد، مکتوب بودن آن است اعم از اینکه کاغذی باشد یا الکترونیک، به گونه‌ای که براساس قوانین قابلیت استناد داشته باشد.

۲- ضمانت متقابل: ضمانتی است که بنا به درخواست ضامن برای تضمین بازپرداخت مبالغی که باید طبق شرایط ضمانتنامه توسط او به مضمون له پرداخت شود، توسط مضمون عنه یا به درخواست وی به نفع ضامن صادر می‌شود.

۳- ضامن: شامل ضامن متقابل و همچنین شخص تایید کننده ضمانتنامه نیز می‌شود.

۴- ضامن متقابل: شخصی است که ضمانتنامه متقابل را صادر می‌کند.

۵- تایید کننده: شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه توسط ضامن را تایید و تعهد می‌کند.

**ماده ۱۳۷:** مقررات این فصل در مورد ضمانتنامه‌های متقابل که بر اساس ضمانت مستقل صادر شده باشند، نیز اعمال می‌شود.

**ماده ۱۳۸:** ضمانتنامه‌ای مشمول عنوان ضمانت مستقل و تابع این قانون است که دارای یکی از شرایط زیر باشد:

الف) دو طرف قرارداد آن را تابع مقررات این فصل قرار داده باشند.

ب) دو طرف به طور صریح عنوان ضمانت مستقل را به آن داده باشند.

پ) استنباط عرفی و معقول از متن قرارداد، آن را منطبق با ضمانت مستقل مندرج در این قانون بدانند.

**تبصره:** مفاد قراردادی که با شرایط مذکور در این فصل منعقد شود بر مبنای اهداف ضمانت





مستقل و استحکام بخشیدن به آن تفسیر می شود.

**ماده ۱۳۹:** تعهد ناشی از ضمانت مستقل در مقابل ذینفع، مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادر کننده است. همچنین تعهدات متقابل ذینفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است، مستقل از تعهدات ایجاد شده به وسیله ضمانت مستقل می باشد.

**ماده ۱۴۰:** صدور ضمانتنامه، صادر کننده را نسبت به مفاد آن متعهد می کند. ایراداتی که ممکن است از جهت مشروعیت موضوع یا جهت معامله و امثال آن به قرارداد اصلی وارد شود اعتبار ضمانتنامه را از بین نمی برد.

**تبصره:** ایرادات راجع به اهلیت اشخاص حقیقی قابل استناد است. لیکن ایرادات مربوط به صلاحیت یا اختیارات شخص حقوقی موجود شنیده نمی شود.

**ماده ۱۴۱:** ضمانتنامه مستقل ممکن است به هر شکلی که عموماً "مورد قبول است اعم از کاغذی یا الکترونیکی صادر شود، مشروط بر اینکه مفاد آن به نحو مضبوطی محفوظ بماند. و ممکن است به هر شکلی که صریحاً "مورد توافق صادر کننده و ذینفع باشد صادر شود.

**ماده ۱۴۲:** مفاد ضمانتنامه و اصلاحیه های آن باید شامل موارد زیر باشد:

الف) مشخصات متقاضی (مضمون عنه).

ب) مشخصات صادر کننده (ضامن).

پ) مشخصات ذینفع (مضمون له).

ت) مشخصات قرارداد اصلی که به موجب آن صدور ضمانتنامه ضروری شده است.

ث) مبلغ معین و سقف مبلغ ضمانتنامه که باید پرداخت شود.

ج) تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه یا واقعه ای که به موجب آن اعتبار ضمانتنامه پایان می یابد.

چ) قید شرایط دقیق مطالبه مبلغ ضمانتنامه و اسنادی که باید ارائه شود.

ح) شرایط کاهش مبلغ ضمانتنامه.

**ماده ۱۴۳:** هر شرطی که ماهیت ضمانت مستقل را تغییر دهد بی اثر است.

**ماده ۱۴۴:** ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیر قابل برگشت می باشد و صادر کننده نسبت به مفاد آن متعهد می شود. مگر خلاف آن در ضمانتنامه تصریح شده باشد.

**ماده ۱۴۵:** به محض اینکه ضمانتنامه مستقل از کنترل صادر کننده خارج و برای ذینفع ارسال یا به وی تحویل شود، صادر شده محسوب می شود، مگر آنکه در ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

**ماده ۱۴۶:** به محض صدور ضمانتنامه، ذینفع می تواند با رعایت شرایط مندرج در آن، مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانتنامه زمان یا شرایط خاصی برای مطالبه آن تعیین شده باشد.

**ماده ۱۴۷:** ضمانتنامه مستقل بر اساس شرایطی که برای اصلاح پیش بینی شده و با رعایت ماده ۵

قابل اصلاح است.

**ماده ۱۴۸:** چنانچه ذینفع با اصلاحیه موافقت کرده باشد، از لحظه صدور اصلاحیه ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود. چنانچه ذینفع قبلاً با اصلاحیه موافقت نکرده باشد از لحظه‌ای که صادرکننده ضمانتنامه، اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش اصلاحات توسط ذینفع را دریافت می‌کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می‌شود، مگر آنکه در متن ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

**ماده ۱۴۹:** اصلاح ضمانتنامه نباید تاثیری به زیان متقاضی در حقوق و تکالیف متقاضی یا تاییدکننده داشته باشد مگر اینکه آنان به نحو مضبوطی با اصلاح موافقت کرده باشند.

**ماده ۱۵۰:** ضمانتنامه مستقل به موجب قرارداد یا قانون قابل انتقال است، انتقال بخشی از مبلغ ضمانتنامه باطل است.

**ماده ۱۵۱:** انتقال قراردادی ضمانتنامه مستقل در صورتی ممکن است که در متن آن صریحاً قابل انتقال بودن قید شده باشد. ولی انتقال ضمانتنامه پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانتنامه ممنوع است.

**ماده ۱۵۲:** هر گونه انتقال باید به نحو مضبوط به اطلاع صادر کننده برسد. قبل از وصول اطلاع به نحو مزبور به صادرکننده، انتقال گیرنده حقی بر وی ندارد، در غیر این صورت صادر کننده در مقابل انتقال گیرنده تکلیفی ندارد.

**ماده ۱۵۳:** وجود امضای ذینفع در ذیل ضمانتنامه با تصریح به انتقال آن، به منزله انتقال است.

**ماده ۱۵۴:** هر یک از اطراف ضمانت می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای ضمانت یا اشخاص ثالث رسماً "وکالت دهد. این وکالت نامه ممکن است کاغذی یا به صورت داده پیام مطمئن باشد.

**ماده ۱۵۵:** در انتقال قانونی که به طور قهری یا به حکم دادگاه تجارتي انجام می‌شود، قائم‌مقام‌های قانونی ذینفع، اعم از وارثان متوفی، مدیر تصفیه شخص ورشکسته، قیم محجورین و امثال آن جانشین وی می شوند.

**تبصره:** تحقق مفاد این ماده خللی به تکالیف صادر کننده در مقابل ذینفع یا متقاضی یا انتقال گیرنده ضمانتنامه در مقابل صادر کننده ایجاد نمی کند. در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی صادرکننده و عدم تعیین نماینده قانونی، تقاضای پرداخت از دادستان و ارائه اسناد طبق مقررات این فصل برای وصول مبلغ ضمانتنامه کافی است.

**ماده ۱۵۶:** در صورتی که صادر کننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذینفع به نحو مضبوطی اخطاریه ای مبنی بر انتقال غیر قابل برگشت ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند، و بر اساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به او بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می شود.

**ماده ۱۵۷:** حقوق و تعهدات طرف های ضمانتنامه مستقل تابع شرایط مقرر در ضمانتنامه و مقررات این قانون است.

**ماده ۱۵۸:** تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت حسن نیت و با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذینفع به موارد ذیل است:

الف) تمامی اسناد ارایه شده منطبق با مقررات بوده و هیچ یک از آنها مجعول نمی باشد.  
ب) در باره موضوع و اسناد ارائه شده هیچ پرداختی انجام نشده است.

**ماده ۱۵۹:** تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه و اسناد مندرج در آن باید قبل از انقضای مدت و حداکثر تا روزانقضای مدت اعتبار آن، در محل صدور آن به صادر کننده یا نماینده او ارائه شود، مگر این که در ضمانتنامه طور دیگری مقرر شده باشد.

**تبصره:** انقضای اعتبار ممکن است به تاریخ مشخص باشد یا به تحقق شرایط یا واقعه معینی موکول شود.

**ماده ۱۶۰:** تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه و همچنین تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش بینی شده باشد.

**ماده ۱۶۱:** صادر کننده باید با حسن نیت و با دقت معقول و متعارف تقاضای ذینفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف و از نظر ظاهر، مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه (یا نوع رایج آن اسناد در معاملات تجاری) را حداکثر یک هفته در روابط داخلی و حداکثر یک ماه در روابط بین المللی احراز و تعهد خود را ایفا کند.

**تبصره:** تعهد صادر کننده عبارت از تادیه مبلغی است که ممکن است به طور نقدی پرداخت شود یا از طریق صدور حواله به دستور ذینفع، قبول و پرداخت برات و امثال آن ایفا شود.

**ماده ۱۶۲:** مغایرت اسناد ارائه شده با شرایط قرارداد یا اسناد نمونه متداول، در روابط داخلی و در روابط بین المللی ظرف ۲ روز باید به اطلاع ذینفع یا نماینده او برسد. همچنین صادر کننده موظف است به سریع ترین وسیله و به نحو مضبوطی اصل اسناد را به ذینفع مسترد کند و دلیل رد آنها را به وی اطلاع دهد.

**ماده ۱۶۳:** قبول هیچ یک از اسناد توسط صادر کننده نباید منوط به امضا یا تایید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث شود.

**ماده ۱۶۴:** در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول بوده یا وقوع جرمی بر روی آنها محرز باشد، اسناد باید به مراجع ذیصلاح قانونی تسلیم شوند.

**ماده ۱۶۵:** در صورتی که صادر کننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذینفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران تمامی خسارات وارده به ذینفع و متقاضی می باشد.

**ماده ۱۶۶:** در صورتی که صادر کننده مبلغ ضمانتنامه را مطابق مقررات و شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی صدور ضمانتنامه ملزم به باز پرداخت مبلغ مزبور و سایر هزینه‌ها به صادرکننده می باشد.

مبالغی که باید بازپرداخت شود عبارتند از:

- ۱- مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذینفع پرداخت شده است.
- ۲- درصدی از مبلغ ضمانت که ممکن است به عنوان کارمزد تعیین شده باشد.
- ۳- هزینه های ناشی از پرداخت به ذینفع و وصول آن از متقاضی.
- ۴- سایر هزینه ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه متحمل شده است.

**تبصره:** مفاد بند ۴ راجع به مطالبه خسارات، مانع از اجرای توافق دو طرف مبنی بر تعیین خسارت مقطوع نمی باشد.

**ماده ۱۶۷:** در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه، صادر کننده ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) ضمانتنامه می باشد.

**تبصره ۱:** عبارت نسخه جایگزین باید در متن ضمانتنامه اخیر درج شود.

**تبصره ۲:** در صورتی که یکی از موارد فوق پس از تحقق شرایط مطالبه مبلغ ضمانتنامه و قبل از تقاضای پرداخت آن حادث شود، صادر کننده می تواند صدور نسخه جایگزین ضمانتنامه را موکول به سپردن تامین متناسب تا انقضای اعتبار ضمانتنامه از جانب متقاضی صدور نسخه جایگزین کند.

**ماده ۱۶۸:** هرکس از ضمانتنامه سوءاستفاده کند، متناسب با عمل ارتكابی، به جزای نقدی حداکثر تا مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان دیده که از دو برابرمبلغ ضمانتنامه بیشتر نخواهد بود، محکوم می شود

**ماده ۱۶۹:** در صورت توقیف یا تأمین مبلغ ضمانتنامه توسط مراجع ذیصلاح قضائی، صادر کننده موظف است پس از تحقق شرایط پرداخت و ارائه اسناد مورد نیاز با رعایت مقررات این قانون، طبق دستور مرجع مذکور عمل کند.

**ماده ۱۷۰:** ذینفع در موارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه را ندارد:

- الف) چنانچه قبلاً" به نحو مضبوطی صادر کننده را از پرداخت معاف کرده باشد.
- ب) چنانچه ذینفع و صادر کننده به نحو مضبوطی ضمانت را فسخ نموده باشند.

ج) مبلغ ضمانتنامه پرداخت شده باشد.

د) دوره اعتبار ضمانتنامه طبق ماده ۱۷۱ منقضی شده باشد.

**تبصره:** وجود ضمانتنامه نزد صادرکننده به منزله براءت وی می‌باشد، مگر اینکه اثبات شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن در اختیار صادرکننده قرار گرفته است.

**ماده ۱۷۱:** مدت اعتبار ضمانتنامه مستقل در موارد ذیل منقضی می‌شود:

الف) با انقضای تاریخ تعیین شده در ضمانتنامه یا آخرین روز مهلت مندرج در آن.

چنانچه تاریخ انقضای مدت ضمانتنامه مصادف با تعطیل رسمی در محل پرداخت آن باشد، مدت اعتبار ضمانتنامه با پایان اولین روز کاری پس از تاریخ مزبور، منقضی می‌شود.

ب) در صورتی که انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه به تحقق شرایط یا واقعه معینی موکول شده باشد، پس از وصول گواهی یا اسناد مربوط به تحقق آن به صادر کننده، مدت اعتبار ضمانتنامه منقضی می‌شود.

ج) چنانچه در مورد انقضای مدت در ضمانتنامه سکوت اختیار شده باشد، پنج سال پس از تاریخ صدور ضمانتنامه اعتبار آن منقضی می‌شود

## باب پنجم: اسناد تجاری

### فصل اول: چک

**ماده ۱۷۲:** چک سندی است که به موجب آن صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت یا به دیگری واگذار می‌کند.

**ماده ۱۷۳:** چک علاوه بر امضا یا مهر و امضاء باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- قید کلمه چک.
- ۲- دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی معین با حروف و عدد.
- ۳- نام بانک محال علیه.
- ۴- نام صاحب حساب.
- ۵- نشانی محل پرداخت.
- ۶- تاریخ صدور.
- ۷- محل صدور،
- ۸- شماره حساب صادرکننده چک.

**ماده ۱۷۴:** در صورتی که چک متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده ۱۷۳ نباشد جز در موارد زیر مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود:

- ۱- در صورت قید نشدن محل پرداخت، مکانی که کنار نام بانک محال علیه نوشته شده است، محل پرداخت خواهد بود در غیر این صورت نیز مرکز اصلی بانک محال علیه محل پرداخت محسوب خواهد شد.
- ۲- چنانچه محل صدور چک ذکر نشده باشد محل تأدیه، محل صدور محسوب خواهد شد.

**ماده ۱۷۵:** چنانچه تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور، موخر بر تاریخ واقعی صدور باشد اعتبار چک را دارد. با این حال، مسئولین سند از حیث رعایت مهلت ارایه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند.

**ماده ۱۷۶:** انواع چک عبارتست از:

- ۱- چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر می‌کنند.
- ۲- چک تأیید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تعهد شده است.
- ۳- تعهد صادره از سوی بانک می‌تواند قبل و یا بعد از صدور و همچنین شامل کل مبلغ یا جزیی از آن باشد.

۴- چک پول، چکی است که به تقاضای اشخاص توسط بانک در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط کارگزاران آن پرداخت می‌شود از قبیل چک مسافرتی ، ...

**تبصره:** هریک از انواع چک‌های مذکور می‌تواند بصورت الکترونیکی باشد که براساس قوانین مربوط صادر می‌شود.

**ماده ۱۷۷:** هرگاه در متن چک، پرداخت آن منوط به تحقق شرطی شده باشد، مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود. با این حال، بانک مکلف است وجه آنرا پرداخت کند.

**ماده ۱۷۸:** صدور چک در صورت بسته بودن حساب بانکی موجب سلب اعتبار سند به عنوان چک نمی‌شود.

**ماده ۱۷۹:** چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا حواله کرد شخص معین باشد. چک فاقد نام ذینفع، در وجه حامل تلقی می‌شود.

چنانچه در چک صادره در وجه شخص معین کلمه «حامل» نیز قید شده باشد، چک در وجه حامل تلقی می‌شود.

**ماده ۱۸۰:** بانک گشاینده حساب جاری یا صادرکننده چک می‌تواند با درج عبارت «واریز به حساب» یا عبارت مشابه در متن چک پرداخت نقدی آن را منع کند، در این صورت وجه چنین چکی فقط قابل واریز به یک حساب بانکی خواهد بود.

چنانچه چک در وجه شخص معین، صادرکننده به حساب معینی در متن چک تصریح کند وجه چک فقط قابل واریز به همان حساب است.

**ماده ۱۸۱:** اگر مبلغ چک بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است.

**ماده ۱۸۲:** در صورتی که چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاکننده یا امضاکنندگان و صاحب حساب متضامنا مسئول عدم پرداخت هستند مگر اینکه:

۱- نماینده ثابت کند در حدود قانون و اختیارات مبادرت به امضا یا مهر و امضای چک کرده و عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی او است و در متن چک سمت





امضا کننده آشکار باشد. در این صورت فقط صاحب حساب و نماینده بعدی دارای مسئولیت تضامنی خواهند بود.

۲- صاحب حساب ثابت کند که چک بدون اختیار یا فراتر از حدود اختیارامضا یا مهر و امضا شده است و اعماد به اختیار امضاکننده یا امضا کنندگان دارای مسئولیت تضامنی خواهند بود.

**ماده ۱۸۳:** اگر چک هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای ۲، ۳، ۴، ۶ و ۷ ماده ۱۷۳ باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را خواهد داشت. در این صورت:  
الف) صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب) اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضا یا مهر و امضا کرده‌اند در حدود مفاد چک در برابر دارندگان بعدی مسئولیت دارند.

**ماده ۱۸۴:** انتقال چک به حواله‌کرد شخص معین به وسیله ظهرنویسی و تسلیم سند به عمل می‌آید.

**ماده ۱۸۵:** ظهرنویسی چکی که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده است انتقال عادی محسوب می‌شود و وجه چک صرفاً قابل واریز به حساب بانکی دارنده خواهد بود.

**ماده ۱۸۶:** انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی‌اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است استناد کند.

**ماده ۱۸۷:** ظهرنویسی چک با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت چک محقق می‌شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که چک به نام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیر این صورت دارنده چک مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

**ماده ۱۸۸:** چک در وجه حامل، می‌تواند بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض به غیر انتقال یابد.

چک متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است.

**ماده ۱۸۹:** در موردی که چک در وجه حامل با ظهرنویسی در وجه شخص معین انتقال می‌یابد همچنان چک در وجه حامل محسوب می‌شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسئولیت است.

**ماده ۱۹۰:** ظهرنویس می‌تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب شده و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۸۵ می‌شود.

**ماده ۱۹۱:** هرگاه در ظهر نویسی عامداً تاریخ مقدماتی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهرنویس‌های ما قبل خود و دارندهٔ چک، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ چک محکوم خواهد شد.

**ماده ۱۹۲:** ظهرنویسی حاکی از انتقال چک است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال چک واقع نمی‌شود اما وکیل اختیار وصول، واخواست کردن و مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

**ماده ۱۹۳:** وکالت در وصول چک شرح ماده ۱۹۲ با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی‌شود.

**ماده ۱۹۴:** چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد این شرط برای بانک بلااثر و ظهرنویسی معتبر است ظهرنویسی جزئی از مبلغ چک باطل است. تبصره: شرط فوق برای محاکم قابل استماع است.

**ماده ۱۹۵:** ظهرنویسی چک پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست نامه انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۸۵ است.

**ماده ۱۹۶:** ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.

**ماده ۱۹۷:** ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضا یا مهر و امضای ضامن توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می‌شود. صرف درج نام، نشانی و امضا یا مهر و امضاء پشت چک، ظهرنویسی برای انتقال محسوب می‌شود مگر اینکه ذینفع خلاف آن را ثابت کند.

**ماده ۱۹۸:** ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسئولیت تضامنی دارد. به هر حال مسئولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده چک می‌تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

**ماده ۱۹۹:** مسئولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

**ماده ۲۰۰:** ضامن، در صورت پرداخت مبلغ چک، از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون‌عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسئولیت دارند، برخوردار است.

**ماده ۲۰۱:** وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود، هرچند تاریخ مؤخری به عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

**ماده ۲۰۲:** چنانچه دارنده چک ظرف دو ماه از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نکند، دعوای او بر ظهرونیسان مسموع نیست. و اگر وجه چک به سببی که مربوط به بانک است از بین برود دعوای دارنده چک بر صادرکننده نیز مسموع نیست. تسلیم چک به بانک به عنوان وکیل در وصول به منزله ارایه آن جهت مطالبه است.

**ماده ۲۰۳:** اگر آخرین روز مهلت، تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده ۲۰۲ افزوده می‌شود.

**ماده ۲۰۴:** چنانچه صادرکننده چک فوت کند یا محجور شود این امر مؤثر در اعتبار چک‌های صادر شده نیست. بانک، در صورت آگاهی از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده یا بازداشت حساب از سوی مراجع قضایی، ممنوع از پرداخت و مکلف به صدور گواهینامه عدم پرداخت با ذکر علت است.

**ماده ۲۰۵:** بانک پرداخت کننده چک، مکلف است در حد عرف بانکاری امضا یا مهر و امضای آن را با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده تطبیق دهد.

**ماده ۲۰۶:** انقضای مواعد مندرج در این قانون، مانع پرداخت وجه چک (در صورت وجود موجودی) یا صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک نیست.

**ماده ۲۰۷:** هرگاه وجه چک پرداخت نشود بانک مکلف است گواهینامه‌ای با محتویات زیر صادر و به دارنده تسلیم کند:

۱- مشخصات کامل چک.

۲- هویت و نشانی کامل صادرکننده.

۳- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت یا تصریح به کفایت موجودی.

۴- تاریخ ارایه چک به بانک.

۵- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضا یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضا یا مهر و امضای موجود در بانک.

۶- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک.

۷- علت یا علل عدم پرداخت.

در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک مکلف است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت کند و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

**تبصره:** هر جا که در قوانین و مقررات دیگر وخواست اسناد تجاری پیش‌بینی شده است گواهینامه عدم پرداخت چک به منزله وخواست نامه تلقی می‌شود.

**ماده ۲۰۸:** بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه و عدم پرداخت یا صدور نادرست یا نقص آن است.

**ماده ۲۰۹:** بانک مکلف است رونوشت گواهینامه مذکور در ماده ۲۰۷ را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

**ماده ۲۱۰:** در صورت خودداری بانک از صدور گواهینامه مذکور در ماده ۲۰۷، دارنده چک می‌تواند از طریق مرجع قضایی مبادرت به وخواست کند. وخواست نامه باید متضمن مشخصات کامل پشت و روی چک و مشخصات دارنده چک باشد. مامور ابلاغ با مراجعه به بانک، علل عدم پرداخت وجه چک و همچنین علل امتناع از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا امتناع از امضا یا مهر و امضای وخواست نامه توسط بانک را در وخواست نامه قید و امضا یا مهر و امضا می‌کند.

**ماده ۲۱۱:** صادرکننده یا صادرکنندگان، ظهورنویس‌ها و بانک تایید کننده یا تضمین کننده در مقابل دارنده چک مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده چک در صورت عدم تادیه می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعا رجوع کند.

همین حق را هریک از ظهورنویس‌ها نسبت به صادرکننده و ظهورنویس‌های ما قبل خود دارد. اقامه دعوا بر یک یا چند تن از مسئولان موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان چک نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهورنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

**ماده ۲۱۲:** در اجرای ماده ۲۱۱، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که چک را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی‌شود.

**ماده ۲۱۳:** ظهورنویس می‌تواند، با تصریح به عدم مسئولیت در ضمن ظهورنویسی، خود را از قید مسئولیت‌های مقرر در ماده ۲۱۱ معاف دارد.

**ماده ۲۱۴:** دارنده چکی که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت یا وخواست نامه شده باشد باید مراتب را ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول گواهینامه یا وخواست نامه به طریق مضبوطی به شخصی که چک را به او واگذار نموده ابلاغ کند.

هریک از ظهرنویس‌ها نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق به طریق مضبوطی به ید ما قبل خود ابلاغ کند در غیر این صورت مسئول جبران خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.  
تبصره: عدم اطلاع صادرکننده و یا ظهرنویسان از عدم پرداخت وجه چک رافع مسئولیت‌های موضوع ماده ۲۱۱ در برابر دارنده نیست.

**ماده ۲۱۵:** دارنده چک، علاوه بر مبلغ تأدیه نشده چک، می‌تواند ارقام زیر را از مسئولین سند مطالبه کند:

- ۱- خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه چک تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تأدیه نشده. چنانچه موجودی صادرکننده در بانک کافی نباشد، خسارت تأخیر تأدیه فقط به کسری موجودی تعلق می‌گیرد حتی اگر دارنده موجودی را مطالبه نکرده باشد.
- ۲- هزینه و اخوانست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حقالوکاله و هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

تبصره: خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود و تعیین می‌گردد. به هر حال خسارت تأخیر نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

**ماده ۲۱۶:** هر یک از مسئولین تأدیه چک می‌تواند، پرداخت را به تسلیم چک و اخوانست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورت‌حساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.

**ماده ۲۱۷:** اگر مبلغ چک به حکم قانون نزد بانک محال‌علیه توقیف شده باشد در این صورت نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

**ماده ۲۱۸:** در صورت اقامه دعوا، دادگاه تجارتي مکلف است، با تقاضای دارنده چکی که به علت اخوانست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تأدیه نشده است معادل وجه چک را از اموال خوانده یا خواندگان تامین کند.

**ماده ۲۱۹:** دادگاه تجارتي نمی‌تواند بدون رضایت صاحب چک برای تأدیه وجه آن مهلت دهد.

**ماده ۲۲۰:** اگر دارنده چک بخواهد از حقی که ماده ۲۱۱ برای او مقرر داشته است استفاده کند باید ظرف یکسال از تاریخ اخوانست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند. هر یک از ظهرنویس‌ها که بخواهد از حقی که در ماده ۲۱۱ به او داده شده است استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوا کند و نسبت به او موعود از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتي محسوب است و اگر وجه چک را بدون اینکه علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه کند از فردای روز تأدیه محسوب می‌شود.

**ماده ۲۲۱:** پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق، دعوای دارنده چک بر ظهرنویس‌ها و همچنین دعوای هر یک از ظهرنویس‌ها بر ظهرنویس سابق خود مسموع نیست.

**ماده ۲۲۲:** دعاوی راجع به چک، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجارتي در محاکم مسموع نخواهد بود.  
تبصره: مواعد مذکور در ماده ۲۲۰ از شمول این ماده مستثنی است.

**ماده ۲۲۳:** مالک چک مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۲۰۷ باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

**ماده ۲۲۴:** مالک چک مفقود در صورت عدم توافق با صادرکننده می تواند با اثبات مالکیت خویش بر چک و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت ۳ سال به تشخیص دادگاه تجارتي، الزام صادر کننده را به پرداخت وجه آن بخواهد. چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ چک به صندوق دادگستری است. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.  
دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

**ماده ۲۲۵:** مسئولین چک ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که در خصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. در غیر این صورت، ضامن خسارت وارده اند.

**ماده ۲۲۶:** مبدأ محاسبه خسارت تأدیه برای دارنده چک مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

**ماده ۲۲۷:** در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسئولان چک صادر شود، دارنده چک می تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ چک، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای مبلغی که به دارنده چک پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده چک تخصیص می یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می شود که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.  
تبصره ۱: در هر حال، دارنده چک نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

**تبصره ۲:** مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند رعایت می شود.

**ماده ۲۲۸:** دارندهٔ چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن، می‌تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک را به همراه خسارات تأدیه از صادرکننده وصول کند، برای صدور اجراییه، دارندهٔ چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در مادهٔ ۲۰۷ را به اجرای ثبت اسناد محل تأدیهٔ وجه چک یا محل اقامت صادرکننده تسلیم کند. در صورت دریافت جزئی از مبلغ چک از بانک، ارایه گواهینامه عدم پرداخت کافی است. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضا یا مهر و امضای چک با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

**ماده ۲۲۹:** در صورت مطالبه وجه چک از طریق اجراء ثبت، اجرائیه فقط علیه صاحب حساب صادر خواهد شد.

**ماده ۲۳۰:** صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید به عمد چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به دلیل عدم مطابقت امضا یا مهر و امضاء، قلم خوردگی در متن چک و اختلاف در مندرجات چک، از پرداخت وجه چک خودداری کند.

**ماده ۲۳۱:** مجازات متخلف از هر یک از احکام ماده ۲۳۰ به قرار زیر است:

الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به حبس تا شش ماه و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال و بر حسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم می‌شود.

**تبصره ۱:** در صورتی که صادر کننده چک اقدام به صدور چک‌های بلامحل نموده باشد. مجموع مبالغ مندرج چک‌ها ملاک عمل است.

**تبصره ۲:** دادگاه تجارتي می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مطابق مقررات مجازات اسلامی تخفیف قائل شود.

**ماده ۲۳۲:** هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود، مبادرت به صدور چک کند، به حداکثر

مجازات مندرج در بندهای ماده ۲۳۱ حسب مورد محکوم خواهد شد.

**ماده ۲۳۳:** در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

**ماده ۲۳۴:** هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم آورد یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه، رسیدگی و حکم صادرکند. محکوم علیه، ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک چهارم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

**ماده ۲۳۵:** هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم علیه به ترتیب مذکور در ماده ۲۳۴ موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک دوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصره: دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف برای وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تجارتي تقاضا کند، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه تجارتي صادرکننده حکم تقدیم کند.

**ماده ۲۳۶:** جرایم مذکور در ماده ۲۳۱ بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست، در صورتی که دارنده چک تا ۹۰ روز از تاریخ مندرج چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه (۱۸۰ روز) از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.



منظور از دارندهٔ چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محض مراجعهٔ دارندهٔ چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید کنند.

**ماده ۲۳۷:** شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت چک به وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آنکه انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

در صورتی که دارندهٔ چک بخواهد چک را به وسیلهٔ شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را، با تصریح به نمایندگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. در این صورت، بانک گواهینامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ می‌ماند.

**ماده ۲۳۸:** در موارد زیر صادر کننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

- ۱- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.
- ۲- هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
- ۳- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
- ۴- در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده است.

**ماده ۲۳۹:** صادر کننده چک یا دارندهٔ یا قائم مقام قانونی آنها، با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده است می‌تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک به بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر می‌کند. دارندهٔ چک می‌تواند علیه شخصی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هر گاه ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت نشود، در صورت اثبات سوء نیت دستور دهنده به مجازات مقرر در ماده ۲۳۱ این قانون محکوم خواهد شد.

**تبصره ۱:** دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک، حداکثر ظرف مدت یک هفته برای اخذ دستور موقت به مرجع قضایی مراجعه و گواهی آن را به بانک ارائه کند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارندهٔ چک وجه آن را پرداخت می‌کند. در مورد چک مفقودی لازم است مراتب به اطلاع مراجع انتظامی برسد.

**تبصره ۲:** در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری کند.

**تبصره ۳:** پرداخت چک‌هایی را که بانک‌ها عهده خود صادر می‌کنند، به استثناء چک‌هایی که بانک‌ها در وجه شخص معین، عهده خود صادر کرده‌اند و مفقود شده است، نمی‌توان متوقف کرد، مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعایی جعل کند، در هر حال دادگاه تجارتي می‌تواند دستور توقف را صادر کند.

**تبصره ۴:** جز در موارد مقرر در این ماده یا امر دادگاه تجارتي، بانک به دستور عدم پرداخت ترتیب اثر نمی‌دهد.

**ماده ۲۴۰:** وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

**ماده ۲۴۱:** در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت کند عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

**ماده ۲۴۲:** در صورتی که به متهم دسترسی نباشد، ابلاغ به آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه به عمل می‌آید. هرگاه متهم در این نشانی شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد، گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

**ماده ۲۴۳:** بانک مکلف است نسبت به صحت هویت صاحب حساب، صحت نشانی یا نشانی‌های صاحب حساب و شغل صاحب حساب دقت متعارف را اعمال کند در غیر این صورت ضامن خسارات وارد به دارنده چک خواهد بود.

**ماده ۲۴۴:** بانک مکلف است در قرارداد افتتاح حساب جاری با مشتریان، تمهیدات لازم را برای حصول اطمینان از استرداد اوراق دسته چک داده شده به مشتری، پس از بسته شدن حساب وی پیش‌بینی کند.

**ماده ۲۴۵:** بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده‌اند و تعقیب آنها منتهی به محکومیت قطعی شده است، مسدود سازند و تا ۳ سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نکنند.

**ماده ۲۴۶:** بانک ضامن زیان‌های ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به چک، در برابر دارندهٔ چک است.

**ماده ۲۴۷:** بانک‌ها مکلف‌اند ضمن انتشار فهرست شماره‌های حساب‌های جاری مسدود شده، امکان دسترسی اشخاص به فهرست را فراهم کنند.

**ماده ۲۴۸:** بانک‌ها مکلف‌اند هنگام صدور گواهی نامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون، نسخه‌ای از آن را برای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال کنند.

**ماده ۲۴۹:** بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بی‌محل کرده‌اند و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت یا واخواست شده است، به صورت روزآمد، مرتب و منظم، ضبط و نگهداری کنند و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانک‌های کشور قرار دهد.

سوابق و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص مذکور از افتتاح حساب جاری و نحوه دسترسی اشخاص ذینفع به اطلاعات در این خصوص و پاسخ به استعلام از بانک‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد بانک مرکزی و تایید شورای پول و اعتبار به تصویب هیات وزیران می‌رسد، تعیین می‌شود.

**ماده ۲۵۰:** چنانچه بانک‌ها به تکلیف مقرر در مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تکلیف ماده ۲۴۹ عمل نکنند، علاوه بر اعمال ضمانت اجرای مقرر در قانون پولی و بانکی، حسب مورد مسئول جبران خسارات وارده نیز خواهند بود.

---

## فصل دوم: سفته

---

**ماده ۲۵۱:** سفته سندی است که به موجب آن شخصی بدون قید و شرط تعهد می‌کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل، شخص معین و یا به حواله کرد او پرداخت کند.

**ماده ۲۵۲:** سفته علاوه بر نام و امضا یا مهر و امضای متعهد باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- قید کلمه «سفته»

۲- تاریخ و محل صدور

۳- مبلغی که باید تأدیه شود با حروف

۴- گیرنده وجه

۵- تاریخ پرداخت

۶- نشانی کامل محل پرداخت

**ماده ۲۵۳:** در صورتی که سفته متضمن یکی از مشخصات مقرر در مواد ۲۵۱ و ۲۵۲ نباشد مشمول مقررات راجع به سفته نخواهد بود، مگر در موارد زیر:

۱- اگر گیرنده وجه قید نگردد، سفته در وجه حامل محسوب است.

۲- اگر سررسید درج نشود، سفته عندالمطالبه محسوب است.

۳- اگر محل صدور درج نگردد، محل تأدیه، محل صدور محسوب است.

**ماده ۲۵۴:** چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه سفته از محل حساب جاری یا حساب پس‌انداز یا هر نوع حساب دیگری پرداخت می‌شود، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل تأدیه در سفته درج شود.

**ماده ۲۵۵:** اگر مبلغ سفته بیش از یک بار به حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

**ماده ۲۵۶:** سفته ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این صورت اگر امضا کننده سمت خویش را در متن سفته قید نکند با دستور دهنده مسئولیت تضامنی دارد و اگر فراتر از حدود اختیار یا بدون اختیار عمل کند، شخصاً مسئول است.

**ماده ۲۵۷:** اگر سفته هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای ۳، ۴، ۵، و ۶ ماده ۲۵۲ باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته، را خواهد داشت. در این صورت:  
الف) صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب) اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضا یا مهر و امضا کرده‌اند در حدود مفاد سفته در برابر دارندگان بعدی مسئولیت دارند.»

**ماده ۲۵۸:** سفته ممکن است عندالمطالبه باشد یا به وعده از مطالبه یا به وعده از تاریخ صدور.

پرداخت سفته ممکن است به روز معینی موکول شود.

**ماده ۲۵۹:** موعد پرداخت سفته‌ای که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از مطالبه وعده دارد به وسیله امضا یا مهر و امضای مجدد صادرکننده در روی سفته توأم با درج تاریخ مطالبه معین می‌شود. در صورت استنکاف صادرکننده از امضا یا مهر و امضای مجدد، رعایت تشریفات مقرر در ماده ۳۰۲ به منزله مطالبه خواهد بود.

**ماده ۲۶۰:** اگر موعد پرداخت سفته با تعطیل رسمی تصادف کند، باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود.

**ماده ۲۶۱:** در سفته ای که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا مطالبه تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه می‌شود.

**ماده ۲۶۲:** انتقال سفته به حواله کرد شخص معین به وسیلهً ظهنویسی و تسلیم سند به عمل می‌آید.

**ماده ۲۶۳:** ظهنویسی سفته با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت سفته محقق می‌شود. ممکن است در ظهنویسی نام شخصی که سفته به نام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیر این صورت دارنده سفته مجاز به تکمیل ظهنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

**ماده ۲۶۴:** ظهنویسی سفته‌ای که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می‌شود. در موردی که بانک به عنوان محل تأدیه معین شده است وجه سفته فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

**ماده ۲۶۵:** انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است استناد کند.

**ماده ۲۶۶:** سفته در وجه حامل، بدون ظهنویسی و صرفاً با قبض و اقباض قابل به غیر انتقال یابد. سفته متضمن ظهنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهنویسی قابل نقل و انتقال است.

اگر سفته در وجه حامل بنام شخص معین ظهنویسی شود همچنان سفته در وجه حامل محسوب می‌شود اما ظهنویس برابر مقررات این قانون دارای مسئولیت خواهد بود

**ماده ۲۶۷:** ظهنویس می‌تواند ظهنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۲۶۳ است.

**ماده ۲۶۸:** هرگاه در ظهنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارده به ظهنویس‌های ما قبل خود و دارنده سفته، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ سفته محکوم خواهد شد.

**ماده ۲۶۹:** ظهنویسی حاکی از انتقال سفته است مگر اینکه ظهنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال سفته واقع نمی‌شود اما وکیل حق واخواست یا مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

**ماده ۲۷۰:** وکالت در وصول سفته شرح ماده ۲۶۹ با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی شود.

**ماده ۲۷۱:** ظهر نویسی سفته پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست نامه، انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۲۶۳ می شود.

**ماده ۲۷۲:** چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ یک از مسئولین سند نمی تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسئولیت خویش خودداری کند. لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است. ظهرنویسی جزئی از مبلغ سفته باطل است.

**ماده ۲۷۳:** ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ سفته ضمانت شود.

**ماده ۲۷۴:** ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضای ضامن و درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود. در صورت عدم ذکر نام مضمون عنه، ضمانت به نفع صادرکننده محسوب است.

**ماده ۲۷۵:** ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسئولیت تضامنی دارد. به هر حال مسئولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده سفته می تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

**ماده ۲۷۶:** مسئولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

**ماده ۲۷۷:** ضامن در صورت پرداخت مبلغ سفته از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که نسبت به شخص اخیر در سفته مسئولیت دارند، برخوردار خواهد بود.

**ماده ۲۷۸:** سفته به وعده از مطالبه یا صدور باید روز آخر وعده پرداخت شود.

**ماده ۲۷۹:** روز رویت در سفته ای که به وعده از مطالبه است و روز صدور سفته در سفته هایی که به وعده از تاریخ صدور است، حساب نمی شود.

**ماده ۲۸۰:** شخصی که وجه سفته را قبل از موعد می پردازد در مقابل اشخاصی که نسبت به سفته حقی دارند مسئول است.

**ماده ۲۸۱:** دارنده سفته را نمی توان به دریافت پیش از موعد مبلغ سفته اجبار کرد.

**ماده ۲۸۲:** چنانچه وجه سفته قانوناً نزد صادر کننده توقیف شده باشد، صادر کننده نباید وجه سفته را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

**ماده ۲۸۳:** اگر جزیی از مبلغ سفته پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه سفته می تواند به مسئولان سند رجوع کند. در صورت پرداخت جزیی از مبلغ سفته پرداخت کننده می تواند پرداخت را موکول به درج آن در پشت سفته با امضا یا مهر و امضا دریافت کننده، ارائه رسید، تصویر مصدق پشت و روی سفته کند.

**ماده ۲۸۴:** دادگاه تجارتي نمی تواند بدون رضایت صاحب سفته برای تأدیه وجه آن مهلت دهد.

**ماده ۲۸۵:** صادرکننده یا صادرکنندگان و ظهرنویسها در مقابل دارنده سفته مسئولیت تضامنی دارند. دارنده سفته در صورت عدم تأدیه می تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعا رجوع کند. همین حق را هریک از ظهرنویسها نسبت به صادرکننده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

طرح دعوا بر یک یا چند تن از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایرین نیست. دارنده ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

**ماده ۲۸۶:** در اجرای ماده ۲۸۵، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که سفته را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی شود.

**ماده ۲۸۷:** ظهرنویس می تواند با تصریح به عدم مسئولیت مقرر در ماده ۲۸۵ ضمن ظهرنویسی، خود را از این قید معاف دارد.

**ماده ۲۸۸:** دارنده سفته علاوه بر مبلغ تأدیه نشده سفته می تواند ارقام زیر را نیز از مسئولین سند مطالبه کند:

۱- خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه سفته تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تأدیه نشده.

۲- هزینه وخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

**تبصره:** خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود. به هر حال خسارت تأخیر تأدیه نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

**ماده ۲۸۹:** هریک از مسئولین تأدیه سفته می تواند پرداخت را به تسلیم سفته و وخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

**ماده ۲۹۰:** مالک سفته مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهار نامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۳۰۳ باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

**ماده ۲۹۱:** مالک سفته مفقود، در صورت عدم توافق با صادرکننده، می تواند با اثبات مالکیت خویش بر سفته و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتي الزام صادر کننده را به پرداخت وجه آن بخواهد. چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ سفته به صندوق دادگستری است.

دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ سفته، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

**ماده ۲۹۲:** مسئولین سفته ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که در خصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. در غیر این صورت ضامن خسارت وارده خواهند بود.

**ماده ۲۹۳:** مبدأ محاسبه خسارت تأدیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

**ماده ۲۹۴:** نسبت به سفته هایی که وجه آن باید به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود دارنده سفته مکلف است پرداخت یا مطالبه آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور سفته تقاضا کند و الا حق رجوع به ظهنویسان را نخواهد داشت.

**ماده ۲۹۵:** دارنده سفته باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ سررسید وجه آن را مطالبه کند، در غیر این صورت، دعوای او بر ظهنویسان مسموع نیست.

**ماده ۲۹۶:** اگر روز پانزدهم تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده قبل افزوده می شود.

**ماده ۲۹۷:** در مورد مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ تاریخ تقاضای و اخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت رعایت مهلت های مذکور را ثابت می کند.

**ماده ۲۹۸:** در صورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی که رفع آن از حیطة اختیار دارنده خارج است، ارایه سفته برای پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیرقابل پیش بینی



افزایش می‌یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه سفته برای قبولی یا پرداخت و در صورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

**ماده ۲۹۹:** در خصوص ماده ۲۹۸ دارنده مکلف است در اولین فرصت ممکن، وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی را به طریق مضبوطی به ظهرونیس ماقبل خود اطلاع دهد وگرنه حق مراجعه به ظهرونیسان ماقبل خود و صادرکننده را نخواهد داشت.

**ماده ۳۰۰:** دارنده سفته‌ای که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا واخواست نامه شده باشد باید مراتب را ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول گواهینامه یا واخواست نامه به طریق مضبوطی به شخصی که سفته را به او واگذار نموده ابلاغ کند. هریک از ظهرونیسان نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق مراتب را به طریق مضبوطی به ید ماقبل خود ابلاغ کند در غیر این صورت مسئول خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

**ماده ۳۰۱:** در صورت اقامه دعوی دادگاه تجارتي مکلف است به مجرد تقاضای دارنده سفته ای که به علت واخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تأدیه نشده باشد معادل وجه سفته را از امول خوانده یا خواندگان به عنوان تامین توقیف کند.

**ماده ۳۰۲:** رایه سفته و عدم تأدیه وجه آن از طریق واخواست یا گواهینامه عدم پرداخت ثابت می‌شود. در صورت فوت و ورشکستگی صادرکننده، دارنده از تکلیف فوق معاف خواهد بود. همین حکم در موردی نیز که صادرکننده سفته قبل از موعد سفته ورشکسته شود جاری خواهد بود.

**ماده ۳۰۳:** واخواست نامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور و دفاتر دادگاه‌های تجارتي طبق مقررات به محل پرداخت سفته ابلاغ می‌شود و باید مراتب ذیل را دارا باشد:

- ۱- رونوشت کامل سفته با تمام مندرجات سفته اعم از مشخصات ضامن، ظهرونیس و غیره و یا تصویر آن.
- ۲- تقاضای تأدیه وجه سفته.

**ماده ۳۰۴:** چنانچه بانک محل تأدیه سفته باشد بانک مکلف است در صورت عدم پرداخت، گواهینامه‌ای با محتویات زیر صادر نموده و به دارنده سفته تسلیم کند:

- ۱- مشخصات کامل سفته
- ۲- هویت و نشانی کامل صادرکننده.
- ۳- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی.
- ۴- تاریخ ارائه سفته به بانک.
- ۵- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضا یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضا یا مهر و امضا موجود در بانک.
- ۶- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده سفته.
- ۷- علت یا علل عدم پرداخت

در صورتی که موجودی حساب صادرکننده سفته نزد بانک کمتر از مبلغ سفته باشد. بانک مکلف است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت سفته پرداخت کند و گواهی‌نامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر نماید. گواهی‌نامه بانک در این مورد برای دارنده سفته جانشین اصل سفته خواهد بود.

**ماده ۳۰۵:** بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

**ماده ۳۰۶:** بانک مکلف است گواهی‌نامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

**ماده ۳۰۷:** اگر دارنده سفته بخواهد از حقی که ماده ۲۸۵ برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف یکسال از تاریخ وخواست یا صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند. هریک از ظهرنویس‌ها که بخواهد از حقی که در ماده ۲۸۵ به او داده شده استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجاری محسوب است و اگر وجه سفته را بدون اینکه علیه او اقامه دعوا شده باشد تأدیه کند از فردای روز تأدیه محسوب است.

**ماده ۳۰۸:** پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق دعوی دارنده سفته علیه ظهرنویس‌ها و همچنین دعوی هریک از ظهرنویس‌ها بر ظهرنویس سابق خود مسموع نخواهد بود.

**ماده ۳۰۹:** دعوی راجع به سفته، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا وخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجاری در محاکم مسموع نخواهد بود. تبصره: مواعد مذکور در ماده ۳۰۷ از شمول این ماده مستثنی است.

**ماده ۳۱۰:** صادرکننده و ظهرنویس‌ها و ضامن می‌توانند با قید شرط «بدون اعتراض» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در سفته نوشته، امضا یا مهر و امضا می‌شود، دارنده را از اعتراض عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارایه سفته ظرف مهلت مقرر معاف نمی‌کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می‌کند.

اگر این شرط توسط صادرکننده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسئولان سفته می‌شود. در صورتی که این شرط توسط یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علیرغم درج شرط در سفته به وسیله صادرکننده، دارنده سفته اعتراض به عمل آورد، باید هزینه‌های مربوط را نیز متحمل شود. در صورتی که این شرط از جانب ظهنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض - اگر انجام شده باشد - از تمام مسئولان سفته قابل مطالبه است. مفاد این ماده در صورتی که محل پرداخت سفته بانک صادرکننده باشد اعمال نمی‌شود.

**ماده ۳۱۱:** در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسئولان سفته صادر شود، دارنده سفته می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ سفته، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده سفته پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده سفته تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

**تبصره ۱:** در هر حال، دارنده سفته نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

**تبصره ۲:** مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند رعایت می‌شود.

**ماده ۳۱۲:** دارنده سفته ای که محل تأدیه آن بانک است در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن می‌تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه سفته را به همراه خسارت تأخیر در تأدیه از صادرکننده وصول کند برای صدور اجراییه دارنده سفته باید عین سفته و گواهینامه مذکور در ماده ۳۰۴ را به اجرای ثبت اسناد محل تأدیه سفته یا محل اقامت صادر کننده تسلیم کند.

در صورتی که بخشی از وجه پرداخته شده باشد گواهینامه مزبور جانشین سفته هم هست.

اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضا یا مهر و امضای سفته با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده توسط بانک گواهی شده باشد.

**ماده ۳۱۳:** در صورتی که صادرکننده سفته، شخص حقوقی باشد و امضا کننده یا امضا کنندگان پرداخت وجه آن از طرف شخص حقوقی ضمانت کرده باشند اجراییه به نحو تضامن علیه شخص حقوقی و امضا کننده یا امضا کنندگان صادر می‌گردد.

**ماده ۳۱۴:** با تقاضای دارنده سفته، اجرای ثبت مکلف است معادل مبلغ سفته، خسارت تأخیر تأدیه و هزینه اجرا را از اموال ثبت شده صادر کننده و همچنین ضامن مذکور در ماده ۳۰۵ راسا شناسایی و بازداشت کند، در خصوص اموال ثبت نشده توقیف توسط اجرای ثبت مطابق مقررات موجود انجام خواهد شد.

**ماده ۳۱۵:** اجرای ثبت مکلف است به تقاضای دارنده و با معرفی مشخصات صادرکننده و شعبه بانک یا موسسه اعتباری و مالی که وی احتمال وجود حساب مفتوح صادرکننده را می‌دهد، شماره حساب بانکی صادرکننده و کفایت موجودی را استعلام و در حدود طلب بازداشت کند.

**ماده ۳۱۶:** تقاضای اجرا باید حداکثر ظرف یک سال از صدور گواهینامه عدم پرداخت به عمل آید.

**ماده ۳۱۷:** در مورد سفته‌هایی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین کشور صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات ناشی از سفته (تعهدات ناشی از ظهرنویسی، ضمانت و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. با وجود این، اگر شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از آن مطابق قانون ایران جمع باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از سفته مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

**ماده ۳۱۸:** اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از سفته و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

---

## فصل سوم: برات

---

**ماده ۳۱۹:** برات سندی است که به موجب آن شخصی به شخص دیگری دستور بی‌قید و شرط می‌دهد تا در موعد معین یا به رؤیت مبلغی را به شخص ثالث یا دستور دهنده یا به حواله کرد آنها پرداخت کند.

به دستور دهنده «براتکش» یا «صادرکننده» یا «برات دهنده»، به شخصی که دستور را دریافت می‌کند «براتگیر» و به شخص ثالث، «دارنده برات» می‌گویند.

**ماده ۳۲۰:** برات علاوه بر امضا یا مهر و امضای برات دهنده باید متضمن موارد زیر باشد:

- ۱- قید کلمه «برات».
- ۲- نام و محل اقامتگاه صادرکننده برات.
- ۳- تاریخ صدور به روز و ماه و سال.
- ۴- محل صدور.
- ۵- مبلغ برات.
- ۶- موعد پرداخت مبلغ برات.
- ۷- نشانی کامل محل پرداخت برات.

۸- نام و محل اقامتگاه (براتگیر).

۹- نام شخصی که برات باید در وجه یا حواله کرد او پرداخت شود.

۱۰- در صورتی که برات در بیش از یک نسخه صادر شود قید این که نسخه اول، دوم، سوم یا الی آخر است.

**ماده ۳۲۱:** در صورتی که برات مطابق ماده دو تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات برات نخواهد بود مگر در موارد زیر:

۱۱- براتی که در آن موعد پرداخت مشخص نشده باشد، به رؤیت تلقی می‌شود.

۱۲- در صورتی که مکان پرداخت مبلغ برات مشخص نباشد. اقامتگاه براتگیر مکان پرداخت تلقی می‌شود.

۱- در صورتی که محل صدور برات ذکر نشود، اقامتگاه برات دهنده محل صدور برات تلقی می‌شود.

**ماده ۳۲۲:** اگر برات هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده ۳۲۰ باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار برات را خواهد داشت. در این صورت:

الف) صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب) اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرونیس امضا یا مهر و امضا کرده‌اند در حدود مفاد برات در برابر دارندگان بعدی مسئولیت دارند.

**ماده ۳۲۳:** چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه برات از محل حساب جاری یا حساب پس‌انداز یا هر نوع حساب دیگری قابل پرداخت باشد، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل پرداخت در برات قید شود.

**ماده ۳۲۴:** اگر مبلغ برات بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

**ماده ۳۲۵:** برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این صورت، امضاکننده باید سمت خویش را در برات ذکر کند، وگرنه، با دستور دهنده مسئولیت تضامنی خواهد داشت و چنانچه فراتر از حدود اختیار، یا بدون داشتن اختیار عمل کند، شخصا مسئول است.

**ماده ۳۲۶:** موعد پرداخت ممکن است برات به رؤیت به وعده از رؤیت یا به وعده از تاریخ صدور یا به روز معین باشد.

**ماده ۳۲۷:** هرگاه برات گیر یا شخص ثالث، برات به رؤیت را قبول کند باید فوراً آن را پرداخت کند.

**ماده ۳۲۸:** سررسید براتی که به وعده از رویت صادر شده، به وسیله تاریخ قبولی و در صورت

خودداری براتگیر از قبول، به وسیله تاریخ و اخواست نامه نکول معین می‌شود.

**ماده ۳۲۹:** اگر سررسید برات مصادف با تعطیل رسمی باشد باید روز بعد از تعطیل پرداخت شود.

**ماده ۳۳۰:** برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه، قبول یا نکول شود.

**ماده ۳۳۱:** براتگیر تا زمانی که برات را قبول نکرده است نسبت به آن مسئول نیست، ولی اگر قبول کند، حق نکول ندارد.

**ماده ۳۳۲:** قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضا یا مهر و امضا می‌شود. اگر در برات قابل پرداخت به وعده از رؤیت، قبولی بدون تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت تلقی می‌شود.

**ماده ۳۳۳:** هر عبارتی که براتگیر در برات بنویسد و امضاء یا مهر و امضاء کند قبولی محسوب است، مگر این که صراحت بر عدم قبول داشته باشد. در صورتی که عبارت، حاکی از عدم قبول جزئی از مبلغ برات باشد، برات نسبت به بقیه مبلغ آن قبول شده محسوب می‌شود. در صورتی که براتگیر بدون درج عبارتی، برات را امضاء یا مهر و امضاء کند برات قبول شده تلقی می‌شود

**ماده ۳۳۴:** قبول برات نباید مشروط به تحقق شرطی شود، در صورت قبولی مشروط، برات نکول شده محسوب می‌شود. با این حال براتگیر در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

**ماده ۳۳۵:** قبولی برات ممکن است منحصر به جزیی از مبلغ برات باشد، در این صورت دارنده می‌تواند برای بقیه مبلغ آن اعتراض کند

**ماده ۳۳۶:** براتگیر نمی‌تواند تقاضا کند که برای نوشتن قبولی عین برات نزد او باقی بماند. هرگاه برات در نسخه‌های متعدد نوشته شده باشد، فقط نسخه‌ای که مخصوص براتگیر است نزد او باقی خواهد ماند.

**ماده ۳۳۷:** اعتراض به نکول برات باید با «اخواست نامه عدم قبول» تحقق یابد.

**ماده ۳۳۸:** براتگیر می‌تواند هنگام قبول برات، حسب مورد، محل دیگری را غیر از محل پرداخت یا اقامتگاه خود برای پرداخت مبلغ برات تعیین کند. در این صورت، برات در محل اخیر قابل پرداخت است.

**تبصره:** محل ثالثی که توسط براتگیر تعیین می‌شود نمی‌تواند خارج از محدوده استان محل اقامتگاه او یا دارنده برات باشد.

**ماده ۳۳۹:** با ارسال و اخواست نامه عدم قبول، ظهورنویس‌ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامن معتبری برای تأدیه و مبلغ آن در موعد معرفی کنند یا مبلغ برات را به اضافه مخارج و اخواست نامه فوری پرداخت کنند.

**ماده ۳۴۰:** اگر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی مبلغ آن را نپرداخته است، و اخواست نامه عدم پرداخت صادر شود، دارنده برات دیگری که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است، می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا کند که برای پرداخت مبلغ آن ضامن معتبر معرفی کند یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

**ماده ۳۴۱:** انتقال برات، حتی در مواردی که با صراحت به حواله‌کرد صادر نشده باشد، از طریق ظهورنویسی به عمل می‌آید.

**ماده ۳۴۲:** ظهورنویسی براتی که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می‌شود. در موردی که بانک به عنوان محل تأدیه معین شده است وجه برات فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

**ماده ۳۴۳:** انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی‌اش با شخصی که وی سند را به او منتقل کرده است، استناد کند.

**ماده ۳۴۴:** ظهورنویسی برات با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت برات محقق می‌شود. ممکن است در ظهورنویسی نام شخصی که برات به نام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیر این صورت دارنده برات مجاز به تکمیل ظهورنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

**ماده ۳۴۵:** برات متضمن ظهورنویسی فاقد نام انتقال گیرنده یا «در وجه حامل»، از طریق قبض و اقباض قابل انتقال به غیر است.

**ماده ۳۴۶:** ظهورنویس برات می‌تواند ظهورنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهورنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۳۴۲ است.

**ماده ۳۴۷:** هرگاه در ظهورنویسی عامداً تاریخ مقدماتی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهورنویس‌های ما قبل خود و دارنده برات، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ برات محکوم خواهد شد.

**ماده ۳۴۸:** چنانچه ظهرنویسی توام با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ یک از مسئولین سند نمی‌تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسئولیت خویش خودداری کند. لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است. ظهرنویسی جزئی از مبلغ برات باطل است.

**ماده ۳۴۹:** ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر این که ظهرنویس وکالت در وصول را قید کرده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نمی‌شود ولی وکیل حسب مورد حق اعتراض عدم قبول و یا اعتراض عدم پرداخت را از طریق واخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت خواهد داشت.

**ماده ۳۵۰:** وکالت در وصول برات به شرح ماده ۳۴۹ با فوت یا حجر ظهرنویس (موکل) منتفی نمی‌شود.

**ماده ۳۵۱:** برات‌دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

در صورت عدم پرداخت مبلغ برات، دارنده آن می‌تواند پس از اعتراض عدم پرداخت به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر به انفراد یا اجتماع رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد.

اقامه دعوا بر یک یا چند نفر از مسئولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان برات نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

**ماده ۳۵۲:** در اجرای ماده ۳۵۱، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که برات را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی‌شود.

**ماده ۳۵۳:** ظهرنویس می‌تواند با تصریح به عدم مسئولیت مقرر در ماده ۳۵۱ ضمن ظهرنویسی، خود را از این قید معاف دارد.

**ماده ۳۵۴:** دارنده برات، علاوه بر مبلغ پرداخت نشده برات، می‌تواند ارقام زیر را نیز از مسئولان برات مطالبه کند.

- ۱- خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ واخواست‌نامه عدم پرداخت یا گواهینامه عدم پرداخت تا روز پرداخت نسبت به مبلغ پرداخت نشده.
- ۲- هزینه واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق‌الوکاله و هزینه دادرسی و هزینه اجرای ثبت.



**تبصره:** خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین می‌گردد. به هر حال خسارت تأخیر تأدیه نباید از ۶ درصد در سال کمتر باشد.

**ماده ۳۵۵:** هر یک از مسئولان پرداخت برات، می‌تواند پرداخت مبلغ آن را به تسلیم برات، وخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حسب مورد صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

**ماده ۳۵۶:** در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسئولان برات صادر شود، دارنده برات می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ برات، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده برات پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده برات تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

**تبصره ۱:** در هر حال، دارنده برات نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

**تبصره ۲:** مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند رعایت می‌شود.

**ماده ۳۵۷:** پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید. با این حال در مواردی که برات به پول خارجی است و پرداخت آن به دلیل موانع قانونی متعذر شده و همچنین در صورت توافق طرفین، مبلغ برات ممکن است معادل ارزش روز سررسید و اگر برات با تأخیر پرداخت می‌شود، معادل ارزش روز سررسید یا روز پرداخت، به انتخاب دارنده برات، به ریال پرداخت شود.

**ماده ۳۵۸:** دارنده برات را نمی‌توان به دریافت پیش از موعد مبلغ برات اجبار کرد.

**ماده ۳۵۹:** برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود. شخصی که وجه برات را قبل از موعد پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که نسبت به مبلغ برات حقی دارند مسئول است.

**ماده ۳۶۰:** در براتی که به وعده از رؤیت است، روز مطالبه، و در براتی که به وعده از تاریخ صدور است، روز صدور محاسبه نمی‌شود.

**ماده ۳۶۱:** در براتی که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا رؤیت تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه می‌شود.

**ماده ۳۶۲:** اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد، حق مراجعه به ظهرنویس‌های قبل از خود و برات‌دهنده‌ای که به مهلت رضایت نداده‌اند، ندارد.

**ماده ۳۶۳:** پرداخت مبلغ برات در وعده سبب برائت است، مگر این که مبلغ برات به حکم قانون نزد پرداخت‌کننده توقیف شده باشد در این صورت نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

**ماده ۳۶۴:** اگر جزیی از مبلغ برات پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه برات می‌تواند به مسئولان سند رجوع کند. در صورت پرداخت جزیی از مبلغ برات پرداخت‌کننده می‌تواند پرداخت را موقوف به درج آن در پشت برات با امضا یا مهر و امضا دریافت‌کننده، ارائه رسید، تصویر مصدق پشت و روی برات کند.

**ماده ۳۶۵:** پرداخت مبلغ برات ممکن است به موجب نسخه دوم، سوم و چهارم و به بعد، به عمل آید، مشروط بر این که در روی نسخه‌ای که برات بر اساس آن پرداخت می‌شود ذکر شود که پس از پرداخت مبلغ برات به موجب این نسخه، نسخه‌های دیگر از اعتبار ساقط هستند.

**ماده ۳۶۶:** شخصی که مبلغ برات را براساس نسخه‌ای بپردازد که قبولی در روی آن نوشته نشده است، در مقابل شخصی که نسخه قبول شده برات را در اختیار دارد، مسئول پرداخت مبلغ آن است.

**ماده ۳۶۷:** در صورت مفقود شدن نسخه‌ای از براتی که در چند نسخه صادر شده و هنوز قبول نشده است، دارنده آن می‌تواند قبولی و وصول آن را براساس نسخه‌های دوم یا سوم یا چهارم و بعد از آن تقاضا کند.

**ماده ۳۶۸:** اگر نسخه متضمن قبولی، مفقود شده باشد، ذینفع می‌تواند با مراجعه به دادگاه تجارتي، با اثبات اخذ قبولی و دادن تضمین مناسب، وجه برات را مطالبه کند.

**ماده ۳۶۹:** در صورت مفقود شدن براتی که فقط در یک نسخه صادر شده است، اعم از این که قبولی در روی آن نوشته شده یا نشده باشد، ذینفع آن می‌تواند به ترتیبی که در ماده ۳۷۰ پیش‌بینی شده، نسخه جایگزین برات را تحصیل کند. چنانچه تحصیل نسخه جایگزین برات ممکن نشود و براتگیر یا صادرکننده نیز به پرداخت مبلغ برات رضایت ندهند، ذینفع می‌تواند با اثبات مالکیت خویش نسبت به برات و اثبات اخذ قبولی (در صورتی که ذینفع مدعی اخذ قبولی برات مفقود شده باشد) و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتي، حسب مورد الزام قبول‌کننده یا صادرکننده یا سایر مسئولان برات را به پرداخت مبلغ برات بطور تضامنی تقاضا کند.

چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد، قبول‌کننده یا صادرکننده حسب مورد ملزم به ایداع مبلغ برات در صندوق دادگستری هستند.

دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ برات، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

**ماده ۳۷۰:** صاحب برات مفقود، برای تحصیل نسخه جایگزین باید به ظهرنویس پیش از خود، رجوع کند.

ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات، اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود را بدهد و او را راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهر نویس ما قبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد - مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود است. ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار، مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

**ماده ۳۷۱:** دادگاه‌های تجارتي نمی‌توانند بدون رضایت دارنده برات، برای پرداخت مبلغ آن مهلتی بدهند.

**ماده ۳۷۲:** مالک برات مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۲۶۵ باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد

**ماده ۳۷۳:** مسئولین برات ملزم به ارایه اطلاعات و مدارکی هستند که در خصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. وگرنه ضامن خسارت وارده می شوند.

**ماده ۳۷۴:** مبدأ محاسبه خسارت تأدیه دارنده برات مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

**ماده ۳۷۵:** هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات‌دهنده، یکی از ظهرنویس‌ها یا یکی از ضامن‌ها مبلغ برات اعتراض شده را پرداخت کند. دخالت شخص ثالث و پرداخت مبلغ باید در وخواست‌نامه عدم پرداخت ذکر شود..

**ماده ۳۷۶:** پرداخت توسط شخص ثالث باید شامل تمام مبلغی باشد که مدیون اصلی مکلف به پرداخت آن است. این پرداخت باید تا پایان مهلت مقرر در وخواست‌نامه عدم پرداخت صورت گیرد. در صورت پرداخت، اصل برات و وخواست‌نامه عدم تأدیه باید به شخص ثالث مسترد شود.

**ماده ۳۷۷:** دارنده‌ای که پرداخت مبلغ برات توسط شخص ثالث را رد می‌کند، حق رجوع خود را نسبت به مسئولانی که با این پرداخت بری می‌شوند از دست می‌دهد.

**ماده ۳۷۸:** شخص ثالثی که مبلغ برات را پرداخت می‌کند باید ذکر کند پرداخت از طرف کدام یک از مسئولان برات انجام می‌گیرد. در صورت عدم ذکر، پرداخت از طرف برات‌دهنده فرض می‌شود.

**ماده ۳۷۹:** شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است. با این حال، پرداخت‌کننده نمی‌تواند برات را دوباره ظهرنویسی کند.

**ماده ۳۸۰:** اگر مبلغ برات را شخص ثالث از طرف برات‌دهنده پرداخت کند، تمام ظهرنویس‌ها و ضامن‌ها بری می‌شوند و اگر پرداخت مبلغ از طرف یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامن‌ها باشد، ظهرنویس‌های بعد از او و ضامنان آنها بری می‌شوند.

**ماده ۳۸۱:** اگر چند شخص به اتفاق برای پرداخت مبلغ برات از سوی یکی از مسئولان برات اعلام آمادگی کنند، پیشنهاد شخصی پذیرفته می‌شود که پرداخت مبلغ از سوی او تعداد بیشتری از مسئولان را بری می‌کند. اگر خود براتگیر پس از اعتراض، برای پرداخت مبلغ برات حاضر شود، بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد. هر شخصی که با آگاهی از موضوع، خلاف این قاعده عمل کند، حق رجوع خود را نسبت به آنهایی که برات می‌یافتند از دست می‌دهد.

**ماده ۳۸۲:** ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ برات ضمانت شود.

**ماده ۳۸۳:** ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسئولیت تضامنی دارد. به هر حال مسئولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده برات می‌تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

**ماده ۳۸۴:** ضمانت با درج نام، نشانی و امضا یا مهر و امضای توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می‌شود. با وجود این، صرف درج نام، نشانی و امضا یا مهر و امضای روی برات، ضمانت از صادرکننده محسوب می‌شود. صرف درج نام و امضا یا مهر و امضا پشت برات به عنوان ضمانت تلقی نمی‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

**ماده ۳۸۵:** ضامن در صورت پرداخت مبلغ برات، از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسئولیت دارند، برخوردار است.

**ماده ۳۸۶:** مسئولیت ضامن، جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

**ماده ۳۸۷:** نسبت به برات‌هایی که مبلغ آنها باید در ایران عندالمطالبه یا به وعده از رویت پرداخت شود، اعم از اینکه برات در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، دارنده برات مکلف است قبولی یا پرداخت آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند، و گرنه حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین به برات‌دهنده‌ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است، ندارد.

**ماده ۳۸۸:** اگر در برات، اعم از اینکه در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، برای تقاضای

قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد، دارنده برات باید در همان مدت، قبولی برات را تقاضا کند، وگرنه حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین برات‌دهنده‌ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است ندارد.

**ماده ۳۸۹:** اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد، دارنده برات باید در همان مدت تقاضای قبولی کند، و گرنه در مقابل آن ظهرنویس نمی‌تواند از مقررات راجع به برات استفاده کند.

**ماده ۳۹۰:** هر گاه دارنده برات عندالمطالبه یا به وعده از رویت که در ایران صادر شده است و باید در یک کشور دیگر پرداخت شود، در مواعد مقرر در مواد قبل، قبولی یا پرداخت مبلغ برات را تقاضا نکرده باشد، مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد، مگر اینکه بین دارنده برات و برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها به نحو دیگری توافق شده باشد.

**ماده ۳۹۱:** دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

**ماده ۳۹۲:** اعتراض به امتناع از پرداخت مبلغ برات باید ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله وخواست نامه عدم پرداخت، معین شود.

**تبصره ۵:** در مواردی که بانک براتگیر به عنوان محل پرداخت مبلغ برات تعیین شده است گواهینامه عدم پرداخت که ظرف ده روز از تاریخ وعده به تقاضای دارنده از سوی بانک براتگیر صادر می‌شود، جایگزین وخواست نامه عدم پرداخت محسوب می‌شود.

**ماده ۳۹۳:** اگر روز دهم تعطیل باشد، وخواست نامه باید در اولین روز غیر تعطیل بعد از آن ارسال شود. در صورتی که محل پرداخت برات بانک باشد صدور گواهینامه عدم پرداخت نیز باید روز بعد از تعطیل تقاضا شود.

**ماده ۳۹۴:** در صورت فوت یا ورشکستگی براتگیر، دارنده برات از اعتراض عدم قبولی یا نکول یا اعتراض پرداخت معاف است. همین حکم در موردی نیز که قبول‌کننده برات قبل از وعده ورشکست شود، جاری خواهد بود.

**ماده ۳۹۵:** در صورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی که رفع آن از حیثه اختیار دارنده خارج است، ارایه برات برای قبولی یا پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیر قابل پیش‌بینی افزایش می‌یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه برات برای قبولی یا پرداخت و در صورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

**ماده ۳۹۶:** در خصوص ماده ۳۹۵ دارنده مکلف است در اولین فرصت ممکن، وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی را به طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد و گرنه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و برات‌دهنده را نخواهد داشت.

**ماده ۳۹۷:** در مورد براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده است، دارنده برات باید ظرف ده روز از تاریخ اعتراض، مراتب عدم پرداخت مبلغ برات را به طریق مضبوطی به کسی که برات را به او واگذار کرده اطلاع دهد. همین تکلیف را هر یک از ظهرنویسها نسبت به ظهرنویس ماقبل خود دارد.

در غیر این صورت دارنده برات و هریک از ظهرنویسها، مسئول خساراتی خواهد بود که در نتیجه عدم اطلاع به ظهرنویس قبلی خود وارد شده است.

**ماده ۳۹۸:** اگر دارنده براتی که باید در ایران پرداخت شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۳۵۱ برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوا کند. این مدت برای براتهایی که باید در کشور دیگر پرداخت شود، یک سال خواهد بود.

**تبصره:** در مورد براتهایی که مطابق ماده ۴۰۹ متضمن شرط "بدون اعتراض" است. دعوا باید به ترتیب ظرف شش ماه و یک سال از تاریخ عدم پرداخت اقامه شود.

**ماده ۳۹۹:** هر یک از ظهرنویسها که بخواهد از حقی که ماده ۳۵۱ برای او مقرر داشته است، استفاده کند، باید در مهلتهای مذکور در ماده ۳۹۸ اقامه دعوا کند و نسبت به او مهلتهای اقامه دعوا از فردای روز ابلاغ اخطاریه دادگاه تجارتي محاسبه می‌شود و اگر مبلغ برات را بدون اینکه بر او اقامه دعوا شود، پرداخت کرده باشد، این مهلتها از فردای روز پرداخت محاسبه خواهد شد.

**ماده ۴۰۰:** پس از انقضای مهلتهای مذکور در مواد ۳۹۸ و ۳۹۹، دعوی دارنده برات علیه ظهرنویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسها علیه ید سابق خود برای استفاده از حقوق ماده ۳۵۳ در دادگاه تجارتي پذیرفته نمی‌شود.

**ماده ۴۰۱:** پس از انقضای مواعد مذکور در مواد ۳۹۸ و ۳۹۹، دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی‌شود مشروط بر این که برات‌دهنده ثابت کند در سر وعده مبلغ برات را به براتگیر پرداخت کرده است. در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به براتگیر را خواهد داشت.

**ماده ۴۰۲:** اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض یا برای اقامه دعوا مقرر است، برات‌دهنده یا هر یک از ظهرنویسها از طریق تهاتر یا عنوان دیگر مبلغی را که به منظور پرداخت برات به براتگیر رسانیده بود مسترد کند، دارنده برات حق خواهد داشت علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوا کند.

**ماده ۴۰۳:** پس از اقامه دعوا، دادگاه تجارتي مکلف است صرف تقاضای دارنده براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده یا دارنده براتی که پرداخت نشده ولی در مورد آن مطابق ماده ۴۰۵ اعتراض عدم پرداخت ضرورت نداشته است، دستور توقیف معادل مبلغ برات را از اموال خوانده به عنوان تامین خواسته صادر کند.

#### **ماده ۴۰۴:**

۱- اعتراض در موارد زیر به عمل می آید:

۲- امتناع از قبول یا نکول

۳- عدم پرداخت مبلغ برات

۴- اعتراض عدم قبول یا نکول از طریق وخواست نامه و اعتراض عدم پرداخت توسط وخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت حسب مورد صادر می شود.

**ماده ۴۰۵:** وخواست نامه توسط دادگاههای تجارتي طبق مقررات به محل اقامت براتگیر، اشخاصی که برای پرداخت برات معین شده اند یا شخص ثالثی که برات را قبول کرده است ابلاغ می شود و باید منضم به رونوشت کامل برات شامل مشخصات برات دهنده، براتگیر، ظهرنویس(ها)، ضامن(ها) یا تصویر پشت و روی برات و متضمن تقاضای پرداخت مبلغ برات باشد.

**ماده ۴۰۶:** چنانچه بانک محل پرداخت برات باشد، بانک مکلف است در صورت عدم پرداخت، گواهینامه ای با محتویات زیر صادر کرده به دارنده برات تسلیم کند:

۱- مشخصات کامل برات؛

۲- هویت و نشانی کامل برات دهنده؛

۳- هویت و نشانی کامل براتگیر (صاحب حساب)؛

۴- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی؛

۵- تاریخ رایه برات به بانک؛

۶- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضا یا مهر و امضای براتگیر با نمونه امضا یا مهر و امضای موجود در بانک؛

۷- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده برات؛

۸- علت یا علل عدم پرداخت؛

**تبصره:** در صورتی که موجودی حساب براتگیر نزد بانک کمتر از مبلغ برات باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده برات مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت برات پرداخت کند و گواهینامه عدم پرداخت را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کنند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده برات جانشین اصل برات خواهد بود.

**ماده ۴۰۷:** بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

**ماده ۴۰۸:** بانک مکلف است نسخه ثانی گواهینامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب (براتگیر) ارسال کند.

**ماده ۴۰۹:** برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها و ضامن می‌توانند با قید شرط «بدون اعتراض» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در برات نوشته، امضا یا مهر و امضا می‌شود، دارنده را از اعتراض عدم قبول یا نکول یا عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارایه برات ظرف مهلت مقرر معاف نمی‌کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می‌کند.

اگر این شرط توسط برات‌دهنده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسئولان برات می‌شود. در صورتی که این شرط توسط یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علیرغم درج شرط در برات به وسیله برات‌دهنده، دارنده برات اعتراض به عمل آورد، باید هزینه‌های مربوط را نیز متحمل شود. در صورتی که این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض - اگر انجام شده باشد - از تمام مسئولان برات قابل مطالبه است. مفاد این ماده در صورتی که محل پرداخت برات بانک براتگیر باشد اعمال نمی‌شود.

**ماده ۴۱۰:** در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین کشور صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است با وجود این، اگر شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران جمع باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

**ماده ۴۱۱:** اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

---

## فصل چهارم: اسناد تجاری الکترونیکی

---

**ماده ۴۱۲:** اسناد تجاری الکترونیکی شامل برات، سفته، چک، قبض رسمی انبار، سهام، اوراق مشارکت و سایر اسنادی تجاری است که با رعایت شرایط تعیین شده در قانون به صورت الکترونیکی اعلام و مبادله می‌شوند.



**ماده ۴۱۳:** سند تجارتي الكترونيكي به دو روش سند جايگزين يا سند اصيل الكترونيكي به وجود مي آيد.

**ماده ۴۱۴:** سند جايگزين، خارج نويسي شده الكترونيكي اصل سند تجارتي (كاغذي) يا تصوير آن به نحوي است كه اطلاعات قابل پردازش و انتقال باشد سند جايگزين بايد شرايط زير را دارا باشد.

۱- تصوير يا مندرجات رو و پشت اصل سند.

۲- برخورداري از ساختار مناسب مبتني بر امنيت روز براي اتوماسيون.

۳- ثبت تركيب امنيتي به كار رفته در سند.

۴- رعايت ضوابط فني و ايمني فن آوري بكار رفته.

**تبصره ۵:** ضوابط فني و ايمني مذكور در بند ۴، بايد به تاييد مركز موضوع ماده ۸۰ قانون تجارت الكترونيكي مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شوراي اسلامي برسد يا توسط آن مركز ابلاغ شود.

**ماده ۴۱۵:** در صورتي كه سندی متضمن يكي از شرايط مقرر در ماده ۴۱۴ نباشد به عنوان سند جايگزين الكترونيكي تلقی نمی شود

**ماده ۴۱۶:** اسناد اصيل الكترونيكي، بدون بدیل كاغذي و با استفاده از فناوري هاي امضای الكترونيكي مطمئن، به نحو مذكور در قانون تجارت الكترونيكي مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شوراي اسلامي به وجود مي آيند

**ماده ۴۱۷:** سند جايگزين الكترونيكي از هر حيث در حكم اصل آن سند است و در صورت وجود مغايرت بين سند جايگزين و اصل سند تجاري، اصل سند ملاك است.

**ماده ۴۱۸:** در تنظيم شكل الكترونيكي اسناد تجارتي، بايد شرايط مقرر در مورد صورت آن اسناد در قوانين ذيربط رعايت شوند.

**ماده ۴۱۹:** شكل و اخواست يا گواهي عدم پرداخت، نحوه ابلاغ و طرز نگهداري اسناد تجاري الكترونيكي به موجب آيين نامه اي است كه توسط وزارت بازرگاني با همكاري وزارت دادگستري تهيه مي شود و به تصويب هيات وزيران مي رسد.

**ماده ۴۲۰:** نسبت به سند الكترونيكي مي توان ادعاي جعل نمود

**ماده ۴۲۱:** مدعي جعل اسناد تجاري الكترونيكي يا مدعي وجود مغايرت اسناد جايگزين با سند كاغذي، مي تواند حسب مورد با تكميل فرم هاي مخصوصي كه متضمن علت مغايرت، ايجاد ضرر و ضرورت اعاده اصل (كاغذي) سند جايگزين و يا جعل اسناد تجاري الكترونيكي است، حقوق خود را نسبت به اسناد مذكور محفوظ بدارد. نحوه آن به موجب آيين نامه اي است كه توسط وزارت بازرگاني با همكاري وزارت دادگستري و بانك مركزي تهيه و به تصويب هيات وزيران برسد.

**ماده ۴۲۲:** جاعل سند تجارتي الكترونيكي علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات حبس از يك تا سه سال و مجازات نقدي معادل دو برابر وجه سند تجاري الكترونيكي محكوم مي شود.

**تبصره ۱:** هرکس سند تجاری الکترونیکی مجعول را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی معادل وجه سند محکوم می‌شود.

در صورتی که جعل سند و استفاده از آن توسط یک شخص انجام شود، متخلف، به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

**تبصره ۲:** مجازات شروع به جعل اسناد تجاری الکترونیکی، حداقل مجازات در این ماده خواهد بود.

**تبصره ۳:** در صورت ارتکاب جرایم مندرج در این ماده توسط اشخاص حقوقی مجازاتهای

پیش‌بینی شده در مورد اشخاص حقیقی مرتکب جرم اعمال می‌شود و شخص حقوقی متضامنا با اشخاص حقیقی مسئول جبران خسارات وارده به ذینفع خواهد بود.

**ماده ۴۲۳:** مرجع ایجاد کننده سند جایگزین مکلف است در صورت تقاضای آخرین ذینفعی که سند جایگزین به او منتقل شده است پس از احراز هویت او، در حدود متعارف اصل سند را بطور کامل و به همراه عملیات مربوط به سند به وی مسترد کند.

**ماده ۴۲۴:** مرجع ایجادکننده سند جایگزین، مسئول و متعهد جبران خسارت ناشی از عملیات وی در زمینه اسناد تجاری الکترونیکی در مقابل اشخاص ذینفع می‌باشد.

**ماده ۴۲۵:** وزارت بازرگانی مکلف است در مواردی که اجرای مقررات این بخش از قانون نیاز به تدوین آیین‌نامه وجود دارد، آیین‌نامه مذکور را تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

**ماده ۴۲۶:** به جز مقرراتی که به موجب این قانون و آیین‌نامه‌های آن که خاص اسناد تجاری الکترونیکی است، مقررات سند تجاری کاغذی، در خصوص سند تجاری الکترونیکی ذیربط حاکم خواهد بود.

## باب ششم :

### اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری

---

#### فصل اول: اشخاص حقوقی

---

**ماده ۴۲۷:** شرکتهای تجاری مذکور در این قانون دارای شخصیت حقوقی می‌باشند.

**ماده ۴۲۸:** کلیه اشخاص حقوقی به جز آنها که به موجب قانون خاص تشکیل می‌گردند، باید به ثبت برسند و استناد به تشکیل آنها پیش از ثبت و آگهی مطابق مقررات مربوطه در روزنامه رسمی در مقابل اشخاص ثالث پذیرفته نیست.

**ماده ۴۲۹:** تأسیس، اداره و انحلال اشخاص حقوقی که با اهداف غیرتجاری تشکیل می‌گردند جز در مواردی که تابع قوانین خاص هستند، مطابق آیین‌نامه مصوب هیات وزیران می‌باشد.

**ماده ۴۳۰:** تشکیل و ثبت شخص حقوقی که هدف آن مخالف با قانون باشد ممنوع است.

**ماده ۴۳۱:** تشکیل و ثبت مؤسسات غیرتجاری با موضوعات تجاری مقرر در ماده ۴۲۸ این قانون و نیز اشتغال اینگونه مؤسسات به امور تجاری ممنوع است. در صورت مبادرت مؤسسه غیرتجاری به فعالیت تجاری حسب مورد، به مجازات نقدی از ۵۰ تا ۷۰ درصد ارزش معامله محکوم خواهد شد.

**ماده ۴۳۲:** اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است مگر حقوق و تکالیفی که تنها انسان، بنا به طبیعت‌اش می‌تواند دارای آنها باشد.

**ماده ۴۳۳:** اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز اصلی آنها می‌باشد. مرکز اصلی، محلی است که امور مربوط به اداره شخص حقوقی در آنجا انجام می‌گیرد و باید در اساسنامه قید گردد، مگر در مورد اقامتگاه قراردادی که صرفاً نسبت به طرفین قرارداد معتبر است.

**ماده ۴۳۴:** اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آنجاست

**ماده ۴۳۵:** اشخاص حقوقی ایرانی نمی‌توانند اقامتگاه خود را در خارج از کشور قرار دهند.

**ماده ۴۳۶:** اقامتگاه اشخاص حقوقی غیرایرانی که مطابق مقررات مربوطه مبادرت به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران می‌نمایند، محل شعبه می‌باشد. حکم این ماده مانع از حق مراجعه اشخاص ثالث به مرکز اصلی شخص حقوقی نمی‌باشد.

**ماده ۴۳۷:** هیچ یک از ارکان شخص حقوقی ایرانی نمی‌تواند تابعیت آن را تغییر دهد.

---

## فصل دوم: شرکت‌های تجاری

---

**ماده ۴۳۸:** شرکت‌های تجاری بر چهار نوع می‌باشند:

۱. شرکت سهامی (عام و خاص)
۲. شرکت با مسئولیت محدود
۳. شرکت تضامنی
۴. شرکت تعاونی.

**ماده ۴۳۹:** شرکت‌های تجاری مذکور در ماده ۴۳۸ صرفنظر از موضوع فعالیت آنها، تجاری محسوب شده و مشمول این قانون و قواعد حاکم بر حقوق تجارت می‌باشند.

### • مبحث اول: کلیات

**ماده ۴۴۰:** منظور از «روزنامه شرکت» روزنامه کثیرالانتشار (کاغذی یا الکترونیکی) سراسری است که آگهی‌هایی که به موجب قانون یا اساسنامه نشر آنها ضروری است، در آن منتشر می‌شود. هنگام تأسیس شرکت، تعیین روزنامه شرکت حسب مورد توسط مؤسسین یا مجمع عمومی مؤسس انجام می‌شود. پس از تشکیل شرکت و نیز در دوره تصفیه، تغییر و یا تعیین روزنامه حسب مورد با مجمع عمومی عادی یا شرکاء شرکت است.

**ماده ۴۴۱:** در کلیه موارد، دعوت از صاحبان سهام یا شرکاء باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به عمل آید. معذک، رعایت مقررات مربوط به نشر آگهی و تشریفات دعوت در زمانی که کلیه صاحبان سهام یا شرکاء حاضر باشند، الزامی نیست.

در صورت توقف انتشار روزنامه شرکت و استمرار بیش از یک ماه آن به هر علت، هیات مدیره در شرکت‌های دارای هیات مدیره، و مدیر عامل در سایر شرکت‌ها موظفند ظرف ۲۰ روز از مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده یا شرکاء جهت تعیین روزنامه جایگزین از طریق آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار دعوت به عمل آورند. در صورت خودداری هیات مدیره یا مدیر عامل از انجام تکلیف فوق، بازرس شرکت ظرف مدت ۲۰ روز مبادرت به دعوت به طریق مزبور خواهد نمود. در غیر این صورت هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت از مجمع مزبور را درخواست نماید. ثبت شرکت‌ها مکلف است ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ درخواست به هزینه ذینفع





مجمع مذکور را دعوت نماید.

**ماده ۴۴۲:** منظور از «مدیران» در این قانون، کسانی هستند که به موجب تصمیم مؤسسين، یا مجمع عمومی یا شرکاء و یا صاحب سرمایه در شرکت یکنفره حسب مورد به عنوان عضو هیات مدیره، مدیر و یا مدیر عامل انتخاب شده‌اند. مدیر یا مدیران تصفیه شرکت‌های در حال تصفیه نیز از نظر مقررات این قانون مدیر تلقی می‌شوند.

**تبصره ۱:** عنوان مزبور شامل شخصی که از سوی هیات مدیره یا مدیران به عنوان مدیرعامل برگزیده شده‌اند، نیز خواهد شد.

**تبصره ۲:** موضوع این ماده شامل شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیات مدیره یا مدیر معرفی شده باشد نیز خواهد شد.

**ماده ۴۴۳:** منظور از سرمایه شرکت در این قانون، سرمایه ثبت شده می‌باشد.

**ماده ۴۴۴:** «صورت‌های مالی» عبارتست از گزارش وضعیت مالی، نتایج عملیات، جریانهای نقدی و سایر اطلاعات مالی که بر مبنای استانداردهای حسابداری تهیه و ارائه می‌شود.

**ماده ۴۴۵:** شرکت مادام که به ثبت نرسیده فاقد شخصیت حقوقی است و انجام هر گونه عمل حقوقی جز در راستای تشکیل شرکت مجاز نمی‌باشد. در غیر اینصورت و نیز در صورتی که اشخاصی به نام شرکت تجاری و در شکلی به جز اشکال پذیرفته شده در این قانون به فعالیت بپردازند، در مقابل اشخاص ثالث، دارای مسئولیت نامحدود و تضامنی خواهند بود.

**ماده ۴۴۶:** هرکس به منظور تاسیس شرکت به عمد مدارک خلاف واقع به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به مبلغ پنجاه میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

**ماده ۴۴۷:** نماینده یا نمایندگان انتخابی از سوی مجمع مؤسس یا مؤسسين، مکلف به تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ظرف ۱۵ روز پس از تنظیم صورتجلسه نهایی مجمع عمومی مؤسس در مورد شرکت سهامی عام و صورتجلسه مؤسسين در مورد سایر شرکت‌ها می‌باشند. همچنین رفع نقص یا ایرادات وارد به مدارک یاد شده که مطابق مقررات این قانون و سایر قوانین برای ثبت شرکت تجاری بر حسب نوع آن بر عهده نماینده یا نمایندگان مزبور می‌باشد.

به هر حال در صورتی که عدم ثبت شرکت ناشی از قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان یاد شده باشد، آنان متضامناً ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به مؤسسين و پذیرهنویسان می‌باشند. قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان رافع مسئولیت مؤسس یا مؤسسين در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود.

**ماده ۴۴۸:** چنانچه تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تاسیس به مرجع ثبت شرکت‌ها، شرکت به ثبت نرسد، هریک از مؤسسين و پذیرهنویسان، می‌تواند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت‌ها درخواست صدورگواهی عدم ثبت شرکت را بنماید. با وصول گواهی مذکور، بانک کارگزار بنا به درخواست هر یک از مؤسسين و پذیرهنویسان، وجوه پرداختی را به آنان مسترد خواهد کرد.

**ماده ۴۴۹:** در صورتی که شرکت به ثبت نرسد، کلیه هزینه‌هایی که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد گردیده، بر عهده مؤسس یا مؤسسین خواهد بود. چنانچه عدم تأسیس شرکت را بتوان به عمل مؤسس یا مؤسسین منتسب نمود، اشخاص ذینفع و از جمله پذیرهنویسان شرکت‌های سهامی عام می‌توانند علاوه بر استرداد اصل وجوه مندرج در ماده ۴۴۷، جبران کاهش ارزش وجوه پرداختی خود را در فاصله زمانی پذیرهنویسی تا استرداد، براساس نرخ رشد شاخص بهای مصرف‌کننده (شهری) اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطالبه کنند.

**ماده ۴۵۰:** مؤسسین شرکت‌های تجاری نسبت به تصمیمات و اقداماتی که به منظور تأسیس و ثبت شرکت اتخاذ نموده و انجام می‌دهند، مسئولیت تضامنی دارند. مؤسسینی که در تصمیم‌گیری یا انجام عمل مورد نظر دخالت نداشته یا مخالفت خود را به نحو مضبوطی با آن اعلام داشته‌اند، مشمول حکم این ماده نمی‌باشند.

**ماده ۴۵۱:** هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هریک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد، رعایت نشود، حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه تجارتي اعلام می‌شود. لیکن، مؤسسین یا شرکاء و مدیران و بازرس شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

**ماده ۴۵۲:** در صورتی که قبل از صدور حکم قطعی بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات موضوع دعوی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد، دادگاه تجارتي قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد.

**ماده ۴۵۳:** در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات هریک از ارکان شرکت، اشخاصی که بطلان منتسب به آنهاست، متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به شرکت، شرکا، و اشخاص ثالث وارد شده است.

**ماده ۴۵۴:** در مواردی که حکم بطلان یا انحلال شرکت توسط دادگاه تجارتي صادر می‌شود دادگاه تجارتي باید ضمن صدور حکم، مدیر یا مدیران تصفیه را بنا به معرفی سازمان تصفیه امور ورشکستگی انتخاب کند. حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه مطابق مقررات مربوطه تعیین خواهد شد.

**ماده ۴۵۵:** شرکت تجاری می‌تواند به عنوان شرکت وابسته یا شرکت تابعه تحت کنترل شرکت دیگری که شرکت مادر نامیده می‌شود قرار گیرد. شرکت تابعه شرکتی است که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت مادر



تعلق داشته باشد.

شرکت وابسته شرکتی است که علیرغم تعلق مالکیت کمتر از ۵۰ درصد سرمایه آن به شرکت مادر از طریق سهام ممتازه یا سایر طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه یا با کسب اکثریت اعضای هیات مدیره در کنترل شرکت مادر باشد.

**ماده ۴۵۶:** سمت مدیریت در شرکت قائم به شخص بوده و غیرقابل واگذاری به دیگران می باشد. لیکن، مدیر یا مدیران شرکت در چارچوب مقررات قانونی و اساسنامه مجاز به تفویض بخشی از وظایف و اختیارات خود به دیگری می‌باشند.

**ماده ۴۵۷:** مدیران شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا تصمیمات مجمع عمومی یا شرکا برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه تجارتي حدود مسئولیت هریک را برای جبران خسارت تعیین می‌کند.

**ماده ۴۵۸:** در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه تجارتي صلاحیتدار می‌تواند به تقاضای هر ذینفع، مدیر یا مدیرانی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات آنها بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید. این حکم مانع از آن نیست که سایر اشخاص ذیربط نیز به سبب قصور یا تقصیر خود با مدیران شرکت دارای مسئولیت تضامنی باشند.

**ماده ۴۵۹:** اشخاص زیر از مدیریت شرکت ممنوع می‌باشند:

الف - مجبورین و یا کسانی که به دلیل ارتکاب یکی از جرایم ماده ۱۰۰۵ به بعد (بخش ورشکستگی) به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتي از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در طول مدت محرومیت.

ب- کسانی که به علت ارتکاب خیانت در امانت، کلاهبرداری و یا جرایمی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری است، سرقت، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تدلیس و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتي محکوم شده‌اند.

پ - کسانی که به حکم قطعی دادگاه تجارتي از مدیریت شرکت منع شده‌اند تا پایان دوره ممنوعیت.

**ماده ۴۶۰:** علاوه بر اشخاصی که به موجب قوانین خاص از مدیریت شرکت منع شده‌اند اشخاص زیر نیز از مدیریت شرکت ممنوع هستند:

۱- اشخاص مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی،

۲- مشاورین رئیس جمهور.

۳- رئیس قوه قضاییه، معاونین، مشاورین، قضات و کارکنان قوه قضاییه، سردفتران و دفتر یاران اسناد رسمی.

۴- نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی .

- ۵- اعضا و کارکنان شورای نگهبان.
- ۶- اعضا و هیات رییس مجلس خبرگان رهبری.
- ۷- اعضا و کارکنان شورای امنیت ملی.
- ۸- اعضا و کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونین وی.
- ۹- مشاورین معاونین رئیس جمهور.
- ۱۰- رئیس دفتر مقام معظم رهبری، معاونین و مشاورین رئیس دفتر رهبری و روسای نهادهای وابسته و مدیران کل حوزه دفتر مقام معظم رهبری.
- ۱۱- روسای دفاتر سران سه قوه.
- ۱۲- سرپرستان وزارتخانه‌ها.
- ۱۳- معاونین و مشاورین وزرا.
- ۱۴- مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه‌ها و مدیران کل حوزه وزارتی و روسای دفاتر وزرا.
- ۱۵- رئیس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین وی.
- ۱۶- دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی.
- ۱۷- رئیس و دادستانها و معاونین و مشاورین و مستشاران دیوان محاسبات.
- ۱۸- رئیس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی
- ۱۹- رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی
- ۲۰- رئیس کل بانک مرکزی ایران، معاونین و مشاورین وی
- ۲۱- روسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور.
- ۲۲- رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.
- ۲۳- رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.
- ۲۴- ائمه جمعه سراسر کشور و روسای دفاتر ائمه جمعه.
- ۲۵- نمایندگان ولی فقیه در دستگاهها و نهادها.
- ۲۶- روسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیردولتی.
- ۲۷- استانداران، معاونین و مشاورین استانداران.
- ۲۸- فرمانداران و بخشداران در استان مربوطه.
- ۲۹- شهرداران و روسای مناطق شهرداری و کارکنان شهرداری

۳۰- اعضای شورای شهر.

۳۱- اعضای هیات مدیره و مدیران عامل بانکها.

۳۲- روسا و سرپرستان سازمانهای دولتی.

۳۳- اعضای هیات مدیره و مدیران عامل شرکتهای دولتی و وابسته به دولت.

**ماده ۴۶۱:** شخص یا اشخاصی که بر خلاف مواد فوق به مدیریت شرکت انتخاب یا پس از انتخاب شدن مشمول مواد فوق شده باشند باید از پذیرش مدیریت امتناع و یا استعفا کنند در غیر این صورت هر ذینفع می‌تواند از هیات مدیره بخواهد از مجمع عمومی جهت برکناری چنین مدیری دعوت کند. در صورت خودداری هیات مدیره از انجام این وظیفه ظرف بیست روز یا شمول وضعیت مذکور در صدر مواد نسبت به اکثریت اعضای هیات مدیره، ذینفع مزبور می‌تواند تقاضای بالا را به بازرس قانونی شرکت ارایه کند بازرس قانونی شرکت مکلف است ظرف ده روز مجمع عمومی را برای این منظور دعوت کند چنانچه بازرس به تکلیف بالاعمال نکند و یا شرکت دارای هیات مدیره و یا بازرس قانونی نباشد، و یا مجمع عمومی تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم کند، دادگاه تجارتي صلاحیتدار به تقاضای ذینفع نسبت به برکناری چنین مدیری اقدام خواهد کرد.

در شرکتهایی که مجمع عمومی وجود ندارد شرکا و در شرکتهایی که هیات مدیره وجود ندارد مدیر یا مدیریت باقیمانده شرکت، مکلف به انجام تکلیف بالا می‌باشند.

**ماده ۴۶۲:** هیچ کس نمی‌تواند هم زمان مدیر عامل بیش از یک شرکت باشد. در غیر این صورت، مرجع منصوب کننده نسبت به برکناری چنین مدیرعاملی مبادرت خواهد نمود. در غیر این صورت، دادگاه تجارتي صلاحیتدار به تقاضای هر ذینفع و یا بازرس قانونی شرکت حکم به برکناری چنین مدیری از شرکت یا شرکتهایی که مدیر مزبور موقتاً در آنها قبول سمت نموده است، صادر می‌کند. حکم صادره قطعی می‌باشد.

**ماده ۴۶۳:** در صورت صدور حکم دادگاه تجارتي به برکناری شخصی از سمت مدیریت شرکت، مرجع ثبت شرکتها مکلف است با اعلام اجرای احکام، مراتب را جهت اطلاع عمومی در روزنامه رسمی آگهی کند.

**ماده ۴۶۴:** در صورتی که مدیرعامل شرکت هنگام انتخاب شدن مشمول ممنوعیت‌های مذکور در مواد ۴۵۹، ۴۶۰ و ۴۶۲ باشد یا پس از انتخاب مشمول چنین ممنوعیت‌هایی شود، بایستی از قبول سمت خودداری و یا از مدیریت شرکت کناره‌گیری کند. در غیر این صورت هیات مدیره و در شرکتهایی که هیات مدیره ندارند شرکاء پس از آگاهی، مکلف به برکناری مدیر عامل انتخاب شده و تعیین جانشین وی می‌باشند.

در صورتی که حسب مورد هیات مدیره و یا شرکاء به تکلیف خود عمل نکند، دادگاه تجارتي با درخواست هر ذینفع حکم عزل چنین مدیرعاملی را صادر می‌کند. اعضای هیات مدیره‌ای که به حکم دادگاه تجارتي متخلف شناخته شوند از یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجاری

محروم می‌شوند.

**ماده ۴۶۵:** تصمیمات و اقدامات مدیری که بر خلاف مفاد مواد ۴۵۹، ۴۶۰ و ۴۶۲ انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر بوده و مسئولیت‌های ناشی از مدیریت شامل او خواهد شد.

**ماده ۴۶۶:** چنانچه هریک از مدیران شرکت مطابق مواد ۴۶۱ و ۴۶۴ از مدیریت شرکت مستعفی یا برکنار گردند، از تاریخ استعفاء یا برکناری بلاسمت محسوب می‌شوند، مرجع ذیصلاح شرکت مکلف است بلافاصله نسبت به تعیین مدیر یا مدیرانی که سمت آنها بالتصدی مانده است، اقدام کند.

**ماده ۴۶۷:** اگر کسی به رغم ممنوعیت‌های مذکور در ماده ۴۵۹ و ۴۶۰ مدیریت شرکتی را بپذیرد، به تقاضای هر ذینفع به محرومیت از تصدی مدیریت شرکت‌های تجاری، از یک تا سه سال، محکوم می‌شود.

**ماده ۴۶۸:** چنانچه مدیری به رغم حکم دادگاه تجارتي مبنی بر محرومیت یا عزل وی از تصدی مدیریت شرکت‌های تجاری، آگاهانه چنین حکمی را نقض نماید، به تقاضای هر ذینفع، دادگاه تجارتي مدیر متخلف را به حبس برابر با مدت محرومیت موضوع نقض محکوم می‌کند. این مجازات قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

**ماده ۴۶۹:** در صورتی که مدیری مرتکب جرایم خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل اسناد، استفاده از سند مجعول، اختلاس و ارتشاء در رابطه با شرکت گردد، دادگاه تجارتي رسیدگی کننده علاوه بر مجازات مقرر قانونی، مکلف به صدور حکم به محرومیت وی از مدیریت شرکت‌های تجاری از دو تا پنج سال می‌باشد.

**ماده ۴۷۰:** مدیران باید صورت‌های مالی میان دوره‌ای شش ماهه شرکت را تا پایان ماه هفتم سال مالی، تنظیم و به بازرس (در صورتی که در شرکت بازرس وجود داشته باشد) تسلیم کنند.

**ماده ۴۷۱:** مدیران شرکت‌ها مکلف هستند ظرف یک ماه هرگونه تغییر در نام میزان سرمایه و اقامتگاه شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند. در غیر این صورت هر یک از مدیران متخلف به پرداخت ده تا بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

**ماده ۴۷۲:** علاوه بر مواردی که دادگاه تجارتي مکلف به صدور حکم محرومیت مدیر متخلف از تصدی سمت مدیریت شرکت می‌باشد، دادگاه تجارتي می‌تواند مدیری را که به حکم مقررات این قانون و یا سایر قوانین، به علت نقض مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی

یا شرکا، از جهت کیفری محکوم می‌گردد از یک تا سه سال به محرومیت مزبور محکوم کند.

**ماده ۴۷۳:** چنانچه معلوم شود شخصی بر خلاف آنچه که راجع به صلاحیت و سوابق علمی و تجربی خود در هنگام انتخاب به عنوان مدیر شرکت اظهار نموده، فاقد شرایط مزبور است، به درخواست شرکت و به شرط احراز سوء نیت او، به ۲ تا ۳ سال محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شود.

**ماده ۴۷۴:** شخص یا اشخاصی که مجموع سهام و یا سهم‌الشرکه آنها دست‌کم یک پنجم سرمایه شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر هریک از مدیران و یا بازرس شرکت به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه آنها اقامه دعوی نموده و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها بخواهند. در صورت محکومیت خواندگان، حکم به نفع شرکت اجرا می‌شود و اقامه کنندگان دعوی صرفاً مستحق هزینه‌ها و خسارات دادرسی می‌باشند.

**ماده ۴۷۵:** مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی و یا شرکاء به هیچ عنوان نمی‌تواند حق سهامداران و یا شرکا، را در مورد طرح دعوی کیفری یا مدنی علیه مدیران شرکت محدود کند.

**ماده ۴۷۶:** شرکت مادر باید علاوه بر صورت‌های مالی خود، صورت‌های مالی تلفیقی را مطابق استانداردهای حسابداری تهیه و به مجمع ارائه کند.

**ماده ۴۷۷:** ۱- معامله بین شرکت مادر و شرکت تابعه و یا شرکت وابسته آن و همچنین تضمین تعهدات یکدیگر توسط آنها، باید با تصویب مجمع عمومی صاحبان سرمایه و رعایت حقوق سهامداران اقلیت انجام شود.

۲- در مواردی که شواهد و قراین ثابت کند که تعهدات و دیون ایجاد شده برای شرکت تابعه و یا شرکت وابسته ناشی از دستورات و یا سیاستهای ابلاغی شرکت مادر باشد، شرکت مادر نیز در قبال تعهدات و دیون مزبور مسئول می‌باشد. حدود مسئولیت هریک را دادگاه تجارتي معین می‌کند.

۳- در صورتی که شرکت تابعه یا وابسته ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی آن برای تادیه دیونش کافی نیست، دادگاه تجارتي به تقاضای هر ذینفع مبنی بر اینکه امر فوق، ناشی از تصمیم و اقدام شرکت مادر بوده، رسیدگی کرده و شرکت مادر را به پرداخت آن بخش از دیونی که در اثر تصمیم یا اقدام آن ایجاد شده، محکوم می‌کند.

۴- خرید سهام یا سهم‌الشرکه شرکت‌های مادر، توسط شرکت‌های تابعه و وابسته ممنوع است. تبصره: تمامی شرکت‌های تابعه و وابسته موجود که دارای سهام شرکت مادر هستند، باید ظرف مدت یکسال نسبت به واگذاری سهام مزبور به غیر اقدام کنند.

**ماده ۴۷۸:** مجامع یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات شرکاء بیفزاید.

## • **مبحث دوم: شرکت سهامی**

**ماده ۴۷۹:** شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان

سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست.

**ماده ۴۸۰:** شرکت سهامی به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود: در شرکت سهامی عام، حداقل ۳۵٪ از سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم تامین می‌شود.

در شرکت سهامی خاص، سرمایه شرکت منحصراً توسط مؤسسين تامین می‌گردد.

**ماده ۴۸۱:** در شرکت سهامی عام عبارت «سهامی عام» و در شرکت سهامی خاص عبارت «سهامی خاص» باید قبل یا بعد از نام شرکت بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق، اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت به طور روشن و خوانا قید شود.

**ماده ۴۸۲:** تعداد سهامداران در شرکت‌های سهامی عام از ده نفر و در شرکت‌های سهامی خاص از سه نفر نباید کمتر باشد.

**ماده ۴۸۳:** در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از مبلغ پنج میلیارد ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از مبلغ پانصد میلیون ریال نباید کمتر باشد.

**تبصره:** در صورتی که تصدی به موضوع تجاری خاصی مستلزم سرمایه‌گذاری بالاتری باشد، با تصویب هیات وزیران حداقل سرمایه لازم تعیین خواهد شد.

**ماده ۴۸۴:** چنانچه پس از تأسیس، سرمایه [ثبت شده] شرکت از حداقل مذکور در ماده قبل کمتر گردد، هیات مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق‌العاده را برای اتخاذ تصمیم در مورد شیوه‌های جبران کسری سرمایه و یا تبدیل شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری دعوت کند. در صورت خودداری هیات مدیره از انجام تکلیف بالا، بازرس شرکت مکلف است مجمع عمومی مزبور را فراخواند.

اگر ظرف ۶ ماه از تاریخ کم شدن سرمایه، هیات مدیره یا بازرس شرکت به تکلیف بالا عمل ننمایند و یا ظرف شش ماه از تاریخ دعوت مجمع عمومی مزبور تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید، هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تجارتي صلاحیتدار انحلال شرکت را درخواست نماید.

**تبصره:** هرگاه پیش از قطعی شدن رأی، موجبات درخواست انحلال مرتفع گردد، دادگاه تجارتي حکم رد دعوی را صادر خواهد کرد.

## • مبحث سوم: نحوه تشکیل شرکت سهامی عام

**ماده ۴۸۵:** برای تأسیس شرکت سهامی عام، مؤسسین باید دست کم بیست درصد کل سرمایه را نقدا در حسابی به نام «شرکت در شرف تأسیس» نزد یکی از بانک‌هایی که به منظور امر کارگزاری پذیره‌نویسی تعیین شده است، واریز نموده و گواهی دریافت دارند.

**ماده ۴۸۶:** مؤسسین باید به انضمام گواهی مذکور در ماده بالا اظهارنامه‌ای همراه با پیش‌نویس اساسنامه و طرح اعلامیه‌پذیره‌نویسی را که به امضاء همه مؤسسین رسیده باشد به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت دارند.

**تبصره:** چنانچه انجام موضوع شرکت مستلزم دریافت مجوز خاصی باشد، مجوز مزبور نیز باید به پیوست مدارک فوق به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد.

**ماده ۴۸۷:** اظهارنامه تأسیس شرکت باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسین رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- هویت کامل و اقامتگاه موسسین.
- ۳- موضوع شرکت.
- ۴- مبلغ کل سرمایه.
- ۵- تعداد سهام و ارزش اسمی هر سهم و نیز تعیین تعداد سهام بی‌نام در صورت وجود چنین سهامی.
- ۶- تعداد سهام ممتاز و تعیین دقیق ویژگی‌ها و امتیازات این گونه سهام، چنانچه این گونه سهام مدنظر باشد.
- ۷- میزان آورده هریک از مؤسسین، نام بانک و شماره حسابی که وجوه به آن واریز شده است.
- ۸- مرکز اصلی شرکت.
- ۹- مدت شرکت.

**ماده ۴۸۸:** طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- موضوع شرکت به طور صریح و منجز.
- ۳- مدت شرکت.
- ۴- مرکز اصلی شرکت.
- ۵- مبلغ سرمایه شرکت.
- ۶- تعداد سهام بی‌نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.

- ۷- نحوه انتقال سهام با نام.
- ۸- شرایط و ترتیبات مربوط به انتشار اوراق مشارکت و تبدیل آن به سهام.
- ۹- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.
- ۱۰- مواقع و ترتیب دعوت مجمع عمومی.
- ۱۱- مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
- ۱۲- طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.
- ۱۳- تعداد اعضاء اصلی و علی‌البدل هیات مدیره و مدت مأموریت آنها و نحوه جایگزینی اعضاء اصلی بوسیله اعضاء علی‌البدل.
- ۱۴- نحوه انتخاب اعضاء هیات مدیره و تعیین وظایف و حدود اختیارات آنها.
- ۱۵- تعیین میزان تضمینی که مدیران باید بسپارند.
- ۱۶- چگونگی انتخاب بازررس و مدت مأموریت وی و نحوه جایگزینی وی به وسیله عضو علی‌البدل.
- ۱۷- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم صورت‌های مالی و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.
- ۱۸- نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
- ۱۹- نحوه تغییر اساسنامه
- ۲۰- نحوه توزیع پاره سهام بین سهامداران ذینفع در حدود ماده ۵۰۹.

**ماده ۴۸۹:** آگهی پذیره‌نویسی باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- موضوع شرکت.
- ۳- مرکز اصلی شرکت.
- ۴- مدت شرکت.
- ۵- هویت، اقامتگاه و شغل مؤسسين.
- ۶- مبلغ سرمایه شرکت.
- ۷- تعداد و نوع سهام از جهت با نام و بی‌نام و یا ممتاز بودن.
- ۸- در صورتی که مؤسسين برای خود سهام ممتاز در نظر گرفته باشند، تعداد این گونه سهام و مزایای آنها.
- ۹- ذکر هزینه‌هایی که مؤسسين تا آن زمان به منظور فراهم ساختن مقدمات تشکیل شرکت



- ۱۰- پرداخت نموده و برآورد هزینه‌های احتمالی تا آغاز به کار شرکت.
  - ۱۱- تعیین حداقل سهامی که هر پذیرهنویس باید پذیرهنویسی نماید.
  - ۱۲- تعیین مهلت پذیرهنویسی.
  - ۱۳- ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ پذیرهنویسی به آن واریز گردد.
  - ۱۴-۱۳- قید اینکه اظهارنامه تأسیس شرکت و طرح اساسنامه برای ملاحظه علاقمندان نزد مرجع ثبت شرکتها موجود است.
  - ۱۵- تعیین روزنامه شرکت.
  - ۱۶- چگونگی تخصیص سهام به پذیرهنویسان.
- ماده ۴۹۰:** مرجع ثبت شرکتها مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده ۴۸۶ در صورت وجود مغایرت، مراتب را به مؤسسين اعلام و در صورت مطابقت اسناد و مفاد آنها با مقررات قانونی، اجازه انتشار آگهی پذیرهنویسی را صادر نماید.
- ماده ۴۹۱:** آگهی پذیرهنویسی علاوه بر نشر در حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار دو بار با فاصله ۱۵ روز، باید در پایگاه الکترونیکی بانک کارگزار پذیرهنویسی در معرض دید مردم قرار گیرد.
- ماده ۴۹۲:** سند پذیرهنویسی (اعم از کاغذی و الکترونیکی) علاوه بر امضاء باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:

- ۱- نام شرکت.
  - ۲- موضوع شرکت.
  - ۳- مرکز اصلی شرکت.
  - ۴- مدت شرکت.
  - ۵- سرمایه شرکت.
  - ۶- مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی.
  - ۷- تعداد و مبلغ اسمی حداقل سهام هر پذیرهنویس که باید پذیرهنویسی شود.
  - ۸- نام و شعبه بانک و شماره حسابی که واریز وجوه به آن انجام می‌گیرد.
  - ۹- هویت و نشانی پذیرهنویس.
  - ۱۰- قید شرایط و زمان استرداد وجوه پرداخت شده بابت پذیرهنویسی.
- ماده ۴۹۳:** ظرف مهلت مقرر در آگهی پذیرهنویسی، متقاضیان ضمن تکمیل سند پذیرهنویسی، مبلغ پذیرهنویسی را واریز و رسید دریافت خواهند نمود.
- چنانچه سند مزبور را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل نموده باشد، مشخصات و اقامتگاه وی تصریح و مدرک نمایندگی وی اخذ می‌شود.
- ماده ۴۹۴:** امضاء سند پذیرهنویسی به منزله پذیرش مقررات اساسنامه شرکت و مصوبات مجامع عمومی می‌باشد.
- ماده ۴۹۵:** پرداخت تمام یا بخشی از سرمایه شرکت سهامی عام به صورت غیرنقد مجاز نمی‌باشد.

**ماده ۴۹۶:** پس از پایان مهلت پذیرهنویسی، مؤسسين حداکثر ظرف ۳۰ روز ضمن بررسی امر پذیرهنویسی و احراز پذیرهنویسی تمامی سرمایه شرکت، تعداد سهم هریک از پذیرهنویسان را مشخص و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند کرد.

**ماده ۴۹۷:** مجمع عمومی مؤسس با رعایت تشریفات مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. این مجمع پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی تمامی سرمایه شرکت به نحو مقرر در ماده قبل، نسبت به بررسی مفاد طرح اساسنامه، عنداللزوم اصلاح و سپس تصویب آن اقدام و نخستین اعضاء هیات مدیره و بازرس را انتخاب خواهد نمود. مدیران و بازرس شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند، این قبولی به منزله آگاهی آنان نسبت به تکالیف خود می‌باشد.

**ماده ۴۹۸:** اساسنامه مصوب همراه با صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس و اعلام کتبی قبول سمت از سوی مدیران و بازرس، به منظور ثبت شرکت و آگاهی تشکیل آن جهت اطلاع عموم به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد.

**ماده ۴۹۹:** چنانچه در مجمع عمومی مؤسسین معلوم گردد که لزوماً سرمایه مذکور در اعلامیه پذیرهنویسی تامین نشده است، مؤسسین و پذیرهنویسان حاضر با رعایت شرط مقرر در ماده ۴۸۰ (تامین حداقل ۳۵٪ سرمایه از طریق عرضه به عموم) می‌توانند نسبت به تامین کسری سرمایه اقدام کنند، در غیر اینصورت تشکیل شرکت منتفی تلقی می‌شود.

**ماده ۵۰۰:** مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ تسلیم مدارک موضوع ماده قبل، مفاد آنها را با مقررات قانونی تطبیق و در صورت مطابقت آن با مقررات قانونی، نسبت به ثبت شرکت اقدام نماید.

**ماده ۵۰۱:** در صورتی که سرمایه تامین شده از میزان سرمایه مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی بیشتر باشد مجمع فوق می‌تواند سرمایه تأسیس را معادل مبلغ تامین شده منظور کند و یا آنکه مبلغ مازاد را با نسبتی یکسان، معادل نسبت مبلغ مازاد به مبلغ سرمایه تامین شده به ماخذ پرداختی هر پذیرهنویس به آنان مسترد کند.

**ماده ۵۰۲:** تا هنگامی که شرکت به ثبت نرسیده، بانک کارگزار پذیرهنویسی از پرداخت وجوه واریز شده به حساب شرکت در شرف تأسیس به هر کس ممنوع می‌باشد، مگر آنکه از سوی مرجع ثبت

شرکت‌ها گواهی عدم ثبت شرکت صادر و تسلیم شده باشد.

**ماده ۵۰۳:** هرکس آگاهانه و بر خلاف واقع پذیرهنویسی سهام را تصدیق و یا بر خلاف مقررات این قانون آگهی پذیرهنویسی منتشر کند به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال و یا مجازات نقدی از سی میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

**ماده ۵۰۴:** برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی خاص به پیوست اظهارنامه‌ای که باید به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد، مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد:

۱- اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده و متضمن موارد مذکور در ماده ۴۸۸ این قانون باشد.

۲- اظهارنامه حاکی از پرداخت تمام سرمایه شرکت که به امضاء همه مؤسسين رسیده باشد. چنانچه بخشی از سرمایه شرکت به صورت غیرنقد باشد، کل این گونه سرمایه باید تامین شده و صورت ارزیابی آن به تفکیک، همراه با اسناد مالکیت به پیوست اظهارنامه باشد. سرمایه غیرنقد نمی تواند بیش از      کل سرمایه شرکت باشد و نمی توان سرمایه غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس رسمی پذیرفت.

۳- گواهی بانکی مبنی بر اینکه سرمایه نقدی شرکت در حسابی تحت عنوان شرکت درشرف تأسیس نزد آن بانک تامین شده است.

۴- صورتجلسه‌ای که به امضاء کلیه سهامداران رسیده و در آن ضمن انتخاب نخستین گروه از اعضاء هیات مدیره و بازرس، روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی مربوط به شرکت تا اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر می‌گردد، تعیین شده باشد.

۵- قبول کتبی سمت از سوی مدیران و بازرس.

۶- رایه تصویر مدارک هویت مؤسس یا مؤسسين.

**تبصره ۱-** سرمایه غیرنقد تازمان ثبت شرکت به صورت امانی نزد آورنده این گونه سرمایه، نگاهداری خواهد شد و پس از ثبت شرکت تحویل مدیران آن می‌شود.

**تبصره ۲-** رعایت سایر شرایطی که برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام مقرر است، در مورد شرکت سهامی خاص ضروری نمی‌باشد.

**ماده ۵۰۵:** شرکت سهامی خاص مجاز به تامین سرمایه از طریق آگهی عمومی به هر شکل و از جمله پذیرهنویسی یا توسط بانک‌ها نمی‌باشد. همچنین نمی‌توان سهام این نوع شرکت را در بازار بورس اوراق بهادار عرضه نمود.

**ماده ۵۰۶:** هر گاه کارشناس یا مؤسسين عالماً و عامداً در تعیین و یا ارزیابی آورده غیرنقد مبلغی بیشتر از ارزش واقعی آن آورده را اعلام نمایند، به مجازات نقدی معادل دو برابر تفاوت قیمت اعلامی با ارزش واقعی به علاوه پرداخت خسارات وارده به ذینفع محکوم خواهند شد.

**ماده ۵۰۷:** تا هنگامی که شرکت سهامی خاص به ثبت نرسیده، برداشت از وجوه موجود در حساب شرکت در شرف تأسیس ممنوع می‌باشد، مگر در مورد موضوع ماده ۴۴۸ این قانون.

## • مبحث چهارم: سرمایه و سهام

**ماده ۵۰۸:** سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی باشد. گواهی سهم، سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

**ماده ۵۰۹:** مبلغ اسمی سهام باید مساوی باشد و صدور پاره سهم مجاز نیست. در صورتی که در اثر انتقال قهری یا کاهش یا افزایش سرمایه و یا به هر دلیل دیگر پاره سهم به سهامداران تعلق گیرد پاره سهم به ترتیبی که در اساسنامه تعیین شده بین سهامداران ذینفع توزیع خواهد شد.

**ماده ۵۱۰:** سهام شرکت عادی بوده، مگر آنکه اساسنامه برای آن امتیازاتی قائل شده باشد، که سهام ممتاز نامیده می‌شود.

صدور سهام با هر نام و عنوان دیگری خارج از انواع مذکور و یا اعطای هر نوع اختیاری تحت هر عنوان به جزء در قالب سهام ممتاز مجاز نمی‌باشد. سهام ممتاز باید بصورت با نام باشد.

**ماده ۵۱۱:** در شرکت‌های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون ریال بیشتر باشد.

**ماده ۵۱۲:** گواهی سهام بایستی به صورت یکسان و دارای شماره ترتیب بوده و دارای شرایط زیر باشد:

۱- نام و شماره ثبت شرکت.

۲- مبلغ سرمایه شرکت.

۳- تعیین نوع سهم از جهت با نام یا بی‌نام یا ممتاز بودن.

۴- مبلغ اسمی هر سهم.

۵- تعداد سهامی که هر گواهی سهم نماینده آن است.

۶- امضاء

**ماده ۵۱۳:** شرکت باید تا سه ماه پس از تشکیل، گواهی سهام صادر و به سهامداران تسلیم نماید.

**ماده ۵۱۴:** تا هنگامی که شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده صدور گواهی سهم ممنوع می‌باشد. در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهند بود.

**ماده ۵۱۵:** هرکس پیش از ثبت شرکت و یا در صورتی که شرکت مزورانه به ثبت رسیده باشد، با آگاهی از واقع امر، گواهی سهم صادر نماید، علاوه بر جبران خسارات به سه ماه تا یکسال حبس یا پرداخت معادل مبلغ سهام منتشره محکوم خواهد شد.

**ماده ۵۱۶:** هر سهم در مجامع عمومی از یک رأی برخوردار می‌باشد، مگر آنکه سهام از نوع ممتاز بوده و برای اینگونه سهام حق رأی بالاتری مقرر شده باشد.

**ماده ۵۱۷:** سهم بی‌نام، سندی است در وجه حامل که ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. واگذاری اینگونه سهام با قبض و اقباض انجام می‌گیرد.

**ماده ۵۱۸:** شرکت‌های سهامی اعم از عام و خاص مجاز به انتشار سهام بی‌نام بیش از ۳۰ درصد سرمایه نمی‌باشند.

**ماده ۵۱۹:** سهام با نام سندی است که نام دارنده و یا عبارت «با نام» در آن قید شود. صدور و انتقال سهام مزبور به استثنای سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که تابع مقررات بورس خواهند بود، باید با قید مشخصات کامل و اقامتگاه دارنده یا طرفین در دفتر ثبت سهام شرکت و امضاء انتقال دهنده و یا نماینده قانونی وی انجام شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

**ماده ۵۲۰:** واگذاری سهام در شرکت‌های سهامی عام نباید مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهم بشود.

**ماده ۵۲۱:** هرگونه تغییر در امتیازات سهام ممتاز باید از طریق اصلاح اساسنامه و پس از جلب موافقت دارندگان حداقل دوسوم سهام مذکور در مجمع عمومی فوق‌العاده به تصویب برسد.

**ماده ۵۲۲:** در صورتی که صدور یا اعطای سهام ممتاز برای برخی از سهامداران مدنظر باشد، سهامداران ذینفع، در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که به این منظور تشکیل شده حق رأی ندارند.

**ماده ۵۲۳:** در صورت انتقال سهام ممتاز، امتیازات این سهام نیز منتقل خواهد شد مگر آنکه در اساسنامه خلاف این امر پیش‌بینی شده باشد.

#### • مبحث پنجم: تبدیل سهام

**ماده ۵۲۴:** تبدیل سهام از بی‌نام به با نام مطابق مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده به عمل می‌آید. تبدیل سهام از بانام به بی‌نام مجاز نمی‌باشد.

**ماده ۵۲۵:** در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام با نام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هریک به فاصله پنج روز منتشر گردد و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه کنند. در آگهی بایستی

تصریح گردد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی خواهد شد.

**ماده ۵۲۶:** سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۵۲۵ برای تبدیل به سهام با نام به شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بازار بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بازار بورس، و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت دیگر طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

**ماده ۵۲۷:** از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۵۲۶ فروخته می‌شود بدو هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق‌الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب پس‌انداز بانکی خاصی سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و سود مربوط به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال، وجوه مزبور در حکم مال بلاصاحب بوده و باید توسط بانک و با اطلاع دادستان محل به خزانه دولت منتقل گردد.

**تبصره:** در مورد ماده قبل و این ماده، هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به ترتیب مراجعه اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی‌نامی که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا این که برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

**ماده ۵۲۸:** پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام با نام، یا گذشتن هریک از مهلت‌های مذکور در ماده ۵۲۵، شرکت باید مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها منعکس کند تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

**ماده ۵۲۹:** دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را ندارند.

#### • مبحث ششم: اوراق مشارکت

**ماده ۵۳۰:** ورقه مشارکت، سند قابل معامله‌ای است که به مبلغ اسمی مشخصی برای سررسید معین به صورت با نام یا بی‌نام منتشر می‌شود و معرف میزان مشارکت دارنده آن در موضوع

مشارکت بوده و علاوه بر سود حاصله از موضوع مشارکت، حقوق دیگری نیز ممکن است برای آن منظور نمود.

**ماده ۵۳۱:** شرکت سهامی عام می‌تواند تحت شرایط زیر، اوراق مشارکت منتشر کند:

الف - شرکت در زمان انتشار اوراق مشارکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و از فهرست شرکت‌های موجود در بورس حذف یا معلق نشده باشد.

ب - در صورت نیاز مجوز لازم برای اجرای موضوع مشارکت از مرجع ذیصلاح را اخذ نموده باشد و سرمایه در گردش مورد نیاز آن به تایید بازرس رسیده باشد.

پ - پیش‌بینی سود اجرای موضوع مشارکت و یاسود عملکرد تا سررسید اوراق مشارکت، طبق استانداردهای حسابداری مربوط توسط بازرس شرکت رسیدگی و در خصوص آن اظهار نظر شده باشد.

ت - شرایط مصوب شورای پول و اعتبار در مورد سقف کلی انتشار اوراق مشارکت، مدت و حداکثر نرخ سود علی‌الحساب آن رعایت شده باشد.

ث - تناسب حجم اوراق مشارکت قابل انتشار توسط شرکت با خالص دارایی‌های آن (مجموع دارایی‌ها منهای مجموع بدهی‌ها) به تایید بازرس رسیده باشد.

**ماده ۵۳۲:** دارندگان اوراق مشارکت در اداره امور شرکت حق هیچگونه دخالتی ندارند.

**ماده ۵۳۳:** نقل و انتقال اوراق مشارکت با نام فقط از طریق بورس اوراق بهادار امکان‌پذیر بوده و از این جهت تابع مقررات حاکم بر بورس می‌باشد.

**ماده ۵۳۴:** تصمیم راجع به انتشار و فروش اوراق مشارکت و شرایط آن باید با رعایت مندرجات ماده ۵۳۱ این قانون و طرح اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود. مرجع ثبت شرکت‌ها پس از دریافت مندرجات مزبور و همچنین تطبیق مندرجات اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت با این قانون، اجازه نشر اطلاعیه مذکور را صادر خواهد نمود. شرکت با دریافت اجازه مذکور، اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت را با قید شماره و تاریخ مجوز مرجع ثبت شرکت‌ها، در روزنامه شرکت، آگهی می‌کند.

**تبصره:** قبل از اخذ مجوز مذکور در این ماده، هرگونه آگهی برای فروش اوراق مشارکت ممنوع است.

**ماده ۵۳۵:** اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضای مجاز شرکت، امضا شده باشد:

۱- نام شرکت.

۲- موضوع شرکت.

۳- شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۴- مرکز اصلی شرکت.

۵- مدت شرکت.

- ۶- مبلغ سرمایه شرکت.
- ۷- اطلاعات مربوط به اوراق مشارکت تسویه نشده قبلی، شامل: مبلغ، تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت نشده آن.
- ۸- در صورتی که شرکت اوراق مشارکت یا بدهی‌های اشخاص دیگری را تضمین کرده باشد، مبلغ، مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.
- ۹- مبلغ و مدت اوراق مشارکت انتشار یافته، مبلغ اسمی هر ورقه، نرخ و مواعد پرداخت سود علی‌الحسابی که به اوراق مشارکت تعلق می‌گیرد، ذکر سایر حقوق و امتیازاتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است، موعد و یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت سود اوراق و در صورتی که اوراق مشارکت قبل از سررسید قابل بازخرید باشد، شرایط و ترتیب بازخرید آن.
- ۱۰- تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.
- ۱۱- اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.
- ۱۲- خلاصه صورت‌های مالی اساسی آخرین سال مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.
- ۱۳- موضوع شرکت که به منظور تامین مالی تمام یا قسمتی از آن، اوراق مشارکت منتشر شده است و همچنین شماره مجوزهای صادر شده توسط مراجع ذیصلاح برای اجرای موضوع مشارکت در صورت نیاز.
- ۱۴- نام بازرس شرکت و اظهارنظر وی در مورد حسابهای شرکت و پیش‌بینی سود موضوع مشارکت.
- ۱۵- مهلت خرید اوراق مشارکت
- ۱۶- نام و نشانی مرجعی که برای فروش اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.
- ۱۷- با نام یا بی‌نام بودن اوراق مشارکت.
- ۱۸- دوره پرداخت سود علی‌الحساب

**ماده ۵۳۶:** صادرکننده اوراق مشارکت می‌تواند برای اخذ تضمین نسبت به تأمین تمامی اعتبار مورد نیاز، گزارش توجیه اقتصادی طرح مربوطه را به تایید بانک یا مؤسسه معتبر برساند به نحوی که بانک یا مؤسسه مزبور تعهد کند که پس از عرضه عمومی اوراق مشارکت، آن قسمت از اوراق که بفروش نرسیده را ظرف مدت یک هفته یکجا و نقدی خریداری کند. اگر بخشی از اوراق



صادره طی مهلت مقرر به فروش نرسد و تضمین خرید باقیمانده اوراق اخذ نشده باشد، صادرکننده اوراق، موظف است علاوه بر استرداد اصل مبالغ واریزی، خسارتی را معادل سود علی الحساب اوراق فوق، از تاریخ واریز وجوه بپردازد.  
**تبصره:** خرید اوراق مشارکت، توسط شرکت صادرکننده ممنوع می باشد.

**ماده ۵۳۷:** مهلت عرضه اوراق مشارکت حداکثر برای یکبار و به مدت نصف دوره زمانی اولیه اعلام شده برای عرضه اوراق، قابل تمدید است.

**ماده ۵۳۸:** ورقه مشارکت باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیب مقرر برای اوراق سهام، امضا شود:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- شماره و تاریخ ثبت شرکت.
- ۳- مرکز اصلی شرکت.
- ۴- مبلغ سرمایه شرکت
- ۵- مدت شرکت.
- ۶- موضوع شرکت.
- ۷- مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه مشارکت.
- ۸- تاریخ و شرایط بازپرداخت اصل اوراق مشارکت و نیز شرایط بازخرید ورقه مشارکت (اگر قبل از سررسید قابل بازخرید باشد).
- ۹- نرخ و مواعد پرداخت سود علی الحساب و نحوه پرداخت سود قطعی اوراق مشارکت.
- ۱۰- تضمیناتی که احتمالاً برای استرداد وجوه اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.
- ۱۱- سایر حقوق و امتیازاتی که برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.
- ۱۲- اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.
- ۱۳- قید با نام یا بی نام بودن اوراق مشارکت.

**ماده ۵۳۹:** قبل از تامین مبلغ مورد نیاز، شرکت حق استفاده از وجوه جمع آوری شده از محل فروش اوراق مشارکت را ندارد و این وجوه به صورت امانت نزد شرکت می ماند.

**ماده ۵۴۰:** شرکت این اختیار را دارد که صرفاً به اعتبار وضعیت و با پشتوانه دارایی های خود اوراق مشارکت صادر کند. در عین حال شرکت می تواند از طریق بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و یا شرکتهای دیگر اصل یا اصل و سود اوراق مشارکت صادره را تضمین کند.

**ماده ۵۴۱:** تصمیم به انحلال و یا تجزیه شرکت، پیش از تصفیه حقوق دارندگان اوراق مشارکت قابلیت ثبت و اجرا ندارد.

**ماده ۵۴۲:** شرکت می تواند با اعطای امتیازاتی که باید از قبل تعیین شده باشد، اوراق مشارکت خود را قبل از سررسید بازخرید کند، مشروط به آنکه این موضوع در اطلاعیه انتشار اوراق

مشارکت و در ورقه مشارکت به صراحت قید شده باشد.

**ماده ۵۴۳:** شرکت می‌تواند با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کند.

**تبصره ۱:** اوراق مشارکت نمی‌تواند در عین حالی که قبل از سررسید قابل بازخرید، است، قابل تبدیل به سهام باشد.

**تبصره ۲:** تا زمانی که کلیه تعهدات شرکت بابت اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهامی که قبلاً انتشار یافته، انجام نگردد، انتشار اوراق مشارکت جدید قابل تبدیل به سهام مجاز نمی‌باشد.

**ماده ۵۴۴:** تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده مذکور در ماده ۵۴۳، مبنی بر اجازه انتشار اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، منوط به اجازه مجمع مزبور مبنی بر افزایش سرمایه تا میزان مبلغ کل اوراق مشارکت منتشره در سررسید این اوراق و همچنین سلب حق تقدم کلیه سهامداران در خرید سهامی که در مقابل تبدیل اوراق مشارکت صادر می‌شود، است.

**ماده ۵۴۵:** بهای سهام قابل واگذاری به دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام با توجه به بهای روز سهام شرکت در تابلوی بورس پس از افزایش سرمایه محاسبه می‌شود، لیکن شرکت می‌تواند تخفیفاتی را برای دارندگان اوراق مشارکت مذکور، منظور کند مشروط بر آنکه موضوع قبلاً به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده مندرج در ماده ۵۴۳ رسیده باشد.

**ماده ۵۴۶:** دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت، در صورت تمایل به تبدیل اوراق مشارکت خود، باید تا دو ماه قبل از سررسید اوراق مذکور، درخواست خود را تسلیم کنند. وگرنه حق آنها به تبدیل اوراق مشارکت خود به سهام ساقط می‌شود.

**تبصره:** همراه با تسلیم درخواست تبدیل اوراق مشارکت بی‌نام به سهم، اوراق مذکور باید به نحو مقتضی و روشن مهمور گردد.

**ماده ۵۴۷:** دارنده اوراق مشارکت نمی‌تواند پس از تسلیم درخواست تبدیل، اعلام انصراف نماید.

**ماده ۵۴۸:** حداکثر ظرف یک ماه پس از سررسید اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، به منظور افزایش سرمایه شرکت معادل اوراق مشارکتی که طبق درخواست دارندگان آنها به سهام شرکت قابل تبدیل است. هیات مدیره شرکت باید مصوبه مجمع عمومی راجع به افزایش سرمایه موضوع ماده ۵۴۴ این قانون و گواهی بازرس شرکت حاکی از موافقت دارندگان اوراق مشارکت با تبدیل اوراق مشارکت آنها به سرمایه را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند. پس از ثبت این افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور در مقابل اوراقی که به شرکت تسلیم کرده‌اند، تحویل خواهد شد.

**ماده ۵۴۹:** در سررسید پس از پرداخت اصل و سود علی‌الحساب، میزان سود قطعی اوراق مشارکت براساس استانداردهای حسابداری محاسبه و همراه با اظهارنظر بازرس شرکت، حداکثر ظرف یک ماه پس از تاریخ سررسید اوراق مشارکت، با درج اطلاعیه در روزنامه شرکت نشر

می‌گردد. اگر سود قطعی اوراق مشارکت، مازاد بر سود علی‌الحساب پرداخت شده باشد نحوه و مهلت پرداخت مازاد مذکور که نمی‌تواند بیش از ۲ ماه از تاریخ سررسید باشد، در اطلاعیه مذکور درج خواهد شد.

**تبصره:** تبدیل اوراق مشارکت به سهام، براساس اصل و سود علی‌الحساب خواهد بود و زمان تبدیل اوراق مشارکت به سهام نباید به تعویق افتد. مابه‌التفاوت سود علی‌الحساب و سود قطعی پس از تبدیل اوراق مشارکت به سهام نقداً به دارندگان اوراق پرداخت خواهد شد.

**ماده ۵۵۰:** چنانچه سود شرکت مربوط به موضوع مشارکت از سود علی‌الحساب مقرر کمتر باشد، سود علی‌الحساب، سود قطعی تلقی می‌شود.

**ماده ۵۵۱:** فقط اشخاص زیر با رعایت این قانون مجاز به انتشار اوراق مشارکت می‌باشند:

- ۱- شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس
- ۲- شرکت‌های سهامی عام پذیرفته نشده در بورس در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت یا تایید بانک مرکزی (به شرط آنکه دو سال تمام از تاریخ ثبت آنها گذشته باشد و همچنین دو صورت مالی آخرین سالهای مالی آنها تصویب شده باشد).
- ۳- دولت و شرکت‌های دولتی مطابق تبصره‌های قانون بودجه کشور.
- ۴- شهرداریها در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود با تایید بانک مرکزی.
- ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب شورای پول و اعتبار

**ماده ۵۵۲:** مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر موضوع مشارکت، در حکم تصرف غیرقانونی اموال عمومی محسوب می‌شود.

**ماده ۵۵۳:** به محض آنکه یکی از پرداختها بابت سود یا استرداد اصل مبلغ اوراق مشارکت با تاخیر مواجه شد، بانک کارگزار مکلف است نسبت به تامین و پرداخت هریک حسب مورد از محل تضمین اقدام کند.

**ماده ۵۵۴:** حداکثر تا ۵ ماه پس از سررسید اوراق مشارکت، سود قطعی اوراق محاسبه و پس از تایید سازمان حسابرسی به عنوان امین پرداخت خواهد شد.

**ماده ۵۵۵:** در صورت عدم ایفای تعهدات ناشر در بازپرداخت اصل و سود در سررسیدهای مقرر، بانک کارگزار مکلف است راساً اقدام کند.

### • مبحث هفتم: مجامع عمومی

**ماده ۵۵۶:** مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع سهامداران تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حد نصاب لازم برای تشکیل و تعداد آرای لازم برای تصمیم‌گیری در مجمع عمومی در اساسنامه پیش بینی می‌شود. حد نصاب و تعداد آرای که برای تصمیم‌گیری در اساسنامه پیش‌بینی می‌شوند نباید کمتر از حد نصابها و آرای تعیین شده در این قانون باشند.

**ماده ۵۵۷:** مجامع عمومی عبارتند از:

- ۱- مجمع عمومی مؤسس.
- ۲- مجمع عمومی عادی.
- ۳- مجمع عمومی فوق العاده.

**ماده ۵۵۸:** وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

- ۱- رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تامین مبالغ آن.
- ۲- بررسی و اصلاح و تصویب طرح اساسنامه شرکت.
- ۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت.
- ۴- تعیین روزنامه شرکت که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

**تبصره ۱:** گزارش مؤسسين باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیرهنویسان سهام آماده باشد.

**تبصره ۲:** تصویب طرح اساسنامه در مورد سهام ممتاز نمی تواند مغایر با مفاد آگهی پذیرهنویسی باشد.

**ماده ۵۵۹:** برای رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی مؤسس، حضور اشخاصی که حداقل نیمی از سرمایه شرکت را پذیرهنویسی نموده اند، ضروری است. چنانچه در جلسه اول حد نصاب مذکور به دست نیاید، مؤسسين مکلفند مجمع را تا دو نوبت دیگر دعوت نمایند، مشروط بر اینکه دست بیست روز پیش از تشکیل آن مجمع، آگهی دعوت با ذکر دستور جلسه و نتیجه جلسه قبل در روزنامه شرکت منتشر گردد. برای رسمیت یافتن جلسه نوبت دوم حضور دارندگان دست کم یک سوم سرمایه در جلسه ضرورت دارد. در صورت عدم حصول حدنصاب در جلسه دوم، سهامداران برای سومین بار به ترتیب بالا دعوت خواهند شد. در صورتی که در جلسه سوم، حد نصاب مذکور حاصل نگردد، شرکت قابل تشکیل نیست و مؤسسين موظفند نسبت به آگهی عدم تشکیل شرکت در روزنامه شرکت مبادرت ورزند. مقررات ماده ۴۴۸ در مورد این ماده نیز قابل اعمال است.

**ماده ۵۶۰:** در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیرهنویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک حق رأی خواهد بود و تصمیمات با دو سوم آراء حاضرین اتخاذ می شود.

**ماده ۵۶۱:** در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست و مؤسسين وظایف مجمع عمومی مؤسس را به انجام می رسانند. در این نوع شرکت ها، صورتجلسه مذکور در بند ۴ ماده ۵۰۴ این قانون در حکم صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس است.

**ماده ۵۶۲:** در شرکت های سهامی خاص هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غیرنقد داشته باشند باید نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری در مورد ارزیابی اینگونه آورده ها جلب و مورد

پذیرش سایر مؤسسين قرار گیرد.

**ماده ۵۶۳:** مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت به جز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است تصمیم بگیرد.

**ماده ۵۶۴:** در جلسه مجمع عمومی عادی حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند، ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور دارندگان هر میزان سهام دارای حق رأی رسمیت یافته و تصمیم‌گیری خواهد شد، مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

**ماده ۵۶۵:** در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضرین در جلسه رسمی، معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب اعضاء هیات مدیره که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب هیات مدیره تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

**ماده ۵۶۶:** مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در هنگامی که اساسنامه پیش‌بینی نموده برای رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به صورت‌های مالی سال مالی قبل و گزارش هیات مدیره و بازرس تشکیل گردد.

بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به صورت‌های مالی معتبر نخواهد بود.

**ماده ۵۶۷:** تقسیم سود و اندوخته بین سهامداران فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم بیست درصد از سود ویژه سالانه بین سهامداران الزامی است.

**ماده ۵۶۸:** مجمع عمومی فوق‌العاده منحصرأ به منظور رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به امور خاصی که در این قانون آمده است تشکیل می‌گردد. این مجمع با حضور دارندگان بیش از نصف سهام دارای حق رأی، رسمیت می‌یابد. چنانچه حد نصاب مزبور در نخستین جلسه بدست نیاید، جلسه برای بار دوم و با حضور صاحبان یک سوم سهام دارای حق‌رای رسمیت خواهد یافت، به شرط آنکه نتیجه دعوت نخست در دعوت دوم قید شده باشد.

**ماده ۵۶۹:** تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دوسوم آراء حاضرین در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

**ماده ۵۷۰:** هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه از جمله اتخاذ تصمیم راجع به سرمایه شرکت، صدور سهام ممتاز یا تغییر در مزایای این گونه سهام، تجویز انتشار اوراق مشارکت، تبدیل سهام و همچنین تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده

قرار دارد.

**ماده ۵۷۱:** دعوت از مجامع عمومی بر عهده رئیس هیات مدیره است که در مواردی که هیات مدیره مکلف به آن است پس از تصویب هیات مدیره، مبادرت به این امر می کند.

**ماده ۵۷۲:** چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند، بازرس شرکت مکلف است راساً به دعوت مجمع مزبور اقدام کند.

**ماده ۵۷۳:** در صورت عدم تنظیم و تسلیم به موقع مدارک مقرر در ماده ۷۲۵ این قانون و یا عدم دعوت از مجمع عمومی عادی صاحبان سهام، حداکثر ۵ ماه پس از پایان هر سال مالی توسط رئیس و اعضای هیات مدیره و همینطور در صورت عدم دعوت از مجمع عمومی عادی، ظرف یک ماه پس از انقضای مدت مذکور توسط بازرس، از آنها حسب مورد به جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهند شد.

حکم این ماده برای سایر مواردی که رئیس و اعضاء هیات مدیره و بازرس مکلف به دعوت مجمع عمومی هستند و در موعد مقرر اقدام نکنند نیز جاری است.

**ماده ۵۷۴:** هیات مدیره و همچنین بازرس شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

**ماده ۵۷۵:** سهامدارانی که حداقل یک پنجم سهام شرکت را دارا می باشند، حق دارند خواستار دعوت از سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده از هیات مدیره شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند، در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس شرکت خواستار شوند. در این صورت، بازرس مکلف خواهد بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نماید و گرنه سهامداران درخواست کننده حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرس تصریح نمایند.

**ماده ۵۷۶:** در مورد ماده ۵۷۵، دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در درخواست درج شده است.

**ماده ۵۷۷:** فاصله بین نشر دعوتنامه و تاریخ تشکیل مجامع عمومی حداقل ده روز و حداکثر سی روز خواهد بود.

**ماده ۵۷۸:** در آگهی دعوت مجمع عمومی، دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع، ساعت و نشانی کامل باید ذکر شود.

**تبصره ۱:** محل تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهری اقامتگاه شرکت باشد، مگر این که

صددرد صاحبان سهام برای تشکیل مجمع، محل دیگری را توافق نمایند.

**تبصره ۲:** اتخاذ هرگونه تصمیمی خارج از آنچه که به عنوان دستور جلسه آگهی شده، فاقد اعتبار است، مگر آنکه دارندگان صددرد سهام دارای حق رأی در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.

**تبصره ۳:** اساسنامه می‌تواند شیوه تشکیل جلسات مجمع را به صورت ویدئوکنفرانس یا الکترونیکی نیز پیش‌بینی کند.

**ماده ۵۷۹:** مجامع عمومی بوسیله هیات رئیسه‌ای مرکب از یک رئیس، یک منشی و دو ناظر اداره می‌شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رئیس هیات مدیره می‌باشد، به جز هنگامی که دستور جلسه مجمع انتخاب یا برکناری همه یا برخی از اعضاء هیات مدیره باشد که در این صورت رئیس مجمع از میان سهامداران حاضر در جلسه برگزیده خواهد شد، ناظرین از میان دارندگان سهام با نام حاضر انتخاب می‌شوند، لیکن منشی ممکن است سهامدار نباشد. هر سهامدار می‌تواند برای هر تعداد از سهام متعلق به خود، شخصی را به نمایندگی معرفی کند. هر یک از نمایندگان مزبور از جهت رعایت مقررات مربوط به انتخاب اعضاء هیات رئیسه مجمع و اعمال حق رأی بعنوان سهامدار تلقی می‌گردند. در هر حال تعداد نمایندگان معرفی شده هر سهامدار نباید بیشتر از ۵ نفر باشد.

**تبصره:** در صورت عدم حضور رئیس و نایب رئیس هیات مدیره، ریاست با یکی دیگر از اعضاء هیات مدیره و چنانچه هیچ عضوی از اعضای هیات مدیره در جلسه حاضر نباشند، یکی از سهامداران بدین منظور برگزیده می‌شود.

**ماده ۵۸۰:** قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی، شرکت ضمن احراز مالکیت سهامداران متقاضی حضور در جلسه مجمع به تعیین میزان سهام و تعداد آراء آنان اقدام خواهد کرد. از حاضرین در مجمع صورتی تنظیم خواهد شد که در آن هویت کامل، اقامتگاه، تعداد سهام و تعداد آراء هریک از حاضران قید و به امضاء آنان خواهد رسید.

**تبصره ۱:** چنانچه شرکت نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام نکند و به گونه‌ای عمل کند که منجر به تشکیل جلسه مجمع شرکت نشود هریک از اعضای متخلف هیات مدیره از یکصد میلیون ریال تا یکصد و پنجاه میلیون ریال جریمه خواهند شد.

**تبصره ۲:** اگر هیات مدیره نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام نکند و یا به گونه‌ای عمل کند که منجر به تشکیل جلسه مجمع شرکت نشود، بازرس موظف است نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام کند در این صورت بازرس از کلیه اختیارات هیات مدیره در این خصوص برخوردار خواهد بود.

**ماده ۵۸۱:** هر کس مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی گردد، به حبس تعزیری از سه ماه تا یکسال یا به جزای نقدی از ده تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

**ماده ۵۸۲:** رئیس و هریک از اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع

را مطابق ماده ۵۸۰ تنظیم نکنند، به جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۵۸۳:** هر کس با سوء نیت و به خلاف واقع خود را دارنده سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید، اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام داده باشد، به جزای نقدی از ده میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

**ماده ۵۸۴:** رئیس و هریک از اعضای هیات رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام در این قانون را رعایت نکرده باشند به جزای نقدی از بیست میلیون تا شصت میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۵۸۵:** در تمامی مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی آمده است، منظور اکثریت آرای حاضرین دارای حق رأی می‌باشد.

**ماده ۵۸۶:** هرگاه در مجمع عمومی در خصوص تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد تصمیم‌گیری نشود، هیات رئیسه مجمع با تصویب مجمع می‌تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسه بعد، مجمع با حداقل حد نصاب قانونی جلسه قبل رسمیت خواهد داشت.

**ماده ۵۸۷:** از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت‌جلسه‌ای توسط منشی تهیه می‌شود که به امضای اعضای هیات رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز اصلی شرکت نگهداری خواهد شد. مسئولیت تنظیم صورت‌جلسه به عهده هیات رئیسه مجمع عمومی می‌باشد. صورت‌جلسه تنظیمی با داشتن امضای اکثریت اعضای هیات رئیسه، معتبر است.

**ماده ۵۸۸:** چنانچه صورت جلسه مذکور در ماده ۵۸۷ تنظیم نشده باشد، هریک از اعضاء متخلف هیات رئیسه به جزای نقدی از ده میلیون تا سی میلیون ریال محکوم خواهند شد. چنانچه صورت‌جلسه مذکور به صورت ناقص یا برخلاف واقع تنظیم شود. به تقاضای هر ذینفع و با صدور حکم دادگاه تجارتي ابطال می‌شود و هریک از امضاء کنندگان به پرداخت یکصد میلیون تا دویست میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۵۸۹:** در مواردی که تصمیمات مجامع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد، یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال شود:

- ۱- انتخاب مدیران و بازرس.
- ۲- تصویب صورت‌های مالی.
- ۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر دیگر در اساسنامه.
- ۴- انحلال، تجزیه و ادغام شرکت و نحوه تصفیه آن.
- ۵- انتشار اوراق مشارکت.



## • مبحث هشتم: مدیریت شرکت

**ماده ۵۹۰:** اداره شرکت سهامی بوسیله هیات مدیره‌ای مرکب از اشخاص حقیقی و حقوقی که از میان سهامداران یا خارج از آنها انتخاب می‌گردند و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند، صورت می‌پذیرد.

**تبصره:** شخص حقوقی که برای عضویت هیات مدیره انتخاب می‌شود، باید یک شخص حقیقی را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

**ماده ۵۹۱:** جز در مورد نخستین گروه از اعضای هیات مدیره که توسط مجمع عمومی مؤسس یا مؤسسین برگزیده می‌شود، انتخاب و برکناری اعضای هیات مدیره توسط مجمع عمومی عادی انجام می‌شود.

**ماده ۵۹۲:** مدت مدیریت اعضای هیات مدیره در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از سه سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد اعضاء هیات مدیره بلامانع می‌باشد.

**ماده ۵۹۳:** حداقل تعداد اعضای هیات مدیره در شرکت سهامی خاص سه و در شرکت سهامی عام پنج عضو می‌باشد.

**تبصره:** شمار اعضای هیات مدیره در هر حال باید فرد باشد.

**ماده ۵۹۴:** مجمع عمومی باید برای شرکت‌های سهامی خاص حداقل ۲ نفر و برای شرکت‌های سهامی عام حداقل ۳ نفر، عضو علی‌البدل هیات مدیره انتخاب نماید.

**ماده ۵۹۵:** در صورت فوت، پذیرش استعفا یا فقد صلاحیت و یا نقد شرایط از یک یا چند عضو هیات مدیره، اعضای علی‌البدل بلافاصله مطابق مقررات اساسنامه و بدون انجام هرگونه تشریفات جای آنها را خواهند گرفت. در صورتی که اعضای علی‌البدل کافی برای پر کردن سمت‌های خالی در هیات مدیره نباشند و یا به هر دلیل ناتوان و یا ممنوع از تصدی چنین سمتی باشند، مدیر یا مدیران باقی مانده مکلفند از مجمع عمومی عادی برای تکمیل تعداد اعضای هیات مدیره دعوت کنند. در صورت عدم امکان و یا خودداری مدیر یا مدیران باقیمانده از انجام تکلیف مزبور یا شمول یکی از حالات مذکور در بالا نسبت به کلیه مدیران، بازرس قانونی شرکت به محض اطلاع از موضوع، موظف به دعوت از مجمع عمومی عادی به منظور فوق می‌باشد.

در صورت عدم امکان و یا خودداری بازرس قانونی شرکت از انجام تکلیف فوق و یا شمول حالات مذکور نسبت به وی، هر ذینفع می‌تواند از مجمع عمومی دعوت به عمل آورد، مشروط به آنکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت از مجمع به منظور بالا از سوی مدیران باقیمانده و یا بازرس را در دعوتنامه قید نماید.

**ماده ۵۹۶:** جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است، هیات مدیره شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد.

محدود کردن اختیارات هیات مدیره در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط در روابط اعضای هیات مدیره و شرکت معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

**ماده ۵۹۷:** هیات مدیره در اولین جلسه از بین اعضای خود، یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیات مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و مدت نیابت رئیس هیات مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود. هیات مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیات مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود بی اثر خواهد بود.

**تبصره ۱:** از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیات مدیره معرفی شده باشد، در حکم عضو هیات مدیره خواهد شد.

**تبصره ۲:** هرگاه رئیس هیات مدیره موقتا نتواند وظایف خود را انجام دهد، وظایف او را نایب رئیس هیات مدیره انجام خواهد داد.

**ماده ۵۹۸:** دعوت از اعضای هیات مدیره و اداره جلسات بر عهده رئیس هیات مدیره و در غیاب وی برعهده نایب رئیس هیات مدیره است.

**ماده ۵۹۹:** برای تشکیل جلسات هیات مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیات مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت آرای حاضرین اتخاذ گردد، مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

**ماده ۶۰۰:** ترتیب تشکیل جلسات هیات مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که حداقل یک سوم اعضای هیات مدیره را تشکیل دهند، می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیات مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیات مدیره را دعوت نمایند.

**تبصره:** دعوتنامه بایستی به نحو مضبوطی به آگاهی سایر اعضای هیات مدیره برسد.

**ماده ۶۰۱:** برای هر یک از جلسات هیات مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم و به امضای مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیات مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ آن، ذکر می شود. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود. خودداری یک یا چند تن از مدیران حاضر از امضای صورت جلسه به منزله مخالفت با تصمیمات اتخاذ شده می باشد.

**ماده ۶۰۲:** هیات مدیره باید یک شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات، مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیات مدیره همان شرکت باشد مگر باتصویب سه چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی.

**تبصره:** هیات مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را برکنار نماید.

**ماده ۶۰۳:** مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیات مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضا دارد.

**ماده ۶۰۴:** نام، مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورتجلسه هیات مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود.

**ماده ۶۰۵:** مدیران شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که مدیران شرکت، شریک یا عضو هیات مدیره یا مدیر عامل آنها می‌باشند و یا به میزانی بیش از ۵ درصد شریک آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیات مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود بطور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند. همچنین معاملات شرکت با سهامداران دارای بیش از ۲۰ درصد سهام آن و با شرکت‌ها و مؤسساتی که بطور مشترک بیش از ۲۰ درصد سهم شرکت دیگری را دارا باشند باید با کسب اجازه از هیات مدیره باشد. در چنین معاملاتی هیات مدیره موظف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده است بلافاصله مطلع کند و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی سال مربوطه ارائه نماید. بازرس نیز مکلف است نظر خود را درباره شرایط چنین معامله‌ای در گزارش سالانه به همان مجمع ارائه کند. اعضای هیات مدیره و مدیرعامل و سهامداران ذینفع به هنگام اتخاذ تصمیم در مورد چنین معاملاتی در جلسه هیات مدیره و مجمع عمومی مربوط حق‌رای نخواهند داشت.

**تبصره:** معاملات شرکت با اشخاص حقوقی مشمول این ماده و شرکت‌های تابعه در امور مربوط به خرید و فروش کالا و خدمات مرتبط با فعالیت جاری شرکت در صورتی که مطابق روال عادی و متعارف مبادلات شرکت با سایرین انجام شود صرفاً از حیث اخذ مجوز هیات مدیره مشمول مقررات مندرج در این ماده نخواهد بود.

**ماده ۶۰۶:** معاملات مذکور در ماده ۶۰۵ هرچند در مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت داشته و یا از آن آگاه بوده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد، مدیران ذینفع و مدیرانی که آگاهانه اجازه معامله را داده‌اند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند.

**ماده ۶۰۷:** در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۶۰۵ این قانون بدون اجازه هیات مدیره صورت گرفته باشد، هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد هر معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن، ابطال معامله را از دادگاه تجارتي صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر یا مدیران ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست ابطال معامله با مجمع عمومی عادی است که پس از استماع گزارش بازرس مبنی بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیران ذینفع در معامله، حق شرکت در رأی‌گیری را نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به

دعوت هیات مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد. معاملات موضوع این ماده در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

**ماده ۶۰۸:** مدیران شرکت حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند، مگر با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت به اتفاق آراء. این گونه عملیات باطل و متخلف ملزم به استرداد اصل و پرداخت خسارت و جریمه برپایه ۲۰ درصد در سال از تاریخ پرداخت وام یا اعتبار تا روز استرداد آن به شرکت می‌باشد. در مورد بانکها و شرکت‌های مالی و اعتباری، معاملات مذکور به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهند بود. ممنوعیت مذکور شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیات مدیره، در جلسات هیات مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر، پدر، مادر، اولاد، اولاد اولاد، برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد. پرداخت وام به افراد اخیر که دارای رابطه استخدامی با شرکت می‌باشند، مطابق ضوابط داخلی شرکت امکان‌پذیر است.

**ماده ۶۰۹:** مدیران نمی‌توانند فعالیت تجاری که متضمن رقابت با شرکت باشد، انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف مدیر موجب ضرر شرکت گردد، مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم از ورود خسارت تقویت منفعت است.

**ماده ۶۱۰:** پرداخت هرگونه حقوق و مزایا به اعضای موظف و پرداخت حق حضور به اعضای غیرموظف هیات مدیره با تصویب مجمع عمومی عادی مجاز می‌باشد.

مجمع عمومی می‌تواند اختیار فوق در خصوص تعیین حقوق و مزایای اعضای موظف را به هیات مدیره تفویض کند. پرداخت پاداش به اعضای هیات مدیره متناسب با بهبود عملکرد سالیانه شرکت و با تصویب مجمع می‌باشد و پاداش پرداختی به هر عضو موظف نباید از یکسال حقوق وی و به هر عضو غیرموظف از یکسال حق حضور وی بیشتر باشد لیکن در مواردی که عملکرد شرکت متضمن سود باشد مجمع می‌تواند پاداشی مازاد بر پاداش فوق را با تصویب دو/سوم آرا به اعضای هیات مدیره پرداخت کند. در هر حال مجموع پاداش پرداختی به اعضای هیات مدیره نباید در شرکت سهامی عام از ۲ درصد سود قابل تخصیص و در شرکت سهامی خاص از ۵ درصد سود قابل تخصیص شرکت بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تضمینی که مغایر با این ماده باشد باطل و بلااثر است.

**تبصره:** اطلاعات مربوط به تمامی پرداخت‌های موضوع این ماده باید به صورت مشخص در گزارش منضم به صورت‌های مالی هیات مدیره به مجمع افشا شود.

**ماده ۶۱۱:** اعمال و اقدامات مدیران شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها، اعمال آنان را غیرمعتبر دانست.

**ماده ۶۱۲:** در صورتی که مدیر یا مدیران فاقد حق امضا، مبادرت به انجام اعمال حقوقی تعهدآور به نام و برای شرکت بکنند، منفرداً و متضامناً با شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت خواهند

داشت. در صورت عدم تایید عمل از سوی شرکت، مدیر یا مدیران در مقابل شرکت مسئولیت خواهند داشت

**ماده ۶۱۳:** هیات مدیره موظف است ظرف یک ماه قبل از انقضای مدت مأموریت، از مجمع عمومی برای انتخاب اعضای هیات مدیره دعوت کند. در صورتی که هیات مدیره از مجمع دعوت نکند و یا به هر دلیلی مانع تشکیل آن شود، بازرس موظف است ظرف مدت دو هفته از مجمع دعوت کند و در صورت خودداری بازرس از دعوت و یا عدم وجود بازرس در شرکت، دارندگان  $\frac{1}{2}$  سرمایه شرکت حق خواهند داشت، مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و علاوه بر ذکر دستور جلسه، عدم دعوت از مجمع توسط هیات مدیره و یا بازرس را در دعوتنامه قید کنند.

در صورتی که به هر دلیل مجمع برگزار نشود و یا نسبت به انتخاب هیات مدیره اتخاذ تصمیم نکند، هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تجارتي ذیصلاح درخواست تعیین هیات مدیره کند. دادگاه تجارتي مکلف است به ترتیب از میان صاحبان بیشترین سرمایه یا سهام، هیات مدیره را انتخاب کند. در صورتی که صاحبان سرمایه یا سهام واجد شرایط لازم برای احراز سمت هیات مدیره نباشند، دادگاه تجارتي نسبت به چگونگی ادامه فعالیت شرکت یا انحلال آن اتخاذ تصمیم خواهد نمود

**ماده ۶۱۴:** مدیران شرکت که عمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرس شرکت باید انجام پذیرد، به این منظور دعوت نمایند و یا بازرس شرکت را در مواقعی که حضور او طبق قانون الزامی است، به مجمع عمومی دعوت نکنند به پرداخت جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم و به مدت یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجاری محروم خواهند شد.

**ماده ۶۱۵:** هیات مدیره مکلف است، امکان دسترسی هریک از سهامداران را به صورت‌های مالی، گزارش فعالیت مدیران و گزارش بازرس و نسخه‌برداری از آنها را ده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی فراهم نماید.

**ماده ۶۱۶:** هیات مدیره مکلف است هر سال مالی یک پانزدهم از سود قابل تخصیص شرکت، موضوع ماده ۷۲۹ را به عنوان اندوخته قانونی منظور کند، همین که این اندوخته به ۲۵ درصد سرمایه شرکت رسید، منظور کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد، کسر یک پانزدهم مذکور تا وقتی که اندوخته قانونی به ۲۵ درصد کل سرمایه برسد ادامه خواهد یافت.

**ماده ۶۱۷:** اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیات مدیره مکلف است بلافاصله ضمن ارائه گزارش لازم متضمن امکان تأدیه بدهی‌های شرکت از محل دارایی‌های شرکت به بازرس، نسبت به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام کند تا موضوع انحلال یا ابقای شرکت مورد تصمیم‌گیری واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش و یا

سرمایه شرکت را به میزان لازم برای خروج از شمول صدر ماده افزایش دهد. در صورتی که هیات مدیره بر خلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت نکند یا علیرغم دعوت، مجمع مزبور تشکیل نشود یا در صورت تشکیل مطابق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم نکند، هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تجارتي صلاحیتدار درخواست کند.

**ماده ۶۱۸:** هریک از مدیران شرکت که اموال، دارایی‌ها و امکانات شرکت و یا با سوء نیت اختیارات خود را، بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشد و یا با تبانی با هر شخص دیگری مورد استفاده قرار دهند، علاوه بر بازپس داختمنافع حاصله و جبران خسارت وارده، به حسب تعزیری از سه ماه و یک روز تا سه سال و محرومیت از تصدی مدیریت هر شرکت تجاری به مدت سه برابر حبس محکوم خواهند شد.

#### • **مبحث نهم: بازرس شرکت**

**ماده ۶۱۹:** مجمع عمومی عادی در هر سال شخص یا اشخاصی را به عنوان بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کند. انتخاب مجدد بازرس بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر زمان می‌تواند بازرس را به شرط انتخاب جانشین عزل کند. تبصره: نحوه انتخاب بازرس برای شرکت‌های سهامی مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

**ماده ۶۲۰:** مجمع عمومی عادی باید علاوه بر بازرس اصلی، یک شخص را به عنوان بازرس علی‌البدل انتخاب کند تا در صورت معذوریت، فوت، استعفا و سلب صلاحیت بازرس و یا انحلال (برای اشخاص حقوقی) بازرس اصلی، جایگزین وی گردد.

**ماده ۶۲۱:** انتخاب اولین بازرس شرکت‌های سهامی عام در مجمع عمومی موسس و انتخاب اولین بازرس شرکت‌های سهامی خاص توسط مؤسسين به عمل خواهد آمد.

**ماده ۶۲۲:** اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرس شرکت سهامی انتخاب شوند:

- ۱- اشخاص مذکور در ماده ۴۵۹ و ۴۶۰ این قانون.
- ۲- مدیران شرکت.
- ۳- پدر، مادر، اجداد، خواهر، برادر، همسر و بستگان درجه یک همسر، فرزندان و همسر فرزندان مدیران شرکت.
- ۴- هر کس که خود یا همسرش از مدیران شرکت موظفاً حقوق دریافت می‌کند.
- ۵- هر کس که خود یا همسرش موظفاً از شرکت‌هایی که یک یا چند تن از مدیران در آنها مدیر یا سهامدار باشند، حقوق دریافت می‌کند.
- ۶- اشخاص حقوقی که مدیران شرکت در آنها مدیر یا شریک می‌باشند.
- ۷- سهامدارانی که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را داشته باشند.

۸- شرکا و مدیران اشخاص حقوقی که به عنوان بازرس شرکت انتخاب شده‌اند.  
۹- مؤسسات حسابرسی که خود یا یک چندتن از مدیران آن در شرکتی سمت مدیریت دارند و یا مدیران و یا اعضای آن در مجموع بیش از ۲۰٪ سرمایه شرکتی را دارا می‌باشند از انتخاب شدن به عنوان بازرس شرکت مزبور ممنوع می‌باشند.

**ماده ۶۲۳:** هرکس با وجود منع قانونی، آگاهانه سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد، به جزای نقدی از یکصد میلیون تا سیصد میلیون ریال و محرومیت از تصدی بازرسی شرکت‌های تجاری از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

**ماده ۶۲۴:** بازرس علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای وی مقرر گردیده، مکلف است درباره صورت‌های مالی که هیات مدیره برای تسلیم به مجمع عمومی عادی تهیه می‌کند برپایه استانداردهای حسابرسی اظهار نظر کند و همچنین درباره درستی مطالب و اطلاعاتی که مدیران در گزارش خود به مجمع عمومی گذاشته‌اند، اظهار نظر کند. بازرس باید اطمینان حاصل کند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده است و در صورتی که مدیران اطلاعاتی بر خلاف واقع در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرس مکلف است که مجمع عمومی را از آن آگاه سازد. بازرس باید گزارش موضوع این ماده را به مجمع عمومی عادی تسلیم کند و هیات مدیره مکلف است امکان دسترسی هریک از سهامداران به گزارش مذکور و نسخه‌برداری از آن را لااقل ۱۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی فراهم کند.

**ماده ۶۲۵:** در صورتی که بازرس شرکت از انجام تکالیف مقرر در ماده ۶۲۴ تخلف نماید، به پرداخت جزای نقدی از سی میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

**ماده ۶۲۶:** هرگاه بازرس شرکت سهامی در گزارشهای خود راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی آگاهانه اطلاعات خلاف واقع بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند، به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد. این مجازات قابل تبدیل به جزای نقدی نمی‌باشد.

**ماده ۶۲۷:** بازرس در چارچوب وظایف خود، می‌تواند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را، نسبت به امور شرکت انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوطه به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهد. بازرس می‌تواند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که برعهده دارد از نظر کارشناسان استفاده نماید به شرط آنکه آنها را قبلاً به نحو مضبوطی به شرکت معرفی کرده باشد. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

**ماده ۶۲۸:** هریک از مدیران شرکت که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرس شود یا اسناد و اطلاعاتی را که برای انجام وظایف وی لازم است در اختیار بازرس قرار ندهد، به جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم و به مدت دو تا پنج سال از مدیریت هر شرکت

تجاری محروم خواهد شد.

**ماده ۶۲۹:** چنانچه بازرس در جریان بررسی امور شرکت متوجه تخلف یا تقصیری از ناحیه مدیران شرکت شود، بایستی مراتب را به اولین مجمع عمومی عادی گزارش کند. در صورتی که انتظار تا تشکیل جلسه مزبور موجب ورود زیان به شرکت شود، بازرس موظف است با قید فوریت مجمع یاد شده را به طور فوق العاده دعوت کند.

**ماده ۶۳۰:** در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا براساس گزارش اشخاصی که بر خلاف ماده ۶۲۲ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند، صورت‌های مالی شرکت را مورد تصویب قرار دهد، این تصویب فاقد اثر قانونی است.  
**تبصره:** تصمیمات مجامع عمومی فوق العاده مشمول حکم این ماده می‌شود.

**ماده ۶۳۱:** در صورتی که مجمع عمومی بازرس تعیین نکرده باشد، یا بازرس تعیین شده از ارایه گزارش ناتوان باشد و یا خودداری نماید، مرجع قضایی صلاحیتدار به درخواست هر ذینفع، شخصی را به طور موقت به سمت بازرس شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهد. تصمیم مرجع قضایی در این مورد قطعی و لازم الاجرا است.

**ماده ۶۳۲:** بازرس شرکت به سبب تخلفاتی که در رابطه با انجام وظایف خود مرتکب می‌شود، در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد.

**ماده ۶۳۳:** بازرس و همچنین همسر و فرزندان وی نمی‌توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد، به طور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شود. چنین معامله‌ای باطل بوده و بازرس متخلف مسئول جبران خسارات وارده بر شرکت خواهد بود.  
**تبصره:** در صورتی که بازرس شخص حقوقی باشد، ممنوعیت‌های مندرج در ماده ۶۲۲ اعمال می‌شود.

**ماده ۶۳۴:** در صورتی که بازرس شرکت آگاهانه در معاملات مذکور در ماده ۶۳۳ مشارکت کند، به مدت ۳ تا ۵ سال از تصدی سمت بازرسی شرکت‌های تجاری محروم خواهد شد.

**ماده ۶۳۵:** دریافت وام، اعتبار، هدیه، و هرگونه تسهیلات و نیز اخذ تضمین برای دیون و یا تعهد توسط بازرس شرکت، پدر، مادر، اجداد، خواهر، برادر، همسر و بستگان درجه یک همسر، فرزندان و همسر فرزندان بازرس به شرح مزبور در ماده ۶۳۳ این قانون، از شرکت ممنوع باشد، تخلف از این ماده توسط بازرس موجب بطلان عمل حقوقی انجام شده و الزام به جبران خسارات وارده به شرکت توسط بازرس و پرداخت معادل ۲۰ درصد مبلغ دریافتی یا ارزش تعهد در هر سال از سوی ذینفع عمل مزبور به شرکت می‌باشد. همچنین متخلف از این ماده به محرومیت از تصدی سمت بازرسی و مدیریت شرکت‌های تجاری، به مدت ۳ سال محکوم می‌شود.

**تبصره ۱:** در صورتی که بازرس شخص حقوقی باشد، شرکت‌های مادر، تابعه و وابسته به آن نیز



مشمول این محدودیت خواهند بود.

**تبصره ۲:** در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری در صورتی که بازرس، پدر، مادر، اجداد، خواهر، برادر، همسر و بستگان درجه یک همسر، فرزندان و همسر فرزندان بازرس تحت قیود و شرایط عادی و جاری و بدون دخالت بازرس از بانک یا شرکت مالی و اعتباری ذریبیط وام یا اعتبار تحصیل کنند، معتبر خواهد بود.

**ماده ۶۳۶:** تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

**ماده ۶۳۷:** بازرس علاوه بر رعایت موارد مذکور در این قانون، در تمامی مراحل انجام وظایف خود، ملزم به رعایت ضوابط و موازین حرفه‌ای مربوطه از جمله درستکاری، بی‌طرفی، دقت و رازداری می‌باشد.

### • مبحث دهم: تغییرات در سرمایه شرکت

**ماده ۶۳۸:** سرمایه شرکت فقط با صدور سهام جدید افزایش می‌یابد.

**ماده ۶۳۹:** تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از شیوه‌های زیر امکان پذیر است:

۱- پرداخت نقدی.

۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.

۳- انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته اختیاری یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت.

۴- تبدیل اوراق مشارکت به سهام.

**تبصره ۱:** فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.

**تبصره ۲:** انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

**ماده ۶۴۰:** شرکت می‌تواند سهام جدید را برای مبلغ اسمی بفروشد یا مبلغی را علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.

**ماده ۶۴۱:** مجمع عمومی فوق‌العاده، در مورد افزایش سرمایه، به پیشنهاد هیات مدیره و پس از قرائت گزارش بازرس شرکت، اتخاذ تصمیم می‌کند.

مجمع عمومی فوق‌العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌نماید، شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیات مدیره واگذار خواهد کرد.

پیشنهاد هیات مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل صورت‌های مالی شرکت از ابتدای سال مالی جاری و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به

حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. گزارش بازرس که باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیات مدیره باشد، و حداقل ۳۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار سهامداران قرار گیرد.

**ماده ۶۴۲:** مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا مبلغ معینی افزایش دهد.

**ماده ۶۴۳:** هیات مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه، حداکثر ظرف مدت یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت، به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

**ماده ۶۴۴:** هریک از مدیران که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد، سهام جدید صادر و منتشر کنند، به جزای نقدی از سی میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۶۴۵:** در خرید سهام جدید، سهامداران شرکت به نسبت سهامی که دارا می باشند حق تقدم دارند و این حق قابل واگذاری است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از یک ماه نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیرهنویسی تعیین می گردد، شروع می شود.

**ماده ۶۴۶:** به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است، در صورتی که هریک از مدیران شرکت در هنگام افزایش سرمایه حق تقدم سهامداران را نسبت به پذیرهنویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به سهامداران ندهند، به جزای نقدی از سی میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۶۴۷:** اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار تصمیم به افزایش سرمایه برای هیات مدیره باشد.

**ماده ۶۴۸:** در صورتی که شرکت قبلا اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کرده باشد چنانچه هریک از مدیران شرکت، حقوق دارندگان این گونه اوراق نسبت به تبدیل آنها به سهام شرکت را در نظر نگرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت است، اوراق مشارکت جدید قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا پیش از تبدیل اوراق مشارکت یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند، به جزای نقدی از ده میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۶۴۹:** مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیات مدیره می دهد، می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از

قرائت گزارش هیات مدیره و گزارش بازرس اتخاذ گردیده و متناسب با میزان سهام هر سهامدار باشد و گرنه باطل خواهد بود.

گزارش هیات مدیره باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است، باشد. گزارش بازرس باید حاکی از تایید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیات مدیره ذکر شده است.

**ماده ۶۵۰:** در مورد ماده ۶۴۹ چنانچه سلب حق تقدم در پذیرهنویسی سهام جدید موجب هر نوع انتفاع برای بعضی از صاحبان سهام گردد، این گروه سهامداران حق ندارند در اخذ رای درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی، سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

**ماده ۶۵۱:** پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه، مراتب باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به اطلاع سهامداران برسد. در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر سهامدار به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد، مهلت پذیرهنویسی و نحوه پرداخت ذکر گردد. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

**ماده ۶۵۲:** شرکت مکلف است ظرف مهلتی که نباید کمتر از یک ماه باشد، گواهی حق تقدم خرید سهام ناشی از افزایش سرمایه را بوسیله مطمئنی از قبیل پست سفارشی، الکترونیکی و غیره برای دارنده حق تقدم ارسال نماید. صاحبان سهام بی نام مکلفند برای دریافت گواهی حق تقدم ظرف مدت مزبور به نشانی مشخص شده در آگهی افزایش سرمایه حضوراً یا از طریق رایانه رجوع نمایند.

**ماده ۶۵۳:** گواهی نامه حق تقدم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر شده امضا و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و مرکز اصلی شرکت.
- ۲- شماره ثبت شرکت.
- ۳- مبلغ سرمایه فعلی و مبلغ افزایش سرمایه شرکت.
- ۴- تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی نامه، حق خرید آن را دارد و ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.
- ۵- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
- ۶- مهلتی که دارنده گواهی نامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهی نامه استفاده کند.
- ۷- شرایط دیگری که برای پذیرهنویسی مقرر شده باشد.

**ماده ۶۵۴:** در صورتی که سهامداران دارای حق تقدم، ظرف مدت مقرر از این حق استفاده نکنند، حسب مورد تمام یا باقی مانده سهام جدید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ خاتمه پذیرهنویسی به

متقاضیان فروخته خواهد شد.

حق تقدم موضوع اين ماده در شرکتهای سهامی عام پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تنها از طريق بازار بورس فروخته خواهد شد و در ساير شرکتهای سهامی عام و شرکتهای سهامی خاص نحوه عرضه و فروش سهام فوق طبق تصميم مجمع تعيين می شود.

**تبصره:** چنانچه حق تقدم خريد سهام متعلق به سهامدارانی که در مهلت مقرر در ماده ۶۴۵ از حق تقدم خود استفاده نکرده اند، فروخته شود، مبلغ مذکور پس از کسر هزینه های مربوط به عرضه و فروش به حساب سهامداران مربوط منظور و پرداخت می شود.

**ماده ۶۵۵:** هریک از مدیران شرکت سهامی که عامداً اطلاعات نادرستی به مجمع عمومی بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند که منجر به سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذيرهنویسی سهام جدید شود، به جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم و به مدت یک تا سه سال از مدیریت شرکتهای تجاری محروم خواهند شد.

**ماده ۶۵۶:** شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه سهام جدید برای پذيرهنویسی عمومی، ابتدا طرح آگهی پذيرهنویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند.

**ماده ۶۵۷:** طرح آگهی پذيرهنویسی مذکور در ماده ۶۵۶ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و شماره ثبت شرکت.
- ۲- موضوع شرکت و نوع فعالیت های آن.
- ۳- مرکز اصلی شرکت.
- ۴- در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن.
- ۵- مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
- ۶- اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
- ۷- هویت کامل اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت.
- ۸- شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی.
- ۹- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه.
- ۱۰- مبلغ و تعداد اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق مشارکت به سهم.
- ۱۱- مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق مشارکتی که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن.
- ۱۲- مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
- ۱۳- مبلغ افزایش سرمایه.
- ۱۴- تعداد و نوع سهام جدیدی که سهامداران با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده اند.

- ۱۵- تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی.
- ۱۶- مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید پذیرهنویسی شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.
- ۱۷- حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود.
- ۱۸- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
- ۱۹- نحوه عمل در مورد کسر و یا اضافه مبلغ پذیرهنویسی شده نسبت به مبلغ افزایش سرمایه اعلام شده.
- ۲۰- ذکر نام روزنامه شرکت.

**ماده ۶۵۸:** صورت‌های مالی سال قبل شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه سند پذیرهنویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در صورتی که تا آن موقع صورت‌های مالی سال قبل شرکت تصویب نگردیده باشد این نکته باید در سند پذیرهنویسی قیدشود.

**ماده ۶۵۹:** مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده ۶۵۷، در صورت مطابقت اسناد و مفاد آنها با مقررات قانونی، اجازه انتشار آگهی پذیرهنویسی را صادر نماید.

**ماده ۶۶۰:** آگهی پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه شرکت، دست کم در دو روزنامه کثیرالانتشار و نیز در محل مرجعی که خرید سهام در نزد آن به عمل می‌آید یا در پایگاه الکترونیکی آن، منتشر شود. در آگهی پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین صورت‌های مالی



شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است.

**ماده ۶۶۱:** خریداران ظرف مهلتی که در آگهی پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از یک ماه کمتر باشد، سند پذیرهنویسی سهام را امضا کرده، مبلغی را که باید پرداخت شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.

**ماده ۶۶۲:** پذیرهنویسی سهام جدید به موجب سند پذیرهنویسی سهم که باید شامل نکات زیر باشد به عمل خواهد آمد:

- ۱- نام، موضوع، مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.
- ۲- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
- ۳- مبلغ افزایش سرمایه.
- ۴- شماره و تاریخ اجازه انتشار آگهی پذیرهنویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.
- ۵- تعداد و نوع سهامی که پذیرهنویسی می شود و مبلغ اسمی آن.
- ۶- نام بانک و شماره حسابداری که بهای سهم در آن پرداخته می شود.
- ۷- هویت و نشانی کامل پذیرهنویس.

**ماده ۶۶۳:** مقررات مواد ۴۹۳ و ۴۹۴ این قانون در مورد سند پذیرهنویسی موضوع ماده قبل نیز حاکم است.

**ماده ۶۶۴:** پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده، هیات مدیره حداکثر تا یک ماه به امر پذیرهنویسی رسیدگی کرده و تعداد سهام هریک از پذیرهنویسان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.

**ماده ۶۶۵:** هرگاه پس از رسیدگی به اسناد پذیرهنویسی، مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد، هیات مدیره مکلف است ضمن تعیین مقدار سهام هر خریدار، دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوطه بدهد.

**ماده ۶۶۶:** هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم آگهی پذیرهنویسی مذکور در ماده ۶۵۷ به مرجع ثبت شرکتها، به ثبت نرسد به درخواست هریک از پذیرهنویسان سهام جدید، مرجع ثبت شرکت که آگهی پذیرهنویسی به آن تسلیم شده است، گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به مرجع یا بانکی که پذیرهنویسی یا خرید سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیرهنویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت است.

**ماده ۶۶۷:** برای ثبت افزایش سرمایه شرکت های سهامی خاص، راییه اظهارنامه ای که به امضای

کلیه اعضای هیات مدیره رسیده باشد، به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها، کافی خواهد بود:

۱- صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیات مدیره داده است و در صورت اخیر، صورتجلسه هیات مدیره در خصوص افزایش سرمایه

۲- یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۶۵۱ این قانون در آن منتشر گردیده است.

۳- اظهارنامه‌ای که حاکی از فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که همه یا برخی از سهام جدید، سهام ممتاز باشد شرح امتیازات و موجبات آن.

۴- در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقد باشد باید تمام قسمت غیرنقد تسلیم شرکت گردیده باشد. مجمع عمومی فوق‌العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و آورندگان سرمایه نقدی و غیرنقدی تشکیل شده و رعایت مقررات ۵۶۵ لغایت ۵۶۸ این قانون در آن قسمت که به آورده غیرنقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

**تبصره:** اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضا کلیه اعضا هیات مدیره رسیده باشد.

**ماده ۶۶۸:** وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شوند باید در حساب سپرده مخصوص نگاهداری شوند. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حسابهای شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.

**ماده ۶۶۹:** در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده، افزایش سرمایه را تصویب و تأدیه آنرا از طریق تبدیل مطالبات حال شده اشخاص از شرکت نیز تجویز کرده باشد، سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهند شد، با امضای سند خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره‌نویسی و یا خرید سهام جدید، حسب مورد، باشند، انجام می‌گیرد. سهامدارانی که فاقد مطالبات حال شده از شرکت می‌باشند و یا مطالبات آنها کافی نباشد می‌توانند با تأدیه بهای سهام از حق تقدم خود در افزایش سرمایه استفاده کنند.

**ماده ۶۷۰:** در سند خرید سهم مذکور در ماده ۶۶۹، نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ ماده ۶۶۲ باید قید شود.



**ماده ۶۷۱:** پس از انجام پذیره‌نویسی یا خرید، با توجه به ماده ۶۶۹ باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت‌ها، صورت کاملی از مطالبات حال شده بستانکاران پذیره‌نویس یا متقاضی که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از صحت مطالبات مذکور که بازرس شرکت آن را تایید کرده باشد، همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و اظهارنامه هیات مدیره مبنی بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.

**ماده ۶۷۲:** علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۶۱۷ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیات مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تناسب حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۴۸۳ این قانون کمتر نگردد.

**تبصره:** کاهش سرمایه از طریق کاهش تعداد سهام به نسبت مساوی و یا کاهش بهای اسمی سهام و یا رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن، انجام می‌گیرد.

**ماده ۶۷۳:** پیشنهاد هیات مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل ظرف مدت یک ماه قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس شرکت تسلیم گردد.

پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل صورت‌های مالی شرکت از ابتدای سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد شامل صورت‌های مالی سال قبل باشد.

**ماده ۶۷۴:** بازرس شرکت پیشنهاد هیات مدیره در مورد کاهش سرمایه را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.

**ماده ۶۷۵:** هیات مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش، حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی کند.

**ماده ۶۷۶:** در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت، هریک از دارندگان اوراق مشارکت و یا بستانکارانی که منشا طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۶۷۵ باشد، می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تجارتي تقدیم کنند.

**ماده ۶۷۷:** در صورتی که به نظر دادگاه تجارتي، اعتراض نسبت به کاهش سرمایه، وارد تشخیص داده شود و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ای که به نظر دادگاه تجارتي کافی باشد نسپارد، در این صورت آن دین حال شده و دادگاه تجارتي حکم به پرداخت آن خواهد داد.

**ماده ۶۷۸:** در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۶۷۶ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده و وثیقه موضوع ماده قبل تودیع نشده باشد کاهش سرمایه تا اجرای حکم قطعی دادگاه تجارتي، ممنوع

است.

**ماده ۶۷۹:** برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم، هیات مدیره شرکت باید مراتب را طی آگهی به اطلاع کلیه سهامداران برساند. آگهی باید در روزنامه شرکت منتشر شود و به نحو مضبوطی به آگاهی سهامداران برسد.

**ماده ۶۸۰:** آگهی مذکور در ماده ۶۷۹ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و نشانی مرکز اصلی شرکت.
- ۲- مبلغ سرمایه شرکت قبل و بعد از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.
- ۳- بهای اسمی سهام و یا تعداد سهام قبل و بعد از کاهش سرمایه.
- ۴- نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم یا مبلغ سهام کاهش یافته در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد.

**ماده ۶۸۱:** خرید سهام شرکت، توسط خود شرکت ممنوع است.

**ماده ۶۸۲:** هریک از اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه، مقررات مواد ۶۷۲، ۶۷۳ و ۷۱۰ این قانون را رعایت نکنند، به جزای نقدی از پانزده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

**ماده ۶۸۳:** هریک از اعضای هیات مدیره شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد بررسی قرار گیرد و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور، اقدام نکنند به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال و محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری از یک تا سه سال، محکوم خواهند شد.

#### • **مبحث یازدهم: انحلال و تصفیه شرکت سهامی**

**ماده ۶۸۴:** شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود.

- ۱- شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است، انجام داده یا انجام آن غیرممکن باشد، مگر اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص تغییر موضوع از طریق اصلاح اساسنامه اتخاذ تصمیم کند.
- ۲- شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مجمع

عمومی فوق العاده مدت مذکور را قبل از انقضا تمدید کند.

۳- در صورت ادغام در شرکت دیگر و یا تجزیه که منجر به محو شخصیت حقوقی شرکت شود.

۴- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه تجارتي طبق ماده ۶۸۵ این قانون.

۵- در صورت ورشکستگی.

۶- با تصمیم اختیاری مجمع عمومی فوق العاده.

**ماده ۶۸۵:** در موارد زیر هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تجارتي درخواست کند:

۱- در صورتی که تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت، اقدام مؤثر برای انجام موضوع آن صورت نگرفته یا فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.

۲- در صورتی که مجمع عمومی سالانه در مورد صورتهای مالی هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه تعیین کرده، اتخاذ تصمیم نکرده باشد.

۳- در صورتی که سمت هریک از مدیران شرکت بیش از ۶ ماه بلامتصدی مانده باشد.

۴- در مورد بندهای یک و دو ماده ۶۸۴، در صورتی که مجمع فوق العاده برای اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد.

**ماده ۶۸۶:** در خصوص موارد مذکور در ماده ۶۸۵، دادگاه تجارتي بلافاصله برحسب مورد ضمن اخطاری کتبی به شرکت، مهلتی که از ۶ ماه تجاوز نخواهد کرد را به شرکت خواهد داد تا نسبت به رفع موجب یا موجبات انحلال اقدام نماید. در صورتی که پس از انقضای مهلت، شرکت موجب یا موجبات انحلال را برطرف نسازد، دادگاه تجارتي به موضوع رسیدگی و نسبت به صدور حکم انحلال مبادرت خواهد کرد.

**ماده ۶۸۷:** انحلال و تصفیه امور شرکت سهامی به موجب مقررات این بخش انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات ناظر به ورشکستگی می‌باشد.

**ماده ۶۸۸:** امر تصفیه با هیات مدیره می‌باشد، مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده یا دادگاهی که رأی به انحلال می‌دهد، ترتیب دیگری مقرر دارد.

**تبصره:** برکناری مدیران تصفیه با همان مرجعی است که آنها را برگزیده است.

**ماده ۶۸۹:** در هر صورت مدیران تصفیه شرکت‌های سهامی عام نباید کمتر از سه نفر باشند.

**ماده ۶۹۰:** نحوه و شرایط انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه و نحوه تشکیل جلسات آنها تابع ترتیبات ملحوظ در این قانون در مورد هیات مدیره می‌باشد.

**ماده ۶۹۱:** اشخاص حقوقی را نیز می‌توان به عنوان مدیر تصفیه انتخاب نمود.

**ماده ۶۹۲:** چنانچه امر تصفیه بلامتصدی مانده باشد یا مدیران تصفیه تعیین نشده باشند یا تعیین شده لیکن به وظایف خود عمل نکنند، بازرس شرکت مکلف است مراتب را به دادگاه تجارتي جهت تعیین مدیر یا مدیران تصفیه منعکس کند. در هر حال هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر یا مدیران

تصفیه را از دادگاه تجارتي بخواهد.

**ماده ۶۹۳:** شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.

**ماده ۶۹۴:** نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه تجارتي نشانی دیگری تعیین شده باشد.

**ماده ۶۹۵:** تا پایان کار تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری، اجرای تعهدات، وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

**ماده ۶۹۶:** تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف مدت ۱۰ روز از طرف مدیر یا مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام تا پس از ثبت برای اطلاع همگان در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود.

**ماده ۶۹۷:** انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و آگهی نشده باشد، نسبت به اشخاص ثالث بی‌اثر است.

**ماده ۶۹۸:** از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه، سمت هیات مدیره زائل شده و تصفیه شرکت آغاز می‌گردد. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر، اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته و بلافاصله امر تصفیه را عهده‌دار شوند.

**ماده ۶۹۹:** مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم برای امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش را دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و بی‌اثر است.

**ماده ۷۰۰:** در صورتی که اداره شرکت در حال تصفیه به وسیله هیات مدیره انجام شود، نحوه دعوت و حدنصاب‌های تشکیل و تصمیم‌گیری همانند هیات مدیره شرکت فعال خواهد بود.

**ماده ۷۰۱:** مقررات مواد ۵۸۲، ۶۱۱، ۶۱۲ و ۶۱۴، ۶۲۸، ۷۳۲ این قانون در مورد مدیران تصفیه نیز اعمال می‌گردد.

**ماده ۷۰۲:** انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه تحت هر عنوان کلاً یا بعضاً به اشخاص زیر باطل است:

۱- مدیران تصفیه یا اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم و شرکتهایی که مدیران مزبور در آنها دارای سمت مدیریت هستند و یا حداقل ۵۰ درصد سرمایه آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به مدیران تصفیه و یا اقارب آنها به شرح فوق می‌باشد.

۲- چنانچه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد، شخص حقوقی مدیر تصفیه، شرکتهای مادر، تابعه و وابسته به آن و همچنین مدیران شخص حقوقی مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه دوم.

۳- چنانچه مدیر تصفیه (شخص حقیقی و حقوقی) شریک یا مدیر اشخاص حقوقی دیگری باشد و اشخاص حقوقی مزبور طرف معامله واقع شوند.

مدیر یا مدیرانی که بر خلاف این ماده عمل کنند ضامن اصل و منافع مال موضوع انتقال بوده و به پرداخت خسارت معادل ۵۰ درصد ارزش مال مزبور محکوم می‌شوند.

تنها در صورتی که دو بار دارایی شرکت در حال تصفیه به مزایده گذاشته شده باشد و خریداری برای آن پیدا نشود، مدیر یا مدیران تصفیه می‌توانند با تصویب اکثریت صاحبان سرمایه و با این قید که قیمت خرید آنها از قیمت پایه مزایده که به تایید کارشناس رسمی دادگستری رسیده کمتر نباشد، دارایی شرکت را خریداری کنند

**ماده ۷۰۳:** تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی معین می‌کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از ۲ سال باشد. چنانچه ظرف این مدت امر تصفیه خاتمه نیابد، مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت، مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده و مجمع عمومی صاحبان سهام پس از استماع نظریه بازرس در مورد گزارش مدیران تصفیه نسبت به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدام می‌نمایند. مدیر یا مدیران تصفیه برای حداکثر ۲ سال انتخاب می‌شوند، انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

**ماده ۷۰۴:** هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، تمدید مدت مأموریت آنان نیز با رعایت شرایط مندرج در ماده ۷۰۳ با دادگاه تجارتي خواهد بود.

**ماده ۷۰۵:** تا هنگامی که کار تصفیه پایان نیافته، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی را با رعایت شرایط و تشریفات مقرر در قانون و اساسنامه دعوت نموده و صورت‌های مالی را همراه با گزارش عملکرد خود به مجمع عمومی تقدیم نمایند.

**تبصره:** نسخه‌ای از صورت‌های مالی و گزارش مزبور، یک هفته پیش از تشکیل مجمع، جهت اظهارنظر به بازرس شرکت ارایه می‌گردد.

**ماده ۷۰۶:** در دوره تصفیه دعوت از مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیر یا مدیران تصفیه

می‌باشد.

در صورت ناتوانی یا خودداری مدیر یا مدیران تصفیه از انجام این تکلیف، بازرس شرکت موظف به دعوت از مجامع عمومی خواهد بود. چنانچه بازرس شرکت به دعوت از مجمع عمومی اقدام ننماید، دادگاه تجارتي به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

**ماده ۷۰۷:** در هر مورد که به موجب مقررات این بخش، تشکیل مجمع عمومی برای اتخاذ تصمیم در امر تصفیه ضرورت داشته باشد، اما به هر دلیل مجمع عمومی تشکیل نشود یا تصمیم‌گیری ننماید، دادگاه تجارتي با لحاظ ماده ۷۱۰ به درخواست هرذینفع تصمیم مقتضی درخصوص موضوع اتخاذ خواهد کرد.

**ماده ۷۰۸:** حکم ماده ۶۴۱ در مورد ایجاد امکان دسترسی سهامداران به صورت‌های مالی، گزارش فعالیت مدیران و گزارش بازرس در زمان تصفیه شرکت نیز جاری است.

**ماده ۷۰۹:** حکم مواد ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۲ و ۵۷۳ راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت در مجامع، در مدت تصفیه نیز جاری می‌باشد.

**ماده ۷۱۰:** در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند، هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت‌های مالی را در روزنامه شرکت منتشر کنند.

**ماده ۷۱۱:** تقسیم دارایی شرکت میان سهامداران خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلا سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله ۳۰ روز در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

**ماده ۷۱۲:** آن بخش از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد نیاز نیست، میان سهامداران به نسبت سهام آنها تقسیم می‌شود، به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز سررسید آن نرسیده است موضوع شده باشد.

**ماده ۷۱۳:** پس از ختم تصفیه، انجام تعهدات و تادیه کلیه دیون، دارایی شرکت ابتدا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

مدیر تصفیه باید نحوه تقسیم دارایی بین سهامداران را به طریق مقتضی به اطلاع سهامداران برساند.

**ماده ۷۱۴:** تخلف از مقررات مواد ۷۱۱ تا ۷۱۳ مدیران تصفیه را مسئول جبران خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

**ماده ۷۱۵:** در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه از مفاد مواد ۷۱۱ تا ۷۱۳، عامداً تخلف کنند به جزای نقدی از پنجاه میلیون ریال تا دویست و پنجاه میلیون ریال یا محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری از یک تا سه سال و یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد.

**ماده ۷۱۶:** مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا توسط مرجع مزبور به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف شود.

**ماده ۷۱۷:** مدیران تصفیه باید بلافاصله پس از اعلام پایان تصفیه، وجوهی که باقی مانده است را در حساب مخصوص نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و سهامدارانی که مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند را نیز به آن بانک ارائه و مراتب را طی آگهی مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا نسبت به دریافت طلب خود از بانک اقدام کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی پایان تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

**ماده ۷۱۸:** دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید به مدت ۱۰ سال مالی منتهی به سال ختم تصفیه شرکت، توسط مدیر یا مدیران تصفیه به صورت اسناد الکترونیکی اصل یا جایگزین تهیه شوند و با اخذ گواهی از یکی از مراجع موضوع ماده ۳۱ قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲، همزمان با اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود تا به مدت ۱۰ سال از تاریخ ختم تصفیه توسط مرجع مزبور برای مراجعات لازم نگهداری شوند.

**ماده ۷۱۹:** در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشند، باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را برای اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نمایند. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تجاری تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه مکلفند که قصد استعفای خود را به دادگاه تجاری اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه تجاری بخواهند. دادگاه تجاری مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نسبت به انتخاب جانشین تعیین تکلیف نماید. در هر حال استعفای مدیر یا مدیران تصفیه تا هنگامی که جانشین آنان به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشوند و مراتب طبق ماده ۶۹۶ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد بی‌اثر است.

چنانچه امر تصفیه شرکت در خاتمه مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه، پایان نپذیرد و مدیر یا مدیران مزبور تمایل به انتخاب مجدد برای این سمت را نداشته باشند باید ضمن اعلام مراتب به بازرس شرکت، هنگام دعوت مجمع عمومی صاحبان سهام برای انتخاب مدیران تصفیه، این امر را اعلام نمایند، در صورتی که مجمع عمومی تشکیل نشود و یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب کند یا مدیران مزبور توسط دادگاه تجارتي انتخاب شده باشند باید از دادگاه تجارتي ذیصلاح درخواست انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه جدید را بنمایند. دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نسبت به تعیین جانشین اقدام کند.

**ماده ۷۲۰:** اگر مدیران تصفیه متعدد و توسط مجمع عمومی انتخاب شده باشند، در صورت فوت، ورشکستگی و یا تعذر از ادامه مدیریت به دلایلی نظیر، بیماری صعبالعلاج و حبس یک یا چند تن از آنان، مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده باید مجمع عمومی شرکت را برای تعیین جانشین مدیر یا مدیران مذکور دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند فرد جانشین را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر یا مدیران مذکور توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین را از دادگاه تجارتي بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد و مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد در صورت فوت، ورشکستگی و یا تعذر از ادامه مأموریت به دلایلی نظیر بیماری صعبالعلاج و حبس، هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را برای تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر مذکور توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه تجارتي بخواهد.

**ماده ۷۲۱:** مجمع عمومی فوق‌العاده و یا دادگاه تجارتي که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می‌کند موظف است همزمان بازرس یا بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت را انتخاب نماید.

**ماده ۷۲۲:** مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر شوند، به محرومیت یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجاری و یا جزای نقدی از سی میلیون تا هشتاد میلیون ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد:

۱- چنانچه ظرف یک ماه پس از انتخاب خود تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و مشخصات خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

۲- در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی را دعوت نکرده و



صورت‌های مالی و نحوه تصفیه امور شرکت ومدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند به آگاهی مجمع عمومی نرسانند.

۳- چنانچه پیش از پایان کار تصفیه هر ساله مجمع عمومی را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون پیش‌بینی شده است دعوت نکرده و صورت‌های مالی شرکت را به همراه گزارش حاکی از اقداماتی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور ارایه نکنند.

۴- در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵- چنانچه ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام ننمایند.

۶- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوص در یکی از بانک‌های ایران تودیع ننمایند، و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را دریافت نداشته‌اند به آن بانک تسلیم نکرده و مراتب را طی آگهی پایان تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

**ماده ۷۲۳:** شرایط، اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های بازرس در دوره تصفیه شرکت همانند قبل از تصفیه است.

**ماده ۷۲۴:** مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را بر خلاف منافع شرکت بطور مستقیم یا غیرمستقیم برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود در آن ذینفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند علاوه بر بازپرداخت منافع حاصله و جبران خسارات وارده، به حبس تعزیری از سه ماه و یک روز تا سه سال و محرومیت از تصدی مدیریت هر شرکت تجاری به مدت سه برابر حبس محکوم خواهند شد.

#### • **مبحث دوازدهم: حساب‌های شرکت**

**ماده ۷۲۵:** هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت‌های مالی شرکت را مطابق استانداردهای حسابداری مصوب مراجع ذیصلاح به ضمیمه گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند و حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس شرکت گذاشته شود.

**ماده ۷۲۶:** رئیس و اعضای هیات مدیره شرکت که مدارک مقرر در ماده قبل را به موقع تنظیم یا تسلیم نکنند به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۷۲۷:** سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌های مربوطه که طبق استانداردهای حسابداری به رسمیت شناخته شده‌اند پس از کسر مالیات شرکت.

**ماده ۷۲۸:** سود قابل تخصیص عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت موضوع ماده ۷۲۷ منهای زیان انباشته ابتدای سال به علاوه سود انباشته ابتدای سال پس از اعمال تعدیلات سنواتی.

**ماده ۷۲۹:** مجمع عمومی عادی سالانه در صورت تصویب صورت‌های مالی و احراز این که سود قابل تخصیص وجود دارد، پس از کسر اندوخته قانونی به شرح ماده ۶۱۶ این قانون، مبلغی که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود و یا به حساب اندوخته اختیاری منظور شود، را تعیین می‌کند. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد، بین صاحبان سهام تقسیم شود. در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم شوند. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شوند، سود موهوم تلقی خواهد شد.

**ماده ۷۳۰:** نحوه پرداخت سود تعیین شده در ماده قبل توسط مجمع عمومی معین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد، هیات مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود. در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف چهار ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

**ماده ۷۳۱:** مدیران شرکت که بدون رعایت تشریقات و ترتیبات مقرر در این قانون مبادرت به تقسیم سود کنند علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی ده میلیون ریال تا صد میلیون ریال و محرومیت یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شوند و در صورتی که سود توزیع شده بین سهامداران موهوم باشد مدیران مزبور به حبس تعزیری از یک سال تا سه سال نیز محکوم می‌شوند.

**ماده ۷۳۲:** مدیران شرکت که به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت صورت‌های مالی غیرواقعی به مجمع عمومی ارائه یا منتشر کرده باشند، به حسب تعزیری از شش ماه تا هجده ماه محکوم خواهند شد.

#### • **مبحث سیزدهم: تبدیل شرکت‌ها**

**ماده ۷۳۳:** شرکت سهامی خاص با رعایت شرایط لازم برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام و لحاظ شرایط زیر می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود:

- ۱- موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد.
- ۲- دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و صورت‌های مالی دو سال پیاپی آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

۳- دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و صورت‌های مالی شرکت در دو سال پیاپی به تصویب مجمع عمومی سهامداران رسیده باشد.

۴- اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

۵- الزام تامین حداقل ۲۵٪ سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم رعایت شود.

**ماده ۷۳۴:** شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران تبدیل شرکت را تصویب کرده است، صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند:

۱- اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است.

۲- صورت‌های مالی مذکور در ماده ۷۳۳ که به تایید حسابرس رسمی رسیده باشد.

۳- اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت.

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد، نشانی شعب آن.

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

ه - سرمایه شرکت.

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن

ز - هویت کامل مدیران شرکت.

ح - شرایط حضور و حق رای سهامداران در مجامع عمومی.

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

ک - ذکر نام روزنامه شرکت.

**ماده ۷۳۵:** مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده شماره ۷۳۴ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون، تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. در غیر این صورت ایرادات را ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ وصول مدارک کتبا به متقاضی اعلام می‌کند.

**ماده ۷۳۶:** در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردیده و قید شود که اساسنامه شرکت، صورت‌های مالی و گزارش بازرسی دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای علاقمندان آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت

باید علاوه بر روزنامه شرکت، در یک روزنامه کثیرالانتشار نیز منتشر شود.

**ماده ۷۳۷:** شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به وجود می‌آید با رعایت مواد ۶۵۶ لغایت ۶۶۵ و ماده ۶۶۸ این قانون برای پذیرهنویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیرهنویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود، اجازه انتشار آگهی پذیرهنویسی سهام را صادر خواهد نمود. در آگهی پذیرهنویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد.

**ماده ۷۳۸:** در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماً تادیه نشود، شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

#### • **مبحث چهاردهم: شرکت با مسئولیت محدود**

**ماده ۷۳۹:** شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بوسیله یک یا چند شخص تشکیل گردیده و هریک از شرکا نسبت به بدهی‌ها و تعهدات شرکت تا میزان سرمایه‌ای که در شرکت گذارده‌اند، مسئولیت خواهند داشت.

**ماده ۷۴۰:** در شرکت با مسئولیت محدود تقسیم سرمایه به قطعات یا برگ سهام یا به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با نام و یا بی‌نام و غیره ممنوع بوده و میزان سهم‌الشرکه هریک از صاحبان سرمایه به درصد تعیین می‌شود.

**ماده ۷۴۱:** در کلیه اوراق مربوط به شرکت، پس از نام شرکت باید عبارت «با مسئولیت محدود» آورده شود. در غیر این صورت شرکت در برابر اشخاص ثالث مشمول مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از صاحبان سرمایه باشد و گرنه شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

**ماده ۷۴۲:** حداقل سرمایه نقدی شرکت با مسئولیت محدود یکصد میلیون ریال می‌باشد که در هنگام تأسیس بایستی تماماً به حساب شرکت در شرف تأسیس پرداخت شود.

**ماده ۷۴۳:** شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای آورده‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

**ماده ۷۴۴:** اشخاص زیر به حبس تعزیری از یک تا سه سال و محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری به میزان دو برابر مدت حبس تعیین شده در حکم مربوطه محکوم می‌شوند:

الف - مؤسسين و مدیرانی که پرداخت تمام آورده نقدی و تقدیم و تسلیم آورده غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند، بر خلاف واقع اظهار کرده باشند.

ب - کسانی که به وسایل متقلبانه آورده غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

**ماده ۷۴۵:** مقررات ماده ۶۱۷ ناظر به کاهش سرمایه اجباری و ماده ۶۷۲ راجع به کاهش اختیاری سرمایه شرکت سهامی نسبت به شرکت با مسئولیت محدود نیز اعمال می‌شود.

**ماده ۷۴۶:** تشکیل مجمع عمومی در شرکت با مسئولیت محدود الزامی است مگر در موردی که شمار شرکاء کمتر از سه عضو باشد که در این صورت تشکیل مجمع منوط به پیش‌بینی در اساسنامه است.

**ماده ۷۴۷:** در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود با بیش از یک شخص تأسیس شود، لیکن بعداً به هر دلیل تعداد شرکا به یک شخص کاهش یابد، مدیر یا مدیران مکلفند مراتب را ظرف یک ماه از طریق روزنامه رسمی به اطلاع عموم برسانند. هریک از مدیران که از این تکلیف سر باز زنند، به جزای نقدی از ده تا سی میلیون ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۷۴۸:** برای تأسیس شرکت با مسئولیت محدود مدارک زیر بایستی توسط موسس یا مؤسسین به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود:

- ۱- اظهارنامه تشکیل شرکت.
- ۲- اساسنامه.
- ۳- صورتجلسه انتخاب مدیر یا مدیران و قبول کتبی آنها
- ۴- صورتجلسه انتخاب بازرس، در صورتی که برای شرکت در اساسنامه انتخاب بازرس پیش‌بینی شده باشد.
- ۵- صورتجلسه تعیین روزنامه شرکت.
- ۶- گواهی یکی از بانک‌های محل اقامت شرکت دایر بر واریز تمامی سرمایه مقرر برای تأسیس شرکت به حساب شرکت در شرف تأسیس.
- ۷- موافقت سازمان با نهاد ذیربط چنانچه انجام موضوع شرکت نیازمند اخذ چنین موافقتی باشد.
- ۸- تصویر مدارک هویت موسس یا مؤسسین.
- ۹- نشانی موسس یا مؤسسین

**ماده ۷۴۹:** اظهارنامه تشکیل شرکت باید با قید تاریخ به امضای موسس یا مؤسسین رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

- ۱- نام شرکت.

- ۲- هویت کامل و اقامتگاه موسس یا مؤسسین
- ۳- موضوع شرکت.
- ۴- مبلغ کل سرمایه به تفکیک نقد و غیرنقد آن.
- ۵- میزان آورده موسس یا هر یک از مؤسسین و نام بانک و شماره حسابی که وجوه به آن واریز شده است.
- ۶- میزان سهم الشریکه هریک از مؤسسین.
- ۷- مرکز اصلی شرکت.
- ۸- مدت شرکت.

**ماده ۷۵۰:** فعالیت و نحوه اداره شرکت مطابق اساسنامه صورت می‌گیرد اساسنامه شرکت باید با قید تاریخ به امضاء موسس یا مؤسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- موضوع شرکت.
- ۳- مدت شرکت.
- ۴- مرکز اصلی شرکت.
- ۵- مبلغ سرمایه شرکت.
- ۶- مواعد و نحوه تشکیل مجامع.
- ۷- تعداد مدیران، مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین مدیر و جانشین برای آنها در مواردی که از ادامه کار ناتوان یا ممنوع می‌شوند.
- ۸- تعیین حدود اختیارات مدیران.
- ۹- چنانچه تعیین بازرس برای شرکت مدنظر باشد، مدت ماموریت، نحوه انتخاب بازرس، وظایف و اختیارات آن.
- ۱۰- چگونگی انحلال اختیاری و تصفیه شرکت.
- ۱۱- نحوه تغییر اساسنامه.
- ۱۲- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.
- ۱۳- تعیین آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم صورت‌های مالی و تسلیم آن به بازرسان و مجمع عمومی سالانه.
- ۱۴- روابط بین شرکاء
- ۱۵- نحوه تقسیم منافع.

**ماده ۷۵۱:** موافقت شرکا یا مدیران شرکت برای انتقال سهم الشرکه ضرورت ندارد. لیکن شرکا در خرید سهم الشرکه‌ها در شرایط مساوی نسبت به اشخاص ثالث اولویت دارند. در ارتباط با موارد مذکور می‌توان در اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر کرد.

**ماده ۷۵۲:** انتقال سهم الشرکه فقط به موجب سند رسمی به عمل می‌آید، در غیر این صورت انتقال به عمل آمده در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

**ماده ۷۵۳:** شرکت موظف است نسخه‌ای از سند رسمی انتقال را به انضمام صورتجلسه متضمن تغییر در شرکا و میزان سهم‌الشرکه به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال نماید.

**ماده ۷۵۴:** مرجع ثبت شرکت‌ها نمی‌تواند صورتجلسه تغییرات در شرکاء شرکت که به ترتیب مقرر در مواد ۷۵۲ و ۷۵۳ انجام نشده باشد را پذیرفته و آگهی نماید.

**ماده ۷۵۵:** نحوه دعوت، تشکیل، حد نصاب، رای‌گیری و اختیارات مجمع عمومی به موجب اساسنامه خواهد بود مگر آنکه مقررات این بخش از قانون ترتیب دیگری پیش‌بینی کرده باشد.

**ماده ۷۵۶:** دعوت از شرکاء از سوی مدیرعامل شرکت در روزنامه شرکت عمل می‌آید، مگر آنکه همه شرکا با امضا نسخه دوم دعوتنامه از تاریخ و دستور جلسه آگاهی‌یابند که در این صورت و نیز در صورتی که همه شرکاء در جلسه حاضر باشند، نشر دعوتنامه در روزنامه شرکت ضرورت ندارد.

تصمیم‌گیری مجمع عمومی شرکا بدون رعایت تشریفات بالا فاقد اعتبار است.

**ماده ۷۵۷:** شرکایی که دست کم یک پنجم سرمایه شرکت را دارا می‌باشند می‌توانند از مدیرعامل بخواهند برای دعوت از مجمع عمومی یا شرکا با قید موضوع جلسه، اقدام کند. مدیر عامل باید حداکثر تا بیست روز مجمع یا جلسه مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند، در غیر این صورت درخواست‌کنندگان می‌توانند خود به دعوت مجمع یا تمامی شرکاء اقدام کنند به شرط آنکه حسب مورد کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع یا دعوت از شرکا را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود از سوی مدیرعامل تصریح نمایند. مجمع یا شرکا دعوت شده می‌توانند منحصراً در موضوعی تصمیم‌گیری کنند که در تقاضانامه شرکاء فوق ذکر شده است.

**ماده ۷۵۸:** در صورتی که کلیه سرمایه متعلق به یک شخص باشد، تشریفات دعوت، تشکیل و رای‌گیری الزامی نیست. لیکن کلیه تصمیمات باید طی صورتجلسه‌ای به امضای صاحب سرمایه رسیده و در شرکت نگهداری گردد.

**ماده ۷۵۹:** فاصله بین آگهی دعوت و تشکیل جلسه حداقل ده روز و حداکثر سی روز خواهد بود.

**ماده ۷۶۰:** تصمیم‌گیری در مجمع یا در جلسه شرکا در تمامی موارد با موافقت دارندگان بیش از پنجاه درصد سرمایه پذیرفته می‌شود مگر در موارد زیر که موافقت دارندگان حداقل دو سوم

سرمایه ضروری است:

- ۱- تغییر اساسنامه
- ۲- کاهش یا افزایش سرمایه شرکت
- ۳- انحلال شرکت
- ۴- ادغام شرکت
- ۵- تبدیل شرکت به نوع دیگری از شرکتهای تجاری

**ماده ۷۶۱:** هریک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارند، دارای حق رای خواهند بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

**ماده ۷۶۲:** در هیچ مورد اکثریت شرکا نمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند.

**ماده ۷۶۳:** شرکت با مسئولیت محدود بوسیله یک یا چند مدیر که بایستی شخص حقیقی باشند و از میان شرکاء یا غیر شرکاء تعیین می گردند، اداره می شود، مدت مدیریت مدیران در اساسنامه مشخص می شود.

**ماده ۷۶۴:** چنانچه شرکت تنها دارای یک مدیر باشد. مدیر مزبور عنوان مدیرعامل را خواهد داشت.

**ماده ۷۶۵:** جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص شرکا است، مدیران شرکت دارای تمامی اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات شرکا فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی اثر است.

**ماده ۷۶۶:** مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود دارای همان وظایف و مشمول همان محدودیتها و مسئولیتهای مدنی و کیفری مدیران شرکتهای سهامی خاص هستند.

**ماده ۷۶۷:** در صورتی که تعداد مدیران شرکت از یک تن بیشتر باشد. بایستی شخص حقیقی را از میان خود یا فرد دیگری را بعنوان مدیرعامل انتخاب و حدود وظایف و اختیارات وی را تعیین نمایند.

**ماده ۷۶۸:** تقسیم منافع به نسبت سرمایه شرکاء به عمل می آید، مگر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگر مقرر شده باشد.

**ماده ۷۶۹:** در صورتی که به موجب اساسنامه، برای شرکت بازرسی تعیین شده باشد تمامی شرایط لازم جهت انتخاب، وظایف و اختیارات، محدودیتها و مسئولیتهای بازرسی در شرکتهای سهامی شامل چنین بازرسی نیز خواهد بود. به جز مقرراتی که در خصوص شرکت با مسئولیت محدود در این قانون آمده است.

**ماده ۷۷۰:** انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود تابع همان مقرراتی است که برای شرکت



سهامی پیش‌بینی گردیده است.

**ماده ۷۷۱:** مرجعی که تصمیم به انحلال شرکت گرفته است برای امور تصفیه شرکت، شخص یا اشخاص را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می‌نماید.

**ماده ۷۷۲:** دوره مدیریت مدیران تصفیه شرکت با مسئولیت محدود حداکثر ۲ سال است، چنانچه تمدید دوره مدیریت لازم باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید ضمن ارائه گزارش توجیهی تمدید مدت مدیریت خود را از شرکا درخواست نمایند.

تعیین بازرس برای دوره تصفیه اختیاری می‌باشد مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد. حدود وظایف و مسئولیت‌های چنین بازرسی تابع مقررات شرکت سهامی خواهد بود.

**ماده ۷۷۳:** مقررات ماده ۷۰۲ این قانون در خصوص انتقال اموال شرکت سهامی در حال تصفیه، نسبت به شرکت با مسئولیت محدود در حال تصفیه نیز اعمال می‌شود.

#### • **مبحث پانزدهم: شرکت تضامنی**

**ماده ۷۷۴:** شرکت تضامنی شرکتی است که توسط حداقل دو شخص تشکیل می‌شود و در صورتی که دارایی‌هایی شرکت برای پرداخت دیون کافی نباشند، هر یک از شرکاء متضامنا مسئول پرداخت تمامی دیون شرکت خواهند بود، هر توافقی میان شرکاء بر خلاف حکم این ماده در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی اثر است.

**ماده ۷۷۵:** شرکت تضامنی دارای نام مخصوصی است که عبارت «شرکت تضامنی» و حداقل نام یکی از شرکاء باید در آن ذکر شود. اگر نام شرکت مشتمل بر اسامی تمامی شرکاء نباشد باید بعد از نام شرکت عبارت «و شرکاء» قید شود.

**ماده ۷۷۶:** در شرکت تضامنی تقسیم منافع میان شرکاء به نسبت سهم‌الشرکه می‌باشد، مگر آنکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.

**ماده ۷۷۷:** برای تشکیل شرکت تضامنی، سرمایه مقرر در اساسنامه در هنگام تأسیس باید پرداخت شود چنانچه بخشی از سرمایه به صورت غیرنقد باشد، آورده غیرنقد بایستی توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی و تسلیم شود.

**ماده ۷۷۸:** رعایت تشریفات مربوط به تأسیس شرکت با مسئولیت محدود، در مورد شرکت تضامنی نیز الزامی است مگر آنکه در این بخش ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

**ماده ۷۷۹:** در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم‌الشرکه خود را به سایر شرکاء و یا به غیر آنان منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

**ماده ۷۸۰:** در صورت موافقت شرکا با انتقال سهم‌الشرکه به شرح ماده ۷۷۹، مدیرعامل شرکت مکلف است ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ موافقت، ضمن انتشار مراتب در روزنامه شرکت،

صورتجلسه انتقال را جهت ثبت و نشر در روزنامه رسمی به مرجع ثبت شرکت‌ها ارایه کند.

**ماده ۷۸۱:** مدیرعامل در صورت تخلف از انجام تکلیف مقرر در ماده ۷۸۰ به جزای نقدی از سی تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

**ماده ۷۸۲:** مادام که شرکت تضامنی منحل نشده، مطالبه دیون آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، بستانکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هریک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند. هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند به استناد این که میزان بدهی‌های شرکت از میزان سرمایه او در شرکت بیشتر می‌باشد، از پرداخت دیون شرکت خودداری ورزد. فقط در رابطه بین شرکاء مسئولیت هریک از آنها در پرداخت بدهی‌های شرکت به نسبت سرمایه ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است، مشروط بر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.

**ماده ۷۸۳:** هر کس به عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، متضامناً با سایر شرکاء مسئول دیونی که شرکت قبل از ورود او داشته، هم خواهد بود اعم از این که در نام شرکت تغییر داده شده یا نشده باشد.

**ماده ۷۸۴:** هرگاه شرکت تضامنی منحل شود تا زمانی که بدهی‌های شرکت از دارایی آن پرداخت نشده هیچ یک از بستانکاران شخصی شرکاء حقی در دارایی شرکت نخواهد داشت. اگر دارایی شرکت برای پرداخت بدهی‌های آن کافی نباشد، بستانکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا هریک از شرکاء مطالبه کنند. ولی در این مورد بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

هر توافقی بین شرکاء بر خلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی‌اثر خواهد بود.

**ماده ۷۸۵:** بستانکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تامین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

بستانکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد، می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند مشروط بر آن که لااقل ۱۸۰ روز قصد خود را به وسیله اظهار نامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با پرداخت طلب بستانکاران مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

**ماده ۷۸۶:** مدیون شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند شریک نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکاران او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید. با این وجود کسی که بستانکار شرکت و مدیون یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او دریافت نشده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

**ماده ۷۸۷:** ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

**ماده ۷۸۸:** در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از بستانکاران شخصی یکی از شرکا به موجب ماده ۷۸۵ انحلال شرکت را تقاضا کند سایر شرکاء می‌توانند سهم آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

**ماده ۷۸۹:** اگر در نتیجه ضررهای وارده سرمایه شرکت کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است

**ماده ۷۹۰:** جز در موارد فوق، نمی‌توان هیچ یک از شرکا را به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرد و یا او را مجبور نمود بیش از آنچه که در اساسنامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

**ماده ۷۹۱:** نحوه دعوت، تشکیل جلسات حدنصاب و رای گیری از شرکا در شرکت تضامنی همانند شرکت با مسئولیت محدود می‌باشد.

**ماده ۷۹۲:** در شرکت تضامنی تصمیم در اموری که به موجب این قانون یا اساسنامه شرکت به عهده شرکاء می‌باشد با موافقت تعداد حداقل دو سوم شرکاء که دست کم به همان میزان دارای سرمایه در شرکت باشند، اتخاذ می‌گردد، مگر در موارد زیر که حد نصاب‌های مزبور باید حداقل به سه چهارم برسد:

۱- انحلال شرکت

۲- تغییر مفاد اساسنامه

۳- تبدیل شرکت

**تبصره:** ادغام شرکت تضامنی در صورت موافقت تمامی شرکا امکان پذیر است.

**ماده ۷۹۳:** شرکت تضامنی در موارد زیر منحل می شود.

- ۱- در صورت موافقت همه شرکاء
- ۲- در صورت فسخ شرکت توسط هریک از شرکاء مطابق ماده ۷۹۴ و ۷۹۵
- ۳- در صورت ورشکستگی هریک از شرکا مطابق ماده ۷۹۶
- ۴- در صورت فوت یا حجر هریک از شرکاء مطابق ماده ۷۹۷
- ۵- در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته، و حکم به انحلال بدهد.
- تبصره : هرگاه دلایل انحلال منحصرًا مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال شرکت حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.
- ۶- در صورتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد.
- ۷- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منتهی شده باشد مگر آنکه مدت مذکور قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
- ۸- در صورت ورشکستگی شرکت
- ۹- در صورت ادغام شرکت در شرکت دیگر

**ماده ۷۹۴:** فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و شریکی که قصد فسخ دارد مراتب را لااقل شش ماه قبل به تمامی شرکاء و مدیرعامل شرکت طی اظهارنامه رسمی اعلام نموده باشد. اگر مطابق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می آید.

**ماده ۷۹۵:** چنانچه سایر شرکا، شریک یا شرکایی را که مایل به فسخ شرکت می باشند از تصمیم خود منصرف نکنند، شرکت با انقضاء مهلت شش ماه مقرر در ماده بالا منحل تلقی گردیده و تصفیه می شود.

**ماده ۷۹۶:** شرکت هنگامی به علت ورشکستگی هریک از شرکاء منحل می شود که مدیر تصفیه شریک ورشکسته تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور شش ماه گذشته و سایر شرکاء، مدیر تصفیه مزبور را از تصمیم خود منصرف نکرده باشد.

**ماده ۷۹۷:** در صورت فوت یا حجر هر یک از شرکاء بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء

و قائم مقام متوفی یا محجور خواهد بود. اگر سایر شرکاء تصمیم به بقاء شرکت داشته باشند باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوق مراتب را در روزنامه شرکت درج و به قائم مقام متوفی یا محجور اعلام نمایند. قائم مقام مزبور مکلف است ظرف سه ماه رضایت یا عدم رضایت خود راجع به بقاء شرکت را به شرکاء اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نماید نسبت به فعالیت شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای سه ماه در حکم اعلام رضایت است.

**ماده ۷۹۸:** نحوه اداره شرکت، شرایط انتخاب، اختیارات و مسئولیت‌های مدیران در شرکت تضامنی، در اساسنامه تعیین می‌شود، این حکم نمی‌تواند مسئولیت تضامنی شرکاء در مقابل اشخاص ثالث را نفی کند.

**ماده ۷۹۹:** چنانچه به موجب اساسنامه، برای شرکت بازرسی تعیین شده باشد، تمامی شرایط لازم جهت انتخاب، وظایف و اختیارات، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های بازرسی در شرکت‌های با مسئولیت محدود شامل چنین بازرسی نیز خواهد بود.

**ماده ۸۰۰:** تشریفات و نحوه تصفیه شرکت تضامنی مشمول مقررات تصفیه شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌باشد.

**ماده ۸۰۱:** اداره امر تصفیه شرکت تضامنی بوسیله یک یا چند مدیر تصفیه انجام می‌گیرد که از حیث شرایط انتخاب، وظایف، اختیارات محدودیت‌های قانونی و مسئولیت‌ها، تابع مقررات مدیران تصفیه شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌باشند.

**ماده ۸۰۲:** تبدیل شرکت تضامنی به سایر شرکت‌ها ممنوع می‌باشد.

---

## فصل سوم: ادغام و تجزیه شرکت‌ها

---

**ماده ۸۰۳:** ادغام و تجزیه شرکت‌های تجاری، بدون نیاز به تصفیه و با رعایت شرایط و تشریفات مقرر در این قانون مجاز می‌باشد.

**ماده ۸۰۴:** انتقال و ثبت دارایی‌ها در دفاتر مالی در امر تجزیه و ادغام به ارزش دفتری نیز مجاز می‌باشد.

**ماده ۸۰۵:** ادغام شرکت‌های تجاری به دو صورت یک جانبه و دو (یا چند) جانبه امکان‌پذیر می‌باشد.

**ماده ۸۰۶:** ادغام یک جانبه از طریق جذب یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی (به عنوان شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده) در شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی (با عنوان شرکت

پذیرنده ادغام) انجام می‌پذیرد و ادغام دو (یا چند) جانبه از طریق ادغام دو یا چند شرکت ادغام شونده با محور شخصیت حقوقی آنها و ایجاد شرکت جدید صورت می‌پذیرد. هر یک از شرکت‌های مزبور، شرکت طرف ادغام نامیده می‌شوند.

**ماده ۸۰۷:** ادغام شرکت‌های تجاری در موارد زیر ممنوع است:

- ۱- ادغام شرکت سهامی عام در شرکت سهامی خاص.
- ۲- ادغام شرکت سهامی عام در شرکت با مسئولیت محدود.
- ۳- ادغام شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس در شرکت سهامی عام پذیرفته نشده در بورس.

۴- ادغام شرکت عام پذیرفته نشده در بورس در شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس، مگر با رعایت مقررات بورس

ادغام شرکت تضامنی در سایر انواع شرکت‌های تجاری ممنوع است لیکن ادغام این نوع شرکت در شرکت تضامنی دیگر صرفاً با موافقت همه شرکا امکان پذیر است.

**ماده ۸۰۸:** پس از ثبت ادغام در مرجع ثبت شرکت‌ها، تمامی دارایی‌ها، حقوق، تعهدات، دیون و مطالبات شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده و یا شرکت جدید منتقل خواهد شد. تبصره: با ارائه گواهی ثبت ادغام مراجع ذیربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظفند نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام پذیرنده ادغام یا شرکت جدید اقدام کنند.

**ماده ۸۰۹:** سهامداران یا شرکا شرکت‌های موضوع ادغام، به ازاء سهام و سهم‌الشرکه خود که مشمول ادغام می‌باشند، سهام و یا سهم‌الشرکه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید را دریافت می‌دارند.

**ماده ۸۱۰:** برای ادغام، مدیران شرکت موظفند بدو موافقت کلی مجمع عمومی فوق‌العاده در شرکت‌های سهامی یا شرکاء در سایر شرکت‌ها را با ایده ادغام کسب کنند.

**ماده ۸۱۱:** در تمامی شرکت‌های طرف ادغام، طرح مشترک ادغام باید به وسیله هیات مدیره و در شرکت‌هایی که هیات مدیره پیش‌بینی نشده است، به وسیله مدیرعامل مطابق ماده ۸۱۲ این قانون به مجمع عمومی فوق‌العاده در شرکت سهامی و شرکاء در سایر شرکت‌ها ارائه گردد. هیات مدیره باید طرح ادغام را همراه با گزارش بازرس در شرکت‌هایی که بازرس در آنها وجود دارد به مجمع ارائه دهد.

**ماده ۸۱۲:** طرح مشترک ادغام بایستی متضمن جزییات ادغام به ویژه موارد زیر بوده و به

تصویب هیات مدیره همه شرکت‌های طرف ادغام برسد.

۱- گزارش توجیهی مالی و اقتصادی

۲- توصیف و ارزیابی دارایی‌ها و تعهداتی که باید به شرکت پذیرنده ادغام منتقل شوند.

۳- تاریخ‌هایی که در آنها شرکت‌های طرف ادغام، صورت‌های مالی مربوط به ادغام را قطعی و تنظیم نموده‌اند.

۴- تعیین بستانکاران و نوع طلب آنها و تفکیک نحوه ایفاء تعهدات شرکت

۵- تفکیک اوراق مشارکت قابل تبدیل یا غیرقابل تبدیل به سهام.

۶- طرح اساسنامه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، اسامی مدیران و اعلام قبولی آنها

۷- نحوه تعویض سهامی که در اثر ادغام، امکان تبدیل آنها نیست.

۸- تبیین شیوه‌های ارزیابی بکار رفته و محاسبه سهام معاوضی

۹- میزان و نسبت سهام یا سهم‌الشرکه در شرکت جدید یا ادغام پذیر به ازاء سهام یا

سهم‌الشرکه سهامداران یا شرکاء و یا دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام در

شرکت با شرکت‌های طرف ادغام.

۱۰- تعیین نحوه انتقال وثبت دارایی‌ها از جمله به روش ارزش روز یا دفتری.

**ماده ۸۱۳:** پس از موافقت کلی مجمع یا شرکاء با ایده ادغام، تفاهم‌نامه‌ای متضمن موارد زیر میان

مدیران شرکت‌های طرف ادغام مبادله خواهد شد.

۱- شرایط و اصول کلی ادغام

۲- تعیین مهلت زمانی برای تهیه طرح مشترک ادغام.

۳- تعیین مهلت زمانی برای مطرح ساختن طرح مشترک ادغام در مجمع (مهلت زمانی نباید

بیشتر از سه ماه پس از تصویب طرح مشترک ادغام در هیات مدیره باشد).

**ماده ۸۱۴:** تصمیم هریک از شرکت‌های طرف ادغام باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب طرح

ادغام به منظور اطلاع عموم در روزنامه هریک از شرکت‌های مزبور آگهی و برای نشر در روزنامه

رسمی به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال شود.

**ماده ۸۱۵:** بستانکارانی که طلب آنها فاقد وثیقه است می‌توانند ظرف دو ماه پس از نشر آگهی

ادغام در روزنامه شرکت نسبت به ادغام در مجمع عمومی، اعتراض نمایند. در این صورت شرکت

مکلف به جلب رضایت بستانکاران و پرداخت فوری طلب حال شده بستانکاران معترض بوده و

چنانچه موعد طلب چنین بستانکاری نرسیده باشد، باید نسبت به تامین وثیقه کافی مبادرت ورزد و

یا رضایت بستانکاران مبنی بر انتقال طلب به شرکت جدید و یا شرکت ادغام‌پذیر را جلب نماید. در

غیر این صورت هریک از بستانکاران فاقد وثیقه می‌تواند از دادگاه تجارتي صدور قرار دستور

موقت مبنی بر تاخیر ثبت ادغام تا ارایه وثیقه کافی از سوی شرکت یا جلب رضایت بستانکار را

تقاضا کند.

**تبصره:** در صورتی که بستانکاران و شرکت در قرارداد توافق دیگری کرده باشند طبق توافق عمل

خواهد شد.

دادگاه تجارتي مكلف است خارج از نوبت در ماهيت دعوى اتخاذ تصميم كند در هرحال تا تعيين تكليف و اتخاذ تصميم در ماهيت دعوى توسط دادگاه تجارتي رسيدگي كننده شرکتهای طرف ادغام كماكان با حفظ شخصيت حقوقی به فعاليت ادامه می دهند.

**ماده ۸۱۶:** دارندگان اوراق مشاركت مشمول حكم ماده ۸۱۵ می باشند. چنانچه همه يا بخشی از اوراق مزبور، قابل تبديل به سهام باشند و دارنده آن به طرح ادغام در مهلت مقرر اعتراض نکند، كماكان تمامی حقوق ناظر به چنین اوراقی را در مقابل شرکت جدید يا شرکت ادغام پذیر دارا خواهد بود.

**ماده ۸۱۷:** شرکتهای مشمول ماده ۶۱۷ نمی توانند در ساير شرکتهای ادغام شوند مگر آنکه قبلا اقدام لازم برای خروج از شرایط ماده مزبور را بعمل آورده باشند.

**ماده ۸۱۸:** هیات مدیره، در شرکتهایی که به موجب این قانون يا اساسنامه خود، دارای هیات مدیره می باشند و يا مدیرعامل در ساير شرکتهای، مکلفند پس از گذشت حداقل پنج ماه از تاريخ تصویب طرح مشترک ادغام توسط آخرین شرکت طرف ادغام و عدم وصول اعتراض و يا عدم صدور دستور تاخير ثبت ادغام از سوی دادگاه تجارتي، درخواست ثبت ادغام را به همراه مدارک مذکور در ماده ۸۱۲ این قانون به مرجع ثبت شرکتهای ارایه نمایند. مدت مزبور به هیچ عنوان نباید از ۶ ماه تجاوز نماید.

ثبت ادغام باید ظرف ۲۰ روز از تاريخ ثبت در روزنامه های شرکتهای طرف ادغام منتشر گردد.

**ماده ۸۱۹:** در صورت خودداری مدیران از انجام تکليف مقرر در ماده ۸۱۸ هر ذینفع می تواند با ارایه مدارک لازم ثبت ادغام را از مرجع ثبت شرکتهای درخواست نماید. چنانچه مرجع مزبور به هر دلیلی از ثبت ادغام خودداری نماید، متقاضی می تواند الزام مدیران و مرجع ثبت شرکتهای را از دادگاه تجارتي صالح درخواست نماید.

**ماده ۸۲۰:** تجزیه شرکت به دو صورت انجام می پذیرد:

الف - بخشی از دارایی ها و تعهدات شرکت موجود با حفظ شخصيت حقوقی آن، به منظور تشكيل یک يا چند شرکت جدید اختصاص می یابد.

ب - دارایی ها و تعهدات شرکت موجود، به منظور تشكيل دو يا چند شرکت جدید اختصاص می یابد و شخصيت حقوقی شرکت موجود محو می گردد.

**تبصره ۱:** انتقال دارایی های موضوع این ماده به ارزش دفتری مجاز است.



**تبصره ۲:** براساس طرح تجزیه و با ارائه گواهی مثبت تجزیه شرکت مراجع ذیربط از جمله ثبت اسناد و املاک کشور موظفند نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به شرکت‌های ناشی از تجزیه اقدام کنند.

**ماده ۸۲۱:** هر شرکت تجاری، تنها به شرکت‌های از نوع خود قابل تجزیه می‌باشد.  
**تبصره ۱:** تجزیه شرکت تضامنی پس از تصفیه کلیه دیون و تعهدات شرکت و یا جلب رضایت همه بستانکاران و اشخاصی که شرکت در قبال آنها متعهد می‌باشد، مجاز است.  
**تبصره ۲:** شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باید قبل از تجزیه موافقت بورس را برای تجزیه اخذ نمایند.

**ماده ۸۲۲:** تخصیص سهام یا سهم‌الشرکه شرکت یا شرکت‌های ناشی از تجزیه به نسبت مشارکت سهامداران یا شرکا در شرکت موجود می‌باشد.

**ماده ۸۲۳:** مدیران شرکت مکلف به ارائه طرح تجزیه مشتمل بر موارد زیر می‌باشند:

- ۱- گزارش توجیهی از دلایل و جهات تجزیه.
- ۲- گزارش وضعیت فنی، مالی و اقتصادی شرکت قبل و بعد از تجزیه.
- ۳- تکفیک بستانکاران و نوع طلب آنها و نحوه ایفاء تعهدات شرکت.
- ۴- نحوه تجزیه دارایی‌ها، تعهدات، سرمایه و وضعیت کارکنان شرکت.
- ۵- مقطع زمانی که ارقام صورت‌های مالی شرکت مورد تجزیه واقع می‌شود.
- ۶- چگونگی تجزیه اوراق مشارکت غیرقابل تبدیل به سهام شرکت.
- ۷- طرح اساسنامه شرکت ناشی از تجزیه، اسامی مدیران و اعلام قبولی آنها.
- ۸- نحوه تجزیه دارایی‌های نامشهود (اعم از ثبت شده و ثبت نشده).
- ۹- تعیین نحوه انتقال و ثبت دارایی‌ها از جمله به روش ارزش روز یا دفتری.

**ماده ۸۲۴:** تصمیم شرکت به تجزیه، بایستی ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ تصویب طرح تجزیه توسط مجمع عمومی فوق‌العاده یا شرکا به منظور اطلاع عموم در روزنامه شرکت آگهی شود. بستانکاران و دارندگان اوراق مشارکت می‌توانند ظرف مدت دو ماه پس از نشر آگهی تجزیه اعتراض خود را به شرکت اعلام نمایند.

**ماده ۸۲۵:** تجزیه شرکت‌هایی که اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر نموده‌اند، قبل از تبدیل اوراق مشارکت به سهام یا تسویه حساب با دارندگان این گونه اوراق، مجاز نمی‌باشد.

**ماده ۸۲۶:** در صورت وجود بستانکار یا دارنده اوراق مشارکت معترض، مفاد مواد ۸۱۵ و ۸۱۶ این قانون لازم‌الرعایه می‌باشد.

**ماده ۸۲۷:** مدیران شرکت مکلفند پس از گذشت حداقل پنج ماه از تاریخ تصویب طرح تجزیه توسط شرکت و عدم وصول اعتراض و یا عدم صدور دستور تأخیر ثبت تجزیه از سوی دادگاه تجارتي، درخواست ثبت تجزیه را به همراه مدارک مذکور در ماده ۸۲۳ این قانون به مرجع ثبت شرکت‌ها

ارایه نمایند، مدت مزبور به هیچ عنوان نباید از ۶ ماه تجاوز نماید. ثبت تجزیه باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ثبت در روزنامه‌های شرکت‌های ناشی از تجزیه منتشر شود.

**ماده ۸۲۸:** مادام که مراتب تجزیه شرکت به شرح مذکور در ماده شماره ۸۲۷ به ثبت نرسیده باشد، شرکت موجود همچنان شخصیت حقوقی خود را حفظ خواهد نمود.

**ماده ۸۲۹:** در صورتی که ظرف مهلت مقرر درخواست ثبت تجزیه شرکت به شرح مذکور در ماده ۸۲۷ انجام پذیرفته باشد، تمامی اقدامات انجام شده برای انجام امر تجزیه بی‌اثر است.

**ماده ۸۳۰:** در صورت تحقق ادغام، یا تجزیه، در صورتی که براساس طرح ادغام و یا تجزیه، اموال دارای سند رسمی به شرکت یا شرکت‌های پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید حسب مورد انتقال نیافته باشد، ادارات ثبت املاک و اسناد و سایر مراجع ثبتی ذیربط نسبت به انتقال اموال مزبور اقدام خواهند کرد.

در صورت نیاز، مدیر یا مدیران شرکت پذیرنده ادغام و یا شرکت جدید، نماینده شرکت‌های موضوع ادغام و یا تجزیه و نیز شرکت‌های پذیرنده ادغام و یا شرکت جدیدی برای امضای اسناد یا ارائه درخواست هستند.

**ماده ۸۳۱:** شرکت‌های تجاری موجود باید حداکثر ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به تطبیق وضعیت خود با یکی از انواع شرکت‌های تجاری موضوع باب شرکت‌های تجاری این قانون و یا انحلال اقدام نمایند، در غیر اینصورت منحل محسوب شده و هرگونه فعالیت به نام چنین شرکتی مشمول عنوان استفاده از مؤسسه موهوم تلقی خواهد شد. در صورت عدم اجرای تکلیف مقرر در این ماده، هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تجارتی اعلام انحلال شرکت مزبور را درخواست کند.

**ماده ۸۳۲:** به محض تصویب طرح مشترک ادغام و یا طرح تجزیه در مجامع عمومی و شرکاء مربوطه، شرکت در حال ادغام یا در حال تجزیه تلقی می‌شود و باید به دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال ادغام» یا «در حال تجزیه» در مکاتبات و سربرگ شرکت قید شود.

---

## فصل چهارم: مقررات نهایی (متفرقه)

---

**ماده ۸۳۳:** اتخاذ تصمیم در خصوص تطبیق مقررات اساسنامه شرکت‌های تجاری موجود با مقررات این قانون و یا انحلال شرکت، در مورد شرکت‌هایی که به موجب این قانون و یا مقررات اساسنامه برای آنها مجمع عمومی عادی پیش‌بینی گردیده، با مجمع مزبور و در سایر شرکت‌ها با رأی دارندگان بیش از نیمی از سرمایه معتبر است.

**ماده ۸۳۴:** شرکت‌های دولتی و شرکت‌های تعاونی مشمول مقررات این قانون هستند. لیکن در

صورت وجود احکام متفاوت دیگری در سایر قوانین، آن احکام بر این گونه شرکتها حاکم خواهند بود.

## باب هفتم:

### بازسازی و ورشکستگی

---

#### فصل اول: بازسازی

---

**ماده ۸۳۵:** تاجری که توانایی پرداخت دیون خود را ندارد ولی، به تشخیص سازمان بازسازی قادر به ادامه فعالیت تجاری است مشمول بازسازی قرار می گیرد.

**ماده ۸۳۶:** مشمولان ماده ۸۳۵ مکلفاند ظرف مدت سی روز از تاریخ شروع توقف در پرداخت دیون، درخواست رسیدگی به سازمان بازسازی را تسلیم کنند.

**ماده ۸۳۷:** هیأت تشخیص با درخواست یکی از اشخاص زیر، در خصوص ناتوانی تاجر از پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین شمول بازسازی یا ورشکستگی، ظرف یک ماه از تاریخ وصول درخواست، تصمیم می گیرد. این مهلت ممکن است تا یک ماه تمدید شود.

۱- شخص تاجر.

۲- طلبکاری که طلب او ناشی از فعالیت تجاری است.

۳- دادستان.

**تبصره ۱:** بند (۲) شامل مطالبات کارگری، تامین اجتماعی، استیجاری و مالیاتی ناشی از فعالیت تجاری نیز می شود.

**تبصره ۲:** معیارهای احراز ناتوانی تاجر در پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین شمول بازسازی یا ورشکستگی، مطابق آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت دادگستری و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

**تبصره ۳:** به درخواست هیأت تشخیص، اشخاص ذی ربط موظفند نسبت به ارائه اطلاعات مربوط به تاجر که برای تصمیم گیری لازم است اقدام کنند. چنانچه تاجر اطلاعات لازم را به هیأت تشخیص ارائه نکند یا مبادرت به ارائه اطلاعات غلط به هیأت تشخیص کند، به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا دویلمیلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم می شود.

**ماده ۸۳۸:** هیأت تشخیص مکلف است، پس از تصویب شمول بازسازی، موضوع را بی درنگ در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار آگهی کند

**ماده ۸۳۹:** هرگاه سند یا اطلاعات موضوع تبصره (۳) ماده ۸۳۷ در ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداریها یا موسساتی که با سرمایه دولت تاسیس و اداره می شوند، موجود باشد و هیأت تشخیص آن را درخواست کند، اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور هیأت تشخیص را

انجام دهد، مگر اینکه ابراز سند یا اطلاعات درخواستی با مصالح سیاسی کشور یا نظام عمومی منافات داشته باشد که، در این صورت، باید موارد با توضیح لازم به هیأت تشخیص اعلام شود. چنانچه هیأت تشخیص قانع نشود، باید به نحو مقتضی سند یا اطلاعات به هیأت تشخیص ارایه شود. در صورت امتناع، کسی که مسئولیت عدم ارایه سند یا اطلاعات متوجه او است، پس از رسیدگی در هیأت تشخیص و احراز تخلف در مرجع صالح به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

**تبصره ۱:** تحویل اسناد سری دولتی باید با اجازه رییس قوه قضاییه باشد.

**تبصره ۲:** ادارات دولتی و بانکها و شهرداریها، و سایر موسسات یاد شده در این ماده در صورتی که خود نیز طرف دعوا باشند ملزم به رعایت مفاد این ماده خواهند بود.

**تبصره ۳:** چنانچه در موعدی که هیأت تشخیص معین کرده است، متصرف اسناد و مدارک نتواند آن را ارایه کند، باید در پاسخ هیأت تشخیص با ذکر دلیل تاخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام کند.

**ماده ۸۴۰:** در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات، سازمانها و بانکها پس از دریافت دستور هیأت تشخیص، اصل سند را به طور مستقیم به هیأت تشخیص می‌فرستند. فرستادن دفاتر جاری به هیأت تشخیص لازم نیست و رونوشت بخش گواهی شده آن توسط مرجع مذکور کافی است.

**ماده ۸۴۱:** هیأت تشخیص می‌تواند امر تحقیق و رسیدگی در خصوص موضوع بازسازی را به کارشناس ارجاع کند.

**ماده ۸۴۲:** تاجری که هیأت تشخیص وی را مشمول بازسازی دانسته است، باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ اعلام هیأت، طرح بازسازی را با نظارت کمیته‌ای از نمایندگان طلبکاران تهیه و برای بررسی و تصویب به هیأت ارایه کند. این مدت یک بار قابل تمدید است.

**ماده ۸۴۳:** هیأت تشخیص مؤظف است پس از یک ماه از تاریخ وصول طرح، آن را بررسی کند. مدت مذکور حداکثر ۱۵ روز دیگر قابل تمدید است.

در صورت عدم ارائه طرح بازسازی ظرف مهلت مقرر، هیأت با صدور سند عدم امکان بازسازی، پرونده امر را برای رسیدگی به ورشکستگی تاجر به دادگاه تجارتي می‌فرستد.

**ماده ۸۴۴:** هیأت تشخیص پس از دریافت طرح بازسازی و بررسی آن در مهلت مقرر، حسب مورد



یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند.

۱. تصویب طرح و ابلاغ آن برای اجرا.
۲. عودت طرح با اعلام موارد برای اصلاح به کمیته موضوع ماده ۴۸۲.
۳. اصلاح طرح و ابلاغ آن برای اجرا.
۴. ارجاع موضوع برای اجرای مقررات ورشکستگی.

**تبصره ۱:** در صورت عودت طرح برای اصلاح، کمیته فوق موظف است ظرف سی روز طرح اصلاح شده را به هیأت ارایه کند که در این صورت هیأت یکی از تصمیمات بندهای ۱، ۳ و ۴ را انتخاب می‌کند.

**تبصره ۲:** هیأت تشخیص مکلف است بر اجرای مصوبات خود، از جمله طرح بازسازی، نظارت کند و در صورتی که در دوره بازسازی تشخیص دهد، طرح توفیقی ندارد، می‌تواند پرونده را به دادگاه تجارتي برای اخذ تصمیم راجع به ورشکستگی بفرستد. از تاریخ قطعیت صدور حکم ورشکستگی مأموریت سازمان بازسازی در مورد آن تاجر پایان یافته تلقی می‌شود.

**ماده ۸۴۵:** طرح بازسازی باید متضمن موارد زیر باشد.

۱. نحوه ادامه فعالیت.
۲. نحوه مدیریت طرح (شامل مجریان اصلی، چگونگی اجرا و نظارت بر آن).
۳. اسامی طلبکاران و نحوه پرداخت دیون.
۴. فهرست تعهدات و چگونگی ایفاء آنها.
۵. نحوه وصول مطالبات.
۶. دوره بازسازی طرح.
۷. تعیین تکلیف در مورد کارکنان.
۸. میزان منابع لازم و نحوه تأمین آن.
۹. ادغام و تجزیه (برای شرکت‌های تجارتي).
۱۰. اندازه و نوع فعالیت‌ها شامل افزایش، حذف و نوسازی آنها.
۱۱. دارایی‌های مازاد قابل واگذاری و تعیین موارد مصارف وجوه حاصل از آن.
۱۲. اصلاحات لازم در اساسنامه
۱۳. صورتهای مالی حسابرسی شده برای شرکتها .

**ماده ۸۴۶:** اگر مواردی از اخراج کارگران به جهات اقتصادی در طرح پیش‌بینی شده باشد، هیأت تشخیص فقط پس از استماع نظر نماینده کارگران می‌تواند طرح را تصویب کند. طرح بازسازی مصوب هیأت لازم‌الاجرا است.

**ماده ۸۴۷:** طرح پس از تصویب، باید در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی شود، در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ آگهی اعتراضی نشود، مندرجات طرح در برابر اشخاص ذینفع قابل استناد است.

**ماده ۸۴۸:** دوره بازسازی نباید از سه سال تجاوز کند. این مدت مانع اجرای مقررات ماده ۸۸۰ نخواهد بود.

**ماده ۸۴۹:** اصلاح و تغییر طرح بازسازی در حین اجرا، با پیشنهاد تاجر، اخذ نظر کمیته طلبکاران، و تصویب هیأت تشخیص و با رعایت مقررات این قانون امکان پذیر است.

**ماده ۸۵۰:** رای هیأت تشخیص بر اجرای بازسازی موجب حال شدن دیون مؤجل نمی شود و خسارت تاخیر تادیه را نیز قطع نمی کند.

**تبصره:** خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام و تعیین می شود. به هر حال خسارت تاخیر تادیه نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

**ماده ۸۵۱:** تصمیم هیأت تشخیص مبنی بر شروع اجرای بازسازی موجب تعلیق تمامی دعاوی ناشی از فعالیت تجاری اقامه شده علیه تاجر که منشاء مطالبات آنها قبل از این تاریخ باشد. اعم از اینکه مربوط به محکومیت بدهکار به پرداخت وجه باشد، یا فسخ و ابطال قرارداد به نسبت عدم تادیه مبلغ مورد تعهد، می شود. همچنین کلیه عملیات اجرایی از طرف طلبکاران نسبت به اموال منقول و غیرمنقول تاجر را معلق می کند.

مهلت پرداخت مورد توافق قبلی به حالت تعلیق در می آید و ترتیب تادیه بدهی مورد توافق بستانکار و بدهکار بی اثر می شود.

**ماده ۸۵۲:** تا پایان مهلت اعلام طلب بستانکاران، دعاوی در جریان معلق می ماند. در مورد این دعاوی پس از پایان مهلت اعلام طلب، با حضور نماینده سازمان بازسازی به همراه بستانکار و بدهکار برای تعیین قطعی مبلغ و مسلم شدن طلب به جریان می افتد.

**ماده ۸۵۳:** هرگاه تمام یا برخی از اشخاص متعهد یا ضامن سند تجارتي به موجب آرای هیأت تشخیص به طور جداگانه در حالت بازسازی قرار گیرند، بستانکار می تواند در هر آیین یا در تمام آنها مبلغ وصول نشده سند را اظهار کند.

**ماده ۸۵۴:** هیچ یک از مشمولان بازسازی امضا کننده سند تجارتي یا قائم مقام آنها، نمی تواند پیش از پایان این دوره، برای وجهی که به صاحب چنین طلبی پرداخت می شود، به امضاء کننده مشمول دیگر رجوع کند.

سازمان بازسازی با توجه به امکانات پرداخت مسئولان متضامن، مبلغ سند تجارتي را به نحوی در طرح پرداخت دیون آنها، تقسیم می کند که دارنده سند بیش از مبلغ آن وجهی دریافت نکند.



**ماده ۸۵۵:** هرگاه یک یا چندتن از مسئولان متضامن سند تجاری ورشکسته شوند، مبلغ سند تجاری یا باقیمانده آن که تادیه نشده است، فقط در همان آیین یا آیین‌های ورشکستگی پرداخت می‌شود و به آیین یا آیین‌های مسئولان سند مشمول بازسازی تحمیل نمی‌شود. سازمان تصفیه امور ورشکستگی مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که دارنده سند بیش از مبلغ آن وجهی دریافت نکند.

**ماده ۸۵۶:** اگر مسئولان اصلی سند تجاری یعنی براتکش برات فاقد قبولی، متعهد سفته و یا صادرکننده چک مشمول بازسازی نباشند، دارنده موظف است برای وصول مبلغ سند ابتدا به آنها مراجعه کند. در این حالت، دارنده فقط به همان اندازه که وجه سند پرداخت یا تامین نشده می‌تواند در طرح بازسازی مسئول یا مسئولان دیگر سند، اظهار طلب کند، پرداخت سند تجاری در این صورت تابع قواعد مقرر در مواد قبل خواهد بود.

مسئولی که جزئی از مبلغ سند یا کل آن را می‌پردازد، مجاز است مطابق مقررات این قانون در آیین‌های موجود امضاءکنندگان مقدم اظهار طلب کند یا پس از پایان دوره بازسازی اقدام کند.

**ماده ۸۵۷:** در مورد بازسازی و ورشکستگی اشخاصی که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی دارند، نیز مفاد مواد ۸۵۴، ۸۵۷، ۸۵۸ و ذیل ماده ۸۵۶ رعایت خواهد شد.

**ماده ۸۵۸:** اعمال حقوقی بدهکار مشمول بازسازی یا ورشکستگی بعد از شروع توقف پرداخت، بدین شرح، قابل ابطال است:

هر نقل و انتقال رایگان راجع به منقول یا غیرمنقول.

هر معامله معوض ضرری که در آن تعهدات بدهکار به بیش از یک پنجم قیمت زمان معامله از تعهدات طرف مقابل بیشتر باشد.

تادیه هر دین قابل مطالبه به طریق غیر متداول تجاری.

تادیه زود هنگام هر دین مؤجل حتی به طریق متداول.

ایجاد رهن یا هر نوع وثیقه برای تامین پرداخت طلب عادی مقدم بر آن.

**ماده ۸۵۹:** در صورتی که انتقال رایگان ظرف ۶ ماه قبل از تاریخ توقف پرداخت بعمل آمده باشد، قابل ابطال است.

**ماده ۸۶۰:** تادیه زود هنگام دین از طریق سند تجاری به حقوق دارنده با حسن نیت خدشه‌ای وارد نمی‌کند. در صورتیکه انتقال‌دهنده سند تجاری، با آگاهی از توقف صادرکننده مبادرت به انتقال سند کند، ملزم به بازپرداخت مبلغ تادیه شده آن است.

**ماده ۸۶۱:** اگر در دادگاه تجاری ثابت شود که معامله صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله باطل و عین و منافع موضوع معامله مسترد می‌شود، و اگر طرف معامله به لحاظ پرداخت وجه یا تملیک مالی بستانکار باشد، برابر مقررات بازسازی یا ورشکستگی نسبت به تادیه آن اقدام خواهد شد.

**ماده ۸۶۲:** دعوی ابطال به وسیله سازمان بازرسازی و یا سازمان تصفیه امور ورشکستگی قابل طرح در دادگاه تجارتي است.

**ماده ۸۶۳:** اگر قبل از شروع بازرسازی یا ورشکستگی تاجر، شخصی اوراق تجارتي به او داده باشد تا وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد یا به مصرف معيني برساند و وجه اسناد وصول یا تادیه نشده و عین اسناد در حین بازرسازی یا ورشکستگی نزد آن شخص موجود باشد، صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند و چنانچه وجه اسناد وصول شده ولی تادیه نشده باشد، مسترد می‌شود.

**ماده ۸۶۴:** کالایی که نزد تاجر مشمول بازرسازی یا ورشکستگی امانت بوده یا به او داده شده است که به حساب صاحب کالا به فروش برساند، تا زمانی که عین آن نزد تاجر یا نزد شخص دیگری که از طرف آن تاجر به امانت یا برای فروش گذارده شده است موجود باشد، قابل استرداد است و چنانچه کالا فروخته شده باشد بهای آن مسترد می‌شود.

**ماده ۸۶۵:** کالاهایی که تاجر مشمول بازرسازی یا ورشکستگی به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

**ماده ۸۶۶:** هرگاه تمام یا قسمتی از کالایی که برای فروش به تاجر مشمول بازرسازی یا ورشکستگی داده شده است معامله شده و به گونه‌ای با خریدار احتساب نشده است از طرف صاحب مال قابل استرداد است، اعم از این که نزد تاجر مزبور یا خریدار باشد.

**ماده ۸۶۷:** اگر کالایی که برای تاجر مشمول بازرسازی یا ورشکستگی حمل شده قبل از وصول از روی صورتحساب یا بارنامه‌ای که دارای امضای ارسال کننده است، به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود، والا مطابق ماده ۸۶۵ قابل استرداد است. استردادکننده باید وجوهی را که به عنوان علی‌الحساب یا مساعده گرفته است، خواه از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره باشد، بپردازد.

**ماده ۸۶۸:** هرگاه شخصی کالایی را به تاجر مشمول بازرسازی یا ورشکستگی فروخته باشد ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر تسلیم شده و نه به شخصی دیگر که به حساب او بیاورد، آن شخص می‌تواند به اندازه‌ای که وجه آن را نگرفته است از تسلیم کالا امتناع کند.

**ماده ۸۶۹:** در مورد ماده ۸۶۷ و قسمت اخیر ماده ۸۶۸، سازمان بازرسازی، با اجازه هیأت تشخیص و یا سازمان تصفیه امور ورشکستگی، می‌تواند تسلیم کالا را تقاضا کند ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر مشمول بازرسازی یا ورشکسته مقرر است، احتساب نماید.

**ماده ۸۷۰:** در صورتی که معامله پیش از شروع بازرسازی از طریق دادگاه باطل یا به دلیل تحقق شرط مندرج در قرارداد فسخ شود و عین کالا به هر اندازه موجود باشد، قابل استرداد است.

همچنین، هنگامی که حکم به فسخ قرارداد بعد از شروع بازسازی یا ورشکستگی صادر شده و دعوی نیز قبل از این تاریخ، به جهتی غیر از پرداخت ثمن، مطرح شده باشد، استرداد کالا قبول می‌شود.

**ماده ۸۷۱:** تقاضای استرداد اموال منقول موضوع مواد ۸۶۳ الی ۸۷۰ فقط ظرف سه ماه از تاریخ انتشار آگهی بازسازی یا ورشکستگی موضوع مواد ۸۲۸ و ۹۴۸ قابل طرح است.

**ماده ۸۷۲:** در صورتی که شرکاء ضامن در شرکت تجاری ورشکسته، به پرداخت دیون بی محل آن برابر مقررات و حکم دادگاه تجاری اقدام نکنند، هیأت باید برای هر یک طبق مواد ۸۹۸ به بعد این قانون بازسازی مالی در نظر بگیرد. در صورت عدم امکان بازسازی، دادگاه تجاری می‌تواند طبق همین مقررات حکم ورشکستگی آنها را صادر کند.

**ماده ۸۷۳:** وقتی بازسازی یا ورشکستگی تاجر شروع می‌شود، مقررات مواد بعد نسبت به مدیران آن اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و همچنین نسبت به اشخاص حقیقی نماینده آن اشخاص حقوقی قابل اجرا است.

**ماده ۸۷۴:** چنانچه به هنگام بازسازی یا ورشکستگی تاجر، معلوم شود کمبود یا عدم کفایت دارایی برای تادیه دیون، معول تخلف مدیران یا اشخاص دیگری بوده است، دادگاه تجاری می‌تواند، به تقاضای هر ذینفع، مدیران یا آن اشخاص را به پرداخت تمام یا بعض کمبود دارایی شخص تاجر به نحو تضامن یا انفرادی یا تسهیم محکوم کند.

**ماده ۸۷۵:** تعقیب حقوقی مدیران و اشخاص مذکور در ماده فوق باید ظرف دو سال از تاریخ تصویب طرح بازسازی یا در صورت صدور سند عدم امکان بازسازی از تاریخ صدور حکم ورشکستگی بعمل آید.

**ماده ۸۷۶:** مبالغی که در اجرای ماده ۸۷۴ وصول می‌شود جزء دارایی تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی منظور شده و در حالت ادامه فعالیت تاجر مطابق شرایط مصرح در طرح بازسازی صرف پرداخت دیون می‌شود. در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر، این وجوه برای طلبکاران اختصاص می‌یابد.

**ماده ۸۷۷:** دادگاه تجاری می‌تواند طبق همین مقررات برای تاجری که طبق ماده ۸۷۴ محکومیت حاصل کرده، ولی تامین محکوم به ممکن نشده است، حکم ورشکستگی صادر کند.

**ماده ۸۷۸:** در صورتی که ادامه فعالیت تاجر اقتضاء کند، هیأت تشخیص در تصمیم خود راجع به تصویب طرح یا اصلاح آن می‌تواند مقرر کند که برای مدتی معلوم و حداکثر تا خاتمه دوره بازسازی، بدون کسب مجوز از هیأت، اموال مشخصی مقید یا منتقل نشود یا قابل توقیف نباشد. ممنوعیت‌های معاملات اموال غیرمنقول و منقول قابل ثبت تاجر، به اداره ثبت اسناد و املاک یا سایر مراجع ذیربط برای اقدام مقتضی و به تمامی دفاتر اسناد رسمی برای اطلاع ابلاغ می‌شود.

**ماده ۸۷۹:** معاملات و هر توقیف و تأمین مغایر مقررات موضوع ماده ۸۷۸ به تقاضای هر ذینفع ظرف مدت دو سال از تاریخ انعقاد معامله یا اجرای تأمین حسب مورد قابل ابطال و رفع در دادگاه تجارتي است.

**ماده ۸۸۰:** خریداران سهام‌الشرکه و سهام جدید اعم از شرکاء یا صاحبان سهام سابق یا پذیرهنویسان موظفند فوراً تمامی تعهدات خود را در قبال سهام‌الشرکه یا سهام خریداری شده اجرا کنند. ولی آنها می‌توانند تا سقف مطالبات مورد قبول و مشمول ارفاق (ابراء و اقساط) در طرح بازسازی به تهاتر استناد کنند. در دوران بازسازی، درج عبارت «شرکت در حال بازسازی» در اعلامیه پذیرهنویسی الزامی است.

**ماده ۸۸۱:** تاجر در حال بازسازی مکلف است در سربرگها و مکاتبات خود، عنوان «در حال بازسازی» را ذکر کند.

**ماده ۸۸۲:** هیأت تشخیص اقساط مورد پذیرش بستانکاران را تنفیذ و موارد ابراء را قید می‌کند. این برائتها و اقساط ممکن است در هیأت تشخیص کاهش یابد. برای طلبکاران دیگر، مهلت‌های یکنواخت پرداخت در نظر گرفته می‌شود. به استثنای مطالبات مؤجل که وعده‌های طولانی‌تر مورد توافق پیش از شروع بازسازی به اعتبار خود باقی می‌ماند. مهلت‌های مذکور در این ماده می‌تواند از طول مدت مورد پیش‌بینی برای اجرای طرح بیشتر باشد.

**ماده ۸۸۳:** طرح ادامه فعالیت می‌تواند متضمن پیش‌بینی حق انتخاب بستانکاران در وصول مبلغی کمتر از سقف طلب در برابر سررسیدی به تناسب کوتاه‌تر باشد. در این صورت، اقساط طلب باید در طول مدت اجرای طرح خاتمه یابد. همچنین، کاهش میزان طلب نیز فقط پس از پرداخت آخرین قسط در سررسید معین طبق شرایط مذکور در طرح قطعیت می‌یابد.

**ماده ۸۸۴:** مطالبات جزئی اشخاص از شخص حقوقی مشمول طرح بازسازی تا سقف یک میلیون ریال، در صورتی که از پنج درصد دیون تشخیص و تصدیق شده تجاوز نکند، بدون ابراء و قسط‌بندی با حق تقدم برای طلبهای نازل‌تر بی‌درنگ قابل پرداخت است. این ترتیب، زمانی که مجموع مطالبات شخص بستانکار بر اثر انتقال حقوق دیگران از یک دهم میزان یاد شده تجاوز کند، قابل اجرا نیست.

**تبصره:** حدنصاب تعیین شده در این ماده مطابق قاعده کلی سایر حدنصابهای این قانون هر پنج سال مطابق با نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی تعدیل می‌شود.

**ماده ۸۸۵:** مطالبات کارکنان از جمله حقوق و مزایای معوقه و نیز مطالبات ناشی از پاداش سنوات و خسارت اخراج در صورتیکه کمتر از نود روز حداقل حقوق باشد، بدون ابراء و قسط‌بندی قابل پرداخت است

**ماده ۸۸۶:** درج طلب در فهرست طلبکاران طرح بازسازی، با کسر ابرائات و قبول اقساط بوسیله بستانکار، به معنای پذیرش قطعی طلب است. مطالبات مورد اختلاف، فقط پس از پذیرش قطعی آنها

در فهرست بستانکاران، قابل پرداخت است. با وجود این، هیأت تشخیص ممکن است پرداخت قسط طلب مورد اختلاف را به طور کلی و جزئی قبل از قطعیت منظور شدن آن در فهرست، اجازه دهد.

**ماده ۸۸۷:** ممکن است مال مرهون را با موافقت صاحب حق و تصویب هیأت تشخیص با مال دیگر که امتیازی معادل به طلبکار می‌دهد، جایگزین کرد.

**ماده ۸۸۸:** هر گونه تقسیم سود سهام یا پرداخت آن به سهامداران در دوره بازسازی ممنوع است.

**ماده ۸۸۹:** اگر تاجر به تعهدات مالی خود ظرف مهلت‌های مقرر در طرح عمل نکند، یک یا چند طلبکار با مجموع حداقل ۲۰٪ کل مطالبات می‌توانند، پس از اعلام سازمان بازسازی، از هیأت تشخیص اعلام شکست طرح را بخواهند. هیأت تشخیص در صورت پذیرش تقاضای فوق مکلف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به وضعیت تاجر به یکی از طرق زیر اتخاذ تصمیم کند.

۱- واگذاری کلی و یا جزئی بنگاه.

۲- اصلاح طرح بازسازی.

۳- تغییر مدیران طرح.

۴- صدور سند عدم امکان بازسازی و درخواست حکم ورشکستگی.

**ماده ۸۹۰:** واگذاری ممکن است به صورت انتقال تمام یا بخشی از اموال، دارایی و فعالیت های تاجر صورت پذیرد. منظور از فعالیت، بخش قابل تفکیک از مجموعه دارایی یا عوامل تولید است که می‌تواند جداگانه بکار گرفته شود تا کالا یا خدمت معینی را ایجاد کنند.

**ماده ۸۹۱:** اموالی که در طرح بازسازی، برای واگذاری یا ادامه فعالیت تعیین تکلیف نشده است، پس از تایید هیأت تشخیص باید فروخته شود.

**ماده ۸۹۲:** شرایط و نحوه واگذاری فعالیتها، با اولویت ادامه فعالیت و رعایت غبطه بستانکاران، براساس پیشنهاد تاجر و تصویب هیأت تشخیص، تعیین می‌شود.  
**تبصره:** هیأت تشخیص اولویت ادامه فعالیت را در پیشنهادها واصله بررسی و بهترین پیشنهاد را تایید می‌کند.

در صورتی که پیشنهادها، از حیث تضمین ادامه فعالیت در شرایط مساوی باشند، پیشنهادی مورد تأیید قرار می‌گیرد که در آن رعایت غبطه بیشتر بستانکاران باشد.

**ماده ۸۹۳:** در اجرای طرح مصوب هیأت تشخیص، در صورت امتناع شخص بدهکار، سازمان بازسازی می‌تواند به تنهایی اقدامات لازم از جمله امضاء کلیه اسناد رسمی انتقال اموال منقول و غیرمنقول بنگاه را، به منظور تحقق واگذاری، انجام دهد و حضور شخص بدهکار لازم نیست.

**ماده ۸۹۴:** تا زمانی که اقدامات یاد شده در ماده قبل پایان نیافته است، سازمان بازسازی می‌تواند به مسئولیت خود اداره بنگاه مورد واگذاری را به انتقال گیرنده بسپارد، مشروط بر آنکه ابتدا حداقل یک سوم ثمن معامله از طرف خریدار پرداخت شده باشد، تقسیط بقیه ثمن با رعایت مقررات ماده ۵۱ امکان پذیر است.

**ماده ۸۹۵:** با پرداخت کامل ثمن واگذاری و اجرای کامل مقررات ماده ۸۸۶ و ماده ۸۹۳، بازسازی پایان می‌پذیرد. در صورت اجرای واگذاری جزئی، مبالغ دریافتی برای اجرای طرح بازسازی در اختیار شخص بدهکار قرار می‌گیرد.

از آن تاریخ، انتقال گیرنده مالک دارایی خالص بنگاه مورد واگذاری، بدون احتساب دیون شخص بدهکار است.

**تبصره:** در موردی که واگذاری شامل انتقال ابزار، ادوات و تجهیزاتی که تاجر برای آنها تضمین سپرده است، با انتقال آنها، تضمینات مزبور نیز به عهده شخص انتقال‌گیرنده منتقل می‌شود و وی ملزم به اجرای تعهدات مربوط در سررسیدهای تعیین شده خواهد بود.

**ماده ۸۹۶:** در طرح ادامه فعالیت، نقل و انتقالات سهام یا سهم الشرکه شرکاء به استثناء مدیران در شرکتهای تجاری، طبق مقررات اساسنامه و قانون آزاد است.

**ماده ۸۹۷:** در صورت عدم پرداخت ثمن طبق شرایط مصرح در پیشنهاد مصوب، هیأت تشخیص می‌تواند، رأساً یا به درخواست سازمان بازسازی یا هر ذینفع و از جمله پیشنهاددهنده مردود، قرارداد واگذاری را باطل اعلام و با همان طرح بازسازی یا با طرحی نو به پیشنهاددهنده یا پیشنهاددهندگان جدید واگذار کند. در این خصوص هیأت ممکن است به سازمان بازسازی مأموریت جدید بدهد و حدود آنرا مشخص کند.

**ماده ۸۹۸:** تصمیم هیأت تشخیص دایر بر تصویب واگذاری کامل سبب حال شدن دیون مؤجل می‌شود و ثمن واگذاری به وسیله سازمان بازسازی میان بستانکاران با رعایت حق تقدم آنان تقسیم می‌شود. هیأت تشخیص، پس از اقدام لازم برای واگذاری، پایان عملیات انتقال و بازسازی را اعلام می‌دارد.

**ماده ۸۹۹:** در موردی که واگذاری بنگاه متضمن انتقال اموال مقیدی است، واگذاری با حفظ حقوق بستانکاران اموال با وثیقه انجام می‌شود.

**ماده ۹۰۰:** بازسازی مالی شامل تاجر حقیقی متوقف از پرداخت دینی می‌شود که پیش‌بینی شود با اعمال بازسازی می‌تواند ظرف دو سال تمام بدهی یا ظرف یکسال سه - چهارم بدهی خود را بپردازد. تاجر باید با ارسال مدارک زیر بازسازی مالی را از هیأت تشخیص درخواست کند.

۱- دفاتر تجاری.

۲- صورت ریزداری و مشخصات کامل و بهای تقریبی آنها.

۳- صورت بستانکاران و بدهکاران با مشخصات کافی و نشانی کامل و میزان طلب و بدهی هر یک از آنان.

۴- صورت و مشخصات اموالی که در وثیقه دیگران است با ذکر اسامی دارندگان وثیقه.

۵- صورت و مشخصات اموالی که در اجرای تصمیمات قضایی توقیف شده است.

۶- صورت تمامی دعاوی حقوقی و اجرایی‌های صادر له یا علیه درخواست کننده.

۷- گواهی عدم سوء پیشینه درخواست کننده از جهات ارتکاب جرایم سرقت، اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری و جرایم در حکم آن، خیانت در امانت و جرایم در حکم آن، جعل، ورشکستگی به تقلب و تقصیر، تصرف غیرقانونی و جرایم در حکم آن در اموال دولتی و جرایم در حکم آن و عمومی و محرومیت کیفری موضوع ماده ۱۰۰۵ به بعد این قانون.

۸- فهرست تعهدات و نحوه ایفای آنها.

**ماده ۹۰۱:** هیأت تشخیص در صورتی که کلیه مدارک لازم را در اختیار داشته باشد ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم درخواست با انجام بررسی لازم در خصوص حسابهای اموال، مطالبات و دیون، نسبت به مضمول بازسازی مالی تاجر و چگونگی اجرای آن تصمیم می‌گیرد. در صورت عدم امکان بازسازی مالی، هیأت تشخیص می‌تواند موضوع را برای تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجارتي ارسال کند.

**ماده ۹۰۲:** هزینه‌های مربوط به چاپ و نشر آگهی، ارجاع امر به کارشناس و سایر هزینه‌هایی که به نظر هیأت تشخیص برای اتخاذ تصمیم در باره شمول بازسازی مالی برای تاجر ضروری است، توسط تاجر پرداخت می‌شود.

**ماده ۹۰۳:** به منظور انعقاد قرارداد ارفاقی، سازمان بازسازی پس از وصول کلیه مدارک فوق بستانکاران و بدهکار متقاضی را به جلسه‌ای که وقت آن، نباید زاید بر ۲۰ روز از تاریخ نشر آگهی باشد، دعوت می‌کند.

۹- جلسه فوق با حضور عده‌ای از بستانکاران که حداقل نصف بعلاوه یک از شمار بستانکاران و دوسوم مطالبات بدون وثیقه را دارا باشند، تشکیل می‌شود. در صورتی که اخذ تصمیم در جلسه اول مقدور نباشد جلسه دیگری به فاصله ۱۰ روز از جلسه اول تعیین می‌شود و روز و ساعت آن حضوراً به شرکت کنندگان در جلسه و به وسیله مقتضی به سایر بستانکاران اعلام می‌شود. بستانکارانی که دارای وثیقه هستند حق رای ندارند، مگر آنکه از وثیقه خود صرف نظر کنند. عدم حضور اکثریت مذکور یا عدم اتخاذ تصمیم به منزله عدم امکان بازسازی مالی است. هرگاه تصمیمی در جلسه اول یا دوم اتخاذ شود، حتی اگر یکی از بستانکاران فوق با حداکثر یک چهارم مطالبات هم، مخالف باشد، صورتجلسه‌ای از آن ظرف مدت یک هفته به سازمان بازسازی برای اظهار نظر مجدد کلیه مخالفان و بستانکاران غایب اعلان می‌شود.

**ماده ۹۰۴:** بستانکاران غایب یا مخالف می‌توانند ظرف مدت یک هفته با تصمیم مزبور موافقت کنند. در صورتی که دارنده یا دارندگان بیش از یک - چهارم مطالبات مستدلاً نسبت به آن تصمیم معترض باشند، می‌توانند ظرف مدت ۳ روز از تاریخ فوق اعتراض خود را تسلیم هیأت تشخیص کنند. در صورتی که سازمان مذکور اعتراض یا اعتراضات را موجه تشخیص دهد، با صدور سند عدم امکان بازسازی موضوع را برای تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجارتي ارسال می‌کند.

**ماده ۹۰۵:** از تاریخ پذیرش درخواست بازسازی مالی تا اتخاذ تصمیم توسط هیأت تشخیص، که در هر حال نباید از سه ماه تجاوز نماید، تاجر متقاضی می‌تواند اداره امور مالی و بازرگانی خود را

فقط تحت نظر سازمان بازسازی ادامه دهد.

**ماده ۹۰۶:** هیأت تشخیص، علاوه بر مورد مذکور در ماده ۹۰۰ این قانون، در موارد زیر نیز ضمن رد درخواست بازسازی مالی، سند عدم امکان بازسازی صادر و پرونده امر را به دادگاه تجارتي جهت رسیدگی به امر ورشکستگی ارجاع می‌کند.

۱۰- در صورتی که درخواست‌کننده قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده باشد یا نسبت به آن معامله صوری انجام داده یا به وسیله اسناد صوری اموال و مطالبات و دیون خود را به میزانی که حقیقت ندارد، وانمود کرده است.

۱۱- در صورتی که بستانکاران با اکثریت مذکور در ماده ۹۰۴ پیشنهادهای راجع به بازسازی مالی را تصویب نکنند.

۱۲- هرگاه، پس از وصول گزارش سازمان بازسازی، محرز شود که درخواست‌کننده قادر به پرداخت دیون خود به نحو مقرر در ماده ۹۰۰ نیست.

۱۳- هرگاه سازمان بازسازی به علت عدم همکاری تاجر درخواست‌کننده نتواند ظرف مهلت مذکور در ماده ۹۰۱ اتخاذ تصمیم می‌کند.

**ماده ۹۰۷:** هرگاه پس از تصدیق تصمیم اکثریت مذکور در ماده ۹۰۳، دارنده یا دارندگان بیش از یک پنجم مطالبات، مدعی شوند که صورت‌حساب‌های غیرواقعی مبنای تصمیم اکثریت بستانکاران بوده است، می‌توانند از هیأت تشخیص درخواست لغو آن را بکنند. هیأت پس از رسیدگی و احراز صحت ادعا، ضمن الغای تصمیم مذکور، سند عدم امکان بازسازی صادر می‌کند. همچنین است موردی که اجرای تمام یا قسمتی از تصمیمات اکثریت معطل بماند.

**ماده ۹۰۸:** به منظور نیل به اهداف و اجرای مقررات بازسازی این قانون، هیأت مرکزی و هیأت‌های استانی تشخیص و همچنین سازمان بازسازی و دفاتر نمایندگی استانی آن به شرح مواد زیر تشکیل می‌شوند.

**ماده ۹۰۹:** ترکیب هیأت مرکزی تشخیص به قرار زیر است:

- ۱- نماینده وزیر بازرگانی به عنوان رئیس هیأت.
- ۲- قاضی شاغل در دادگستری با انتخاب رئیس دادگستری محل.
- ۳- کارشناس امور مالی با انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی.
- ۴- کارشناس روابط کار با انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی.
- ۵- کارشناس امور صنعتی با انتخاب وزیر صنایع و معادن.
- ۶- کارشناس امور بانکی با انتخاب رئیس کل بانک مرکزی.
- ۷- نماینده اتاق صنایع، معادن و بازرگانی ایران و نماینده اتاق تعاون با تصویب هیأت رئیسه اتاق‌های ذیربط که حسب موضوع و وضعیت شخص حقوقی یک نفر حق رای خواهد داشت.
- ۸- یک حقوقدان آشنا به حقوق بازسازی و ورشکستگی به انتخاب وزیر دادگستری.

**ماده ۹۱۰:** شرایط و دوره انتخاب اعضای هیأت مرکزی تشخیص به شرح زیر است:



- ۱- داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار مفید.
- ۲- داشتن حداقل مدرک لیسانس مرتبط.
- ۳- نداشتن سابقه کیفری مؤثر یا محکومیت قطعی به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب و محکومیت‌های ماده ۱۰۰۵ به بعد این قانون.
- ۴- دوره تصدی اعضای هیأت ۴ سال است و هر منتخب نمی‌تواند در بیش از یک هیأت تشخیص اعم از مرکزی و یا هیأت‌های استانی عضو باشد.

**ماده ۹۱۱:** هیأت مرکزی تشخیص ضمن اعمال نظارت بر اجرای مقررات بازسازی، دارای وظایف و اختیاراتی به شرح زیر است:

- ۱- ایجاد رویه واحد در تصمیمات و اقدامات هیأت‌های استانی تشخیص.
  - ۲- نظارت بر حسن اجرای مقررات بازسازی این قانون و مصوبات هیأت‌های استانی تشخیص.
  - ۳- نظارت بر عملکرد سازمان بازسازی در اجرای تصمیمات هیأت‌های استانی تشخیص.
  - ۴- رسیدگی به تجدید نظر خواهی از آرای هیأت‌های استانی تشخیص.
  - ۵- رسیدگی به امر بازسازی تجاری که فعالیت آنها دارای اهمیت ملی است.
- تبصره: تعیین ضوابط تشخیص اهمیت ملی برعهده این هیأت است.

**ماده ۹۱۲:** تشکیل جلسات هیأت مرکزی تشخیص و اخذ تصمیمات آن برابر مقررات زیر است.

- ۱- جلسات هیأت توسط رئیس آن و در غیاب او، توسط نایب رئیسی که با رای اکثریت اعضا انتخاب شده است، اداره می‌شود.
  - ۲- جلسه هیأت با حضور حداقل ۶ نفر از اعضا رسمیت می‌یابد.
  - ۳- تصمیمات هیأت با رای حداقل ۴ نفر از آرای حاضر در جلسه معتبر است.
- در مواردی که تصمیم هیأت تشخیص متضمن آثار قضایی است تصمیم مزبور در صورتی که متضمن نظر مثبت قاضی هیأت باشد، نافذ است. تصمیم مزبور قابل تجدید نظر در دادگاه تجارتي است.

**ماده ۹۱۳:** در هر استان حداقل یک هیأت تشخیص تشکیل می‌شود دوره فعالیت و شرایط انتخاب هیأت‌های استانی تابع قواعد مربوط به هیأت مرکزی تشخیص است.

ترکیب هیأت استانی تشخیص به قرار زیر است.

- ۱- نماینده وزارت بازرگانی به انتخاب رئیس سازمان بازرگانی استان
- ۲- قاضی شاغل در دادگستری به انتخاب رئیس دادگستری استان
- ۳- کارشناس امور مالی با انتخاب رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان
- ۴- کارشناس روابط کار با انتخاب رئیس اداره کل کار و امور اجتماعی استان
- ۵- کارشناس امور صنعتی با انتخاب رئیس سازمان صنایع و معادن استان
- ۶- کارشناس امور بانکی با انتخاب بانک مرکزی
- ۷- نماینده اتاق صنایع، معادن و بازرگانی ایران و نماینده اتاق تعاون با تصویب هیأت رئیسه

اتاق‌های ذریب‌ استان که حسب موضوع و وضعیت شخص حقوقی یک نفر حق رای خواهد داشت.

۸- ریاست هیات استانی به عهده نماینده سازمان بازرگانی استان است.

**ماده ۹۱۴:** تشکیل جلسات هیات استانی تشخیص و اخذ تصمیمات آن برابر مقررات زیر است:

۱- جلسات هیات توسط رئیس آن و در غیاب او ، توسط نایب رئیسی که با رای اکثریت اعضا انتخاب شده است اداره می‌شود.

۲- جلسه هیات استانی تشخیص با حضور حداقل ۵ نفر از اعضا رسمیت می‌یابد.

۳- تصمیمات هیات با رای ۴ نفر از آرای حاضر در جلسه معتبر است.

**ماده ۹۱۵:** علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در مواد دیگر این قانون برای هیات تشخیص تعیین شده است، هیات تشخیص استانی در حوزه استان خود دارای وظایف و اختیاراتی به شرح زیر است.

۱- اتخاذ تصمیم در خصوص شمول یا عدم شمول بازرسازی نسبت به تاجر.

۲- نظارت و هدایت بر مدیریت تاجر در دوران بازرسازی.

۳- اعلام ختم دوره بازرسازی یا قطع آن و یا ارجاع امر به دادگاه تجاری برای اتخاذ تصمیم در مورد ورشکستگی تاجر.

در صورتی که فعالیت تاجر در یک استان مستقر باشد به هیات تشخیص استان مزبور مرجع رسیدگی به امر بازرسازی می‌باشد و در صورتی که فعالیت تاجر در چند استان مستقر باشد، هیات مرکزی تشخیص مرجع رسیدگی به امر بازرسازی است.

**ماده ۹۱۶:** هیأت‌های استانی تشخیص موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به هیأت مرکزی تشخیص ارسال کنند. در صورتی که ظرف مدت بیست روز، هیات مرکزی برآن ایراد نکند قطعی است.

**ماده ۹۱۷:** سازمان بازرسازی در قالب موسسه‌ای دولتی وابسته به وزارت بازرگانی تشکیل می‌شود و تشکیلات آن اعم از ستاد مرکزی و دفاتر نمایندگی استانی براساس پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد.

**ماده ۹۱۸:** ریاست سازمان بازرسازی برعهده رئیس هیأت مرکزی تشخیص است که به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تایید هیأت وزیران با حکم وزیر بازرگانی منصوب می‌شود. ریاست دفتر نمایندگی استان نیز برعهده رئیس هیأت استانی تشخیص است که به معرفی رئیس سازمان بازرگانی استان و تایید و حکم رئیس سازمان بازرسازی منصوب می‌شود.

**ماده ۹۱۹:** سازمان بازرسازی، علاوه بر وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده در سایر مواد این قانون، دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱- نظارت بر مدیریت تاجر در چارچوب اجرای طرح بازرسازی یا بازرسازی مالی.

۲- نظارت بر اجرای طرح بازرسازی یا بازرسازی مالی تاجر.

۳- نظارت بر وصول مطالبات، واگذاری دارایی‌ها تاجر و پرداخت مطالبات بستانکاران براساس طرح بازسازی یا بازسازی مالی.

۴- تحصیل وجوه حاصل از واگذاری های جزئی و کلی و تقسیم بین بستانکاران یا اختصاص آن به سایر هزینه‌های پیش‌بینی شده در طرح با اذن هیأت تشخیص به عنوان امین اموال مطابق طرح بازسازی .

۵- اجرای وظایفی که از سوی هیأت تشخیص در اجرای بازسازی به آن محول می‌شود.

**ماده ۹۲۰:** دولت اجازه دارد براساس پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصاد و دارایی، مقررات مالی و معاملاتی و استخدامی سازمان بازسازی دفاتر نمایندگی استانی و هیات‌های تشخیص را بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و قانون استخدامی و سایر مقررات عمومی تصویب و برای اجرا ابلاغ کند

**ماده ۹۲۱:** حقوق و مزایای مجریان و مدیران تاجر در دوره بازسازی، توسط هیات تشخیص تعیین می‌شود

**ماده ۹۲۲:** منع صدور چک، موضوع مواد ۲۳۱ و ۲۳۲ مقررات چک این قانون در خصوص تاجری که با بازسازی وی موافقت شده است، با نظر هیأت تشخیص ممکن است لغو شود.

**ماده ۹۲۳:** مدیر تاجر و سازمان بازسازی در دوره بازسازی می‌توانند اعمالی را که برای اداره امور تاجر یا شرکت در حدود بازسازی لازم است انجام دهند، ولی، به رهن گذاشتن اموال، ارجاع دعاوی به داور، مصالحه و لغو یا اصلاح قراردادهای منوط به تصویب هیأت تشخیص است.

**ماده ۹۲۴:** موجد نمی‌تواند به علت عدم پرداخت اجاره بها ظرف مهلت مقرر، قرارداد اجاره را فسخ کند و یا حکم تخلیه اموال غیرمنقول محل فعالیت تاجر تحت بازسازی را درخواست کند و یا از دفترخانه یا اجرای ثبت، صدور اجراییه تخلیه و وصول اجاره بها را درخواست کند، مگر آنکه مال‌الاجاره بیش از پنج ماه از تاریخ شروع بازسازی معوق مانده باشد.

**ماده ۹۲۵:** هیأت تشخیص می‌تواند حسب مورد به تاجر یا سازمان بازسازی اجازه دهد که اموال منقول موجود در محل بنگاه را که فاسد شدنی است یا در معرض تنزل غیرمتعارف قیمت بوده و یا نگهداری آنها مستلزم صرف هزینه‌های نامتعارف باشد و فروش آن اموال به اجرای فعالیت اقتصادی تعیین شده در بازسازی لطمه وارد نمی‌کند و شخص حقوقی را زیر سؤال نمی‌برد را به فروش رساند.

**ماده ۹۲۶:** شروط ضمن عقدی که تجزیه قرارداد را موجب بطلان آن بدانند و نیز شروطی که در صورت شروع بازسازی امکان فسخ یا ابطال معامله را پیش‌بینی کند، باطل است، قراردادهای کار مشمول مقررات این ماده نیست.

**ماده ۹۲۷:** دیونی که پس از شروع بازسازی برای ادامه فعالیت بنگاه بر عهده تاجر ایجاد می‌شوند در سررسید قابل تادیه است. در صورت واگذاری کامل یا حصول ورشکستگی، یا دینی که در

دوران ادامه فعالیت به هنگام اجل پرداخت نشده است نسبت به سایر مطالبات در تقدم قرار می‌گیرد.

**ماده ۹۲۸:** در دوران بازسازی ترتیب اولویت پرداخت انواع دیون تاجر به شرح زیر است:

الف) دیون مربوط به دوران بازسازی.

ب) دیون مربوط به قبل از دوران بازسازی (با رعایت ترتیبات مقرر در طرح بازسازی).

اولویت در دوران هر یک از بندهای الف و ب نیز به شرح زیر است:

۱- مطالبات کارگری.

۲- مطالبات تامین اجتماعی.

۳- اقساط وام‌های اعطایی بانکها و موسسات اعتباری.

۴- سایر دیون.

**ماده ۹۲۹:** بعد از اعلان شروع بازسازی، هر بستانکار که منشاء طلب او پیش از تاریخ تحریر این

تصمیم باشد طلب خود را متعاقب انتشار آگهی ماده بعدی به سازمان بازسازی اعلام می‌کند.

**ماده ۹۳۰:** سازمان بازسازی مکلف است پس از تصویب شروع بازسازی حداکثر ظرف یک هفته

موضوع را در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار آگهی منتشر و نکات زیر را در آن قید کند.

۱- تاجر تحت بازسازی، اقامتگاه قانونی و تاریخ شروع بازسازی.

۲- لزوم مراجعه بستانکاران و سایر کسانی که ادعایی دارند به سازمان بازسازی ظرف یک

ماه به همراه ارایه اسناد دیون حال شده اعم از وثیقه‌دار و بدون وثیقه. سازمان بازسازی

می‌تواند این مدت را برای کسانی که در خارج اقامت دارند، یک ماه تمدید کند.

۳- لزوم معرفی بدهکاران دیون حال شده به سازمان بازسازی.

متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل ۲۵٪ دین، در دادگاه صالح به نفع تاجر

مشمول بازسازی محکوم می‌شوند به‌علاوه، دادگاه می‌تواند در صورت احراز سوء نیت،

تاجر متخلف را به حبس تادیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم کند.

۴- لزوم معرفی اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر تحت بازسازی در اختیار آنها قرار دارد،

و بنا بر رد آن اموال بوده است به سازمان بازسازی.

اشخاص مذکور باید ظرف همان مدت سازمان بازسازی را در جریان امر قرار بدهند. تا در نخستین

فرصت ممکن، به مورد رسیدگی و تعیین تکلیف شود. در غیر این صورت به همان مجازات‌های بند

قبل محکوم می‌شوند.

آگهی موضوع این ماده در روزنامه دو بار به فاصله ده روز منتشر می‌شود

**تبصره:** بستانکاری که دعوی او علیه بدهکار در جریان رسیدگی است نیز مکلف به اعلام طلب

می‌باشد.

**ماده ۹۳۱:** پس از انقضای موعد مقرر برای ارایه اسناد، سازمان بازسازی با جلب نظر تاجر به

مطالبات، رسیدگی و آنها را تصدیق یا رد می‌کند.

سازمان بازسازی در صورت لزوم می‌تواند دفاتر تجارتي بستانکار را ملاحظه کند.

**ماده ۹۳۲:** سازمان بازسازی مکلف است پس از انقضای موعد ارایه اسناد موضوع ماده ۹۳۰ حداکثر ظرف ۱۵ روز فهرستی از طلبکاران را بدون در نظر گرفتن امتیاز طلب‌هایی که وثیقه دارند تهیه کند سپس از طریق آگهی در روزنامه شرکت به اطلاع بستانکاران و کسانی که ادعای حقی نسبت به بدهکار دارند، برساند. همچنین قید بستانکارانی که ادعای آنها مردود شناخته می‌شود، به همراه درج علت آن، در فهرست مذکور ضروری است.

**ماده ۹۳۳:** شخصی که نسبت به فهرست مذکور اعتراضی داشته باشد، می‌تواند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی ماده قبل به دادگاه صالح مراجعه کند.

**ماده ۹۳۴:** اسنادی که در ارایه آنها تاخیر شده است، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد، تا قبل از تصویب طرح بازسازی توسط هیات تشخیص، پذیرفته می‌شود و اگر هزینه‌ای بر اثر این تاخیر پیش آمده باشد بر عهده مدعی طلب است.

**ماده ۹۳۵:** صورت قطعی مطالبات به انضمام اظهارنظر در نحوه پرداخت آنها بلافاصله به وسیله تاجر بدهکار، ماخذ قرار خواهد گرفت.

**ماده ۹۳۶:** در مواردی که تصمیم هیأت تشخیص مستلزم تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام یا شرکا باشد، هیأت مدیره یا مدیر شخص حقوقی موظف به تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. در صورتی که به هر دلیل هیأت مدیره یا مدیر شخص حقوقی به تشکیل مجمع اقدام نکند، سازمان بازسازی می‌تواند نسبت به تشکیل مجمع اقدام کند.

**ماده ۹۳۷:** هیأت تشخیص می‌تواند در خصوص اعطای مهلت برای پرداخت بدهی مالیات یا بدهی به تامین اجتماعی حداکثر تا سقف دوره بازسازی اقدام کند.

---

## فصل دوم: ورشکستگی

---

**ماده ۹۳۸:** اجرای حکم ورشکستگی و امر تصفیه تاجر بر عهده سازمان تصفیه امور ورشکستگی است. سازمان تصفیه امور ورشکستگی شخصی حقیقی یا حقوقی را به عنوان مدیر تصفیه برای انجام این امر تعیین می‌کند.

**ماده ۹۳۹:** حکم ورشکستگی فقط به وسیله دادگاه تجارتي و در پی صدور سند عدم امکان بازسازی از طرف هیات تشخیص صادر می‌شود و به طور موقت به اجرا در می‌آید.

**ماده ۹۴۰:** در صورت عدم کفایت پرداخت دیون از محل فروش اموال تاجر، مدیر تصفیه در حد نیاز به طرح دعاوی برای ابطال معاملات ضرری و وصول مطالبات و استرداد امانات ورشکسته نزد اشخاص اقدام می‌کند.

**ماده ۹۴۱:** معامله‌ای ضرری است که به موجب آن بدهی تاجر بر دارایی او فزونی گیرد به طوری

که بستانکاران بی وثیقه نتوانند از محل اموال موجود به تمام طلب‌های خود دست یابند.

**ماده ۹۴۲:** از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید شود، ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی شخص ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تادیه دیون او باشد، سازمان تصفیه امور ورشکستگی قائم مقام قانونی ورشکسته است و حق دارد به این عنوان از اختیارات و حقوق ورشکسته استفاده کند. **تبصره ۱:** از تاریخ ارجاع پرونده تاجر از سوی هیات تشخیص به دادگاه تجارتي تا صدور حکم راجع به ورشکستگی، مداخله تاجر در اموال خود تنها در چارچوب تعیین شده توسط هیات تشخیص و با نظارت و تایید سازمان بازسازی مجاز است.

**تبصره ۲:** پیش از صدور حکم ورشکستگی برای تاجری که مشمول بازسازی نباشد دخالت در اموال در حدود مقررات آزاد است. و اگر تاجر مشمول بازسازی باشد، نظارت سازمان بازسازی تا روز صدور حکم و دخالت سازمان تصفیه امور ورشکستگی استمرار می‌یابد.

**ماده ۹۴۳:** از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دعاوی راجع به اموال منقول و غیرمنقول و همچنین اقدامات اجرایی و تامینی علیه ورشکسته به طرفیت سازمان تصفیه امور ورشکستگی اقامه یا تعقیب می‌شود و مدیر تصفیه به نیابت از سازمان مذکور انجام این امر را به عهده خواهد داشت.

**ماده ۹۴۴:** تمام اموال و حقوقی که از تاریخ توقف و به موجب قرار دادگاه به سود طلبکاران تامین شده است، برای اجرای احکام تصفیه در اختیار سازمان تصفیه امور ورشکستگی قرار خواهد گرفت و هیچ امتیازی برای بستانکاران ایجاد نمی‌کند، مگر در صورت وثیقه‌های عینی اصل طلب.

**ماده ۹۴۵:** از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دیون مؤجل ورشکسته با رعایت تخفیفات مقتضی به دیون حال تبدیل می‌شود و خسارت تاخیر نیز به دیون تعلق نمی‌گیرد.

**ماده ۹۴۶:** اگر تاجر مدیر شخص حقوقی ورشکسته به مفاد ماده ۸۳۶ عمل نکرده باشد، و ورشکستگی ناشی از عدم این اعلام باشد دادگاه تجارتي در حکم ورشکستگی، وی را علاوه بر جبران خسارت وارده، به محرومیت از مدیریت شرکت تجارتي به مدت ۵ سال محکوم خواهد کرد.

**ماده ۹۴۷:** در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی، اموال شخصی شرکاء ضامن به ضمیمه اموال شرکت مهر و موم نمی‌شود، مگر آنکه دادگاه تجارتي حکم کرده باشد.

**ماده ۹۴۸:** حکم دادگاه تجارتي راجع به ورشکستگی قابل تجدیدنظر است. تجدیدنظرخواهی از طرف اصحاب دعوا باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قانونی و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند باید ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند باید ظرف دو ماه از تاریخ آگهی حکم، انجام شود.

**تبصره:** دادگاه تجارتي باید ظرف ده روز پس از صدور حکم، مراتب را در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت و برای تجار حقیقی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی کند.

**ماده ۹۴۹:** علاوه بر جهات موضوع مقررات آیین دادرسی مدنی سایر جهات درخواست تجدید نظر در مقررات بازسازی و ورشکستگی به قرار زیر است:

۱- ادعای صدور سند عدم امکان بازسازی بدون رعایت مقررات بازسازی

۲- ادعای سقوط مطالبات تمامی بستانکاران.

**ماده ۹۵۰:** در اجرای وظایف قانونی این بخش، سازمان تصفیه امور ورشکستگی، با استفاده از امکانات، اموال و دارایی‌ها و کارکنان اداره تصفیه امور ورشکستگی به صورت موسسه دولتی زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. رئیس سازمان مزبور با حکم رئیس قوه قضاییه منصوب و دارای رتبه قضایی است.

تشکیلات تفصیلی این سازمان با پیشنهاد وزارت دادگستری و تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

**ماده ۹۵۱:** سازمان تصفیه امور ورشکستگی در تهران مستقر می‌شود و می‌تواند در مرکز هر استان با توجه به حجم کار و ضرورت امر نسبت به تاسیس واحد استانی اقدام کند. احکام ورشکستگی به سازمان تصفیه امور ورشکستگی ابلاغ می‌شود. در صورتی که در استان واحد استانی وجود داشته باشد، حکم به واحد استانی ابلاغ می‌شود.

**ماده ۹۵۲:** حق الزحمه مدیران تصفیه، و سایر هزینه‌های تصفیه ورشکستگی از محل وجوه حاصل از فروش اموال و یا مطالبات تاجر تامین می‌شود.

**ماده ۹۵۳:** موارد رد رئیس و کارکنان سازمان تصفیه امور ورشکستگی و واحدهای استانی آن و مدیران تصفیه همان است که در رد دادرسان در قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است. در صورتی که کارکنان و یا مدیران تصفیه ایراد را موجه بدانند، رئیس، کارکنان یا مدیران دیگری را برای انجام این کار تعیین می‌کند و چنانچه کارکنان یا مدیران ایراد را رد کنند قبول یا رد ایراد با نظر رئیس است.

**ماده ۹۵۴:** موارد رد مدیر تصفیه، برای مدیران اشخاص حقوقی که به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می‌شوند، نیز جاری می‌باشد. همچنین اشخاص حقوقی که شرکت تابعه، وابسته یا مادر، یا شریک بستانکاران یا تاجر ورشکسته وی می‌باشند نیز نمی‌توانند مدیر تصفیه تاجر مزبور باشند. همچنین بستانکاران تاجر ورشکسته نیز نمی‌توانند به عنوان مدیر تصفیه انتخاب شوند.

**ماده ۹۵۵:** در صورتی که رئیس سازمان تصفیه امور ورشکستگی مشمول موارد رد شود، دادگاه تجاری که حکم ورشکستگی را صادر کرده، فرد واجد شرایط دیگری از سازمان تصفیه امور ورشکستگی را برای انجام وظایف وی در رابطه با تصفیه ورشکستگی مورد نظر تعیین می‌کند.

**ماده ۹۵۶:** هر گاه مدیر تصفیه و رییس و کارکنان سازمان تصفیه یا اقارب آنها تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارایی ورشکسته به نفع خود، طرف معامله واقع شوند آن معامله ممنوع و باطل است.

همچنین اگر مدیر تصفیه (شخص حقیقی و حقوقی) شریک یا مدیر اشخاص حقوقی دیگری باشد، و اشخاص حقوقی مزبور طرف معامله واقع شوند، معامله باطل است. حکم فوق نسبت به شخص حقوقی مدیر تصفیه، شرکت‌های مادر، تابعه و وابسته آن و همچنین مدیران اشخاص حقوقی مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه دوم نیز جاری است.

**ماده ۹۵۷:** مرجع رسیدگی اعتراض به اقدامات سازمان تصفیه امور ورشکستگی و مدیر تصفیه دادگاه تجارتي است که حکم ورشکستگی را صادر کرده است. اعتراض جریان کار را توقیف نمی‌کند. مگر در مواردی که عمل متضمن وجود زیان باشد، که در این صورت، دادگاه مکلف است فوری و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند.

**ماده ۹۵۸:** مدیر تصفیه مکلف است تمامی مستندات مربوط به امر تصفیه را به نحو مضبوطی نگهداری کند.

**ماده ۹۵۹:** دادگاه تجارتي مکلف است نسخه‌ای از حکم ورشکستگی را بلافاصله پس از صدور حکم به سازمان تصفیه امور ورشکستگی و اداره ثبت ارسال کند سپس با درخواست سازمان تصفیه امور ورشکستگی، اطلاعات و مندرجات پرونده را در اختیار آن سازمان قرار دهد.

**ماده ۹۶۰:** در صورتی که اموال ورشکسته در حوزه قضایی دیگری واقع باشد و دخالت در آن اموال نیازمند اجازه قضایی باشد، مدیر تصفیه با اخذ نیابت قضایی از مرجع قضایی صادرکننده حکم ورشکستگی برای مرجع قضایی محل وقوع اموال، در خصوص مورد اقدام مقتضی به عمل می‌آورد.

**ماده ۹۶۱:** سازمان تصفیه امور ورشکستگی می‌تواند از گمرگ جمهوری اسلامی ایران و شرکت پست جمهوری اسلامی ایران بخواهد که در مدت تصفیه، تمامی برگها و بسته‌هایی که به عنوان شخص حقوقی یا حقیقی ورشکسته ارسال می‌شود را برای آن سازمان بفرستد، سازمان مزبور می‌تواند به مدیر تصفیه نیابت بدهد. در این صورت مدیر تصفیه مکلف است هنگام باز کردن پاکتها و بسته‌ها از تاجر ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته دعوت به عمل آورد.

**ماده ۹۶۲:** ورشکسته و مدیران اشخاص حقوقی ورشکسته و، در صورت فوت شخص ورشکسته، وارثان او و تمام اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف دارند، مکلفند تمام اموال، اسناد، مدارک و دفاتر مالی ورشکسته را بیدرنگ به سازمان تصفیه امور ورشکستگی معرفی کنند و در اختیار آن سازمان بگذارند. اشخاص مذکور، به غیر از شخص ورشکسته، در صورت تخلف علاوه بر جبران خسارت اموال تلف شده به دو برابر میزان خسارت محکوم می‌شوند. همچنین، در صورت تخلف شخص ورشکسته، وی به محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجارتي به مدت ۵ سال پس از اعاده ورشکستگی محکوم می‌شود.

سازمان تصفیه امور ورشکستگی، ضمن هشدار لازم اشخاص مجازاتی را که برای خودداری آنها معین شده تذکر می‌دهد.



**ماده ۹۶۳:** مدیر تصفیه مکلف است با حضور عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی، تا زمانی که صورت اموال و دارایی‌های تاجر ورشکسته از جمله انبارها، مغازه‌ها، کالا و کارخانجات و ... برداشته نشده است، اقدام به بستن و مهر و موم آنها بکند.

**تبصره ۱:** چنانچه هنگام صدور حکم ورشکستگی، محصول نیمه ساخته در جریان تولید باشد و مهر و موم موجب ناتمام ماندن تولید و اتلاف منابع به کار رفته و خسارت بستانکاران شود، مهر و موم آن بخش از اموال که برای تکمیل تولید ضرورت دارد تا تکمیل تولید به طور موقت به تعویق می‌افتد.

**تبصره ۲:** مدیر تصفیه می‌تواند هنگام مهر و موم، در صورتی که کالا فاسد شدنی باشد یا تاریخ مصرف آن بگذرد، کالا را بفروش برساند.

**ماده ۹۶۴:** مستثنیات دین در اختیار ورشکسته گذارده می‌شود ولی در صورت اموال قید می‌گردد. مستثنیات دین همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.

**ماده ۹۶۵:** اموالی که متعلق به اشخاص ثالث است یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهار حقی می‌کنند، در صورت اموال قید شده و مراتب در آن ذکر می‌شود.

**ماده ۹۶۶:** مدیر تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیرمنقول ورشکسته که مستند به سند رسمی است، تعیین و ضمن صورت اموال قید کند.

**ماده ۹۶۷:** فهرستی که به این ترتیب تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او پرسیده می‌شود که آن را صحیح و کامل می‌داند یا خیر. پاسخ ورشکسته در فهرست قید می‌شود به امضای او می‌رسد، همین ترتیب در خصوص مدیر یا مدیران شخص حقوقی ورشکسته باید رعایت شود.

**ماده ۹۶۸:** تاجر یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته مکلف است با مدیر تصفیه در امر تصفیه همکاری کند و در صورت اقتضاء مدیر تصفیه می‌تواند اقدام به احضار او کند و چنانچه جلب یا توقیف یا ممانعت از خروج او از حوزه قضایی یا از کشور لازم باشد، می‌تواند قرار لازم را از دادگاه تجارتي خواهد.

قرار توقیف حداکثر یک ماه است و ادامه توقیف ورشکسته منوط به درخواست مدیر تصفیه و به حکم دادگاه به عمل می‌آید. رفع اثر از موارد فوق، به تقاضای مدیر تصفیه و حکم دادگاه به عمل می‌آید. ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته نیز می‌تواند از ادامه محدودیت‌های خود هر ماه یکبار به دادگاه صادرکننده قرار توقیف، شکایت کند و رفع آن را بخواهد.

مدیر تصفیه، با تایید عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی، باید نفقه تاجر ورشکسته افراد تحت تکفل او را از اموال ورشکسته بپردازد.

**ماده ۹۶۹:** هرگاه مدیر تصفیه تشخیص بدهد که تاجر ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین ندارد یا شخص حقوقی ورشکسته فاقد اموال باشد، مراتب را به منظور یک نوبت آگهی در روزنامه‌ای کثیرالانتشار، به سازمان تصفیه امور ورشکستگی اعلام می‌کند. اگر بستانکاران یا بعضی از آنان

درخواست اجراء مقررات ورشکستگی را ظرف ده روز نکنند و هزینه آن را نپردازند جریان ورشکستگی پایان می‌پذیرد. در این مورد هزینه آگهی از محل اعتبار سازمان تصفیه امور ورشکستگی تأمین خواهد شد.

**ماده ۹۷۰:** اگر به تشخیص مدیر تصفیه، حاصل فروش اموالی که فهرست آنها برداشته شده برای پرداخت هزینه تصفیه به روش عادی کافی نباشد، مدیر تصفیه اقدام به تصفیه اختصاری به ترتیب زیر می‌کند، مگر اینکه بستانکاری درخواست کند که کار طبق مقررات تصفیه عادی جریان پیدا کند و هزینه آن را قبلاً بدهد.

در مورد تصفیه اختصاری، سازمان تصفیه امور ورشکستگی آگهی می‌کند که ظرف سی‌روز هر کس هرگونه ادعایی دارد بکند سپس به ترتیبی که منافع بستانکاران اقتضاء می‌کند، بدون رعایت تشریفات قانونی، اموال را می‌فروشد و حاصل فروش را بین آنان تقسیم می‌کند و ختم عمل تصفیه را اعلام می‌دارد.

**ماده ۹۷۱:** با صدور حکم ورشکستگی توسط دادگاه تجارتي، مدیر تصفیه مکلف است مراتب زیر را علاوه بر روزنامه رسمی، حسب مورد برای اشخاص حقوقی دو بار در روزنامه شرکت و برای تاجر حقیقی دو بار در روزنامه کثیرالانتشار آگهی کند. فاصله زمانی بین دو آگهی باید ده روز باشد و نسخه‌ای از آن برای بستانکاران ارسال شود. آگهی باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- ۱- مشخصات و اقامتگاه ورشکسته و تاریخ حکم ورشکستگی.
  - ۲- اخطار به بستانکاران و مدعیان براین که، ادعای خود را ظرف دوماه از تاریخ درج دومین آگهی در روزنامه شرکت یا روزنامه کثیرالانتشار به مدیر تصفیه اعلام کنند و اسناد خود (اصل یا رونوشت گواهی شده) را به مدیر تصفیه تسلیم دارند. مدیر تصفیه می‌تواند این مدت را برای کسانی که در خارج از کشور اقامت دارند، به مدت یک ماه دیگر تمدید کند.
  - ۳- اخطار به متعهدان و بدهکاران به ورشکسته پس از تاریخ اجرای طرح بازسازی که در ظرف مدت مذکور بدهی یا تعهد خود را اعلام کنند. متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل ۲۵٪ ارزش تعهد یا دین محکوم خواهند شد.
  - ۴- اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال تاجر ورشکسته در نزد آنهاست که آن اموال را در ظرف مدت فوق‌الذکر در اختیار مدیر تصفیه بگذارند، وگرنه هرحق که نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد.
  - ۵- تعیین تاریخ و دعوت برای اولین جلسه بستانکاران که حداقل ۲۰ روز و حداکثر ۳۰ روز پس از درج اولین آگهی تشکیل خواهد شد.
- تبصره:** تکالیفی که در اجرای آنها تاخیر شده، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد، در اسرع وقت و در دوران تصفیه ورشکستگی باید انجام شود.

**ماده ۹۷۲:** اولین جلسه بستانکاران به ریاست مدیر تصفیه و با حضور عضو ناظر سازمان تصفیه،

به منظور ارایه گزارش راجع به صورت اموال و سایر امور مربوط به شخص ورشکسته، تشکیل می‌شود

**ماده ۹۷۳:** مدیر تصفیه نسبت به اموالی که نسبت به آن ادعایی وجود دارد تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند و اگر آنها را محق بداند مبادرت به تسلیم آن می‌کند، وگرنه بیست روز به ایشان مهلت می‌دهد که در دادگاه تجارتي اقامه دعوا کنند. کسی که ظرف بیست روز به دادگاه رجوع نکند دیگر دعوی او در جریان تصفیه و به منظور شرکت در آن شنیده نمی‌شود.

**ماده ۹۷۴:** مدیر تصفیه با حضور عضو ناظر نسبت به اشیایی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است برابر مقررات مواد ۹۶۸ به بعد این قانون راجع به استرداد اموال و همچنین مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز بدون تشریفات دادرسی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجارتي است.

**ماده ۹۷۵:** پس از انقضای موعده مقرر برای ارایه اسناد، مدیر تصفیه نظر ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته را در صورتی که در دسترس او باشد، کسب خواهد کرد و نسبت به تصدیق یا رد آن اقدام می‌کند. مدیر تصفیه مکلف به پذیرش آن اظهارات نیست.

**ماده ۹۷۶:** در صورتی که مدیر تصفیه برای رسیدگی نیاز به دفاتر بستانکار داشته باشد، بستانکار مکلف به ابراز دفاتر است.

**ماده ۹۷۷:** مطالباتی که به موجب سند رسمی وثیقه دارد باید در صورت طلب طبقه‌بندی شده بستانکاران منظور شود هر چند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

**ماده ۹۷۸:** پس از انقضای موعده ابراز اسناد، مدیر تصفیه ظرف مدت ۲۰ روز به طلب‌های ادا شده رسیدگی می‌کند و به تهیه صورت طبقه‌بندی شده بستانکاران، با قید حق رهن یا حق رجحان مبادرت می‌ورزد. بستانکارانی که مردود شده‌اند نیز با ذکر دلیل رد، ضمن این صورت قید می‌شوند.

**ماده ۹۷۹:** مدیر تصفیه موظف است تنظیم صورت و نحوه رسیدگی به آن را از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران و مدعیان حق برساند و امکان دسترسی به آن را فراهم سازد و ظرف یک ماه به بستانکاران و مدعیان حق ابلاغ کند

**ماده ۹۸۰:** هر کس نسبت به صورت تنظیم شده توسط مدیر تصفیه اعتراض داشته باشد پس از ابلاغ دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی، حق اقامه دعوا دارد.

اگر معترض ادعا کند که طلب او بی مورد رد شده یا کسر گردیده یا حق رهن یا رجحان او منظور نشده است، دعوا بر مدیر تصفیه اقامه می‌شود و اگر طلب یا حق شخصی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوا مشترکاً بر آن شخص و مدیر تصفیه اقامه خواهد شد و در صورتی که دعوا به نتیجه برسد و حکم به رد طلبی صادر شود، سهمی که به آن تخصیص داده شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص می‌یابد و بقیه بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد شد.

**ماده ۹۸۱:** اسنادی که در ارایه آنها تاخیر شده است، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تاخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است. اگر مدیر تصفیه سندی را که ابراز شده بپذیرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌کند و سایر بستانکاران را نیز به وسیله آگهی مطلع می‌سازد.

**ماده ۹۸۲:** مدیر تصفیه مکلف است پس از رسیدگی به مطالبات، از بستانکارانی که تمام یا بخشی از طلب آنها قبول شده است و نیز از شخص ورشکسته، برای تشکیل جلسه‌ای دعوت به عمل آورد و گزارش کاملی نسبت به وضع دارایی و مطالبات شخص ورشکسته بدهد و نظر تاجر یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته و بستانکاران را برای حسن اجرای امر تصفیه استماع و در صورت مجلس ذکر کند، ولی جز در مورد صلح و صرفنظر کردن از دعاوی، تصمیم با خود مدیر تصفیه است.

**ماده ۹۸۳:** اموال تاجر ورشکسته منحصرًا از طریق مزایده فروخته می‌شود در موارد زیر ممکن است به طریقی غیر از مزایده، اقدام به فروش اموال کرد.

۱- اگر بستانکارانی که حداقل نصف بعلاوه یک از شمار بستانکاران و دارندگان دوسوم مطالبات تشخیص و تصدیق شده هستند، به ترتیب دیگری رضایت بدهند.

۲- وقتی که مال در بورس یا در بازار قیمت معینی دارد. ولی، اموال مورد وثیقه را نمی‌توان به طریق غیر مزایده فروخت و در هر حال رضایت بستانکارانی که نسبت به آنها دارای حق وثیقه هستند، باید جلب شود.

**تبصره:** خرید اموال تاجر ورشکسته خارج از مزایده توسط هریک از بستانکاران، تنها پس از تایید مدیر تصفیه و نماینده سازمان تصفیه امور ورشکستگی قابل تنفیذ است.

**ماده ۹۸۴:** نحوه مزایده اموال جز در مواردی که در این قانون به نحو دیگری مقرر شده است تابع قانون اجرای احکام مدنی است.

**ماده ۹۸۵:** بستانکارانی که حداقل دو سوم از شمار بستانکاران و سه چهارم مطالبات را دارا باشند، می‌توانند از دعاوی صرفنظر کند.

هر بستانکاری می‌تواند درخواست کند که آن دعوا به او واگذار شود. در این مورد عواید حاصل فروش مالی که از این راه به دست می‌آید در حدود طلبی که دارد به درخواست کننده تعلق گرفته و مازاد آن به سایر بستانکاران متعلق خواهد بود.

**ماده ۹۸۶:** وقتی پول حاصل از فروش یا وصول مطالبات در دسترس مدیر تصفیه قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی شد، مدیر تصفیه صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی تنظیم خواهد کرد، سپس با لحاظ هزینه‌های قانونی مربوط به امر تصفیه، صورت تقسیم و حساب نهایی را تهیه و ظرف مدت ۱۰ روز در اختیار بستانکاران قرار می‌دهد و مراتب را به اطلاع آنها می‌رساند. همچنین، مدیر تصفیه باید خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم طلب هر یک از بستانکاران را برای آنها ارسال کند.

**ماده ۹۸۷:** پس از پایان مدت ده روز، مدیر تصفیه مبادرت به پرداخت سهم طلب هریک از بستانکاران می‌کند. بستانکاری که کاملاً به حق خود می‌رسد باید سند طلب خود را به مدیر تصفیه تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخت شود، مراتب در سند قید می‌شود. در مورد فروش اموال غیرمنقول، اقدامات لازم در دفتر ثبت اسناد و املاک از طرف مدیر تصفیه به عمل می‌آید. اگر طلبی معلق باشد یا به اقساط باید تادیه شود، سهم ویژه آن در صندوق دادگستری گذاشته می‌شود. پس از پرداخت سهمیه‌ها، مدیر تصفیه به هریک از بستانکارانی که تمام حقوق آنها تادیه نشده است، سند عدم کفایت داری می‌دهد. چنین بستانکاری فقط در مورد ملأنت تاجر ورشکسته می‌تواند به موجب این سند بقیه طلب خود را ادعا کند.

**ماده ۹۸۸:** تقسیم موقت سهم طلب پس از انقضای مدت مذکور در ماده ۹۸۵ انجام می‌شود. برای بستانکارانی که در صورت نیامده‌اند سند عدم کفایت داری صادر می‌شود.

**ماده ۹۸۹:** بستانکاران با وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار دارند. طلب‌هایی که دارای وثیقه نیستند و همچنین باقیمانده طلب‌های با وثیقه که تمام آنها از فروش وثیقه پرداخت نشده است، به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود.  
طبقه اول:

الف - اجرت خدمه، خانه در سال آخر قبل از حکم ورشکستگی.

ب - حقوق خدمتگزاران تاجر ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از حکم ورشکستگی.

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از حکم ورشکستگی.

طبقه دوم:

الف - نفقه زن مطابق ماده، ۱۲۰۶ قانون مدنی

ب - مهریه زن تا میزان ۵۰ میلیون ریال مشروط بر آنکه ازدواج حداقل پنجسال قبل از حکم ورشکستگی واقع شده باشد. مازاد مهر در زمره دیون عادی است.

طبقه سوم: سایر بستانکاران.

**ماده ۹۹۰:** مدیر تصفیه پس از تقسیم وجوه حاصل از فروش اموال و مطالبات، پایان عملیات تصفیه ورشکستگی را علاوه بر روزنامه رسمی در مورد اشخاص حقوقی در روزنامه شرکت و برای تاجر حقیقی در روزنامه کثیرالانتشار اعلام می‌کند. هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی، اموال یا طلبی متعلق به ورشکسته کشف شود مدیر تصفیه آنها را در اختیار می‌گیرد و وجوه حاصل از فروش را بی‌هیچ تشریفات تا میزان مطالبات تصدیق شده بین بستانکاران تقسیم می‌کند. نسبت به سهم طلب‌هایی که به دلیل مشکوک بودن طلب ایداع شده و بعد تصرف در آنها شده است به همین ترتیب اقدام می‌شود.

**ماده ۹۹۱:** بستانکاران به محض اعلام ختم بازسازی یا ختم تصفیه ورشکستگی تاجر خواه طلب خود را در مهلت مقرر اعلام کرده یا نکرده باشند، می‌توانند دعاوی خود را بر وی مطرح کنند.

**ماده ۹۹۲:** مدیران تصفیه موظفاند پس از پایان تصفیه مراتب را همراه با انضمام گزارش کار خود به سازمان تصفیه امور ورشکستگی اعلام و اجازهٔ اعلان و انتشار پایان عملیات تصفیه را تقاضا کنند تا بید سازمان تصفیه امور ورشکستگی به منزله مفاصا حساب مدیر تصفیه است.

**ماده ۹۹۳:** مدیر تصفیه موظف است ظرف مدت ۱۸ ماه از تاریخ ابلاغ حکم ورشکستگی به سازمان تصفیه امور ورشکستگی، تصفیه را انجام دهد، ولی، به هنگام ضرورت دادگاه تجارتي می‌تواند این مدت را تمدید کند.

**ماده ۹۹۴:** در صورت تاخیر امر تصفیه، هر ذینفع می‌تواند از سازمان تصفیه امور ورشکستگی تعویض مدیر تصفیه را درخواست کند.

**ماده ۹۹۵:** پس از صدور حکم ورشکستگی، اموال، حقوق و وجوهی که به وسیلهٔ اجرای دادگاه‌ها، ثبت و سایر ادارات و بانک‌ها، پس از تاریخ صدور سند عدم امکان بازسازی، از ورشکسته بازداشت یا برداشت شده باید به مدیر تصفیه‌ای که تعیین می‌شود تحویل شود و در اختیار او قرار گیرد.

**ماده ۹۹۶:** حداکثر پس از ۶ ماه از تصویب این قانون، نظام رتبه‌بندی و تعیین صلاحیت مدیران تصفیه با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان تصفیه امور ورشکستگی باید به تصویب هیات وزیران برسد.

**ماده ۹۹۷:** سه ماه بعد از تعیین نظام رتبه‌بندی و تعیین صلاحیت مدیران تصفیه، نظام حق‌الزحمه آنان نیز متناسب با نظام رتبه‌بندی و تعیین صلاحیت با پیشنهاد سازمان تصفیه امور ورشکستگی و تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

**ماده ۹۹۸:** مدیر تصفیه مکلف است هر سه ماه یکبار صورت وصولی‌ها از جمله عواید حاصل از فروش اموال و مطالبات تاجر ورشکسته و صورت پرداخت مطالبات بستانکاران را تهیه و به سازمان تصفیه امور ورشکستگی ارائه کند.

**ماده ۹۹۹:** در مواردی که، بنا به تشخیص سازمان تصفیه امور ورشکستگی، امکان تامین هزینه‌های تصفیه از محل وجوه حاصل از فروش اموال یا وصول مطالبات تاجر ورشکسته میسر نباشد، سازمان تصفیهٔ امور ورشکستگی مجاز به تامین آن هزینه از محل بودجه خود خواهد بود. مدیر تصفیه مکلف است معادل آن را از محل وصول مطالبات یا فروش اموال تاجر به خزانه واریز کند.

**ماده ۱۰۰۰:** مدیر تصفیه از بین اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی که دارای شرایط زیر باشند، انتخاب می‌شود:

۱- دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته‌های مالی، مدیریت، اقتصاد، حقوق

یارشته تخصصی فعالیت تاجر.

**تبصره ۱:** در صورتی که مدیری دارای ۱۵ سال سابقه مدیریت یا تجارت باشد از داشتن مدرک کارشناسی مستثنی است و حداقل تحصیلات برای وی کاردانی است.

**۲-** دارا بودن حداقل ده سال سابقه کار مفید و مرتبط برای اشخاص با مدرک کارشناسی و ۱۵ سال برای دیپلم.

**۳-** نداشتن سوء شهرت تجارتی.

**۴-** نداشتن محکومیت کیفری مؤثر.

**۵-** نداشتن محرومیت از حقوق اجتماعی.

**تبصره ۲:** در مورد اشخاص حقوقی، مدیران آن باید دارای شرایط مقرر در این ماده باشند.

**ماده ۱۰۰۱:** در مزایده اموال تاجر ورشکسته مقررات مربوط به موعد فروش، آگهی فروش، تعیین قیمت اموال، انتخاب خریدار، پرداخت بهای اموال، انتقال اموال خریدار، تنظیم صورتجلسه فروش،





امضاء اسناد تابع احکام مواد ۱۱۷ الی ۱۹۹، ماده ۱۲۲، مواد ۱۲۴ الی ۱۲۹، مواد ۱۳۴ الی ۱۴۳ و ماده ۱۴۵ قانون اجرای احکام مدنی می‌باشد.

تکالیف و اختیارات پیش‌بینی شده برای مالک، مامور اجرا و یا محکوم علیه در موارد فوق بر عهده مدیر تصفیه و تکلیف و اختیارات پیش‌بینی شده برای دادگاه برعهده سازمان تصفیه امور ورشکستگی می‌باشد.

**ماده ۱۰۰۲:** در صورتی که هریک از بستانکاران یا شخص بدهکار نسبت به نحوه انجام وظیفه مدیر تصفیه حقوقی معترض باشند، می‌توانند اعتراض خود را به سازمان تصفیه امور ورشکستگی تسلیم کنند. سازمان مزبور ظرف مدت ده روز در مورد این تقاضا رسیدگی و نسبت به ابقاء یا تعویض مدیر تصمیم خواهد گرفت. این تصمیم در مهلت ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجاری است.

---

## فصل سوم: مقررات جزایی

---

**ماده ۱۰۰۳:** مفاد این باب پس از توقف تاجر از پرداخت دین، در مورد اشخاص زیر قابل اجرا است:

- ۱\_ تاجر و افرادی که قانونا در حکم تاجر می‌باشند.
- ۲\_ مدیران شرکت‌های تجاری.
- ۳\_ اشخاص حقیقی که به عنوان عضو هیات مدیره (نماینده) شخص حقوقی دیگر در شرکت تجاری را دارند.
- ۴\_ مدیر تصفیه.
- ۵\_ عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی.
- ۶\_ بازرس شرکت تجاری.

**ماده ۱۰۰۴:** مجازاتهای موضوع این باب عبارتند از:

- ۱\_ محرومیت از حقوق اجتماعی.
- ۲\_ جزای نقدی.
- ۳\_ حبس.

**ماده ۱۰۰۵:** منظور از محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این قانون، منع محکوم از مدیریت و بازرسی شرکت‌های تجاری و اشتغال به هر نوع فعالیت تجاری است. دادگاه می‌تواند حسب مورد به محرومیت از یک یا چند موضوع در امور زیر نیز حکم دهد.

- ۱- عضویت در کمیسیون‌ها و هیات‌های حل اختلاف.
- ۲- وکالت دادگستری (کانون وکلا یا مرکز مشاوران حقوقی).
- ۳- تصدی دفاتر اسناد رسمی، ازدواج و طلاق و دفترباری.

- ۴- کارشناسی رسمی دادگستری (کانون کارشناسان یا مرکز مشاوران حقوقی).
- ۵- کارگزاری بورس اوراق بهادار.
- ۶- عضویت در کلیه انجمن‌ها، شوراها و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند.
- ۷- عضویت در هیات‌های منصفه و امناء.
- ۸- مدیریت در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و موسسات دولتی و تابع و وابسته به آنها، شهرداری‌ها، موسسات، ادارات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، اشتغال به مشاغل قضایی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی.
- ۹- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.
- ۱۰- استفاده از نشان‌ها و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری.
- ۱۱- مسئولیت دفتر خدمات گواهی الکترونیکی و دفتر ثبت گواهی الکترونیکی
- ۱۲- ثبت هر نوع شرکت تجاری که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن را داشته باشد.
- ۱۳- مشاغل حسابرسی .
- ۱۴- مدیر مسئولی روزنامه.

**ماده ۱۰۰۶:** دادگاه تجاری هر تاجر حقیقی را که پس از تاریخ توقف مرتکب یکی از اعمال زیر شده باشد به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ این قانون به مدت ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد کرد

- ۱- هرگاه تاجر به فعالیت متقلبانه بر خلاف منافع بستانکاران اقدام کند.
- ۲- از میان بردن کامل یا جزیی اسناد مالی یا عدم انعکاس معامله‌ای که ثبت آن لازم بوده است.
- ۳- پنهان کردن یا از میان بردن تمام یا بخشی از اموال یا افزایش متقلبانه دیون.
- ۴- معامله یا فعالیتی که با سوء نیت انجام پذیرد و منجر به توقف از پرداخت دین شود.

**ماده ۱۰۰۷:** دادگاه تجاری پس از توقف از پرداخت دین، مدیران شرکت و یا اشخاص دیگری که مرتکب یکی از اعمال مشروحه زیر شده باشند را به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ این قانون به مدت ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد کرد.

- ۱- انجام فعالیت تجاری در جهت منافع شخصی و به نام شخص حقوقی.
- ۲- استفاده غیرمجاز از اموال یا اعتبارات شخص حقوقی بر خلاف منافع آن و برای مقاصد خود یا شخص دیگر، هر چند خود نفع در آن نداشته باشد.

۳- مخدوش کردن، از بین بردن و پنهان کردن اسناد مالی و دفاتر تجاری که به موجب قوانین و مقررات نگهداری آنها الزامی است.

۴- پنهان کردن یا از میان بردن تمام یا بخشی از اموال شخص حقوقی یا افزایش متقلبانه دیون آن.

معامله یا فعالیتی که با سوء نیت انجام پذیرد و منجر به توقف از پرداخت دین شده است.

**ماده ۱۰۰۸:** محرومان از حقوق اجتماعی موضوع این فصل از قانون، هرگاه به اموری بپردازند که به حکم دادگاه از آن ممنوع شده‌اند، به محرومیت از حقوق اجتماعی تا دو برابر مدت پیشین و جزای نقدی از دویست میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال محکوم می‌شوند.

**ماده ۱۰۰۹:** در موضوع مواد ۱۰۰۶ الی ۱۰۰۸، دادگاه به درخواست سازمان بازسازی یا نماینده بستانکاران یا دادستان یا نماینده کارگران یا مقام مسئول سازمان تصفیه امور ورشکستگی اقدام به رسیدگی و اخذ تصمیم می‌کند.

**ماده ۱۰۱۰:** حق رای مدیران محکوم به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ در مجامع عمومی اشخاص حقوقی موضوع بازسازی به درخواست سازمان بازسازی و توسط نماینده منتخب هیات تشخیص اعمال می‌شود.

**ماده ۱۰۱۱:** دادگاه تجارتي می‌تواند با اعلام پایان امر تصفیه ورشکستگی، در صورت تادیه دیون، حکم به رفع تمام یا بخشی از ممنوعیت‌های ناشی از محرومیت از حقوق اجتماعی بدهد.

اسقاط حقوق، ممانعت‌های قانونی، عدم اهلیت احراز مشاغل دولتی انتخابی به خودی خود با انقضای مدت محرومیت مرتفع می‌شوند. همچنین اگر محکوم علیه مساعی کافی برای پرداخت بدهی‌ها داشته باشد، می‌تواند رفع بخشی از موارد اسقاط حقوق و عدم اهلیت را پیش از پایان مدت تقاضا کند.

**ماده ۱۰۱۲:** دادگاه می‌تواند اشخاصی را که به موجب مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷، به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی از صد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم کند.

**ماده ۱۰۱۳:** دادگاه تجارتي به شرکت و معاونت در جرایم موضوع این باب رسیدگی می‌کند، هرچند متهم شریک یا معاون تاجر یا مدیر شخص حقوقی تاجر نباشد. مجازات شریک، همان مجازات مجرم اصلی است و معاون به حداقل مجازات مقرر برای جرم اصلی محکوم خواهد شد.

**ماده ۱۰۱۴:** این اشخاص به مجازات حبس از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم می‌شوند.

۱- هر تاجر یا مدیر شخص حقوقی یا اشخاص دیگری که طی دوره بازسازی بر خلاف طرح بازسازی اموال تاجر را مقید کند. یا تمام یا بخشی از مطالبات مقدم بر طرح بازسازی را

بپردازند.

۲- هر تاجر یا مدیر شخص حقوقی یا شخص دیگری که بر خلاف نحوه پرداخت دیون پیش‌بینی شده در طرح بازسازی، دینی را بپردازد یا در اموال بر خلاف طرح بازسازی در دوره بازسازی مداخله کند.

۳- هر شخص که آگاهانه در دوره بازسازی با تاجر مشمول بازسازی معامله‌ای که با طرح بازسازی مغایرت داشته باشد، انجام دهد

**ماده ۱۰۱۵:** اشخاصی که با سوء نیت به نام خود یا به نام شخص دیگری در دوران بازسازی یا ورشکستگی طلب غیرواقعی اعلام کنند، به مجازات حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل صد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۱۰۱۶:** دادگاه تجارتي رسیدگی کننده باید در خصوص استرداد تمامی اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیات بستانکاران، حکم بدهد، هرچند متهم تبرئه شده باشد. دادگاه تجارتي در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید این حکم را صادر کند. صدور حکم در مورد زیان احتمالی مستلزم تقدیم دادخواست به دادگاه تجارتي است.

**ماده ۱۰۱۷:** اعضای هیات تشخیص، مدیران تصفیه، ناظر عضو سازمان ورشکستگی، بازرس شرکت، کارکنان سازمان بازسازی و کارکنان سازمان تصفیه امور ورشکستگی، در صورت ارتکاب یکی از اعمال زیر، به مجازات حبس از دو ماه تا دو سال و جزای نقدی از سی میلیون ریال تا سه و نیم میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم می‌شوند:

۱- اقدام آگاهانه علیه منافع تاجر یا بستانکاران از طریق سوء استفاده شخصی از مبالغ

موجود در اجرای وظایف محوله، یا در نظر گرفتن منافع برای خویش.

۲- سوء استفاده از اختیارات قانونی خلاف منافع تاجر یا بستانکاران.

انجام معامله مستقیم یا غیرمستقیم. دادگاه تجارتي ابطال معامله مورد نظر را نیز اعلام می‌دارد و نسبت به ضرر ناشی از آن در صورت مطالبه حکم می‌دهد.

**ماده ۱۰۱۸:** اشخاصی که پس از شروع دوران بازسازی و یا ورشکستگی در اثر تبانی به هر نحو با تاجر یا با هر شخصی موجب ضرر بستانکاران یا تاجر شده و یا منافع ویژه‌ای به نفع خود ایجاد کنند علاوه بر جبران خسارت وارده، به جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال و به محرومیت اجتماعی موضوع ماده ۱۰۰۵ این قانون نیز محکوم خواهند شد.

**ماده ۱۰۱۹:** جرائم مذکور در مواد ۱۰۰۶ تا ۱۰۱۸ پس از گذشت دو سال از پایان دوران بازسازی یا تصفیه ورشکستگی قابل شکایت نیست.

**ماده ۱۰۲۰:** دادگاه تجارتي به جرایم موضوع این باب برحسب درخواست مدیر تصفیه، هیات تشخیص، سازمان بازسازی، سازمان تصفیه امور ورشکستگی یا هریک از بستانکاران یا تعقیب دادستان دستور رسیدگی صادر می‌کند.

**ماده ۱۰۲۱:** سازمان تصفیه امور ورشکستگی می‌تواند اسناد و مدارک لازم را از سازمان بازسازی یا هر مقام رسمی و غیررسمی دیگر مطالبه کند

**ماده ۱۰۲۲:** هر حکم قطعی محکومیت، که در اجرای مقررات این باب صادر می‌شود، به خرج محکوم در روزنامه رسمی و برای شرکتها در روزنامه شرکت نیز اعلان می‌شود.

**ماده ۱۰۲۳:** سازمان بازسازی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی، مکلفند اطلاعات زیر را به صورت رایانه‌ای، روزآمد و متمرکز ثبت و ضبط کنند و به درخواست مراجع قانونی در اختیار آنها قرار دهند.

۱- اطلاعات راجع به اشخاص مشمول بازسازی و ورشکستگی.

۲- احکام صادر از دادگاهها در خصوص آن اشخاص .

۳- احکام راجع به سایر جرایم مذکور در این قانون.

**تبصره ۱:** ارائه اطلاعات مذکور به سایر اشخاص که هنگام معامله، خواستار بررسی درجه اعتبار طرف قرارداد می‌باشند، به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

**تبصره ۲:** دادگاه‌های تجارتي مکلفند یک نسخه از احکام موضوع این ماده را برای ضبط اطلاعات به سازمان‌های بازسازی و تصفیه امور ورشکستگی ارسال کنند.

**ماده ۱۰۲۴:** مسئولانی که در زمان مقرر به وظیفه خود عمل نکنند یا اطلاعات خلاف واقع ارائه کنند علاوه بر مجازات‌های اداری به حکم دادگاه به پرداخت جریمه از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهند شد.

## باب هشتم :

### مقررات تکمیلی

---

**ماده ۱۰۲۵:** نصاب‌های ریالی پیش‌بینی شده در این قانون از جمله در خصوص حداقل سرمایه برای تاسیس شرکتها و همچنین مبالغ جزاهای نقدی پیش‌بینی شده، هر ۵ سال یک بار، متناسب با نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، با پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران تجدید می‌شود.

**ماده ۱۰۲۶:** مقررات جزایی این قانون نافی مقررات جزایی پیش‌بینی شده در سایر قوانین نمی‌باشد.

**ماده ۱۰۲۷:** رسیدگی به دعاوی موضوع این قانون در صلاحیت دادگاه تجارتي است. قوه قضاییه مکلف است لایحه مربوط به آیین دادرسی مخصوص این دادگاه را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون ارایه دهد.

تا تشکیل دادگاه تجارتي، دعاوی موضوع این قانون در شعب یا شعباتی که برای رسیدگی به این دعاوی تخصیص می‌یابد، رسیدگی خواهد شد.

**ماده ۱۰۲۸:** از تاریخ تصویب این قانون، قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱، لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷، و تمامی اصلاحات و الحاقات آنها، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب سال ۱۳۱۸، آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، آیین‌نامه درآمد صندوق الف و صندوق ب مصوب سال ۱۳۱۹، نظام‌نامه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱، قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور مصوب سال ۱۳۴۳، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت سال ۱۳۷۶، قانون صدور چک و اصلاحات آن، قانون ثبت شرکت‌ها و... نسخ می‌شوند.

ضمائم